اساس جمشیدیان

تاریخ عمومی

تصنیف لاویس

ترجمهٔ کریم خان معاون نظام

طهران چاپ اول

حق طبع محفوظ

۱۳۳۱

۲۱۱۶۴

۱س

بسمه تبارک و تعالی

پس از ستایش یزدان پاک و درود بر خواجه لولاک و اوصیاء و آل او

و ثنا و سپاس شهریار تاجدار ابوالمظفر سلطان احمد شاه قاجار خلد الله

ملکه و سلطنته چنین گوید بنده جانی جمشید بن ساعد الدوله تنکابنی در این

عصر فرخنده که آفتاب معرفت از آفاق مملکت ایران تابنده و عموم ملت در طلب

علم شتابنده میباشند وزارت جلیله معارف قوانین متقنه بجهت ترتیب و دروس

مدارس مرتب و معین فرموده و تکلیف تحصیلات مشخص و معین گشته آرزوی

دیرین این بنده که سالها در خیال آن بودم تجدید شد و حصول آمال را اشارت و

نوید شنیدم عزم قدیم خویش تصمیم دادم که با بضاعت مزجاة خدمتی در سبیل

معارف تقدیم نمایم و پس از اندیشه و تأمل هیچ خدمت ابرتر از آن ندانستم که

یک دوره از کتب درسی را از برای نونهالان وطن عزیز تهیه نمایم و در این باب

از فضل و دانش جناب آقای معاون نظام استعانت جستم و با اعتمادی

که بدانش و اهتمام ایشان داشتیم بدین عمل شرف اقدام نمودم یعنی بعضی از

علوم متداوله را از قبیل حساب و هندسه و شیمی و فیزیک و غیر آن بتوسط اساتید

پرداخته بودن اند در صدد طبع و انتشار آن هستم و کلیه این دوره را اساس

جمشیدی موسوم نمودم و چون تاریخ عمومی معموله در ملل متمدنه را بسیار محل

لزوم و نسخه آن را در این مملکت نایاب و معدوم دیدم ابتدا بطبع آن شروع

نمودم و امیدوار بفضل الهی چنانم که بتکمیل این مرام موفق گشته آنچه مبت

بانجام رسانم و چنانچه عمر خود دم وفا نماید از بازماندگان خویش جای

واثق دارم که در اتمام این مشروع مقدس سعی و اهتمام فرموده معاونت

حالی و مالی را از جناب معاون نظام دریغ ننمایند

شاید یکتن از ابنای وطن از این کتب بهره مند گشته این بنده را

بدعای خیر یاد کنند و بالله التوفیق و هو الموفق

والمعین

(بسم الله الرحمن الرحیم)

تاریخ عمومی

مختصری از تاریخ قدیم و متوسط و عصر جدید

کتاب اوّل

قرون قدیمه

از ابتدای عالم تا اضمحلال امپراطوری رُم در سنه ۳۹۵ میلادی

فصل اوّل

(۱) ــ ملت مصری ــ پنج هزار سال است که اروپا مسکن آدمیانست
ولی طرز زندگانی و گذران اهل عصر قدیم با زندگانی اهل این عصر هیچ
شباهت نداشته زیرا که در آنعصر در غارها سکنی داشتند یا در خانه هائی
که از نی و گل میساختند حیوانات را شکار کرده گوشت آنها را
میخوردند و پوستشان را لباس میکردند در حقیقت مردمانی وحشی طبیعت بودند
در همان عصر و زمان کسانی که در ملک مصر ساکن بودند طریقه

بستن و شهر ساختن و زراعت کردن را میدانستند و نیز با یکدیگر
اتفاق نموده سلطنتی تشکیل داده بودند پس در واقع اشخاص شهری
طبیعت بودند یعنی متمدن

سئوالات

در اروپا پنج هزار سال پیش که مسکن داشت — اهالی اروپا چگونه زندگانی میکردند —
در آن زمان ساکنین مصر در چه حال بوده

۲ — هوای مصر — هوای مملکت مصر بسیار گرم است و باریدگی
در آنجا بقدری کم است که میتوان گفت در مصر باران نمیبارد
آب آن ملک از شط نیل است که رودی عظیم است و آبی بسیار دارد
در ماه جوزا که برف قله کوه ها آب میشود شط نیل طغیان نموده از
الی ده متر بالا میآید و اراضی کنار شط آب فرو میگیرد و تا ماه سنبله
آن زمین ها در زیر آب پوشیده میماند
دهات و آبادیها که در بلندی واقع شده مدت سه ماه مثل جزیره ها
دریا بنظر میآید
و بعد از آنکه آب فرو رفت یک طبقه از گل و لای آب بر روی زمین
باقی مانده کوت زمین میشود و ملک را حاصلخیز نموده حاجتی بکوت

در شوره دیگر نمیشود و این معنی فایدهٔ بزرگی است که بجهت برزگرهای
مصر قهراً حاصل میشود .

سئوالات

از آب و هوای مصر حرف بزنید — اراضی مصر را چه رودخانه مشروب میکند —
در ماه جوزا در مصر چه واقع میشود — مملکت مصر در آن وقت چه حالی دارد — رود نیل بچه کار میآید

(۳) — **فراعنه** — اهالی مصر اطاعت پادشاهانی میکردند
که هر یک ملقب بفرعون بودند فرعون قصر عالی داشت و در
آن قصر بر تخت می نشست و او را پسر آفتاب میخواندند — هر کس بدربار
فرعون میرفت او را مثل خداوند ستایش میکرد و چون فرعون وفات
مینمود از برای او بقعه ساخته نذورات و خیرات از برای او
قرار میدادند

از طوایف مصری بیست و شش طایفه سلطنت یافتند پس سلاطین
مصر بیست و شش سلسله بوده که در آن مملکت حکمرانی نمودند و مدت
سلطنت آنها کلیه زیاده از دو هزار و پانصد سال بطول انجامید
مقر سلطنت دوازده سلسلهٔ اول از این سلاطین در منفیس بود

که در نزدیکی شهر قاهره واقع است و باقی در (تب) سکنی داشتند

در طرف علیای مصر است و خرابه های عمارات و مکان و آثار آنها

امروز موجب حیرت و تعجب بینندگان میباشد

سوالات

در مملکت مصر که حکمرانی میکرد — پادشاه مصر چگونه زندگانی میکرد — مردم با او بچه قسم رفتار میکردند — فراعنه مصر چند طایفه بودند — مقر سلطنت آنها کجا بوده — چه آثار از آنها باقی مانده

(۴) — **جنگ** — اسلحه قشون مصر در آنعهد نیزه و تیر و کمان بود و در وقت جنگ بر عراده ها می نشستند — نزاع و جنگ مصریها غالباً با سیاهان افریقا یا اهالی شامات بود — مصریها اسیرانی که از قشون دشمن میگرفتند با ریسمان بسته همراه میاوردند و ایشان را بساختن عمارات و ابنیه خود میگماشتند

مشهورترین سلاطین مصر یک نفر از سلسله نوزدهم است که او را (رامسس) ثانی و اروپائیان (سزستریس) مینامیدند و در هزار و چهارصد سال قبل از میلاد در آن مملکت سلطنت داشته

سؤالات

اسلحه قشون مصر در آنعهد چه بوده — پادشاهان چگونه جنگ میکردند — جنگ مصریان با چه طایفه بود — با اسیران جنگ چگونه رفتار میکردند — عقاید مصریان در باب فراعنه چه بوده — مشهورترین سلاطین مصر که و در چه تاریخ بوده است

(۵۱) **مقابر** — مصریان قدیم را عقیده این بود که روح انسان بعد از مرگ پرواز نموده روزی خواهد آمد که آن روح بقالب خود عود نماید و از این جهت اجساد اموات را محفوظ میداشتند و از برای حفظ آنها قیر را با ترتیب مخصوص به بدن مردگان مالیده با نوارها می‌پیچیدند



و انها را در سرداب ها که از سنگ بنا نموده میگذاشتند و لباسها
و تخت و میزها و جواهرات و غذاها در سرداب آنها قرار میدادند در
عصر جدید بسیاری از آن سرداب ها را کشف کرده و هنوز هم مشغول
هستند و اسباب و اجساد و سکه زیاد از آنجاها بدست میاورند

سؤالات — عقیده مصریان در باب روح انسان چه بود
با اجساد اموات خود چه میکردند

(۶) — گنبد های هرمان — گنبد معروف هرمان در نزدیک
قاهره از برای دفن اموات بنا شده و هنوز بر پاست — میان
آنها خالی است و بر یک مدفن سلاطین مصر بوده بزرگترین آنها گنبد
شصت متر ارتفاع دارد و از جمله ابنیه عظیمه عالم شمرده میشود اشخاصی
که این بناها را بر پا داشته اند آلات و لوازم بنائی مثل این عصر نداشتند
و از برای اینکه سنگهای بزرگ را بالای بنا برسانند تلی از خاک
قرار داده حدت سربالائی آنرا کم و ملایم مینمودند و سنگهای بزرگ را
از روی آن تل بالا برده بعد از اتمام بنا تل خاک را از زمین بر میداشتند
و تمام این کارها را پادشاهان بتوسط اسیران مغلوب خود انجام میدادند

سؤالات

شرح گنبدهای بیرمان را گوئید — در آنها که دفن است — ترتیب بنائی مصریان
چگونه بوده است — مصریان ابنیه خود را بتوسط که انجام میدادند

(۱۴) **صنایع مصریان** — مصریها معبدهای بزرگ بنا
نموده در جلو درب آنها و سایر عمارات ستونهای سنگی قرار میدادند
ستون معروف (لوکسور)
که در میدان (کنکورد) پاریس منصوب است از خرابه یکی از معبدهای
شهر تب آنجا حمل شده و نیز مصریان صورت جثه شیر از سنگ میساختند
و سر او را بشکل سر زن حجاری کرده در طول خیابانها در دو طرف قرار

میدادند و آنها را (سفنکس) مینامیدند — مصریها با کاو آهن زمینها را

شخم نموده زراعت و تحصیل غله میکردند در قبرهای کهنه مصریان دانه گندم

یافت شده که با گندم معمولی این زمان تفاوتی نداشته و نیز مصریان

گله های بز و گاو و قاز و خوک تربیت میکردند و پارچه کتان میبافتند

و اسبابها از نقره میساختند شیشه گری و چینی سازی میکردند

از گیاهی که در کنار نهرهای مصر میروئید قسمی از مقوا ساخته با قلم نی

روی آنها خط می نوشتند و چون آن گیاه موسوم به (پاپیروس)

بود باین مناسبت در اروپا کاغذ را پاپیه نامیدند

سؤالات

صنایع مصریان چه بوده — ستون لوکزامبورک از کجا آمده — ترتیب زراعت
مصریان را بگوئید — چه حیوانات اهلی در مصر داشته اند — خطوط خود را بر روی چه
می نوشتند

(۸) — **نوشتجات** — مصریها خطی اختراع کرده بودند معروف

به (هیروغلیف) و این خط بسیار مشکل و درهم بود از برای هر کلمه

علامتی اختراع کرده بودند که غیر از دیگری بود و بواسطه زیادی

کلمات نوشتن آن خط دشوار بود چون چندی گذشت بعضی تصرفات

در خط مزبور نمودند و آسانتر شد بعد از آن در حدود شامات جمعیتی معروف به (فینیقی) تشکیل یافت که در چند شهر سکنی داشتند معروفترین آنها را (تیر) میگفتند و این طایفه مردمانی تجارت پیشه بودند از برای دفتر تجارتی خود خطی لازم داشتند که خواندن و نوشتن آن آسان باشد پس بیست عدد از حروف مصریها را اخذ نموده مطالب خودشان را با آن حروف مینوشتند و چون حرف اول و دویم آن حروف (الفا) و (تبا) نام داشت یونانیان هم حرف اول و دویم خط خودشان را الفا و بتا نامیدند بعد از آن خطوط دیگر منشعب گشته همگی ممالک اروپا نام حروف خود را از یونانی اخذ نمودند پس تمام حروف الف بائی که در اروپا با آنها کتابت میکنند از روی خط مصریهاست که فینیقیها آن را مختصر کردند

سؤالات

تاریخ خط هیروغلیف را بیان کنید — مصریان خط خود را بر روی چه مینوشتند —
طایفهٔ فینیقی با خط مصریها چه کردند —
وجه تسمیهٔ الف و با را بگوئید —

(۹) تا صد سال قبل علمای اروپا از حال مردمان قدیم مصر چندان اطلاعی نبود در عصر شورش فرانسه قشونی از آن دولت

بسرداری ناپلیون بناپارت مصر را مسخر ساخت در سنه ۱۷۹۸ میلادی

دانشمندی چند همراه آن قشون بودند در مصر بجستجوی آثار قدیمه بر آمده

و در قبرهای قدمای مصریان آثار بسیار بدست آوردند ولی خط هیرو

غلیف که بر روی سنگها و آثار دیگر نوشته شده بود کسی نمیتوانست

بخواند تا یکنفر از معلمین فرانسه شامپولیون نام در سنه ۱۸۲۱ حروف آن

خط را شناخت و از آن زمان جمعی در صدد تکمیل علم این خط بر آمده تمام عمر

خودشان را بخواندن خط مصریها صرف میکنند و آنها را ازین جهت

(اژیپتولوک) میخوانند

سؤالات

از چه زمان شروع باکتشاف آثار قدیمه مصر شد — اوّل کسی که خط هیروگلیف را خواند که بود

آیا در صد سال قبل مصر را میشناختند — در زمان شورش فرانسه در مصر چه شد

(۱۰) — **اهمیّت مصر** — مصریها خدمتهای بزرگ بهیئت جامعه بشر

از جهت تمدن نموده اند از آنجمله اینکه پیش از تمام ملل بزراعت زمین اقدام

کردند و همچنین در بافتن پارچه و آهنگری و نویسندگی و گداختن ظروف

و تجارت بر ملتهای دیگر تقدم داشته اند و تمام اروپ این صنایع را

از آنها آموخته اند در میان ملل قدیمه مصریها از همه مشهورتر و با تربیت‌تر

مقارن همین عصر مصریان که ذکر شد ممالک بزرگ دیگر در مشرق بوده اند

زمین موجود بود مانند مملکت پارسیان و ممالک طایفه اسیری و بابلی که پایتخت

یکی نینوا و دیگری بابل بوده ولی چون آن طوایف مثل مصریها خدمتی

بهیئت انسانی نکرده اند در اینجا ذکر آنها نمیپردازیم و بعد ازین معلوم

خواهد شد که مملکت مصر اوّل بتصرّف دولت ایران درآمد و بعد مسخّر یونان گردید

سئوالات

اهمیت مصر را بیان کنید ممالک معاصر مصریان قدیم را بگوئید

چرا از ممالک معاصر مصر گفتگو نمیشود

خلاصه

اولاً — مصریان قدیم ترین مردمان متمدن عالم بوده اند از پنج هزار سال قبل شهر ساختن و زراعت کردن زمین را میدانستند

ثانیاً — اهالی مصر در سرزمین بسیار گرمی منزل داشتند و آب آن اراضی از رود نیل است که بواسطه طغیان آن اراضی مصر حاصلخیز میشود

ثالثاً — اهالی مصر اطاعت پادشاهانی که ایشانرا فرعون مینامیدند میکردند و ایشانرا مثل خدا ستایش مینمودند و بیست و شش سلسله از فراعنه در مملکت مصر سلطنت کرده اند

رابعاً — فراعنه چندین نوبت بجنگ رفتند

خامساً — مصریان اجساد مردگان خود را مومیا میکردند و در قبرهای بزرگ میگذاشتند

سادساً — سه هرمان بزرگ در مصر قبور سلاطین است

سابعاً — مصریها معبدهای بزرگ ساخته آنها را با مجسمه های سنگی زینت میدادند با عراده حرکت میکردند زراعت گندم و گله و گوسفند وغیره داشتند نساجی و حدادی میدانستند از برگ پاپیروس کاغذ ترتیب داده بر روی آن خط مینوشتند

ثامناً — خط سیرو غلیف را اختراع کرده بودند و چون آن خط بسیار مشکل بود و فینیقیها

حواشی مقدمه

الف بارا از آن خط بیرون آورده

ب — تا سنه ۱۸۲۲ میلادی تمدن مصر و احوال مصریان شناخته نشده بود

در آن سنه یک نفر فرانسوی شامپولیون نام در صدد خواندن خط هیروغلیف برآمد

و از آن زمان خوانندگان خط مصری پیدا شده

حاشیه ۱ — مصریان بواسطه آنکه تمدن را پیشتر بسیاری ملل تعلیم نمودند در عالم معروف شده



ممفی روی رود نیل مقر سلاطین ۱۲ سلسلهٔ اول بوده — تبس روی رود نیل پای تخت ثانی
مصر است — نینوا روی رود دجله پای تخت مملکت آسوری است — بابل روی فرات پایتخت
مملکت بابلیها است که سیروس پادشاه ایران تصرف کرد — بیت المقدس پای تخت
مملکت یهود است که سلاطین نینوا و بابل گرفتند (۵۸۹ قبل از مسیح) و به رومیها گرفتند
(۷۰ بعد از مسیح) سامره پای تخت اسرائیل است که سلاطین نینوا و بابل گرفتند (۷۲۱ قبل از مسیح)

فصل دویم

طایفهٔ بنی اسرائیل

(۱۱) - **بزرگان قبایل** - در میانهٔ شط فرات و کوهستان لبنان سرزمینی واقع است که هوایش بسیار گرم و زمینش ریگزار و تقریباً لم یزرع است در دو هزار سال قبل از میلاد اهالی آن ملک صحرانشین بودند و در شهری و دهی مسکن نداشتند بلکه همیشه با گاو و گوسفند و شتر خود از مکانی بمکان دیگر کوچ میکردند و مساکن آنها چادرهائی بود که از پوست حیوانات ترتیب میدادند و هرجا میرفتند با خود میبردند این اشخاص بقبایل بسیار تقسیم شده بودند و پدر هر قبیله بر زن و فرزند و اقوام و کسان و اتباع خود حکومت داشت و او را بزرگ قبیله مینامیدند

سوالات

مابین شط فرات و کوهستان لبنان که ساکن بود   بزرگان قبایل کیانند بودند

مسکن ایشان در کجا بود

(۱۲) - **قبیلهٔ بنی اسرائیل** - مشهورترین بزرگان قبایل ابراهیم بود که در فلسطین نزدیک اردن مسکن و منزل داشت اهالی قبیلهٔ ابراهیم معتقد

خداوند به ابراهیم وعده کرده است شماره اولاد او را از ستاره های آسمان بیشتر فرماید و ابراهیم در مقابل این موهبت تمام احکام الهی را اطاعت نماید

از نسل ابراهیم دو قبیله بزرگ بظهور رسید یکی قبیله عرب که اولاد اسمعیل بودند و دیگری قبیله اسرائیل که از نژاد پسر دیگر ابراهیم اسحق بودند

در عصری که یعقوب بزرگ قبیله بنی اسرائیل بود قحط و غلای شدیدی در فلسطین رخ داد و یعقوب با تمام قبیله خود بسوی مصر رهسپار گشته مدتها در آنمملکت بزیستند و عده ایشان فزونی گرفت

سؤالات

مشهورترین بزرگان قبایل که بود   شرح بنی اسرائیل را بیان کنید

در عصر یعقوب در فلسطین چه امری رخ داد و یعقوب چه کرد

(۱۳) — موسی — در مصر پادشاهی بود که طایفه بنی اسرائیل را عبد مملوک خود می پنداشت و ایشان را مجبور بساختن ابنیه و عمارات خود میگماشت تا موسی از میان بنی اسرائیل مبعوث گشته قبیله خود را برانگیخت که فراراً از مصر بیرون رفته به مسکن خودشان که وطن یعقوب بود معاودت نمایند

تی سه ۳ نفر یاران موسی از مصر هجرت نمودند و آن پیغمبر مرسل

قانونی محکم درمیان آنطایفه نهاده ایشان را بپرستش (ژاهو ا) یعنی خدای یکتا امر نمود عصر موسی زیاده از هزار و پانصد سال قبل از تولد مسیح بود.

سؤالات

پادشاه مصر با اسرائیلیان چه رفتار میکرد   حضرت موسی چه کرد
قانون موسی چه حکم کرد   در چه زمان موسی زندگی میکرد

(۱۴) — فلسطین — بنی اسرائیل بعد از بیرون آمدن از مصر چندین سال در بیابان بودند تا بالاخره بفلسطین در آمدند و با طوایفی که در آنجا سکنی گرفته بودند جنگها کرده آنها را مقتول و منهزم ساختند و خود در آنجا ساکن شدند بنی اسرائیل در آن عهد بدوازده طایفه تقسیم می شدند و هر طایفه بسبک و طریقهٔ مخصوص خود رفتار میکردند

سؤالات

بنی اسرائیل بعد از بیرون آمدن از مصر چه کردند

(۱۵) — سلاطین — ملت بنی اسرائیل خواستند پادشاهی داشته باشند که در تحت رایت او بجنگ روند و از ساموئل که از علمای بزرگ آنها بود خواهش کردند یکنفر را از برای سلطنت آنها انتخاب نماید ساموئل هم

ساول را منتخب نموده بسلطنت نشانید و روغن مقدس بر سرش ریخت و این در ۱۰۹۵ هزار و صد سال قبل از مسیح واقع شد چندی نگذشت که ساول سرکشی نموده از اطاعت ساموئل بیرون رفت و ساموئل دیگری را که داود باشد در عوض او بسلطنت انتخاب نمود و داود دشمنان بنی اسرائیل را مغلوب ساخته در بالای تپه سیون بیت المقدس را مقر سلطنت خود قرارداد

بعد از داود پسرش سلیمان بر سریر سلطنت نشست و عمارتی از چوب سدر (چوبی است با دوام از جنس کاج) از برای خود ساخته معبد بیت المقدس را در هزار سال قبل از مسیح بنا نمود

سئوالات

بنی اسرائیل چه میخواستند — از که پادشاه طلبیدند — ساموئل را که انتخاب کرد — داود چه کرد — از سلیمان و معابد بیان کنید

(۱۶) — **پیغمبران بنی اسرائیل** — بعد از سلیمان در میان طوایف بنی اسرائیل اختلاف پدید آمد و هر طایفه بچند شعبه منقسم گشتند ده طایفه که در طرف شمال مملکت بودند مملکت اسرائیل را تشکیل داده آغاز بت پرستی

نمودند و دو طایفهٔ دیگر که در طرف جنوب و اطراف بیت المقدس سکنی

داشتند در آئین خود ثابت مانده پرستش خدا را بجا میکردند و مملکت

ژوده از ایشان تشکیل یافت متدرجاً از کثرت استعمال یهود اشتهار

و بعد این دو مملکت با یکدیگر بنای خصومت و جنگ را نهادند تا بالاخره سلاطین

نینوا و بابل لشکری جرّار و خونخوار برایشان تاختند و محصولات آنها را

سوزانیده شهرها را خراب و اهالی را بقتل رسانیدند سامارِی که

پایتخت اسرائیلی بود در سنهٔ ۷۲۱ قبل از مسیح مسخر دشمن گردید و پایتخت

ژوده در سنهٔ ۵۸۹ ایضاً مسخر شد

در آن عصر بعضی اشخاص عمر خود را در بیابانها گذرانیده مشغول

عبادت پروردگار بودند و میگفتند چون طایفه یهود از عبادت پروردگار

غفلت نموده متابعت احکام الهی نکردند خداوند ایشان را بغضب خود

گرفتار فرموده است این اشخاص غالباً به بیت المقدس آمده مردم را

موعظه میکردند و میگفتند این بتان را درهم شکنید و عبادت پروردگار

پیشه خود سازید والا خداوند شما را ببلاهای بد گرفتار خواهد ساخت آن

اشخاص پیغمبران بنی اسرائیل بودند یعنی کسانیکه مردم را از عاقبت کار

آگاهی میداوند معروفین آنها (الی) و (ایزائی) و (ژرمی)
و (ازشیل) بودند و هروقت پادشاه عصر از کلمات و مواعظ آنها مطلع
میگردید بحبس و زجر ایشان اقدام نموده یا شهیدشان میساخت

سئوالات

احوالات پیغمبران بنی اسرائیل را شرح دهید — طوایف جنوبی و شمالی چه کردند —
اهالی مملکت ژوده بچه اسم معروف شدند — این دو مملکت چه کردند — براین
ممالک که حمله کرد

(۱۲) مسیح — چنانکه گفته شد بزرگان یهود را ببابل برده محبوس
داشتند و مدت هفتاد سال در آنجا محبوس بودند
مقارن آنعصر ملت پارسیان که جمعیتی اندک از اهل آسیا بودند متدرجاً
رو بترقی نهاده بر نواحی مملکت خود افزودند وسیروس پادشاه ایشان
بابل را مسخر ساخته یهودیانی که در آنجا محبوس بودند رخصت داد که به بیت
المقدس معاودت نموده در معابد خود مشغول عبادت شوند و در اینوقت
از ملت یهود بجز جمعی قلیل و فقیر باقی نمانده بود وایشان میگفتند ما محبوب خدائیم
واکنون خداوند ما را غضب فرموده باز روزی خواهد رسید که با ما بر
لطف آید و ما را در قدرت و قوت توانا تر از عهد سلیمان فرماید و نیز پیغمبران

بنی اسرائیل بآنها خبر داده بودند که یک نفر از اولاد داود بفرمان خداوند خواهد آمد و ملت یهود را ترقی خواهد داد و نام آن شخص مسیح میباشد یهودیان در انتظار آن پادشاه بودند

سؤالات

ایرانیان قدیم چه میکردند — پادشاه آنها چه کرد — یهودیان چه شدند — نسل ایشان برچه بود — پیغمبران بنی اسرائیل چه خبر داده بودند — یهودیان چه انتظار داشتند

(۱۸) — خرابی بیت المقدس — مدت پانصد سال یهودیان در انتظار خبر پیغمبران خود بودند تا حضرت عیسی ظاهر گردید ولی بعد از ظهور او پیغمبری او را اقرار نکردند و گفتند این شخص آن مسیح موعود نیست و بعد از آنکه آنحضرت به بیت المقدس آمد علمای یهود فتوی قتل او را داده بدار کشیدند و این واقعه در سنه ۳۳ بعد از تولد آنجناب بود رومی ها در آنزمان در آن حدود حکمرانی میکردند هفتاد سال بعد از تولد مسیح یهودیان بر آنها شوریدند و قشونی از روم بیت المقدس را محاصره و تسخیر نمودند و معبد آنجا را سوزانیده یهودیان را باسیری بردند و شل

عبد مملوک فروختند ازآنوقت دولت یهود بکلی منقرض گردیده یهودیان

در المان و لهستان و فرانسه و اطریش و آسیا و سایر بلاد عالم متفرق شدند

ولی بمذهب قدیم خود باقی ماندند

سؤالات

یهودیان چند مدت در انتظار وعده پیغمبران خود بودند — حضرت مسیح کی متولد شد

یهودیان با او چه کردند — حکمران زوده که بود — در ستة میلادی یهودیان چه کردند

رومیها چه کردند — چه قضایا بر سر یهود آمد — یهودیان چه شدند

(۱۹) - **اهمیت قوم بنی اسرائیل** — یهودیان جمعیتی قلیل و

مختصر بودند ولی در تاریخ عالم اهمیتی کامل دارند زیرا در زمانی که تمام مردم

بت پرست بودند آنها خدای واحد را پرستش میکردند و ابتدای مذهب

عیسوی از ایشان بوده

سؤالات

اهمیت قوم بنی اسرائیل چیست

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً - بزرگان قوم در صحرا ما بین شط فرات و لبنان منزل داشتند و با مال و عیال و مواشی خود از مکانی بمکانی حرکت میکردند

ثانیاً - از ابراهیم که رئیس قبیله بود دو طایفه پیدا آمد یکی عرب و دیگری بنی اسرائیل که بزرگ ایشان یعقوب بود

ثالثاً - طوایف بنی اسرائیل که در مصر بودند بامر موسی از آنجا خارج شدند و موسی کتابی از بهر ایشان آورده آن جماعت را امر نمود که یهوه را ستایش کنند

رابعاً یهود در فلسطین منزل گرفته دوازده قبیله ایشان در آنجا زندگانی کردند

خامساً بعد از آن در تحت رایت سلاطین جمع گشتند که بزرگترین آن سلاطین سلیمان بود

سادساً - بعد از آن یهود بدو مملکت تقسیم شدند و هر دو مملکتها توسط طایفه آسوری منقرض گردید و پیغمبرها از ایشان ظاهر شد که بنی اسرائیل را موعظه میکردند

سابعاً - یهودیان ببابل مراجعت کرده مملکت کوچکی تشکیل دادند و منتظر مسیح بودند

ثامناً - بعد از ظاهر شدن عیسی یهودیان او را تکذیب نموده بر دارش زدند و در سنه ۷۰ میلادی بتوسط رومیها متفرق گشتند

تاسعاً - اهمیت ملت یهود بسبب مذهب ایشان است

فصل سیّم

یونانیان

(۲۰)— طایفهٔ یونانی — یونان مملکتی مختصر است ولی اهالی آن بسیار باهوش و کارکن بوده‌اند در هشتصد سال قبل از مسیح هیچقدر زراعت زمین و ترتیب گوسفند را میدانستند ولی دیری نگذشت که قایق ساختن آموختند و شهرها کنده حجّاری و نقّاشی و خطاطی در میان ایشان انتشار یافت

سؤالات

یونان چه مملکتی بوده است — و یونانی‌ها چه صنعتی داشتند — اول دفعه چه چیز آموختند

(۲۱) مهاجرنشین‌های یونان — بعد از آنکه عدّهٔ یونانیان زیاد شد جمعی کثیر از آنها برای تحصیل ثروت بسرزمینهای دور دست مسافرت کردند باین ترتیب که در هر نوبت جمعی بکشتی نشسته بولایات خارج رفتند و در آنجا بنای شهر و آبادی نموده بکوچ نشین موسوم شدند (مهاجرنشین) در تمامی سواحل دریای مدیترانه کوچ نشینهای یونان سکنی گرفتند هم در سواحل آسیا و هم افریقا و هم ایطالی و فرانسه و اسپانی

و همچنین در سواحل بحر اسود حتی در شبه جزیره قدیم یونانیان ساکن شدند.
چنانکه در فرانسه شهرهای مارسیل و نیس.
و آنتیب و اگد از شهرهائی است که یونانیه حفر کرده اند

سؤالات

یونانیها برای تحصیل ثروت چه میکردند کوچ نشین های یونان کجا بودند
آیا در فرانسه از آنها بودند

(۲۲) — شهرهای یونانیان یک ملت متفق نبودند بلکه هر شهری با اراضی اطرافش متعلق به جمعیت مختصری بود و خودشان با مر حکومت اشتغال داشتند و قشون و قوه بحریه از خود تشکیل کرده بودند هر یک از این شهرها را سیته میگفتند و چندین صد از این شهرها ایجاد گشته و ایمه با یکدیگر در نزاع و قتال بودند ولی اغلب آنها باندازه یک ناحیه بیش نبودند شهر عمده ایشان یکی اسپارت و دیگری آتن بود

سؤالات

آیا یونانیها ملتی تشکیل داده بودند — ترتیب حکمرانان آنها چگونه بوده سیته چه چیز است
شهرهای بزرگ آنها کدام بود — دو شهر اصلی را بگوئید

(۲۳) ـ اسپارت اهالی اسپارت مردمانی کوهستانی و جنگی بودند
اطفال خود را از کوچکی بجنگجوئی تربیت نموده کشتی گرفتن بآنها میآموختند و جست
و خیز و مشق و اسلحه بآنها تعلیم میدادند و غذا ایشان را کم داده بر روی نی
میخوابانیدند و لباس ایشان منحصر بیک بالاپوش بود اغلب اوقات
اطفال را بشدت میزدند که بسختی عادت نمایند و دخترها را هم تقریباً مثل
پسرها تربیت میکردند اهالی آنجا اغلب باهمدیگر صرف غذا می نمودند و پیوسته
مشغول مشق بودند آداب و رسوم معاشرت و نوشتن و خواندن را نمیدانستند
و ترتیب ادای کلام و صحبت نمیتوانستند ولی از تمام اهالی یونان دلیرتر
و جنگجوتر بودند و در جنگ بحال اجتماع و به آهنگ نی حرکت میکردند و هر یک
یک نیزه و سپری بزرگ در دست داشتند و خودی از آهن بر سر نهاده مابقی
بدن ایشان تقریباً عریان بود

از قوانین اهالی اسپارت تمام مخلوق قدیم و جدید عالم در حیرت میباشند
و آن قوانین را از لیکورک میدانند که بعقیده ایشان ہشتصد سال قبل
از مسیح در عالم زندگانی میکرده

سؤالات

اسپارت چه بوده — اطفال در آنجا چگونه تربیت میکردند — با طفال چه میآموختند
چگونه زندگانی میکردند — دخترها را چطور تربیت میکردند — مردها چه میکردند
آیا تربیت شده بودند — چه امتیازی داشتند — چگونه جنگ میکردند —
از قوانین اسپارت بگوئید — و بگوئید قوانین ایشان را که نسبت میدهند —

(۲۴) — آتن — اهالی آتن برخلاف اهل اسپارت بودند و بیشتر ایشان
بشغل ملاحی اشتغال داشتند و صاحب کشتیهای بسیار بودند نزدیک شهر
ایشان بندری معروف به پیره بود که در آنجا از مصر و آسیا از برای آنها
متاع تجارتی میرسید باین واسطه ثروت فراوان یافته بساختن ابنیه عالیه
و مجسمه و فن شاعری پرداخته بودند و بهترین صنعتگران یونان گردید
در آتن مردمان را میلی شدید بساختن و شنیدن عبارات فصیح
بیانات ملیح بود و همگی در میدانی جمع شده اصلاح امورات و انجام کارها را
در آنجا میکردند و آن میدان معروف بمیدان (اگورا) بود (سولن)
نام از اهل آتن که ششصد سال قبل از مسیح زندگانی داشته قوانین خوب
از برای اهالی گذارده بود

سؤالات

آتن چه بود — پیروکیان بودند — آتنی‌ها چه شدند — میل ایشان نطق و فصاحت چلوه بوده — از سولن چیزی بگوئید

۲۵ — **جنگ مدی** — ممالک آسیا و مصر در آنزمان در تصرف ایرانیان بود و در مدت سی سال آن ممالک را متصرف بودند سلاطین ایران قادرترین سلاطین روی زمین بودند و مملکت ایشان از هندوستان تا مصر امتداد داشت و ایشان را شاهنشاه عالم میخواندند از آنروکه بیشتر خاک آسیا را مالک بودند یکی از سلاطین ایران که داریوش نام داشت خواست مملکت یونان را نیز ضمیمهٔ ممالک خویش سازد و رسولانی بنزد یونانیان فرستاده پیغام داد که باید مرا سلطان خود دانسته از اطاعت امر من سر نه پیچید بسیاری از طوایف یونان از سطوت پادشاه ایران بیم نموده سر اطاعت پیش آوردند ولی اسپارت مطیع نگشته فرستاده پادشاه ایران را بکشتند داریوش برای انتقام این عمل قشونی از ایران حرکت داد و قشون مزبور در ماراتون که نزدیک شهر آتن است از کشتی فرود آمد از آتن نیز ده هزار مرد جنگی حرکت نموده در برابر قشون ایران اردو زدند

و با قدم دو برابر ایرانیان حمله ور شده آنها را بدریا ریختند این واقعه در ۴۹۰ قبل از مسیح بود و این جنگ را اولین جنگ ملی میخوانند وجه تسمیه آن آنجا بود که جماعت مدی را در تاریخ اسمی معروف بود و غالباً با ایرانیان مخلوط بودند ده سال بعد از آن کسری پادشاه ایران که بعد از داریوش سلطنت ایران داشت با یک ملیون قشون و پانصد فروند کشتی جنگی بقصد تنبیه و تسخیر یونان حرکت نمود و یونانیان که چنین دیدند اهالی آتن و اسپارت با یکدیگر متحد شده قشون بحری ایران را در سالامین در ۴۸۰ قبل از مسیح شکست دادند و قشون بری ایشان را در پلاته در ۴۷۹ منهزم ساختند و این واقعه را جنگ دویم مدی نامیدند

سؤالات

ممالک آسیا و مصر در آن زمان در تصرف که بود پادشاه ایران را چه مینامیدند — داریوش چه میخواست و چه کرد — یونانیها چه کردند — اسپارت و آتن چه کردند — داریوش چه کرد — کسری چه کرد — در سالامین و پلاته چه واقع شد — آتنیها چه کردند این جنگ را چه مینامیدند

(۲۶) قرن پریکلیس — بعد از شکست ایرانیان و فیروزی یونان اهالی اسپارت با وطن خود مراجعت کردند ولی اهل آتن در جنگ مداومت نمودند

نموده با کشتیهای جنگی حرکت کردند و قشون ایران را از تمام جزایر و مهاجرنشین
یونان که در آسیا بود خارج ساختند و بعد از آن یونانیهائی را که از دست
قشون ایران خلاص کرده بودند مجبور ساختند که هر ساله مبلغی گزاف
بآنها بدهند و از آن پولها معبدی بسیار عالی و باشکوه در آتن از برای
عبادت رب النوعها با بعضی عمارات عالیه دیگر بنا کردند
یونانیان بجهت تنبه و تهذیب اخلاق مردم تیاترها برپا کرده در مجامع خلق
اظهار میداشتند
معماران و حجاران و نقاشان و همچنین شاعران و فیلسوفان در آتن ب[illegible] مجتمع بودند
در اینعصر یکی از اهل آتن موسوم به پریکلیس بر اهالی سمت ریاست داشت و بنتیجه و با
آنعصر را عصر پریکلیس نامیدند

سؤالات

اسپارتیها چه کردند — آتنیها چه کردند — آتنیها سایر یونانرا بچه چیز مجبور کردند
با پولهائی که گرفته بودند چه کردند — چه اختراع کرده بودند — در یونان چه چیز جمع شده بود
۱۷۱ ، ماسدوان - اقتدار اهل آتن چندان طول نکشید یعنی
در سنه [illegible] قبل از مسیح اهالی اسپارت با ایشان بمنازعه برخواستند

و نزاع و زد و خورد آنها با یکدیگر مدت سی سال امتداد یافت [illegible]
بلاد یونان و ممالک آسیا و سیسیل هر جا که یونانیان بودند تعصبات جنگ
و نزاع برپا بود زیرا که بعضی از اهالی یونان طرفدار اسپارتیها و بعضی
دیگر حامی آتنیها بودند عاقبت الامر در سنه [illegible] قبل از میلاد
آتن مغلوب گردیده کلیتاً مسخر اسپارتیها شد ولی چون تمامی اهل یونان
مایل باطاعت و تبعیت اسپارتیها نبودند آتش جنگ همیشه در آن مملکت مشتعل
بود و جنگهای ایشان بطرزی سبعیت و وحشیگری بود یعنی درختان که
میبریدند مردان را کشته زنان و اطفال را اسیر مینمودند و مثل غلام و کنیز
خرید و فروش میکردند غالباً در شهرها متمولین و فقرا با یکدیگر نزاع
در مملکت مقدونیه که طرف شمال یونان بود جماعتی وحشی
بودند که چندان اهمیت نداشتند ولی مردمانی شجاع بوده تحت حکومت
رئیسهای خود بودند
پادشاهی از ایشان که فیلیپ نام داشت قشون منظمی جهت خود ترتیب داد
رفته رفته تمام اهالی یونان را با خود متحد ساخت و خواست لشکر بایران
کشیده با پادشاه ایران مصاف دهد یونانیان با این عزم او همراهی نمودند

بعنایت او با ایشان رزم در داده در سنه ۳۲۸ قبل از مسیح آنها را منهزم ساخت

سئوالات

آتنیها آیا با قدرت باقی ماندند — با ایشان که عزم جنگ نمود — در آن جنگ که فتح نمود — کدام طرف مغلوب شد — از برای چه دوباره جنگ شروع شد — در آن وقت چگونه جنگ میکردند — در شهرها چه واقع میشد — مانند آن چیست — فیلیپ چه کرد — در آتن چه واقع شد

(۲۸) فتوحات و تسخیرهای اسکندر

اسکندر پسر فیلیپ در سنه ۳۳۶ قبل از مسیح سلطنت یافت و چون دو سال از سلطنت او گذشت با سی و پنجهزار قشون بسمت ایران حرکت کرد قشونی که پادشاه ایران در مقابل اسکندر آورده بود بیست برابر قشون اسکندر بود ولی اسلحه آنها خوب نبود و علاوه قواعد جنگ را نمیدانستند و در حرکات و مشق سربازی بصیرتی نداشتند بقسمیکه حرکت هر قسمت از قشون اسباب معطلی قسمت دیگر میشد و بر عکس لشکریان اسکندر در جنگ مهارت کامل داشتند و باین جهت اسکندر در سه جنگ متوالی ظفر و نصرت یافت و تمام ممالکی که در تبعیت پادشاه ایران بود مسخر وی گشت و اسکندر در هر مملکتی شهری بنا نمود که بعضی از آنها هنوز باقی است از قبیل شهر اسکندریه که در مملکت مصر است و غیره

و بعد از فتح ایران تا هندوستان برفت و از آنجا ببابل مراجعت

نموده در شهر بابل در سنه ۳۲۳ قبل از مسیح در سن سی و سه سالگی زندگانی را وداع

نمود

سئوالات

اسکندر کیست چه کرد - قشون پادشاه ایران چگونه بود - چگونه جنگ میکرد

اسکندر کجاها را متصرف شد - چه سالی بجا گذاشت - اسکندر تا کجا رفت -

درکجا و در چه سن مرد

۲۹ — تقسیم ممالکی که اسکندر تصرف آورده بود - بعد از

اسکندر احدی جانشین و صاحب تاج و نگین او نگشت سرداران لشکر

مدت بیست سال با یکدیگر در نزاع و جدال بودند بر سر اینکه کدام یک

جانشین اسکندر شوند و بالاخره جمعی از آنها که قدرتی داشتند بلاد

مابین خودشان قسمت نمودند و هر یک قسمتی را تصرف نموده سلطان مستقل

آن قسمت شدند و سه مملکت بزرگ از تقسیم ممالک اسکندر تشکیل یافت یکی

ماسدوان و دیگری مصر و سیم شام است با چند مملکت کوچک و این

دولت مدت دو یا سه قرن بهمین حال بودند

بعد از مرگ اسکندر سرداران او چه کردند — و از ایشان بر چه قرار گرفت آنها چه شد -
چند پادشاه نشین بعد از اسکندر تشکیل یافت — چقدر این ترتیب طول کشید

(۳۰) **ممالک یونانیان** — رعایای ممالک یونان از اهل آسیا بودند ولی سلاطین آنها یونانی بودند و لشکریان ایشان نیز از اهالی یونان بودند و بر حسب میل سلاطین اهل علم و اخبارنویس از یونان جلب میشد رفته رفته بمرور زمان ساکنین آن ممالک خوی یونانیان گرفته مذهب ایشانرا هم اختیار نمودند و عاقبت الامر زبان آنها هم یونانی شد

سؤالات

در این ممالک از یونانیها که بود — و ساکنین آنها چه کردند

(۳۱) — **اسکندریه و موزهٔ آن** بعضی از سلاطین خود عالم و طالب اهل علم بودند از آنجمله سلاطین مصر در اسکندریه که پایتخت مصر بود کتابخانه بزرگی تأسیس نمودند در آنزمان که هنوز ایجاد نشده و کسی از چاپ خبر نداشت و کتابها را با خط معمول آنزمان در روی برگ پاپیروس نوشته لوله میکردند و از این جهت کتاب نادر و گران بها بود و پیوسته تصنیفات

ماراتون خرابی ایران توسط یونانیان ۴۹۰ قبل از مسیح — سالامین خرابی قوه بحری ایران بواسطه یونانیان ۴۸۰ قبل از مسیح)
پلاته خرابی قشون ایران (۴۷۹ قبل از مسیح) — آتن مغلوب اسپارتی‌ها (۴۰۴ قبل از مسیح) شرونه آنجا که فیلیپ شاه مقدونیه
مغلوب کرد اهل آتن را (۳۳۸ قبل از مسیح) — اسکندریه اسکندر بزرگ کتابخانه مشهور است — روم روی رود تیبر در ۷۵۴ قبل از مسیح
کان جایی است [illegible] آنی بال ظفر یافت — رومن‌ها زاما خرابی آنی بال (۲۰۲ قبل از مسیح) — کارتاژ مسخر رومن‌ها شد

مفید مصنفین بزرگ گرفتار خطر تلف شدن و نابودی میگردید زیرا که نسخه کتب

منحصر بکاغذ پاپیروس بود با وصف این در کتابخانه اسکندریه سیصد هزار

جلد یا لوله کتاب جمع کرده بودند

و نیز در اسکندریه باغی از برای علم گیاه شناسی و مکانی بجهت دواسازی

بنا کرده بودند و عمارتی هم بجهت اهل علم بنا نموده تمام آن ابنیه را موزه

میخواندند از اطراف بلاد عالم هر کس طالب تحصیل بود باسکندریه میآمد

زیرا که در تمام عالم این قسم دار العلمها وجود نداشت

سؤالات

پادشاهان چه چیز دوست میداشتند — سلاطین مصر چه کردند — آیا در آن زمان
چاپ خانه بود — کتابها را چگونه مینوشتند — در کتابخانه چه گذاشتند — در اسکندریه
چه بود این ابنیه را چه مینامیدند — در آنجا چه میکردند

(۲۳ — صنایع و علوم یونانیان برای انجام دادن کارهای
بزرگ لازم نیست که ملتی صاحب جمعیت و عده زیاد باشند چنانچه یونانیان
مثل مصریان و یهودیان ملتی حقیر بودند ولی صنایع و اعمال و علوم آنها
بیش از تمام ملل در سر زبانهاست و مورد تمجید و تحسین همه مردم است یونانیان

ممالک مصر و آسوری و بابل و ایران را مسخر ساختند و تمامت علوم
ملل قدیم را آموخته و علوم و مطالب جدید را هم خود شان اکتشاف کردند
دانشمندان یونان بخصوص اهل اتن انشارهای فصیح نموده حکایات نیکو
تصنیف نمودند و تاریخها نوشتند هنوز در این عصر اشعار (هومر) و
(اشیل) و (سوفوکل) را با کمال تعجب و تحسین میخوانند (هرودوت) و
(توسی دید) از مورخین مشهور یونان و (دموستن) خطیب و نطاق معروف
از یونان بوده فن نویسنده گی در این عصر هنوز تقلید یونان است
یونانیان معبدها بنا نموده از سنگ حجاریها کردند و حجاریهای بر جسته
عجیب در روی سنگها از ایشان یادگار مانده آنچه از حجاریهای ایشان
بدست آمده در موزه ها ضبط و از جمله اشیا نفیسه محسوب است
یونانیان اولین کسی بودند که در صدد پیدا کردن چگونگی احوال موجودات
عالم بر آمدند و هر علمی در ابتدا از آنها عیان شد چنانکه ابتدای علم
طب از بقراط و تاریخ طبیعی از ارسطو و هندسه از اقلیدس و مکانیک
از ارشمیدس و جغرافیا از ارتستن و نجوم از هیپارک بوده علوم مقدماتی
که امروزه در مدارس با کمال اهمیت تحصیل میشود تماما از یونانیهاست که در

اینها بدون استعمال صنعات دیگری ایجاد نمودند پس روا باشد که از اعمال و علوم

ایشان در تعجب و حیرت باشیم که بنای تربیت تمام مردم از ایشان بوجود

آمده

سؤالات

آیا یونانیان ملتی بزرگ بودند — آیا ایشان معروف هستند — چه طوایفی را

یونانیان مسخر خود ساختند — ایشان چه علوم تعلیم داده چه نوشتند —

نویسندگان بزرگ یونان را شرح دهید — فن نویسندگی تقلید کیست — صنعتگران

یونان چه کردند — در موزه‌ها چه چیز را تبرک نگاه میدارند — یونانیها چه چیز را

ایجاد نمودند — دانشمندان یونان را شرح دهید

(۳۳)

خلاصه

که باید ازبر نمایند

اولاً یونانیان ملت کوچک باهوشی بودند درتمام سواحل دریای مدیترانه مهاجرنشینها مقرر داشته بودند

ثانیاً ممالک یونان تقسیم شده بود بدسته های کوچک که بایکدیگر درجنگ بودند و عمده آنها اسپارت و آتن بود

ثالثاً اسپارتیان مردمانی کوهستانی وجنگی بودند و بهترین قشون یونان ایشان تشکیل میدادند

رابعاً آتن شهری دریائی بود و اهالی آن دریانورد و صنعتگر بودند و بزرگترین صنعتگران یونان در آنجا بودند

خامساً آتن و اسپارت باتفاق یکدیگر جنگهائی را باپادشاه ایران انجام داده واو را مغلوب ساختند

سادساً بعد از آن این دو شهر بایکدیگر جنگ نمودند و آتن مغلوب شد

سابعاً مقدونیه باقدرت تر از سایر ممالک یونان شد و اسکندر پادشاه آن تمام ممالک ایران را تصرف کرد از سنه ۳۳۴ الی سنه ۳۲۶ قبل از میلاد

تاسعاً ـ بعد از اسکندر ممالک او ما بین سردارانش تقسیم شد

تاسعاً ـ چندین پادشاه نشین یونانی در مشرق تشکیل یافت وساکنان مشرق با یونانی ها شبیه شدند شهر اسکندریه پایتخت مملکت مصر بواسطه موزه و کتابخانه مشهور شد

عاشراً یونانیان در عالم معروف شدند زیرا که نویسندگان بزرگ از ایشان پدید آمد و مجسمه های قشنگ ترتیب دادند بنای تمام علوم را ایشان گذاشتند وسایر طبقات از ایشان فرا گرفتند

فصل چهارم

جمهوری رمن

۳۳۱ — بنای شهر رم شهر رم در ابتدا شهری کوچک و مربع شکل بوده است و در روی تپه نزدیک رودخانه (تیبر) واقع شده که تقریبا مرکز مملکت ایطالیا بود — تاریخ بنای آن در سنه ۷۵۴ قبل از میلاد مسیح بوده — از بانی این شهر که (رومولوس) نام داشته خبر صحیحی در دست نیست و همین قسم اخبار سلاطینی که در ابتدا در این شهر سلطنت کرده اند بکلی مستور و مجهول است

سئوالات

رم در ابتدا چه بود — از مأخذ و مبدا او چه اطلاع دارید — کدام سلطانها در رم حکمرانی میکرد —

۳۴ — شرح جمهوری سلطانی که بعد از مدتها در این شهر سلطنت داشته با طبقه اعیان و بزرگان شهر بستگی و رابطه داشت در تاریخ (۵۱۰) قبل از مسیح اعیان و اشراف شهر رم اجماع نموده پادشاه را

که (تارکن) نام داشت از شهر بیرون کردند و مدتی رم بدون پادشاه
ماند اهالی شهر در هر سال دو نفر را از میان خود منتخب میکردند که باتفاق
یکدیگر بامر حکومت قیام نمایند و آن دو نفر را (کنسول) مینامیدند و نیز
رؤسای خانواده های بزرگ در مجلسی اجتماع نموده رای خودشان را
در انجام امورات اظهار میداشتند و آن مجلس را (سنا) میخواندند
که معنی آن محل اجتماع پیرمردانست

سؤالات

در تاریخ ۵۱۰ در رم چه واقع شد — چه اشخاص در مجلس اجتماع نمودند چه میکردند
مجلس ایشان را چه مینامیدند

۵۱ — مجادله نجبا با طبقه رعایا اشخاصی که از نژاد فامیلهای
قدیم رم بودند (پاتریسین) یا نجبا میگفتند و سایر طبقات مردم را
(پله بین) مینامیدند پله بین ها عده شان بیشتر بود زیرا که غالباً از شهرهای
مجاور در میان آنها داخل شده بودند پاتریسین ها میخواستند تمام
حکمرانی مطلقاً در دست خودشان باشد پله بین ها از آنها خواهش کردند
که ایشان هم در حکومت شریک باشند پاتریسین ها از این معنی امتناع ورزیدند

از این جهت اغلب پله بین ها از رم هجرت نمودند

مجلس سنا محض معاودت ه اوبن ایشان اجازه داد که از جانب ایشان

نیز روسائی تعیین شوند واین روسارا (تری بن پلب) یعنی

وکیل الرعایا مینامیدند - رؤسای مزبور اگر کاری را اصلاح نمیدانستند

حق داشتند که کنسولهارا از اجرای آن ممانعت نمایند و بهمقدر که یکنفر

از آنها میگفت من این امر را مصلحت نمیدانم کفایت میکرد

مدت صد سال در میان پله بین ها و پاتریسین ها تضاداد ند که از طبقه

پله بین ها نیز کنسول تعیین شود واین معنی باعث آرام گرفتن پله بین ها

گردید

سئوالات

پاتریسین ها و پله بین ها که بودند - عده کدام یک بیشتر بود - پاتریسین ها چه میخواستند
و پله بین ها چه میخواستند - وچه بدست آوردند تری بن ها (وکیل الرعایا) چه
حق داشتند - این مجادله چند مدت طول کشید و عاقبت بکجا منتهی شد

(۴۶ - قشون رُمَن - رمن کارشان زراعت و تجارت بود

اما با وصف این تمام افراد اهالی در جزو سپاهیان بودند

لباس لشکریان ایشان زرهی بوده است که از تسمه چرم ترتیب میدادند

و اسلحه ایشان عبارت از قداره و زوبین و سپر بود
در ایام جنگ در اردو های خود لشکر ترتیب میدادند که در پناه آن محفوظ
مانند و با دستجات صد نفرای یکصد و بیست نفر بجنگ بر میآمدند در حالتیکه
سایر ملل هنوز تا این درجه قابلیت نداشتند و تماماً بحال اجماع جنگ میکردند
قانون اطاعت و نظام سپاهی روما ن بسیار سخت بود چنانکه اگر یکنفر
لشکری مخالفت حکم نموده از محل مأموریت خود بجای دیگر میرفت سایر
سپاهیان او را بضرب چماق بقتل میرسانیدند
افراد لشکریان از هفده سالگی شروع بمشق جنگ نموده تا آخر ایام
زندگانی در جزو لشکریان بودند ترتیب و انتظام قشون رمن بقدری
خوب بود که رفته رفته تمام دنیا را مسخر ساختند

سئوالات

مشغله رمنی ها چه بود — اسلحه آنها چه بود — در جنگ چه میکردند — چگونه جنگ
میکردند دیسیپلین آنها چگونه بود — در چه سال تعلیم مشق جنگ میگرفتند
بچه دلیل قشون رمن تمام دنیا را مسخر ساختند

(۲۷ — فتح ایطالیا رمنها باین خیال افتادند که تمام رعایای ایطالیا را

در تحت تبعیت خود درآورند و از برای رسیدن باین مقصود جنگهای
بسیار سخت نموده مدت جنگهای ایشان چندین قرن طول کشید
تا در تاریخ ۲۲۲ قبل از مسیح تمام شبه جزیره ایطالیا بتصرف رمنها درآمد

سؤالات

ابتدای فتح رمن ها کجا بود — در این فتح چه جنگها نمودند مدت آن چقدر طول
کشید در چه سنه شبه جزیره ایطالیا بتصرف رمنها درآمد

(۳۱ — **جنگهای پونیک** — در افریقا نزدیک مکانی که امروز شهر
تونس واقع شده در انعصر شهر تجارتی بزرگی موسوم به کارتاژ در کنار
دریا بود. این شهر را ملاحان فنیقی نزدیک شهر صور ساخته بودند
و بواسطه تجارت و استخراج معادن نقره اسپانیول ثروتی بینهایت حاصل
کرده بودند

اهالی کارتاژ خودشان مباشر جنگ نمیشدند ولی از مردان وحشی جنگجو سپاهی
میگرفتند و بجنگ فرستاده جایزه خوب بآنها میدادند تا بتوسط این قشون
بر شمال افریقا و اسپانیول و سیسیل استیلا یافتند — زمانیکه رمنها خواستند
سیسیل را متصرف شوند با اهالی کارتاژ برخوردند و جنگ مابین رم و کارتاژ

شروع شد این جنگها را که عبارت از سه جنگ است جنگ پونیک مینامند
جنگ اول که از تاریخ (۲۶۴) الی (۲۴۱) قبل از مسیح طول کشید نتیجه
آن این شد که رمها کارتاژی ها را از سیسیل خارج کردند
و جنگ دوم که در تاریخ (۲۲۱) الی (۲۱۸) قبل از مسیح بود باین ترتیب
بود که سرکرده از اهل کارتاژ موسوم به (انیبال) از اسپانی حرکت نمود
و از میان اهالی جنوب مملکت گل عبور کرده از کوهستان آلپ گذشته
با یطالیا فرود آمد و در مدت سه سال در سه جنگ بزرگ بر رمها غالب



شکل ۲ تسخیر کارتاژ رمها خواستند خود را از کارتاژ خلاص کنند و شهر آنها را محاصره و تسخیر و خراب کردند

آمد و بعد از جنگ کان که مشهورترین فتوح انیبال است در مملکت ناپل سکنی

جست ولی با وصف این رمن ها جرات و جلادت خود را از دست نداده و بالعکس
انیبال دیگر جرئت حمله نداشت – رمن ها محض اینکه انیبال را مجبور
بخارج شدن از ایطالیا نمایند سرداری که نامش (سیپین) بود بافریقا
فرستادند و او در نزدیکی کارتاژ قشون خود را از کشتی فرود آورد و انیبال
در مقام مدافعه بر آمده در (زاما) شکست خورد و کارتاژیها درخواست
صلح نمودند و رمن ها اسپانیا را در تصرف خود نگاه داشتند
در جنگ سیم که از تاریخ (۱۴۹) الی (۱۴۶) قبل از مسیح بود رمنها
خواستند بکلی از شر کارتاژ خلاص شوند و شهر کارتاژ را محاصره نمود و بعد از
فتح آنرا خراب کردند چنانکه در تصویر (۲) نموده شده

سؤالات

جنگهای پونیک را بیان کنید — شهر (کارتاژ) در کجا واقع بود — و کی آنجا را
ساختند — کارتاژیها با چه قشون جنگ و فتوحات نمودند — رومیها در کجا با کارتاژیها
برخوردند و با آنها چه کردند — جنگهای پونیک چند سال طول کشید — سردار
کارتاژیها که بود — و چند جنگ با رومیها کرد — بالاخره رومیها با کارتاژ چه کردند

(۳۹) فتح مشرق زمین — بعد از آنکه امپراطوری اسکندر بهم خورد
در مشرق زمین چندین دولت یونانی تشکیل گردید و رومیها یک یک آن
ممالک را متصرف شدند و گاهی هم مملکتی را بدون جنگ مسخر میشدند دو نفر
از سلاطین مقدونیه را مغلوب ساختند که یکی از آنها فیلیپ بود در سنه ۱۹۷
قبل از مسیح و دیگری پرسه در سنه ۱۶۸ و همچنین انطیوکوس پادشاه شامات را
در سنه ۱۹۰ قبل از مسیح مغلوب نمودند و با پادشاه (پنت) (میتردات)
سه جنگ کردند از سنه ۸۷ الی سنه ۶۴ قبل از مسیح و بالاخره مقدونیه یونان
و تمام آسیای صغیر و شام و مصر را تصاحب کردند

سئوالات

بعد از برهم خوردن امپراطوری اسکندر چه واقع شد   رمن ها که ام ممالک را مسخر ساختند با که جنگ کردند

(۴۰) **فتح مغرب** بعد از آنکه رمنها ممالک مشرق را مسخر ساختند بفتح بلاد مغرب پرداختند پیش از این دانستیم که مملکت اسپان را در جنگ کارتاژ تسخیر نمودند اکنون میگوئیم که در آن زمان طایفه گل در مملکت فرانسه سکنی داشتند و این طایفه مدتها اسباب ترس و وحشت رمنها بودند زیراکه طوایف گل قبل از آن ایطالیا و رم را مسخر کرده بودند

و لهذا بعد از آنکه رمنها جماعتی از طوایف گل را در ایطالیا مغلوب و مطیع ساختند بطرف مملکت گل حمله ور گردیدند و در سنه ۱۲۱ ممالک ما بین جبال آلپ و پیرنه را متصرف گشته در آنجا دو شهر بنا کردند یکی (اکس) و دیگری (ناربن)

خلاصه قیصر در مدت هشت سال ما بقی ایالت گل تا رود رن را تصرف نمود از سنه ۵۸ تا سنه ۵۱ قبل از مسیح

سؤالات

رمنها بعد از تسخیر ممالک مشرق چه کردند در آن عصر در فرانسه چه طایفه ساکن بودند
رمنها اول کجای فرانسه را مسخر نموده چه کردند بعد از آن مابقی ایالت گل را که تصرف نمودند

(۱۰۴)—جنگهای داخلی . در تمام این مدت حکمرانی مملکت اسپانیا مجلس سنا (نجبا) بود و هیئت عمومیه هم گاهی در (فروم) یا در محل تجارت جمع میشدند و گاهی هم بمیدان مشق میآمدند و همیشه مجلس سنا را محترم و اطاعت امرش را واجب میدانستند و کنسولها هم هیچ کار را بدون صلاح عموم رعایا انجام نمیدادند و آخرالامر از رمنهای اصلی چندان کسی باقی نمانده بود و جمعی از غربا و اشرار داخل قشون رمن گردیده مقصود ایشان در خدمت پول نقد بود و غارت رعایا جنگ ایشان محض کسب بود نه از برای انجام تکلیف شخصی و از این جهت ابدا اطاعتی از دولت رم نداشتند بلکه فقط بسردار خودشان که پول بایشان میداد اطاعت میکردند و سردارها هم مقصودشان آن بود که مجلس سنا را در زیر حکم و میل خود در آورند و چون سردارها متعدد بودند و هر یک میخواستند در حکم استقلال داشته باشند در میان ایشان جنگ برپای شد و این

جنگ داخلی مدت هشتاد سال طول کشید

در رم و ایطالیا و ممالک دیگر که متعلق بدولت رم بود مابین ماریوس
وسیلا و همچنین درمیان سرتریوس و پمپه از هشتاد الی هفتاد و دو
جنگ امتداد یافت و نیز درمیان پمپه و سزار از چهل و نه الی چهل و پنج
قبل از مسیح جنگ برپای بود و مابین آنطوان و اکتاو از چهل و دو و سی و
دو الی سی سال قبل از مسیح جنگ استمرار داشت و در هر جنگ هر یک
از سرداران که غالب میشد چند سالی مالک کل بود اگرچه مدت سلطنتش
بقائی نداشت

آخر الامر اهالی رم از جنگهای پی درپی خسته شدند و فاتح آخرین یعنی
اکتاو قدرتی کامل حاصل نموده صاحب دو لقب جدید گردید یکی اگوست
و دیگری امپراطور در سنه ۲۹ قبل از مسیح

مجلس سنا اگرچه بکلی منحل و مضمحل نشد ولی اسمی بی رسم بود و هیچ جور تسلطی
نداشت بلکه کلیه احکام باشخص امپراطور بود و در عهد سلطنت اگوست
حضرت مسیح متولد شد

سؤالات

شرح مجلس سنا و حال اهالی رم و وضع کنسولها را بگوئید — آخر الامر قشون رم چه کسان بودند و مقصودشان چه بود — سردارهای قشون رم چه میخواستند کدام سردارها با هم جنگ داشتند — مدت جنگهای ایشان چقدر طول کشید مآل امر آنها بکجا منتهی شد و که لقب امپراطوری یافت — و حال مجلس سنا چه بود — در عهد اگوست چه اتفاق افتاد

خلاصه که باید از بر نمائید (۲-۱)

اولاً رم در سنه ۷۵۳ قبل از میلاد بنا نهاده شد

ثانیاً در ابتدا حکمران آنجا سلاطین بودند و بعد مدت پانصد و ده سال کنسولها و مجلس سنا بامر حکومت میپرداختند

ثالثاً پاتریسین ها (رومیان) و پلبین ها (غربا) مدت مدیدی با یکدیگر در مجادله بودند و عاقبت الامر پاتریسین ها دست از مجادله برداشته همه با هم مساوی شدند

رابعاً رمنی ها بهترین قشون عصر قدیم را داشتند عالم را باطاعت خود درآوردند

خامساً در فتوحات خود از ایطالیا شروع نمودند از سنه ۵۰۰ الی سنه ۲۷۲

سادساً بعد از آن کارتاژ را در سه جنک پونیک مغلوب ساختند از سنه ۲۶۴

الی سنه ۱۴۶

سابعاً بعد از آن مشرق زمین را بدون زحمتی تسخیر کردند

ثامناً طایفه کل را مغلوب نموده ممالک مغرب را باطاعت خود درآوردند

تاسعاً چون قشون رمن اطاعت کسی غیر از سردارهای خود نمیکردند و سردارها

همه میخواستند رئیس و بزرک باشند جنکهای داخلی طولانی واقع شد

و بعد از آنکه یکی از سردارها بلقب امپراطوری ریاست مطلقه یافت

جنک ایشان بخاتمه رسید

فصل پنجم

امپراطوری رم

۴۲ — امپراطوری و ایالات — رمیها بسیاری از ولایات را تصرف کرده بودند و امپراطورها هم مدت صد سال در فتوحات مداومت کردند و چون بصحرای لم یزرع یا بکنار رودخانه‌های بزرگ میرسیدند توقف میکردند مانند رود رن و دانوب و تمام ممالکی که در تصرف آورده بودند جزو امپراطوری ملت رم محسوب بود و آن ممالک امروز باین اسامی موسوم است

انگلیس اسپانی فرانسه تمامی قسمت جنوبی ساحل دانوب که سویس و ویر و اطریش باشد

و همچنین ممالک اروپای عثمانی و آسیای صغیر و شامات و شمال افریقا — و این ساحت عظیم را بچهل و شش ایالت تقسیم کرده بودند و بر ایالت خیلی وسیع و بزرگ بود مثلاً تمام ممالک واقعه دونیچ به پنج ایالت تقسیم شده بود

و در هر ایالتی یکنفر والی از طرف روم منصوب بود که فرمانده قشون و فرمانفرمای
بولایت بود
و یکنفر هم ناظر از برای جمع آوری مالیات معین کرده بود
این والیان که موسوم به (پرکنسول) بودند بغارت و چپاول اموال
رعایا بیشتر اشتغال داشتند تا بفرمانفرمائی و حکومت میان آنها
و مجلس سنا هم در این خصوص کلیه ساکت بود
اگر چه امپراطورها ضمناً از برای حکام مفتش میگماشتند و تا یک اندازه
ایشان را از ستمکاری و بدرفتاری با رعایا منع میکردند
اما حکام از ضعف سنا و قوت امپراطورها بسیار خوشوقت و خوشحال بودند

سئوالات

ممالکی که رومیها تصرف کرده بودند کدام ها بود - اسم آن ممالک امروزه چیست
دولت روم بچند ایالت تقسیم شده بود — در ایالات چه اشخاص حکمرانی میکردند
طرز رفتار ایشان با رعایا چگونه بود

۴۳ — دوازده سزار (قیصر) دوازده امپراطور اول
که فرمانفرمای ممالک روم بودند ایشان را قیاصره دوازده گانه [illegible]

سنه ۲۸ قبل از مسیح تا سنه ۹۶ بعد از میلاد و اینها بهر کاری اقتدار داشتند
و مردم هم تمام احکام آنها را اطاعت میکردند و میگفتند امپراطور قانون
مجسم است

بعضی از این قیاصره با وجود کمال قدرت و استقلال با نهایت متین و اعتدال
رفتار میکردند مانند اگوست و وسپازین و تیطوس

اما اغلب آنها بی اعتدالی و زیاده روی را پیشه خود ساخته موافق میل و
هوای نفس خود رفتار مینمودند

تیبر زن دمی سین بسیار خسیس و بی رحم بودند و هر کس با میل
آنها موافقت نداشت فوراً امر بقتلش مینمودند و همیشه در پی آن بودند
که از اشخاص متمول با ثروت بهانه بدست آورده اموال ایشان را بستانند

بعضی دیگر از ایشان نیمه دیوانه بودند کالی گولا مردم را بپرستش
خود امر میکرد و اسب خودش را کنسول لقب میداد و کلود و نرن
از زحمت حکمرانی اظهار انضجار مینمودند و در عوض خود یکنفر از غلامان
یا چاکران فرومایه را بحکمرانی در میان مردم میگماشتند

سؤالات

فرمانفرمایان اول مالک روم کی بودند — و ایشانرا چه میخواندند — از کی تا کی بودند — عقل و رفتار آنها چگونه بود — امپراطوران بدرفتار چه کارها میکردند.

۴۴ — آنطونین ها — پنج نفر امپراطور که بعد از قیاصره سلطنت روم کردند از سنه ۹۶ تا سنه ۱۹۲ میلادی برخلاف قیاصره امپراطورهای خوبی بودند و آنطونین ها باینها لقب دادند تا زمان آنطونین ها ابداً قانون نوشته و مدونی در میان رومیها نبود و هر قاضی بهوای نفس خود قانونی میگذاشت و از انرو حکم میکرد و دیگری او را تغییر میداد آنطونین ها قانونی مدون کردند که تغییر و تبدیل نیابد و احکام جدیدی بر قانون قدیم اضافه نمودند تا آنزمان سر آقائی حق کشتن غلام خود را داشت و آنطونینها از این عمل منع کردند و تا یک اندازه حقوق رومیها را از روی عدل و حق مقرر داشتند که از آن بعد آن قوانین را (مکتوبات حقه) مینامیدند و دولت فرانسه در کد خودشان بسیاری از آن قوانین را اخذ نموده اند

آنطونینها اشخاص با هوش و سردارهای قابلی بودند و غالباً طوایف وحشی که از ساحل دانوب بر مملکت روم حمله میکردند عقب می نشانیدند

سئوالات

آنطونین ها کیان بودند در چه تاریخ سلطنت می کردند — چه ترقی به ترقیات بینا دادند — در لشکرکشی چه حال داشتند —

۴۵ — تمدن رمی — رمنها مردمانی بسیار درشت خوی بودند و غیر از جنگ و زراعت زمین نمیدانستند ولی بواسطه معاشرت با اهالی آسیا و یونان نوشتن تألیفات خوب و نطقهای فصیح و ساختن ابنیه و مجسمه بیاموختند ایطالیا و فرانسه و اسپانیول و انگلیس تنها در دو حقیقت باقی مانده شهری نداشتند و ممالک ایشان با جنگلهای بزرگ پوشیده بود بعد از آنکه رمنها این ممالک را تصرف کردند راههای بزرگ ساختند و در همه جا شهرها و معبدها بنا کردند و تماشاخانه ها و حمامها راه انداختند و تمام صنایعی که خودشان از یونان آموخته بودند با اهالی این ممالک دادند تمام ساکنین ممالک مزبور زبان لاتین تکلم میکردند و زندگانی مانند رمنها را تعلیم گرفتند

مثلاً در فرانسه صد شهر هست که نامی آنها از رمن است و غالباً حمامها و مجسمه ها که از آن زمان باقی مانده دیده میشود زبان فرانسه از زبان لاتینی

استخراج شده است

سؤالات

طبایع رمنها چه بود — از معاشرت اهالی آسیا و یونان چه چیز آموختند —
در ممالکی که مسخر نمودند چه تصرفات کردند — اهالی این ممالک چه زبان تکلم میکردند

۶۴ - **سلطنت سربازان** امپراطورهائی که بعد از انطونینها آمدند
در امر سلطنت و حکمرانی آزاد نبودند و سربازان بر آنها مسلط شده بودند
هر وقت امپراطوری بقدر کفایت بآنها پول زیاد نمیداد و اطاعت
امر آنها را نمیکرد آن امپراطور را بقتل میرسانیدند و امپراطور دیگری بجای
وی مینهادند
قشون رمن عبارت از چند اردو بود یکی در مملکت انگلیس و یکی در سواحل
رود رن و یکی در کنار رود دانوب و دیگری در شامات ولی این
اردوها غالباً با یکدیگر اتفاق نداشتند و هر یک امپراطوری از برای
خود تعیین نموده با یکدیگر جنگ میکردند از سنه ۲۵۹ تا سنه ۲۶۸ میلادی که ده سال
بیش نیست زیاده از بیست امپراطور در رم معین شد و در میان آنها امپراطورهائی

خارجی هم بود مثل بلی یوقابل که کشیش جوانی از اهل شام بود و لباس زنانه می پوشید

سئوالات

امپراطورانی که بعد از آنطونینها بودند چه حال داشتند. سربازان با آنها چه قسم رفتار میکردند — قشون رم چه ترتیب داشت

۴۷ — **بنای شهر اسلامبول** — آخرالامر چندین امپراطور که در ابتدای امر بودند سلطنت رم منصوب گردیدند و بسیار معتقد بودند که مردم از آنها اطاعت و انقیاد نمایند و محض اینکه جنگهای داخلی رطرف گردیده از آن جلوگیری شود قرار براین دادند که همیشه در مملکت رم دو امپراطور سلطنت نمایند یکی در طرف مشرق مملکت و دیگری در ایالات غربی

بعد از این قرارداد در سنه ۳۲۶ میلادی امپراطور قسطنطین شهر جدیدی را برای خود بنا نمود و او را بنام خود موسوم ساخت این شهر در مدت چهار سال ساخته شد و شهر بزرگی شبیه شهر رم بود و بعد از اتمام ساکنین شهرهای مجاور انجا را قهراً بآنشهر انتقال داد و از آن زمان سلاطین شرقی رم انجا را پایتخت مملکت خود قرار دادند

سؤالات

آخر الامر کار امپراطوری رم بکجا منتهی شد   از برای جلوگیری جنگهای داخلی چه کردند — شهر اسلامبول در چه تاریخ وچگونه ساخته شد

۴۸ — **امپراطوری شرقی** از این تاریخ دو امپراطوری در مملکت رمن ها برقرار گردید یکی در قسطنطنیه و دیگری در ایطالیا ولی این امپراطورها در طرز زندگانی هیچ شباهتی با امپراطورهای قدیم رم نداشتند تاج مروارید بر سر میگذاشتند و در منتهای عمارت سلطنتی سکنی نموده بر فراز تخت طلای مینشستند و لباس بلندی می پوشیدند که حاشیه زربافت داشت و در دربار خود هزاران چاکر و خدم نگاهداشتند که همگی امپراطور را مثل خدا پرستش میکردند دربار ایشان بدربار سلاطین قدیم ایران خیلی شباهت داشت

سؤالات

از تاریخ بنای اسلامبول ترتیب امپراطوری رمن چه بود — امپراطورهای شرقی بچه قسم زندگانی میکردند

۴۹ — **تنزل مملکت** — امپراطورهای مزبور از برای مرتب داشتن

در باب سلطنت و نگاهداری سربازان خود پول بسیار لازم داشتند و از این جهت
مالیات زیاد از رعایا مطالبه میکردند و چون رعایای شهر از عهدهٔ ادای
آن مالیات گزاف بر نمی‌آمدند مالیات آنها را بر توانگران و اهل ثروت
شهر توجیه نموده ایشان را مجبور میساختند که در عوض تمام رعایا مالیات
مقرره را بپردازند بواسطه این رفتار در مدت صد سال تمام توانگران
بافلاس افتادند و رعایا متفرق گردیده از برای زراعت اراضی کسی
باقی نماند و همچنین از برای جنگ و دفاع دشمن بالاخره طوایف وحشی
از هر طرف داخل مملکت شدند تا در سنه ۴۷۶ سرکرده یکی از طوایف وحشی
که (اوداکر) نام داشت امپراطور رم را که سلطان قسمت غربی رم
بود از تخت سلطنت بزیر آورد و بجز امپراطور شرقی که پایتختش قسطنطنیه
بود باقی نماند

سؤالات

امپراطورها بچه ترتیب مالیات دریافت میکردند — طوایف وحشی چه میکردند
سرکردهٔ طوایف وحشی با امپراطور غربی چه کرد

خلاصه که باید از بر نمایند (۵)

اولاً ممالکی که با جماعت رُم درآمده بودند امپراطوری رُم را تشکیل داده،

ایالات متعدد تقسیم گشته در هر ایالت پروکنسول (نایب قونسولی) والی بود

ثانیاً دوازده امپراطور اول را قیصر نامیدند از سنه ۲۸ قبل از میلاد

الی سنه ۹۶ بعد از میلاد و اغلب آنها بی رحم و متعدی بودند

ثالثاً بعد از ایشان آنطونین ها درآمدند از سنه ۹۶ الی سنه ۱۹۲ میلادی و آنها

امپراطورهای عاقل بودند و حقوق منها ثابت کردند

رابعاً امپراطوری رُمن در آن عصر بسیار صاحب تمدن بود مشتمل بر شهرهای

آباد و راههای معمور که آثار آنها هنوز باقی است

خامساً دستجات قشون رم بسبب جنگهای داخلی مملکت را خراب کردند

سادساً امپراطورهائی که دوباره نظم را برقرار کردند مملکت را بدو قسمت

تقسیم نمودند و شهر قسطنطنیه را در سنه ۳۳۰ میلادی بنا کردند

سابعاً از زمان امپراطورهای رم مثل سلاطین ایران زندگانی کردند و در بار

ایشان مملو از طبقات خدم و چاکران بود

تماماً امپراطورها بسبب مالیات گزاف مملکت را خراب کرده‌اند و عواقب وخیمی

که بلاد را خالی از قشون مشاهده کردند از طرف مغرب حمله‌ور گشته اساس

امپراطوری غرب را بر هم زدند

یعنی رمامورین داایشان برحسب امر حضرت عیسی بشهرهای یونان و آسیا

رفته اهالی آنها را نصیحت و موعظه نمودند و خبرهای خوب و تازه بمردم میدادند

در لغت یونان خبر تازه خوب را (اوانژیل) میگفتند و از کثرت

استعمال بانجیل مبدل گشت و آن خبرهای خوب این بود که حضرت عیسی از

برای این فرستاده شده تا معتقدین خود را نجات داده بآسمان ببرد

در آنزمان مردمان فقیر ذلیل بسیار بودند و بسیاری هم غلامان

بینوا بودند که آقایانشان با آنها ستمکاری نموده بسختی میزدند و شکنجه

میکردند و در مجسهای تاریک در غل و زنجیرشان میکشیدند زیرا که در آنعصر

حق آقایان بود که هر چه خواهند با غلامان خود بجای آرند —

این فقرا و غلامان با کمال شعف مذهب جدید را قبول کردند که بانها نوید

میداد بعد از مرگ بآسمان خواهند رفت بشرط آنکه بعیسی معتقد بوده

خوب کردار و امین باشند

سؤالات

شاگردان حضرت عیسی کیان بودند و چه کردند — وجه تسمیه انجیل در ابتدا چه بود

چه قسم اشخاص در ابتدا بدین عیسی در میآمدند — جهت میل ایشان بدین او چه بود

۵۳ - **کلیسا** — دیر زمانی نگذشت که در ممالک از شام تا اسپان
جمعی عیسوی پیدا آمدند در ابتدا اجماعی اندک و مردمانی فقیر بودند
رفته رفته زیاد شدند و غالباً عیسوی ها در مکانی جمع میشدند که کتب
اخبار قدیمه و مواعظ حسنه و سرود در آنجا خواندند و شنوند و در میان همه
منتشر گردد هر یک از آن اجتماعات را (اکلیز) نامیدند و بعضی مجمعه
آنها را کلیسای عیسوی خواندند

سؤالات

عیسویان چگونه اشخاص بودند — چگونه اجتماع میکردند
ابتدای کلیسا چه بوده

۵۴ - **شهداء عیسوی** امپراطورها و حکام بلکه قریب تمام ملت
دین قدیم خود شان را نگاه داشته بودند و از عیسویها سخت خشمگین بودند
که بخدایان ایشان عقیده نداشتند ولهذا امپراطوران قانونی وضع
نمودند که مقتضی قتل و اعدام عیسویهائی بود که از عبادت بتان امتناع داشتند
و این از روی قانون منهیا بود و عیسویان را گرفته در وسط صحن سیرک
بر تیری می بستند و محض شغف و خوشوقتی عامه شیر و خرس و یوز و پلنگ

بطرف آنهارها میکردند تا آنها را بدرند ولی عیسویها از این عقوبتها ترس نداشتند و آشکارا اظهار مذهب نموده خودشان برای قبول این عقوبتها حاضر میشدند

اشخاصی را که از برای عقوبت بسیاستگاه میبردند مارتیر مینامیدند یعنی اقرارکننده و بعد از کشته شدن عیسویان اجساد ایشان را مقدس و محترم دانسته استخوانهای ایشانرا نگاهداشته بهترین یادگار مقدسین میشمردند

سؤالات

عموم مردم با عیسویان در چه حال بودند با ایشان چگونه رفتار میکردند

آیا عیسویان از اعدام و عقوبت دشمنان ترس و بیمی داشتند

بعد از کشته شدن عیسویان هم کیشان آنها چه میکردند

۵۵ ــ فیروزی عیسویان باوجود این زجر و سیاسات ساکنین امپراطور نشین اتصالا بآئین عیسوی میگرویدند تا در راس سیصد سال قریب تمامی سکنه شهرهای ممالک روم عیسوی بودند در سنه ۳۱۱ امپراطور کنستانتین قانونی درباب اجازه دخول بمذهب عیسوی مقرر داشت و در آن عصر در هر شهری یک نفر رئیس مذهب عیسوی بود که اورا (اوک) مینامیدند یعنی سرپرست

و رفته رفته این اوکها خیلی معتقد شدند و جمعیت ها بنام انجمن مذهبی تشکیل میدادند و ترتیب عقاید عیسوی را تعیین میکردند انجمن بزرگ نخستین (کنسیل نیسه) بود که در سنه ۳۲۵ تشکیل یافت و اوک ها عباراتی ترکیب کردند که هنوز در نمازهای عیسوی خوانده میشود

سؤالات

مردمان چه وقت بدین عیسوی درآمدند امپراطور چه قانونی مقرر داشت تفصیل اوک ها را شرح دهید

۵۶ — گفتار — در آن عصر نفهمیدند که عقاید قلبی باید اختیاری باشد تا هرکس بتواند باسودگی بطریقه مذهب خود رفتار نماید و مثل اهل این زمان در عقیده و مذهب آزاد نبودند و لهذا امپراطورهای عیسوی مذهب بت پرستان را اذیت و آزار بسیار مینمودند همان قسم که در سابق امپراطورهای بت پرست عیسویان را اذیت مینمودند امپراطور (ت اودز م) در سنه ۳۹۵ اشخاصی را که پرستش خدایان میکردند فتوای قتل میداد و از اینگونه اشخاص جز در دهات و صحرا وجود نداشت زیرا که آنها در جنگلها در زیر درختانی که نظر کرده می پنداشتند جمع میشدند و تا

قرن ششم میلادی از این اشخاص باقی بودند

سؤالات

امپراطورهای عیسوی مذهب با بت پرستان چه میکردند

بت پرستان در کجا یافت شدند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً یونانیها و رمهابت میپرستیدند و از رحم و شفقت خبری نداشتند حضرت عیسی برادری و مساوات را بآنها آموخت

ثانیاً حواریین عیسی کتاب انجیل را انتشار دادند و بسیاری از مردم خصوصاً فقرا عیسوی شدند

ثالثاً عیسویان در هر شهری در کلیسا جمع شدند تا از اجتماعات ایشان کلیسای عیسوی ترویج یافت

رابعاً مانعین در صدد اذیت عیسویان برآمده ایشان را طعمه حیوانات درنده میکردند و آن زمان را ما رتیر میگفتند (یعنی قتل با صبر)

خامساً رفته رفته تمام مملکت عیسوی شدند و کشیشها قدرت بسیار یافته مجالس بزرگ منعقد مینمودند

سادساً امپراطورهای عیسوی اشخاص بت پرست را صدمه میزدند و آنهارا کافر میخواندند

ماحصل کتاب اوّل (۷)

اوّلاً نخستین مردمان تربیت شده اهالی مشرق بودند که زندگانی اجتماعی را آموخته زراعت زمین و استعمال فلزات میکردند و بسیاری از صنایع و کسب و تجارت و علوم را اختراع کردند

ثانیاً مابین اهالی مشرق عمده اهل مصر بودند که بناهای زیبا نهادند و طایفه یهود که حضرت عیسی از نسل ایشانست اهل مصر بودند

ثالثاً اهالی اروپا که در آنعصر وحشی بودند بتوسط مراوده با یونانیها در تاریخ اسمی پیدا کردند تا مملکت مصر و قسمتی از آسیارا متصرف شدند و بواسطه فتوحاتی که از برای آنها میسر گشت تربیت یافته هنوز تربیت و تمدن ایشان رو بتزاید میباشد

رابعاً بعد از این تاریخ یونانیان ضعیف شدند و مغلوب و مطیع رمن‌ها گشتند و رمنها بر وسعت مملکت افزوده یونانیان را مطیع خود ساختند

و بعلاوه جزیره شمالی افریقا و اسپان و ممالک گل و قسمتی از بریطانی را که امروزه

موسوم بانگلیس است تصرف کردند و رمنها توسط یونان تربیت یافته در نوبت

خود سکنه ممالک مغرب زمین را که از آن پیش همه وحشی بودند تربیت کردند

خامساً تربیت که در ابتدا منحصر بمشرق بود متدرجاً مغرب را هم بدائره تمدن

در آورد

سادساً طایفه رمن در نوبه خود ضعیف گردیدند و وحشیان جرمن بر ممالک

ایشان حمله نموده خراب کردند

سابعاً تاریخ قدیم در اینجا باتمام رسید تاریخ متوسط شروع میشود

و تاریخ متوسط عبارتست از مدتی که فاصله مابین تاریخ قدیم و تاریخ

جدید میباشد

کتاب دویم

عصر متوسط

فصل اوّل

استیلای ژرمن

۵۷ - ژرمن ها - طوایف ژرمن در ابتدا در ممالکی که امروز المان نامیده میشود ساکن بودند و طبیعت وحشی داشتند از زراعت زمین و تربیت مواشی مطلع بودند ولی از علوم و کتابت و نقاشی و بنّائی ابدا چیزی نمیدانستند منازل ایشان در خانه های چوبی بود که در صحراها ترتیب میدادند جنگ و ستیز را بسیار دوست داشتند و غالباً در میان خودشان بجنگ و نزاع مشغول بودند زیرا که بطوایف متعدد منقسم میشدند

بسیاری از ایشان بخیال اجاع برای تحصیل ثروت بممالک امپراطور نشین داخل گردیده شهرها را غارت میکردند

اگرچه قشون دولت رُم تا یک اندازه جلوگیری می‌نموده از تعدی
و غارت ایشان مانع بودند و نمیگذاشتند از حد تجاوز نمایند

سؤالات

طوایف ژرمن ابتدا در کجا ساکن بودند و چه طبیعت داشتند چه چیزها میدانستند
و از چه چیز بی اطلاع بودند در میان خودشان بچه کار اشتغال داشتند برای تحصیل ثروت
چه میکردند قشون دولت رم چه میکرد

۵۸ — استیلای طوایف گُت طوایف گت بدو قسمت بودند
ویزی گت و استرگت این دو طایفه بزرگترین طوایف ژرمن بودند
در سنه ۳۷۵ از مکان و ماوای خودشان فرار از دست هونها کردند
و هونها وحشیانی بودند که از آسیا آمده و بهر جا رسیدند خراب کرده بودند
ژرمنها در فرار خود داخل مملکت امپراطوری گردیدند امپراطورها در ابتدا
با آنها بنای جنگ را گذاشتند ولی در ما بعد آنها را استخدام نمودند
چیزی نگذشت که رئیس طایفه ویزی گت موسوم به آلاریک هجوم نمود
شهر رم را متصرف شد و غارت نمود جانشین آلاریک بعد از او با تمام
رعایای خود بجنوب فرانسه و شمال اسپانی رفته در آنجا منزل گرفتند

وآن سرزمین سلطنت نشین ویزیگت موسوم گشت

سؤالات

طوایف گت بر چند قسمت بودند در چه سنه و از برای چه از مکان وماوای خودشان بیرون رفتند و بکجا داخل شدند امپراطورها با آنها چه کردند الاریک رئیس ویزیگت چه کار کرد جانشین او بعد از او چه کرد

۵۹ - استیلای بورگوندها و واندالها

امپراطورها قشون رمنی خودشان را که در مملکت گل گذاشته بودند بجهت مدافعه ایطالیا احضار کردند و چون در معبر رود رن کسی برای مدافعه موجود نبود دو طایفه ژرمنی موقع را مغتنم شمرده داخل مملکت گل شدند طایفه بورگوند در دره رود ساؤن و در ژورا سکنی گرفتند و آن اراضی ولایات ایشان گردیده بنام آنها به بورگونی موسوم گشت مردمانی بسیار تنومند بودند اما طبعی ملایم داشتند و چندی پیش از آن بمذهب عیسوی درآمده بودند و طایفه واندال از مملکت گل و بعد از اسپانی عبور کردند و در ملکی در طرف جنوب ساکن شدند که بعدها آن ملک بنام ایشان خوانده شد و آنجا را اندلوزی (واندلس) نامیدند

و بعد از آن ولایاتی که امروزه باسم آلژری (الجزیره) و تونیزی (تونس) موسوم است تصرف نموده از مجموع اینها مملکت واندال تشکیل یافت

واندالها مردمانی وحشی طبیعت و بسیار درنده بودند و از هر جا عبور میکردند ابنیه را خراب وکشیشان را مقتول میساختند و دولتشان دوامی حاصل ننمود

ژوستی نین امپراطور قسطنطنیه در تاریخ ۵۳۴ افریقا را مسخر ساخت

سؤالات

دو طایفه ژرمنی چگونه داخل مملکت گل گردیدند و هریک در کجا ساکن شدند

واندالها چه قسم اشخاصی بودند امپراطور قسطنطنیه در چه تاریخ افریقا را مسخر ساخت

۶ــ استیلای فرانها ــ فرانها دستهای مجزی بودند که در مملکت بلژیک سکنی داشتند یعنی چون در آنوقت بلژیک بدون سکنه بود امپراطورهای رمن این اجازه را بآنها داده در عوض ایشان را بخدمت میگماشتند رئیس ایشان که کلودیون نام داشت و یکی از دستهای کوچک در تبعیت او بودند پادشاه تمام فرانها

گردیده تمامت مملکت گل را تصرف نمود و از آن وقت آنجا را مملکت
فرانها نامیدند

سئوالات

فرانها که بودند و در کجا بچه جهت ساکن شده بودند رئیس آنها چه شد

۱۶ــ استیلای طوایف انگلوساکسون ــ

ممالک انگلیس را در آن وقت برطانی مینامیدند و متعلق بامپراطور
رمن بود تا زمانی که امپراطور قشون خود شان را از آنجا برداشتند
ساکنین مملکت چون از عهده دفاع کوهستانیهای مملکت اکش بر نمیامدند
طایفه ساکسن را که یکی از طوایف ژرمن بود برای خدمت خود طلب
نمودند و ساکسن ها با اهل و عیال خود بتوسط کشتی از ژرمانی بیامدند
و در جنوب انگلیس ساکن شدند ولی در سنه ۴۵۵ با سکنه اصلی مملکت نزاع
نموده ایشان را بقتل رسانیدند سایر طوایف ژرمن که به انگل
نامیده میشدند از دانمارک آمدند و بهمان قسم رفتار کردند بالاخره
در قرن ششم هفت سلطنت در مملکت بریطانی تشکیل شده بود چهار
سلطنت از ساکسون ها در سمت جنوب و سه سلطنت از طوایف انگل

درطرف شمال و از آن زمان این مملکت را انگلتر خوانند

سؤالات

ممالک انگلیس در قدیم بکه تعلق داشت چه شد که ساکسن‌ها بآن مملکت آمدند و با سکنه اصلی مملکت چه کردند در قرن ششم چند سلطنت در بریطانی تشکیل شده بود

۴۰ - استیلای طوایف استروگت و لمباردی

استرگتی‌ها در ایطالیا سلطنتی موسوم بدولت استروگت تشکیل داده بودند و سلطان آنها تئودریک از ۴۸۹ الی ۵۲۶ با رومیها دوست بود و او هم مانند امپراطورهای قدیم فرمان فرمای ایطالیا بود بعد از آن ژوستینین در ۵۵۴ قشونی فرستاده ایطالیا را تصرف نمود و چندی نگذشت که طایفه لمبارد از جمله طوایف ژرمان از جبال آلپ گذشته و در دره رود پو ساکن شدند در ۵۶۸ و مملکت لمباردی از ایشان تشکیل یافت که هنوز یک قسمت از دره رود پو را لمباردی میخوانند

سؤالات

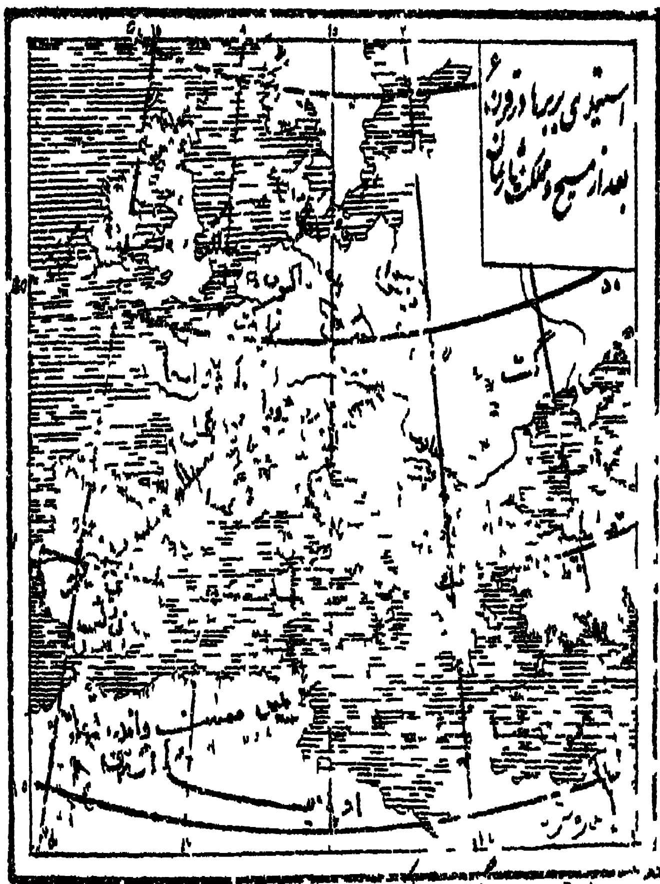
استیلاگرها در ایتالیا چه کرده بودند سلطان آنها چند مدت بارومیها دوست بود روستی نین با ایتالیا چه کرد طایفه لمبارد چه کردند و در کجا ساکن شدند

۴۰ - نتایج تصرفات - مدت استیلا و تسخیرات این طوایف دویست سال امتداد یافت و تغییرات کلی از آنها حاصل شد قبل از این تسخیرها مملکت رومن یک مملکت مستقل بود بواسطه این عمل منقسم بچندین سلطان نشین وحشی گردید در این سلطان نشینها اهالی دو قسم بودند یکی طوایف ژرمن که در تبعیت سلطان آمده بودند و دیگر اهالی اصلی مملکت که آنها را رمن میگفتند و این دو طایفه باهم زندگانی میکردند بواسطه اثر معاشرت وحشی گری ژرمنها تخفیف یافت ولی تمدن رمنی ها از دست رفت و بعد از آن نه راهی ساختند و نه عمارتی بنا کردند امر زراعت بتدریج تنزل نمود که تمام اراضی زراعتی مبدل بجنگلهای خار و علف زار گشت

سؤالات

مدت استیلای این طوایف چقدر امتداد یافت و چه اثرات بخشید حال مملکت رمن بکجا انجامید اهالی مملکت چند قسم بودند و معاشرت ایشان چه اثر نمود

۴۶- تغییر مذهب ژرمن ها — ژرمنها در ابتدا تمام کافر بودند و قیدی بمذهب نداشتند ولی هریک از آنهاکه داخل ممالک متمدن میشدند بآئین عیسوی درمیآمدند طوایف گت و واندال و بورگوند ولمبارد زودتر از سایرین مذهب عیسوی راپذیرفتند ولی تمام قوانین مذهب را چنانکه کشیشها تعلیم میکردند گردن ننهادند این طایفه از پیروان آرین بودند که اعتقاد به تثلیث نداشتند اما طایفه فرانک در هنگامیکه کلوُویُ تعمید یافت در سنه ۴۹۶ مذهب کاتولیک اختیار کردند وچون سکنه مملکت کاتولیک مذهب بودند اطاعت فرانک ها را از سایر طوایف وحشی بیشتر طالب بودند و باین جهت سلاطین سلسله کلوُویُ اقتداری کامل یافتند و در آن وقت کشیش بزرگ رم که موسوم به پاپ بود در همه جا محترم شد گرگوار پاپ دعات چند بانگلیس فرستاد تا طایفه انگلوساکسون را بمذهب عیسوی درآوردند در سنه ۵۹۷ چندی بعد از آن در ابتدای قرن هشتم بر حسب اهتمام پاپ طوایف ژرمن که در آلمانی ساکن بودند بمذهب عیسوی درآمدند سلاطین سلسله مروی ضعف حاصل نموده و سلسلهٔ والیان کلوُروُنی،



لار... پادشاه ویزیگتها ... بردند و روم را و غارت کردند آنجا را (۴۰۹) — ممالک
ویزیگت ها در جنوب گل و در شمال اسپانی — ممالک بورگوندها در دره ساون و رون و در سمت
شرقی آن — وندال ها در جنوب اسپانیا و در شمال افریقا — ممالک فرانک ها در گل است — انگلوساکسون
در انگلیس است — استروگت ها و لمبارد در ایطالیا

ترقی نهادند شارل مارتل و پسرانش از پاپ حمایت میکردند

سؤالات

ژرمنها سابقاً چه عقیده داشتند   و پس از دخول در ممالک رمن چه حاصل میکردند
طایفه فرانک در چه زمان بمذهب کاتولیک درآمدند و سکنه مملکت با آنها چگونه بودند
کشیش بزرگ رم چه نامیده میشد گرگوار چه کرد

۶۵ – شارلمان امپراطور نشین غرب

– باید دانست که پپن کوتاه پسر شارل مارتل پادشاه طایفه فرانک شد و شارلمان پسر پپن کوتاه جزء اعظم ایطالیا را تصرف کرد و تسخیر ژرمانی را باتمام رسانید و در سنه ۸۰۰ توسط پاپ تاج امپراطوری بر سر نهاد مملکت او را امپراطوری رمن میخواندند اگرچه در حقیقت شباهتی با امپراطوری رمن نداشت جز اینکه بلاد   طرف غرب مملکت که بدست وحشیان تقسیم شده بود دوباره در تحت امپراطوری مجتمع گردید و ژرمانی که هیچوقت جزء امپراطوری قدیم نبود جزء او شد

سؤالات

چون کوتاه چه شد شارلمان پسر او چه کرد در چه سال تاج امپراطوری
بر سر نهاد ترتیب مملکت داری امپراطوری او از چه قرار بود

خلاصه که باید از بر کنند (۸)

اولاً ژرمن‌ها طایفه وحشی بودند که در المان سکنی داشتند بسیاری از
آنها بجهت تحصیل ثروت با مپراطور نشین میآمدند
ثانیاً طایفه گت که از جلو طایفه هون فرار میکردند داخل مملکت شدند
در سنه ۳۷۵ قبل از مسیح و در ابتدا بخدمت امپراطورها قیام نموده بعد از
آن رم را مسخر ساختند و سلطان نشین ویزی گت را در اسپانی تشکیل دادند
ثالثاً بورگندها و واندالها سواحل رود رن را خالی از قشون دیدند
و داخل مملکت گل شدند در سنه ۴۰۶ بورگندها پادشاه نشینی موسوم به بورگندی
تشکیل نمودند و واندالها در افریقا سلطان نشینی برپا داشتند
رابعاً طایفه فرانک در بلجیک سکنی داشتند و در زمان سلطنت کلوی

مملکت گل را تصاحب کردند و از آن زمان مملکت گل پادشاه‌نشین فرنک‌ها موسوم شد

خامساً ساکسونها و انگلیسها به بریطان کبیر رفتند و امپراطورهای رم را

آنجا دست برداشتند ایشان هفت پادشاه‌نشین در آن مملکت تشکیل دادند

و مجموع آن با انگلترا موسوم گشت

سادساً طوایف اُسترگت در ایطالیا مملکتی تشکیل داده بودند

و در زمان تئودریک اقتداری حاصل کردند بعد از ایشان لمباردیها

در ۵۶۸ جانشین آنها شدند

سابعاً تسخیرات بربرها (وحشیان) مدت دو قرن امتداد یافته به عوض

تأسیس چندین مملکت گردید که اهالی آنها مرکب از بربر و رمن بودند و تمدن

ایشان از تمدن امپراطورنشین قدیم رمن کمتر شد

ثامناً ژرمنها در ابتدا کافر بودند و کم کم عیسوی شدند فرانکها دین

کاتولیک در آمدند و طوایف انگلوساکسون و ژرمن توسط دعات مسیحی

تغییر مذهب داده باطاعت پاپ در آمدند

تاسعاً شارلمان صاحب ایطالیا و ژرمانی شد و تاج امپراطوری بر سر

نهاد و مملکتی موسوم بامپراطوری ژرمن تشکیل داد

فصل دویم

شریعت اسلام

۶۰ — حضرت محمد ص ۳ — در مدتی که رومیها بتسخیر امپراطوری غرب
اشتغال داشتند اعراب نیز یک جزء از امپراطوری شرق را تسخیر مینمودند
در هیچ عصری ملت عرب تبعیتی از امپراطوری روم نداشتند
و بمذهب عیسوی در نیامده بودند هر قبیله از قبایل عرب بتی مخصوص داشتند
و او را ستایش میکردند ولی تمام آنها سنگ حجر الاسود را محترم و مقدس
میداشتند و او را درون خانه کعبه که بنائی مربع شکل است قرار داده
بدو تبرک میجستند

یک نفر از اهالی مکه از قبیله قریش که نام مبارکش محمد و در ابتدا بقافله
سالاری اشتغال داشت در ۶۱۲ دعوتی اظهار نموده فرمود خداوند
مرا به پیغمبری فرستاده است که عالمیان را هدایت نمایم اهالی مکه
او را بکشتن تهدید کردند و از آنجا هجرت نموده بمدینه تشریف برد و دعوت
خود را در تمام عربستان انتشار داد جمعی از شجاعان عرب دین او را قبول

نموده در راه نصرت او با کفار جهاد کردند تا پس از هشت سال مظفر و
منصور بمکه داخل شد
در سنه ۶۳۰ میلادی تمام عربستان دین او را قبول و او را اطاعت میکردند

سئوالات

اعراب در چه وقت امپراطوری شرق را تسخیر کردند ملت عرب تبعیت که مینمودند
و چه عقیده داشتند و پیغمبر قرشی در چه سال ظهور فرمود و کارش بکجا رسید

۴۷ - اسلام - آیاتی که بر آن حضرت وحی میرسید بعضی
از اصحاب مینوشتند و از مجموع آن آیات کتاب مقدس قرآن صورت
گرفت که در نزد مسلمانان بسیار محترم است چنانکه انجیل در نزد عیسویان
و تمام احکام و آداب مذهب اسلام در قرآن درج است
و آداب و قوانین اسلام از این قرار است
شهادت لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی خدائی نیست جز خدای
یگانه و حضرت محمد رسول و فرستاده اوست احکامی که خداوند ام
نموده و در قرآن درج شده باید متابعت و اطاعت نمایند در هر شبانه

روز پنج وقت نماز گذارند با آب یا خاک تطهیر و رفع نجاست کنند صدقه
بدهند و شراب نخورند و مرتکب اعمال مخالف دین نگردند کسانی که با
پیغمبر ایمان آورده اعمال شایسته کنند در بهشت پر از گل و ریاحین رفته
با انواع نعمتها متنعم و در آن جاوید خواهند بود و منکرین و بدکاران بدوزخ
سوزان رفته آب جوش بایشان خواهند نوشانید
این قوانین و احکام مذهب اسلام است و تابعین آن را مسلمان خوانند

سؤالات

بعضی از احکام و قوانین مذهب اسلام را بگویند

۸۶ـ خلفاء ــ در ۶۳۲ حضرت محمد رحلت فرمود
و کسیکه بعد از آنحضرت ریاست یافته جانشین او گردید خلیفه نامیده
و مسلمانان اطاعت او را مانند اطاعت حضرت محمد واجب میدانستند
و شخص خلیفه هم پادشاه و هم سردار و هم رئیس مذهب ایشان بود
چهار خلیفه اوّل در عربستان در مدینه منزل داشتند و خواستند سایر

ملل روی زمین را بمذهب خود درآورند ولی ایشان مانند عیسویان دعات مذهبی باطراف نمیفرستادند بلکه قشون حرکت میدادند مسلمانان جنگ با ملل غیر اسلامی را از جمله عبادات میشمردند و این جنگها را جهاد فی سبیل الله مینامیدند

سوالات

بعد از رحلت حضرت محمد ص چه شد خلفای اولیه در کجا توقف داشتند ، وچه کردند مسلمانان جنگ با کفار را چه می شمردند وچه مینامیدند

۶۹ – فتوحات اسلامی – قشون مسلمان عبارت از چندین دسته بود و سردسته بطرفی مامور میشد بدون اینکه احدی از ایشان لحظه توقف و تعلل نماید زیرا که مسلمانان معتقد بودند هر کس در جهاد کشته گردد فوراً به بهشت خواهد رفت ولهذا ابداً ترسی از مرگ نداشتند وشجاعانه جنگ میکردند

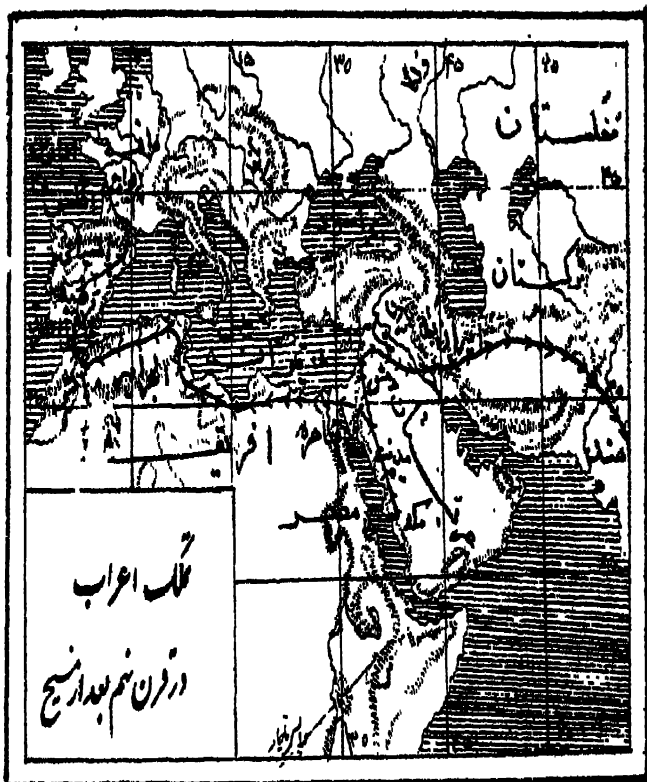
قشون اسلام مملکت شام را در ۶۳۶ تسخیر نمودند و در ۶۴۰ مصر را که متعلق بامپراطور قسطنطنیه بود مسخر ساختند و در ۶۴۲ تمام مملکت ایران بتصرف ایشان درآمد

بعد از خلفای اربعه خلفای بنی امیه دمشق شام را پایتخت قرار دادند
و همچنان بجنگ جهاد مداومت داشتند تا لشکر اسلام از طرف مشرق
ترکستان و شمال هندوستان را مسخر ساختند و از طرف مغرب تونس
و الجزایر و مراکش را متصرف شدند در سنه ۷۱۱
بعد از آن از تنگه جبل الطارق گذشته با یک جنگ تمام مملکت اسپانی را
مسخر ساختند پس مملکت امپراطوری خلفا از اقیانوس اطلس تا
رود سند امتداد یافت و هرگز مملکتی باین وسعت و بزرگی دیده نشده است

سؤالات

قشون اسلام بچه ترتیب بود عقیده ایشان درباب جهاد چه بود شام و مصر
و ایران را در چه سنه متصرف شدند بعد از خلفای اربعه پایتخت بنی امیه در کجا بود
وسعت مملکت اسلام چقدر بود با اسپانی چه کردند

۷۰ ـ توقف مسلمانان ـ مسلمانان مملکت فرانسه را فتح ننمودند و شارل مارتل
ایشان را در پواطیه متوقف ساخت سنه ۷۳۲ و بعد از آن شارلمان آنها را
از جنوب فرانسه خارج نمود



مکه محل تولد حضرت محمد ص — مدینه شهر دیگر عراب است حضرت رسول آنجا رفت (۶۲۲) و در آنجا وفات یافت (۶۳۲) — مسلمانان تصرف کردند شام و مصر و ایران و ترکستان و هندوستان و شمال افریقا و اسپانی را — پواتیه محل شکست اول شارل مارتل است عرب‌ها را (۷۳۲) — بغداد مکان خلفا است که مغل‌ها تسخیر کردند (۱۲۵۸) قرطبه شهر اسپانی است که خلیفه دیگر منزل داشت



ص ۳۰ سارازان ها در بحر مدیترانه سیر میکردند

بعضی از مسلمانها در افریقا در روی دریا بغارت و کسب غنیمت اشتغال
داشتند و در تمام دریای مدیترانه با کشتیهای خودشان سیر میکردند
و چون عیسویان را میدیدند آنها را اسیر نموده غلام و کنیز خود قرار میدادند
غالباً در سواحل ایطالی و فرانسه برای غارت [illegible] از کشتی فرود
آمده زنان و اطفال را اسیر میکردند

تمام جزیره سیسیل در تصرف ایشان در آمد و همچنین جزء جنوبی
ایطالیا در نزدیک شهر نیس قلعه محکم داشتند واروپائیان آنها را
سرازن هم مینامیدند

سؤالات

مسلمانان با فرانسه چه کردند   شارل مارتل و شارلمان با آنها چه کرد
مسلمانها در افریقا چه میکردند   با صحرائیان رفتاراشان از چه قرار بود

۷۱- انقراض دولت عرب دولت خلفا خیلی بطول نینجامید و مملکت اسلامی ابتدا بدو خلیفه نشین تقسیم گردید که پایتخت یکی در بغداد و دیگری در کردو (قرطبه) بود در اسپانی و بعد از آن چند سلطنت اسلامی دیگر در مصر و شام و الجزایر و مراکش و ایران تأسیس شد

در ۱۲۵۸ مغولها از ترکستان آمدند و شهر بغداد را متصرف شدند و قتل عام کردند و دستگاه خلافت بغداد منقرض گشت

ولی مغولهائی که بآئین اسلام درآمده بودند در عقیده اسلامی باقی ماندند چنانکه اکنون نیز هستند و قریب سیصد ملیون مسلمان در عالم وجود دارد

سؤالات

دولت خلفا چه مقدار طول کشید   مملکت اسلام بچند خلافت و سلطنت تقسیم شد
مغولها در چه تاریخ بر بلاد اسلام حمله نمودند   و با شهر بغداد و خلافت چه کردند
چقدر مسلمان در عالم وجود دارد

۷۲ — تمدّن اعراب — اعراب نه فقط جنگجو بودند بلکه شعر و علم را
دوست میداشتند و چون ممالک ایران و یونان را فتح نموده
مدرسه هائی که در آن بلاد بود باقی گذاشته از خود شان نیز در بغداد و
شام و قرطبه مدرسه ها بجهت تحصیل علوم بنا نمودند
مدرسه (سالرنو) قدیمی ترین مدارس طبی ایشان بوده اوّل کسی
که بعلم شیمی اشتغال جست عرب بود و مادّه الکل را اوّل آنها پیدا کردند عمارتها
و مسجدهای حیرت انگیز بنا نمودند اطراف شهرهای ایشان خیابانها با غستان
و مزروع بود در تمام عصر متوسط عربها بدرجات از عیسویها متمدن تر بودند

سؤالات

اعراب غیر از جنگجوئی چه داشتند با مدارس یونان و ایران چه کردند
کارهای عرب را شرح دهید

خلاصه که باید ازبر نمائید (۹۶)

اولاً پیغمبر عربی که نام مبارکش محمد بود در ۶۱۰ میلادی دین اسلام را آورد و تمامت اعراب بدین او درآمدند

ثانیاً — مذهب اسلام عبارت از احکامی است که در قرآن نازل گشته و خلاصه آن اینست که خدائی جز خدای یگانه نمیباشد و محمد پیمبر و فرستاده اوست مؤمنین در بهشت جاوید مکان دارند و منکرین را مکان در دوزخ است

ثالثاً خلفائی که جانشین آنحضرت بودند از ۶۳۲ الی ۷۳۲ مشغول جهاد گردیده تمام ملل را بآئین اسلام درآوردند

رابعاً لشکر اسلام همیشه مظفر و منصور بودند و ممالک شام و مصر و ایران و تمام شمال افریقا و مملکت اسپان را تصرف نمودند

خامساً مسلمانان بتوسط طایفه فرانک در فتوح خود متوقف گردیدند ولی در سواحل مدیترانه در تحت اسم ساراز ان بقتل و غارت اشتغال داشتند

سادساً مملکت امپراطوری خلفا در قرن دهم بچندین مملکت تقسیم شد که همه بر دین اسلام باقی بودند

سابعاً اعراب مدارس بسیار داشتند علم طب و شیمی را تکمیل نمودند و ابنیه عالی ساختند

فصل سیم

ملوک الطوایف

در اروپا

۷۳ — برهم خوردن دولت امپراطوری شارلمان. امپراطوری خانواده شارلمان پنجاه سال طول نکشید و در سنه ۸۴۳ نواده های شارلمان برحسب قرارداد وردون مملکت را بسه پادشاه نشین تقسیم کردند یعنی فرانسه و آلمان و ایطالی بجز پادشاه نشینهای کوچک که بعد از آن تشکیل یافت و اکنون آنها را محسوب نمیداریم

در ابتدا سلاطین و امپراطورها میبایست از خانوادهٔ شارلمان منتخب شوند ولی بعد از آن در هر پادشاه نشینی یکنفر از خانواده های محترم آن مملکت بسلطنت می نشست جز اینکه هیچیک در سلطنت خود اقتداری نداشتند و هر مملکتی با ایالتهای کوچک متعدد تقسیم شده در هر ایالت والی یا رئیسی حکومت میکرد و این والی در ایالت خود ریاست مطلقه داشت و دارای نفوذ کامل بود زیرا که سلاطین حق نداشتند او را معزول سازند و چون

والی میرو پسر یا دختر او وارث ولایت او بود

مسئوالات

بعد از بر هم خوردن امپراطوری شارلمان مملکت بچه حال شد سلاطین و امپراطورها بچه ترتیب انتخاب میشدند والی ها در ایالات خود چه حال داشتند

۲۴ — آقایان و شجاعان

— آنزمان مانند این عصر نبود که هر ایالت با اطراف آن در حکم یک خانه باشد بلکه ایالات عبارت بود از یک ده الی بیست و سی قریه با املاک و اراضی بسیار در هر قریه مالک بزرگی مسلط و مقتدر بود که او را آقا یا بارون مینامیدند و هر آقائی در حوزه تصرف خود مالک مستقل بود و جمعی از خدمتگذاران و جنگیان در دور او جمع بودند و خانه او عبارت از قلعه محکم بود که قصر مینامیدند

تمام این آقایان و خدمتگذاران ایشان سوار و جنگی بودند و اسلحه ایشان نیزه بلند بود و زرهی در بر میکردند که از زخم خوردن محفوظ مانند و آنها را اشوالیه (شجاع) مینامیدند

در آن عصر همه چنین می پنداشتند که اسباب عزت و عظمت منحصر است بجنگجوئی ولاجرم در عوض اینکه کسی را نجیب خوانند سرباز و جنگی مینامیدند

و چون این شوالیه ها (شجاعان) کار دیگری نداشتند روزگار خود
بجنگ و ستیز با یکدیگر میگذرانیدند

سؤالات

آیا آنها در آن عصر چه حال داشتند   آقایان و شجاعان چه میکردند
اسلحه ایشان چه بود   روزگار خود را چه قسم میگذرانیدند

۷۵ - **کشیش ها و راهبان** — در هر شهری کشیشی و در هر صومعه
راهبی منزل داشت کشیش ها و راهبها بسیار متمول شده بودند و باعث
آن این بود که آقایان و رؤسا بشدت متعدی و بدرفتار بودند غالباً
همسایه ها بلکه اقوام خود را بقتل میرسانیدند و چون از بسیاری معاصی
از عذاب الهی اندیشه میکردند قطعه ملکی را براهب یا کشیش واگذاشته
جزو املاک او قرار میدادند و از او درخواست مینمودند که از برای ایشان
طلب مغفرت نماید و بخشش گناه ایشان را از خداوند بخواهد
باین سبب کشیشان و راهبان ببرکت آقائی بزرگ شده بودند بخصوص
در آلمان که اغلب کشیشهای مایانس و کلن صاحب املاک و اراضی
بسیار گردیده و از اغلب خداوندگاران مقتدرتر بودند

سئوالات

حال کشیشها و راهبها چه بود. باعث تمول کشیشان چه بود
اعتبار ایشان بچه اندازه بود

۶۷ — **غلامان** — در عصر رمنها غالباً رعایای املاک غلام و بنده بودند و صاحبان املاک میتوانستند ایشان را باشخاص دور و نزدیک بفروشند یا بزنند و بکشند و کلیه مانند حیوانات با آنها رفتار میکردند

در عصر متوسط نیز عموم رعایا را (سرف) مینامیدند یعنی بنده و با زراعت اشتغال داشتند ولی مالک زمین نبودند بلکه املاک متعلق بود به پادشاهان یا آقایان یا کشیشان و راهبان و غلامان بیچاره جز برزگری کاری نداشتند بر یک قطعه زمین مختص خود را زراعت نموده ما حصل زحمات ایشان بصاحبان املاک میرسید بلکه کلیه زحمات بدنی و پول و گندم و شراب و جوجه ایشان حق صاحب ملک بود

چرا اینکه آقا حق نداشت قطعه زمین زراعت هیچ رعیتی را از او بگیرد و چون رعیتی میمرد زمین او بوارث یا باولادش میرسید

اگرچه این بندگان هم خیلی بدبخت بودند که صدمات فوق العاده میدیدند
ولی بحدی نبود که آقا و مالک آنها نمیتوانست آنها را از اعمالشان
دور سازد و باشخاص دور دست بفروشد

غلامان برزگر در قرن یازدهم خوشحال تر از رعایای رومیها بودند
زیرا که در آن زمان همه چیز رو بترقی بود اما برزگر باز هم بکلی آزاد نبود و ناچار
باید احکام مالک خود را مطیع باشد

هر آقا و مالکی در حوزه اقتدار و املاک خود یکنفر ناظر از جانب خود
میگماشت که بر رعایا پول بدهد این ناظر میتوانست از رعایا جریمه بگیرد و حتی
قتل آنها را امر بدهد و هیچ غلامی حق نداشت از قریه که در آن ساکن و مشغول
برزگری بود بجای دیگر برود

سؤالات

حال غلامان برزگر در عصر رومیها چه بود — حال ایشان در عصر متوسط چه بود
رعایای قرن یازدهم با رعایای رومیها چه تفاوت داشتند — هر مالکی در حوزه اقتدار خود که را میگماشت

۷۶ — بورژوا (اهل قصبه ها) در قرن دهم در دایره
اشرافی دهات رعیت نشین چیزی موجود نبود و بعد از آن رفته رفته

بسیاری از آن دهات بزرگ شده و شهریت حاصل نمود

سکنه هر شهری در دور شهر خودشان از برای مدافعه قلعه و جان پناه

میساختند و این قلعه ها را بورگ (معقل) و اهل آن را برژوا یعنی

ساکنین معقل میـنامیدند

در ابتدا بورژواها هم مثل رعایای دهات مطیع آقایان بودند و جز شوالیه ها

(پهلوانان) دیگری آزاد نبود

ولی در میان برژواها گاهی تاجر و کارگر پدید شد که فایده نقدی

حاصل میکردند بعضی از آنها حق اقتدار و حکومت را از آقایان برای

خودشان میخریدند و در آن شهر یا قصبه حکومت میکردند

سؤالات

در قرون وسطی حال قریه های اروپ چه بود — سکنه شهرها چه میکردند

برژواها چه حال داشتند — برژواها چه میکردند

۷۸ـ حال اروپا در عصر ملوک الطوایف ـ در این عصر

در تمام اروپا این اشخاص صاحب اقتدار و نفوذ بودند یعنی آقایان

و شوالیه ها (شجاعان) و کشیش و راهب ها و برژواها (معقل نشینها)

واین عصر را عصر ملوک الطوایف نامند

ممالک اصلی در آن عصر آلمان و ایطالی بود که بعد از این ذکر آنها میپردازیم

و دیگر مملکت فرانسه بود

امّا ممالک اسکاندیناوی یعنی سوئد و نروژ و دانمارک در آن وقت در حسابی

محسوب نبودند و مملکت بوهم و هونگری (مجار) و پُلُنی (ورشو)

وجودی ناقابل بودند وروسیّه هنوز بحال وحشیگری میزیستند

جزء اعظم اسپانی متعلّق بمسلمین بود ولی چند سلطنت کوچک عیسوی

مذهب در آن باقی مانده بودند مانند پرتوغال و کاستیل ولئون ولاآ

واراگون وبقیّه بامسلمان در جنگ وستیز بودند

سؤالات

صاحبان نفوذ وقدرت در عصر ملوک الطوایف در اروپا کیان بودند

ممالک اصلی در آنزمان کدام و سایر ممالک چه حال داشتند

اسپانی در دست که بود

۷۹ ـ **تسخیر نورماندیها مملکت انگلیس را** ـ یکی از وقایع

واتّفاقات بزرگ آنزمان تشکیل مملکت انگلیس است که نورماندیها تأسیس نمودند

بایمعنی که دزدان دریائی از نروژ میآمدند و در فرانسه با زمین خودشان
منزل میکردند در سنه ۹۱۱ ولایتی را که از مملکت فرانسه تصرف کرده بودند
نورماندی میخواندند و والی نورماندیها با مقتدرترین آقایان فرانسه
شده بود

گیلیوم والی نورماندی در سنه ۱۰۶۶ مملکت انگلیس را متصرف شد و انگلیس با
نورماندی متصل گشت و بعد از این اتصال یکی از ممالک عمده اروپا
گردید

سایر شوالیه ها (شجاعان) نورماندی سیسیل و مملکت ناپل را از سرازنها
گرفته سلطان نشین مخصوصی تشکیل دادند

سؤالات

نورماندیها با مملکت انگلیس چه کردند — والی نورماندی در چه سنه انگلیس را
تصرف نمود و بعد از آن چه شد — شوالیه‌های نورماند چه کردند

۸۰ ـ **قدرت فرانسه** ـ سلاطین اول فرانسه از
سلسلهٔ کاپتین پادشاهانی ضعیف بودند بعلت اینکه والی ها و رئیسها

که در ولایات بودند اطاعتی از آنها نداشتند ولی شوالیه ها دشجاعان
فرانسه در تمام اروپ مشهور بودند و شاهزادگان فرانسه در ممالک انگلیس
وایطالیا و پرتوگال سلطنت میکردند و در دربار سلطنتی پادشاه انگلیس
بزبان فرانسه تکلم میشد شعرای فرانسه که در قرن دوازدهم و سیزدهم
بودند سرگذشت جنگها را نظم نموده شعرای سایر ممالک تقلید آنها را
میکردند

معمارهای فرانسه کلیسا ها و عمارات خیلی قشنگ بطرز رُمَن با طاقهای
بلند خاقی میساختند و ممالک دیگر از آنها اقتباس میکردند پس تمام
سبب ها مملکت فرانسه در زمان ملوک الطوایف با وصف اینکه تقسیم شده
بود یکی از مهم ترین ممالک اروپ بود

سؤالات

سلاطین اوّل فرانسه چه حال داشتند شوالیه ها و شاهزادگان فرانسه
چه میکردند شعرا و معماران فرانسه چه میکردند فرانسه در عصر ملوک الطوایف
چه حال داشت

(۱۵) خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً امپراطوری شارلمان بچندین مملکت تقسیم شده و پادشاه‌نشینها با یالتها تقسیم شده بود که در هریک والی یا رئیسی حکمرانی میکرد و صاحب حقیقی آن ملک بود

ثانیاً مالکین را آقا مینامیدند و ایشان با همراهان و ملازمان در قلعه‌هائی که معروف بقصر بودند زندگانی نموده باسلحه شجاعان مسلح بودند و بایکدیگر جنگ میکردند

ثالثاً کشیشان و راهبان تسلط کاملی داشتند و آقایان بزرگی بودند

رابعاً رعایا از برای آقایان برزگری اراضی نموده مطیع ایشان بودند و بسیاری از آنها سرف (یعنی غلام) بودند ولی صاحب مزرعه خود بودند و از غلامان زمان رمنها با آنها بهتر رفتار میکردند

خامساً ساکنین شهرها که موسوم به بورژوا بودند حق حکومت قصبه خود را از آقایان میخریدند

سادساً این زمان عصر ملوک الطوایف اروپاست و ولایات اصلی در آن زمان آلمان و ایطالی و فرانسه بود

سابعاً والی نورماندی در ۱۰۶۶ انگلیس را تصرف کرد و شجاعان نورماند ممالک ناپل و سیسیل را تصرف کردند

ثامناً در آن وقت فرانسه مملکت عمده اروپا بود بواسطه شجاعان و شاعران و معماران که در او بودند

فصل چهارم

کور و ازاد (بی وفایان)

۸۱- **بی وفایان** ساکنان اروپا بچند ملت تقسیم شده و هر ملتی
بچند ولایت منقسم گشته بودند چرا اینکه تمام آنها در تمدن یک نوع بودند
و یک عقیده داشتند یعنی همه عیسوی مذهب بودند و اطاعت پاپ
میکردند

در قرن یازدهم ملل غیر عیسوی از همه طرف عیسویان را احاطه کرده
بودند و عیسویها ایشان را بیوفایان خواندند این بیوفایان در سه
طرف بودند باین ترتیب که در سمت مشرق مسلمانان مصر و شام و در
مغرب مسلمانان اسپانی که موسوم به (مر) بودند و در شمال شرقی
اسلاو و پروس که در ساحل رود اودر سکنی داشتند و هنوز در کفر باقی
بودند پاپ ها مقصودشان این بود که بیوفایان مجبور کرده پیروی
عیسی نمایند و باین جهت شوالیه ها را تحریک میشدند که با آنها جنگ نمایند
این قسم جنگها را جنگ صلیبی نامیدند بعلت اینکه هر یک از لشکریان

جنگ صلیب قرمز بزرگی بر روی لباس خود قرار داده بودند

سؤالات

ساکنان اروپا چه حال حاصل کرده بودند بی وفایان کیان بودند و در کدام طرف واقع بودند مقصود ما بیا چه بود و چه کردند جنگ بی وفایان برای چه نامیده

۱۲ — **جنگ صلیبی شرقی** بزرگترین این جنگهای صلیبی جنگی بود که در آسیا و در مملکت مصر واقع شد و او عبارت از هشت جنگ بزرگ بود در جنگ اول تقریباً تمام لشکریان صلیبی از فرانسه بودند و بیت المقدس را در ۱۰۹۹ سنه مسخر ساختند و جماعتی از لشکریان در همانجا مانده پادشاه نشین فرانسه را در بیت المقدس تأسیس نمودند ولی در مقابل مسلمانان تاب مقاومت نیاورده برای کمک خودشان شجاعان اروپا را طلب نمودند

جنگ صلیبی دویم بتوسط پادشاه فرانسه و امپراطور المان تربیت یافت و سعی ایشان بهدر رفت زیرا که نتوانستند بیت المقدس را از مسلمانان پس بگیرند

جنگ صلیبی سیّم را امپراطور المان و پادشاه فرانسه و پادشاه انگلیس پا کردند و فایده نبردند چرا که یک شهر مسخر نمودند شوالیه‌ها (شجاعان)

با اسلحه آهنین خود تاب حرارت هوای مشرق زمین را نیاورده تقریباً
تمام ایشان در عرض راه از حرارت هوا بهلاکت رسیدند
در جنگ صلیبی چهارم شجاعان خواستند از طرف دریا باسیا بروند
ولی اهالی شهر ونیز آنهارا از این عزیمت باز گردانیدند و در عوض جنگ
با بوفایان بطرف قسطنطنیه رفتند و در آنوقت سلطنت قسطنطنیه با امپراطوری
عیسوی مذهب بود ولی کاتولیک نبود محض همین شجاعان آنجا رفته او را
از تخت بزیر آورده بجای او یک نفر از خودشان را که اصلاً فرانسوی
و از اهل بوءدوان بود بسلطنت نشانیدند و بعد از آن مملکت را در میان
خودشان تقسیم نمودند و هر یک در ولایتی پرنس و والی و رئیس شدند و از
مجموع ایشان امپراطور نشین لاتین در قسطنطنیه تشکیل یافت که تا سنه ۱۲۶۱
بطول انجامید
مسلمانان تمام مملکت بیت المقدس را بجز جزیره قبرس تصرف کرده بودند
و چهار جنگ صلیبی دیگر در بیت المقدس واقع شد
جنگ ششم را امپراطور المان شروع نمود ولی در عوض آنکه با پادشاه
اسلام که بیت المقدس را متصرف بود جنگ نماید با او عقد اتحاد

بست بدون جنگ به اهل بیت المقدس گشت

دو جنگ صلیبی اخیر را سن لوئی انجام داد و میخواست مصر را مسخر سازد

ولی در جنگ صلیبی هفتم بحبس افتاد و در جنگ هشتم بمرض طاعون مرد.

سؤالات

بزرگترین جنگهای صلیبی کدام بود   سایر جنگهای صلیبی را که انجام داد   امپراطور آلمان با پادشاه اسلام چه کرد   جنگ صلیبی اخیر را که انجام داد

۸۴ – جنگ صلیبی اسپانی – مسلمانان تمام اسپانی را متصرف کرده بودند ولی بعضی شاهزاده های ضعیف عیسوی مذهب در مملکت پیرنه ساکن بودند و با مسلمانان بنای جنگ را گذاشته متدرجا بسمت جنوب پیش رفتند و شهر بشهر را متصرف شدند و در آنجا پنج پادشاه نشین عیسوی بود: پرتوگال کاستیل لئون ناوآرا آراگن.

شجاعان اسپانیول اوقات خود را صرف جنگ طایفه عرب مینمودند مثل سید معروف که در قرن یازدهم در سنه ۱۰۷۵ شهر والانس را گرفت و همچنین شجاعان عیسوی از اهالی فرانسه و انگلیس اغلب با اسم جنگ صلیبی می‌آمدند و مدت این جنگها زیاده از ششصد

سال طول کشید امّا کار عیسویان برودی پیشرفت میکرد زیرا که غالباً با
خودشان در جنگ بودند و با وصف این عاقبت الامر از برای مسلمانان
در اسپانی بجز مملکت کوچک گرناد (غرناطه) که در جنوب اسپانی
واقعست باقی نماند

سؤالات

شاهزادگان عیسوی در اسپانی با مسلمانان چه میکردند شجاعان اسپانیول
و سایر شجاعان عیسوی چه میکردند مدت جنگها چقدر طول کشید چرا کار عیسویان
بزودی پیشرفت میکرد

۸۴ - جنگ صلیبی پروس

از قرن دهم عیسویان آلمان با طوایف بت پرست که در اراضی سواحل دریای بالتیک سکنی داشتند جنگ میکردند
و اراضی سنگلاخ موسوم بر براندبورگ را تصرّف نموده بودند که شهر
کوچک برلن در آن بنا شده بود
در آن زمان در مملکت بیت المقدس بعضی از ابهای شجاع بودند که ایشان را
زن شجاعان تیتنی (؟) مینامیدند از برای خودشان صومعه تشکیل داده و زن
نمیگرفتند و بالا پوش سفید در بر نموده اسلحه با خود داشتند و همیشه
مستعد جنگ با کفار (غیر عیسویان) بودند بعد از آنکه مسلمانان عیسویان را

از بیت المقدس بیرون کردند این شجاعان که همه از اهل آلمان بودند
بکنار رود ویستول رفتند و در ولایتی که بت پرستان منزل داشتند
قلعه ماریَن بورگ را بنا نهادند محض اینکه طوایف پروس را به تغییر مذهب
مجبور سازند و همه ساله بسفر جنگ (غزا) رفته دهات و مزارع بت
پرستان را میسوزانیدند و خودشان را بقتل میرسانیدند و از سایر شجاعان
عیسوی مذهب امداد می طلبیدند این جنگها نیز نوعی از جنگ صلیبی بود
در رضای خدا را در این میدانستند که مخالفان عقاید و تعلیمات کلیسا را
بقتل رسانند و همچنین شجاعان فرانسه بجنگ صلیبی میرفتند یعنی
بکشتن فرانسویهای بزیه و ناربن که کاتولیک نبودند.

سؤالات

عیسویان آلمان در قرن دهم چه میکردند راهبهای شجاع بیت المقدس
چه کردند و در بلاد بت پرستان چه رفتار مینمودند شجاعان فرانسه چه میکردند

۸۵ — نتایج جنگ صلیبی — جنگهای صلیبی اسپانی و
پروس سبب شد که دو مملکت بتصرف عیسویان درآمد.

جنگ صلیبی مشرقی سبب شد که ملیونها عیسوی کشته گردید و مملکت عیسوی هم که بنا نهادند امتدادی نیافت ولی باوصف این جنگهای مزبور بیفایده نبود

اوّلاً شجاعان عیسوی که از ولایات مختلفه بودند و هریک در کنج ماوای خود گذرانیده با یکدیگر رابطه و آشنائی نداشتند بعد از آنکه برای جنگ اجتماع نمودند باهم آشنا شدند و تمام فرانسوی ها فهمیدند که همه یک ملت هستند

ثانیاً چون عیسویان ببلاد مشرق در آمدند مسلمانان را مشاهده نمودند که عمارات قشنگ عالی داشتند و لباسهای فاخر پوشیده بودند بهترین اطبا در میان ایشان بود و بهترین مدارس تشکیل داده بودند - عیسویان تمام این چیزها را در خاطر خود نگاه داشتند و تقلید آنها برخواسته لاجرم بعد از جنگهای صلیبه اروپا متمدن تر از سابق گردید

سئوالات

جنگ صلیبی مشرقی سبب چه چیز گردید

جنگ صلیبی مشرقی سبب چه چیز گردید — جنگهای صلیبی اسپانی و پروس چه چیز را سبب شد — فواید و اثرات جنگهای صلیبی چه بود

خلاصه که باید از بر نماید

(۱۱)

اولاً شجاعان عیسوی در قرن یازدهم با بیوفایان یعنی غیر عیسویان شروع بجنگ نمودند و این جنگها را جنگ صلیبی نامیدند

ثانیاً عیسویان از سنه ۱۰۹۶ تا سنه ۱۲۷۰ هشت جنگ با مسلمانان مشرق نمودند و مملکت بیت المقدس را در سنه ۱۰۹۹ تأسیس کردند و بعد مسلمانها او را از ایشان گرفتند و همچنین مملکت لاتین قسطنطنیه را و امتداد جنگ ایشان از سنه ۱۲۰۴ تا سنه ۱۲۶۱ بود

ثالثاً عیسویها جنگهای صلیبی زیاد با مسلمانان اسپانی نموده چندین مملکت عیسوی در اسپانی تشکیل شد

رابعاً عیسویان آلمان و براندبورگ سلسه را تصرف کردند و شجاعان فرقه تتونی با ... و اهالی پروس جنگ صلیبی نمودند و والی نشین پروس را بنا نهادند

خامساً جنگهای صلیبی اسباب کشته شدن ملیونها مردمان گردید ولی ازاین جهت که طوایف عیسوی با یکدیگر نزدیک و آشنا شدند فایده بخشید و نیز این جنگها سبب شد که از سابق متمدن تر شوند

فصل پنجم

آلمان و ایطالی

در عصر متوسط

۸۶ – امپراطورهای آلمان — پادشاهان آلمان مانند فرانسه سلطنت شان موروثی نبود بلکه سلطان بموجب انتخاب تعیین میشد یعنی چون پادشاهی وفات می نمود آقایان آلمان در جلگه وسیعی برای انتخاب سلطان جدید جمع میشدند و غالباً پسر پادشاه متوفی انتخاب میشد سه فامیل بزرگ در آلمان سلطنت نمودند

اوّل خانواده ساکسن که از آلمانهای شمالی بودند در قرن دهم

دوّیم خانواده فرانکنی که از مرکز آلمان بودند در قرن یازدهم

سیم خانواده سوآب که از جنوب بودند در قرن دوازدهم و سیزدهم

این سلاطین آلمان از پادشاهان فرانسه مقتدرتر بودند زیرا که آقایان آلمان باطاعت پادشاه عادت یافته بودند ولی در قرن سیزدهم ا

این حادثه از دست رفت

در قرن دهم مملکت ایطالیا در نهایت بی نظمی بود در همان اوقات
اُتُن اول پادشاه آلمان با قشونی بزرگ از جبال آلپ عبور کرده برم
آمد و تاج امپراطوری بر سر نهاد از آن زمان تا مدت پانصد سال
هر پادشاهی که در آلمان بسلطنت منتخب میشد قشونی از شجاعان آلمان
جمع نموده با ایطالیا میرفت و ابتدا به پاوی رفته نشان مملکت لمبارد را
میگرفت و بعد از آن از برای گرفتن تاج امپراطوری برم میرفت از این
قرار همیشه آلمان و ایطالی یک امپراطور داشتند
ولی چون مسکن امپراطور در آلمان بود ایطالیائیها اطاعتی از او
نداشتند و غالباً لازم میشد که پادشاه با جنگ داخل رم شود.

سؤالات

تعیین سلطنت آلمان بچه ترتیب بود — چند فامیل در آلمان سلطنت کردند
در قرن دهم مملکت ایطالی چه حال داشت اتن اول چگونه برم رفت
بعد از آن پادشاهان آلمان بچه قسم برم رفته تاج امپراطوری را میگرفتند

۱۲ — پاپ ها — پاپ آقا و بزرگ مذهبی رم بود و همچنین برای

عیسویان ریاست داشت در ابتدا پاپ ها توسط امپراطور المان منتخب
میشدند و اطاعت او را مینمودند و همچنین کشیش ها در ابتدا ها امپراطور
تعیین میکرد و ایشان را جمع نموده شورائی تشکیل میداد بجهت انتخاب
پاپ و کاتیه بتقسیم رفتار میکرد که پنداشتی رئیس کلیسا میباشد.
عاقبت الامر پاپها نخواستند که انتخاب ایشان با مشورت عموم کشیشها
و تصویب امپراطور باشد و از این جهت قرار گذاشتند که انتخاب
پاپ فقط توسط کشیش های شهر رم باشد.

سؤالات

پاپ که بوده — انتخاب پاپ را که مینمود — تعیین کشیشها در ابتدا با که بود
پاپ ها خواستند چه شود و چه کردند

۸۸ — منازعه پاپها و امپراطورها. بالاخره پاپها قوت گرفته
امپراطورها و پادشاهان را از حق تعیین کشیشها در ابتدا بیرون ساخت
نموده و چون املاک کشیش ها در وسط املاک امپراطوری واقع بود
از هر جانب امپراطور بر آنها حد داشت با ایشان در رتبه هم عنان
برآمد و ایشان نیز از امپراطور زده و خورده زدند این زد و خوردها جنگهای

جمهوری را احاطه خواندند

امپراطور هانری چهارم بیش از دیگران در مقاومت کشیش ها سختی نمود
و پاپ گرگوار هفتم بکلی رابطه را با او قطع نموده بشجاعان مخصوص خودش
حکم داد بر امپراطور شورش نمایند

امپراطور نگریست که رعایای خودش از اطاعت او خارج شده و بزرگان
او را گفتند مجبور گردیده با یطالی آمد و از پاپ معذرت خواست
گرگوار هفتم در عمارت کانسا منزل داشت و سه روز امپراطور را معطل
ساخته نزد خود بار نداد و او را با پای برهنه در جلو درب عمارت نگاه داشت

در سنه ۱۰۷۷

امپراطور هانری پنجم در سنه ۱۱۲۲ با پاپ مصالحه نمود و متقبل گردید که انتخاب کشیشهای
بزرگ همیشه با تصویب پاپها باشد

سی سال بعد از آن امپراطور فردریک اول معروف به باربروس قشون
بزرگی فراهم ساخت که ایطالی ها را مجبور باطاعت نماید و شهر میلان را
در سنه ۱۱۶۲ خراب کرد ولی سایر شهرهای لمباردی با یکدیگر اتفاق نمودند
و پاپ نیز از آنها حمایت نمود چه پاپ میل نداشت که امپراطور را در ایطالیا

ریاست و آقائی باشد

هواخواهان پاپ را گلف مینامیدند و دوستداران امپراطور را گیبلین

بالاخره در سنه ۱۱۷۶ امپراطور مغلوب گردیده از ایطالیئیها مصالحه طلبید

فردریک باربروسس پادشاهی شجاع بود و تمام رعایای او المانی

بودند و از او احترام میکردند

آخر بجهت جنگ صلیبی حرکت کرد و در یکی از رودهای آسیا خود را غرق

ساخت آلمانها مردن او را معتقد نیستند و حکایت میکنند که وقتی

چوپانی باربروسس را در قعر غاری دیده است که در جلو میزی از سنگ

خوابیده و ریش او سه دور بر گرد کمرش پیچیده شده

خانواده باربروسس که بعد از او امپراطور شدند مکرر شروع بجنگ نمودند

فردریک دویم وارث مملکت ناپل گردید و او در خدمت خود سربازان

مسلمان نگاهداشت و لمباردی را مغلوب ساخت

پاپ چند نوبت با او قطع رابطه نمود و اتباع خود را حکم بشورش داد

بعد از مرگ او که در سنه ۱۲۵۰ بود پاپ اظهار داشت که من میخواهم این

نژاد افعی را منقرض سازم و مملکت ناپل را ببرادر سن لوئی دوک دانژو

آنژو باشد و او آخرین اولاد باربروس کنرادین جوان را در سنه ۱۲۶۸ گردن زد

سؤالات

...پاپها با امپراطورها چه کردند   امپراطور هانری پنجم با پاپ چه کرد —
...پاپ گرگوار هفتم با او چه رفتار نمود

۱۹ - خرابی امپراطورنشین آلمان . از آن زمان همیشه امپراطوریکه در آلمان بود توسط هفت نفر شاهزادگان مقتدر انتخاب میشد که سه نفر ایشان کشیش بودند و آن هفت نفر را منتخبین مینامیدند منتخبین مزبور مخصوصاً شاهزاده را بسلطنت انتخاب میکردند که قدرتی نداشته باشد.

امپراطور هیچوقت نه پول داشت و نه قشون و مردم از او اطاعتی نداشتند شاهزادگان و آقایان کلیه مالک الرقاب و صاحب اختیار مملکت بودند در بسیاری [از] نقاط شجاعان راهزن ماوی گرفته براهزنی اشتغال داشتند و مانع عبور و مرور اغلب قافلههای تجارتی گردیده اموال ...ده را بغنیمت میبردند و صاحبان اموال را در زندان زیرزمین حبس میکردند تا مجبور گردیده خودشان را با قیمت گزاف بخرند . هیچ جه حساب و عدالتی

در میان نبود و شهرت وی است که در مملکت آلمان حتی بغیر از حق وی دروغ جو
نداند

سؤالات

امپراطور آلمان بتوسط کیان انتخاب میشد — چگونه شاهزاده را بسلطنت تربیت
میکردند — منتخبین چه اشخاصی بودند و چه حال داشتند — شجاعان راهزن و غا
چه میکردند — حال مملکت آلمان چه قسم بود



س — شجاعان راهزن که بر مسافرین و تجار تعدی میکرد

۶ — شهرهای ایتالیا — در ایتالیا آقایان بزرگ که بودند
برگرد هر شهری حصاری بود و قشون در آن سکنی داشت و محکمه
مخصوص تشکیل داده مانند مملکت کوچکی مستقل بود
با ثروت و با قدرت ترین این شهرها ونیز و ژن بود که بر دو بندر

بودند وکشتی بسیار داشتند تجار ایشان برای خرید ادویه و ابریشم و فلفل و
عاج بمصر و آسیا میرفتند و این اجناس را در فرنگ بقیمت گزاف
میفروختند

اهل ونیز تمامی جزایر یونان و قسمتی از خود یونان را متصرف شده بودند
غالباً شهرهای ایطالیا با یکدیگر جنگ داشتند در قرن پانزدهم
ساکنین شهرهای ایطالیا خودشان بجنگ نمیرفتند و قشون داوطلب
اجیر نموده بجنگ میفرستادند و غالباً رئیس قشون مزبور بعد از فتح حکمرانان
و بزرگان شهر را حبس کرده می کشتند و خودشان صاحب و مالک آنشهر
میشدند

حکمرانی شهر ونیز بتوسط دارالشورائی مرکب از نجبای شهر بود ولی شهرهای
دیگر قریب تمام آنها بتصرف یک نفر ظالم درآمد

سئوالات

شهرهای ایطالیا چه ترقی داشتند — با ثروت و قدرت ترین آن شهرها
کدام بود اهالی شهرهای ایطالیا در جنگ چه میکردند رئیس قشون داو
طلب با شهری که فتح مینمود چه میکرد حکمرانی ونیز با که بود

وردن — عهدنامه بین قوه‌های ... تا ...
بیت مقدس — متصرف شده و ... ۱۰۵۵ م
قسطنطنیه — تسخیر شد با سعی شجاعان عثمانی (۱۴۰۳ م) دیار تحت ملک ...
سد ... ۱۰۷۵ تصرف شود   مصر — مملکتی است از افریقا که د...
و دو نقطه هستند که شارل ...

۱۰ ـــ نهری که گیلیش در آنجا بدست ترود از شاهزاده

حسن ... دارد ـــ بواسطه پادشاه فرانسه در انگلیس مشهور شده ۱۹۱ ،

تند برلن ـــ نباشد بواسطه ... ن آلمان مارینبورگ ـــ قلعه‌ایست که شوالیه

بجاست بود اول جنگ صلیبی بانود مورگارتن ـــ جائی است سویس‌ها فتح کرده

خورده دره پیشا در ۱۳۷۶

۹۱ـ **شهرهای هانس** ـ در آلمان نیز حکومت چندین شهر با خود آنها بود یعنی ساکنین شهر اطاعت بعضی از فامیلهای قدیم را میکردند با قدرت ترین آنها شهرهای شمالی بودند که عبارت از لوبک و هامبورک و برم و کلن و دانزیک باشد کشتیهای آنها برای تحصیل چوب و پیه و چرم و پوست به نروژ و روسیه سفر میکردند و برای قلع و پشم بانگلیس میرفتند و در تمام آلمان میفروختند در سنه ۱۲۴۱ شهرهای آلمان با یکدیگر اتحادی موسوم باتحاد هانس تشکیل دادند و هشتاد شهر در این اتفاق و اتحاد داخل شدند

سؤالات

ترتیب حکومت شهرهای آلمان چه بود ــ مقتدرترین آن شهرها کدام بود کشتیهای تجارت آنها بکجا میرفت

۹۲ـ **شهرهای سویس** ـ در کوهستان اطراف دریاچه لوسرن رعایا آزاد بودند یکی از شاهزادگان آلمان که والی اطریش و در آن حدود املاک داشت خواست رعایا را باطاعت خود مجبور سازد رعایا که همگی مسلح بودند جمع گردیده سه قسم شدند که از اتفاق و حمایت یکدیگر دست

برندارند

و چون سواره شجاعان با راضی و املاک آنها داخل شدند رعایای
پیاده با آنها مقاومت نموده در مرگارتن در سنه ۱۳۱۵ همه را بقتل رسانیدند

اتحاد رعایای مزبور در ابتدا از سه بلوک تشکیل یافته بود و در سنه ۱۳۵۱
هشت بلوک دیگر در آن اتحاد داخل شدند و در [illegible] ایالتهای سویس با
ایالات دیگر دیده اتحاد سیزده بلوکی تشکیل شد

اسلحه سویسیها نیزه و شمشیر بود و با همین اسلحه بجنگ میرفتند
شارل تمریر دوک بورگونی تصور میکرد که سواره شجاعان نجیب تنها
پیاده را نیز مقهور خواهند ساخت ولی امر بر خلاف این واقع شد
و در جنگهای بزرگی که در گرانسون و مورات در سنه [illegible] شجاعان [illegible]
شکست خوردند. از آن وقت شهرت سویس تأسیس یافت و دیگر کسی در صدد
برنیامد که بر مملکت سویس حمله کند و در آنها بنظر بهترین قشون اروپا نگریستند
و تا مدتها پادشاهان طالب شدند که ترتیب آنها قشون داشته باشند

[illegible]

سئوالات

رعایای کوهستان اطراف دریاچه لوسرن چه حال داشتند شاهزاده المان درباره آنها چه قصد نمود وایشان چه کردند چند بلوک در اتحاد سوییس ها داخل شدند سوییس ها با سواره شجاعان چه کردند

۹۴— **تنزل پاپ** — پاپ امپراطور را شکست داد و مدت پنجاه سال تمام مردم در اطاعت او بودند تا در سنه ۱۳۰۱ پاپ بنی فاس هشتم مراسله ممهوری برای فلیپ پادشاه فرانسه فرستاد مشعر براینکه از کشیشها وصومعه داران فرانسه مالیات نگیرد [فلیپ] که خیلی پول لازم داشت ونیز مجوا (نیست) مملکت او از تحت حکمش خارج شود امر کرد آن مراسله را سوزانیدند وچون پاپ خواست حکم قطع رابطه با پادشاه بدهد و با او ستیزه نماید یکنفر از شجاعان ایطالیا جماعتی از اوباش جمع نموده در نزدیکی شهر رم در سنه ۱۳۰۳ مانع حرکت پاپ گردید وچندی بعد از آن مجمع کشیشها یکنفر فرانسوی را که کلیمن پنجم نام داشت از برای پاپی تعیین کردند و شخص مزبور از شهر رم خارج شده باوینین آمد در سنه ۱۳۰۹ وهمانجا اقامت نمود مدت هفتاد سال کرسی پاپی در اوینین باقی ماند و در اینمدت احکام پاپ همه بر حسب میل پادشاه فرانسه بود

سئوالات

پاپ با پادشاه فرانسه چه کرد پادشاه با او چه کرد شجاع ایطالیائی چه کرد مجمع کشیشها چه کردند پاپ در کجا اقامت جست

۹۴- وقوع تقسیم — ایطالیائی‌ها برای اقامت پاپ از پادشاه فرانسه باز خواست کردند تا آخرالامر یکی از پاپها که ناشش گرگوار نهم بود از اوینیون برم مراجعت نمود ولی بعد از هجرت او پاپ دیگر در اوینیون انتخاب کردند و از آن زمان پاپ دو نفر شدند

و عیسویان نیز به دو قسمت منقسم گشتند اهالی فرانسه و اسپانی و اکس مطیع پاپ اوینیون بودند و ممالک دیگر اطاعت پاپ رم میکردند و اینمعنی را وقوع تقسیم نامیدند عاقبت لاامر کشیشهای ممالک دیگر در سنه ۱۴۱۱ در کنستانس مجلسی تشکیل دادند و هر دو پاپ را مجبور کردند که از کار کناره کنند

و بعد از آن پاپ جدیدی انتخاب کردند

از آن زمان پاپ منحصر به یکنفر شد

و از آن پس در سنه ۱۴۳۰ خلیفه‌ها در مجلسی عمومی برای اصلاح ترتیبات کلیسا جمع گشتند محض اینکه تمام مردم از وضع آن شکایت داشتند و وقوع

تقسیم سبب شده بود که در بسیاری از ممالک بر خلیفه های پاپ شوریده
بودند و از برای پاپ قدرتی باقی نمانده مثل اوایل قرون متوسطه اطاعتی
از او نمیکردند

سؤالات

وقوع تقسیم را بیان کنید اتحاد پاپ چگونه و در چه تاریخ بود اصلاح ترتیب کلیسا
از برای چه بود

۹۵ – **تسخیر عثمانیان قسطنطنیه را** – در زمان شارلمان ممالک
مغرب زمین در تحت فرمان فرمائی امپراطور و مطاعیت پاپ قرار گرفته
بود و مذهب عیسوی در مقابل خلاف بیوفایان و غیر عیسویان رخیلی
اسباب قوت بود قدری بعد از آن پاپ که بر عیسویان نافذ الحکم
بود جمعی شجاعان را بتسخیر ممالک مشرق مامور کرده بود
چرا که بواسطه منازعه پاپ و امپراطور مملکت خراب شد و پاپ نیز دراواخر
مغلوب پادشاه فرانسه گردید و سلاطین اروپا با یکدیگر در جنگ بودند یعنی
از همان زمان که والی نورماندی انگلیس را مسخر کرد و جنگ صد ساله
شروع شد پادشاهان فرانسه و انگلیس باهم نزاع داشتند

مع القصه دراین مدت که روسای عیسویت با یکدیگر مشغول جنگ و نزاع
بودند جماعتی از مسلمانان که ترکان عثمانی باشند اوّل آسیای صغیر را
مسخر ساختند و بعد باروپا حمله کردند این جماعت قشونی جرار تشکیل دادند
و همگی مطیع سلطان خود بودند

در سنه ۱۳۶۱ قشون ترک داخل اروپا شدند و در آن زمان در شبه جزیره
بالکان جمعیت قلیلی از عیسویان سکنی داشتند که عبارت از (والاک)
(بلغار) و (صرب) باشند و همگی در دفع مسلمانان اجتماع نموده فرانسه
و المان نیز بحمایت آنها آمدند ولی در سه جنگ بزرگ بتاریخ سنه ۱۳۸۹
و سنه ۱۳۹۶ و سنه ۱۴۴۴ شکست یافته ترکان فایق آمدند و آن ممالک را
در تحت اطاعت خود در آوردند شهر قسطنطنیه قدری بیشتر مقاومت نمود
ولی سلطان محمد دویم آن شهر را با توپهائی محاصره نموده بالاخره در سنه ۱۴۵۳
بحمله مسخر ساخت و منتهای حد مملکت مشرق شهر قسطنطنیه گردید

از آن زمان تاکنون قسطنطنیه پایتخت سلاطین عثمانی است و ممالکی که بتوسط
ترکان مفتوح شد ترکستان اروپا و ترکستان آسیا نامیده گشت

بعد از فتح قسطنطنیه بسیاری از عیسویان در آنجا باقی ماندند و ترکها در صدد

اذیت و قتل آنها بر نیامدند ولی آنهارا کله و چارپای میشنامیدند و
با آنها بدرفتاری نموده پول زیاد از آنها میگرفتند

سئوالات

در وقتی که عیسویان با هم نزاع داشتند چه واقع شد دول بالکان با عثمانیان
چه کردند سلطان محمد دویم چه کرد قسطنطنیه چه شد بعد از فتح قسطنطنیه عیسویان
آنجا چه کردند

۹۶ ـ آخر عصر متوسط ـ و حال اروپ

عادت مورخین بر اینستکه آخر عصر متوسط تسخیر قسطنطنیه را قرار دهند و در آن تاریخ حال
اروپ از این قرار بود

فرانسه انگلیسها را خارج ساخت و تمام آن مملکت بپادشاهی تعلق
یافت که مالیات زیاد میگرفت و قشون خوب داشت

انگلیس در جنگ صد ساله مغلوب گردید و آنچه در مملکت فرانسه داشت
از دست بداد و جنگ بزرگ داخلی در انگلیس شروع شد

اسپانی رفته رفته مغلوب شاهزاده های عیسوی گردید و کاستیل
و آراگون هریک مملکت جداگانه تشکیل دادند ولی دیری نگذشت که هردو

...

یک مملکت شدند

و پس در مغرب اروپا سه مملکت بزرگ صورت بست فرانسه و انگلیس

و اسپانی. این ایتالیا و آلمان که در میان بسیاری از شاهزاده‌ای

کوچک و جمهوریهای کوچک تقسیم شده بود

از سوئد و نروژ حرفی در میان نبود

و روس‌ها هنوز در وحشیگری باقی بودند

و مغرب اروپا را ترکها فرا گرفته بودند

سئوالات

در عصر متوسط چه وقت است   در آخر عصر متوسط چه واقع شد

خلاصه که باید از بر نمایند (۱۲)

اولاً در تمام مدت عصر متوسط از ۹۶۲ پادشاه المان ضمناً امپراطور ایطالیا بود ولی ایطالیائی‌ها باطاعت او راضی نبودند

ثانیاً در ابتدا پاپ را امپراطور او را تعیین مینمود اطاعت میکرد. ولی از ۱۰۵۹ پاپ بتوسط کشیشهای رم منتخب شد

ثالثاً پاپ و امپراطور در مدت دو قرن با یکدیگر مشغول جنگ بودند و پاپ گرگوار هفتم هانری چهارم را مجبور کرد که آمده از او ترضیه خواهد در ۱۰۷۷ امپراطور فردریک باربروس مجبور گردید که از پاپ صلح جوید در ۱۱۷۷ و امپراطورها در ۱۲۵۰ مغلوب پاپها گردیدند

رابعاً از آن زمان امپراطور آلمان بقدری ضعیف شد که دیگر نتوانست نظم را نگاهداری نماید و مملکت آن را شجاعان راهزن غارت نمودند

خامساً در ایطالیا هر شهری بحکومت خود میپرداخت و مخصوصاً شهر ونیز و ژن بواسطه تجارت صاحب قدرت بودند در قرن پانزدهم تقریباً تمام شهرهای ایطالی در تحت اقتدار یکنفر ظالم جبّار درآمد

سادساً شهرهای بزرگ تجارتی در شمال آلمان خودشان بحکومت خود قیام
داشتند و در مجمعی موسوم به هانس جمع میشدند
سابعاً دهقانان آزاد سویس شجاعان اطریشی را در مرگارتن در سنه ۱۳۱۵
مغلوب نمودند و مجمعی موسوم باتحاد سیزده کانتون تشکیل دادند و در سنه ۱۴۷۶
بر شجاعان بورکینی در کران سون و مرات غالب آمده بهترین قشون
پیاده اروپا شدند
ثامناً در موقع خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه گردیده در آوینیون منزل
گرفت در سنه ۱۳۰۹.
تاسعاً بعد از آنکه در سنه ۱۳۷۶ پاپ برم مراجعت کرد مابین پاپ رم و پاپ
آوینیون تقسیم بزرگی واقع شد تا بالاخره در مجمع کنستانس تقسیم مزبور بنهایت
رسیده بار دیگر در سنه ۱۴۱۴ پاپ یکی شد
عاشراً جماعت مسلمانان ترکها از آسیا آمده شبه جزیره بالکان را
از عیسویان گرفتند و در سنه ۱۴۵۳ قسطنطنیه را مسخر نمودند
حادیعشر عصر متوسط باین ترتیب اختتام یافت که در آن وقت سه مملکت بزرگ
یعنی فرانسه و انگلیس و اسپانی تشکیل یافته ولی ایطالیا و المان تقسیم شده و ضعف حاصل کرد

ماحصل عصر متوسط

اولاً ژرمنها امپراطورنشین رُمن را برهم زدند و بجای او چندین مملکت تشکیل یافته و قدری متمدن گشته عیسوی شدند

ثانیاً شارلمان آنها را در یک مملکت جمع نمود ولی آن مملکت نیز برهم خورد در تمام اروپ ملوک الطوایفی برقرار شد

ثالثاً سلاطین آلمان یک دیگر مملکتی تشکیل دادند که عبارت بود از آلمان و ایطالیا و امپراطوران مذکور با پاپها مدتی نزاع داشتند و مغلوب پاپ شدند

رابعاً در همین زمان عربها با آیین اسلام در آسیا و تمام افریقا و مشرق را متصرف کردند و مسیحیان اروپا با مسلمانان جنگهای صلیبی نمودند

خامساً در دورهٔ خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه شد و امپراطوران آلمان بعد از تقسیم باقی ماندند و فرانسه و اسپانی و انگلیس مملکت صاحب قدرت شدند

سادساً در آن زمان عصر متوسط بانجام رسید و عصر جدید شروع گردید

کتاب سیّم

عصر جدید

فصل اوّل

اختراعات و اکتشافات

۹۷ - **ابتدای عصر جدید** - در آخر قرن پانزدهم اختراعات چند وقوع یافت و مطالب بسیار تکمیل گشت ممالکی که تا آن زمان شناخته نشده بود کشف شد و عقول مردم بسبب خیالات جدید در خصوص انشا نوشتجات و علوم و صنایع و مذهب بهیجان آمد و تمام این مطالب خبر میداد که عصر جدیدی از برای تاریخ شروع شده

سؤالات

در آخر قرن پانزدهم چه وقوع یافت

۹۸ - **باروت**. باروت که تفنگ و توپ را با آن پر میکنند تا قرن چهاردهم در اروپا شناخته نشده بود چینیها ساختن باروترا میدانستند ولی او را بجز در آتشبازی استعمال نمیکردند اروپائیان بایجاد

افتادند که او را در جنگها بکار برند و توپ را ساختند توپهائی که در ابتدا
ساختند خیلی سنگین بود و بدخالی میشد و هنوز تفنگ اختراع نشده و شمخال
هم خیلی ناراحت بود از برای خالی کردن شمخال بایستی همیشه یک فتیله روشن
کرده همراه داشته باشند بعد از آن یاد گرفتند که توپ را با عراده ببندند
و اسب آن را بکشد شارل هشتم از آن توپ صد و چهل عراده با ایطالیا
برد و بعد از آن سنگ چخماقی بر تفنگ تعبیه و اضافه کردند و تفنگها را
سبکتر ساختند از آن زمان توانستند از دور با یکدیگر جنگ نمایند
و قلعه و جان پناه دشمن را با توپ خراب کنند بالاخره از روزی که
اسلحهٔ آتشی بدست پیاده نظام درآمد پیاده از سوار هولناکتر شد
و امور مذکوره سبب گردید که انقلابی در لوازم جنگ رخ داده خراب
نمودن قصرهای امرا و شجاعان آسان گردید و سواران شجاع با
زره و چهار آینه و خود و الیق و کر و فر دیگر نتوانستند در مقابل گلوله
یکنفر پیاده مقاومت نمایند آقایانی که در قصرها سکنی داشتند و
سوارها زره و در خود جمع میکرد بعد از اختراع اسلحهٔ آتشی اهمیت
آنها خیلی کاسته شد پادشاهانی که توپ زیاد و پیاده نظام بسیار

بستند و ملک کابل بتصرف درآورده تمام زیردستان را باطاعت
درآوردند

سؤالات

در اروپا باروت چه وقت شناخته شد قبل از اروپائیها کدام ملت ساختن
باروت را میدانستند در ابتدا توپ تفنگ ها را از چه قسم میساختند و بعد ازان
چه اختراعات در آن نمودند اختراع توپ و تفنگ چه اثری نمود و چه تغییری در
اوضاع عالم داد

۱۹ – **قطب نما** – قطب نما عبارت از عقربه مقناطیسی است که
همیشه بطرف شمال مواجه میشود اروپائیان پیش از قرن چهاردهم
آنرا نمیشناختند و بسبب آن تغییر کلی در ترتیب کشتیها پدید آمد مسافرین
دریا از شناختن قطب نما جرئت میگرفتند از سواحل دور شوند و بعد از
اختراع قطب نما توانستند از وسط دریا عبور نمایند در حالیکه از [illegible]
برای [illegible] نداشتند زیرا که توسط قطب نما همیشه جهت شمال را برای
ایشان معین بود

اسپانیولیها و پرتگالیها در اکتشاف عالم جدید از قطب نما فایده زیاد
حاصل کردند

سئوالات

قطب‌نما چه چیز است و چه وقت آنرا شناختند قبل از اختراع قطب‌نما حال مسافرین دریا چه بود بعد از اختراع آن چه تغییری حاصل شد کیان از قطب‌نما فایده کلی بردند

۱۰۰ — کشف افریقا و راه هندوستان — در قرن پانزدهم اهل

پرتوغال در طول غربی افریقا حرکت نمودند و متدرجاً جزیره مادرو کاناری و سواحل گابن را کشف کردند

در سنه ۱۴۸۶ ملاحی از پرتوغال تا دماغه امید خیر مسافرت نمود و متعاقب آن واسکودوگاما از اسپانیول با چهار کشتی حرکت کرده دور دماغه خیر گردید و ساحل شرقی افریقا را اکتشاف نموده بهند رسید

در سنه ۱۴۹۸ پرتوغالیها در آنجا مهاجرنشین یا مستعمرات قرار دادند و بتجارت مشغول شدند

سئوالات

در قرن پانزدهم اهل پرتوغال چه کردند

واسکو دوگاما چه کرد — در چه تاریخ پرتوغالیها در هند مهاجرنشین نصب کردند

۱۰۱ — اکتشاف امریکا — مکتشف امریکا ایتالیائی موسوم به کریستوف

کلمب در پیش خود فکر کرده بود که چون زمین گروی دگر است
هرگاه از سمت مغرب دور بزنیم بهندوستان خواهیم رسید عاقبت الامر
عزم خود را جزم نمود که پادشاه اسپانی را وادارد تا سه فروند کشتی مختصر
بجهت این مسافرت باو بدهد و پادشاه پذیرفته او بکشتی نشسته مدت
دو ماه در دریای اقیانوس حرکت میکرد تا در یازدهم اکتبر سنه ۱۴۹۲
بجزیره از جزایر لوکای رسید و اراضی امریکا را کشف کرده بود
در سنه ۱۵۲۰ ملاح دیگری بنام ماژلان در خدمت پادشاه اسپانی
بود از اقیانوس عبور کرده از سمت جنوب امریکا را دور زده داخل
اقیانوس کبیر گردید و جزایر اقیانوسی یا آسیائی را کشف نمود کشتی ماژلان
بعد از سه سال باسپانی مراجعت کرد و این اولین دفعه بود که دور کره
زمین را طی کرده بودند

سؤالات

کریستف کلمب چه فکر کرده بود و چه کرد ماژلان ملاح چه کرد کشتی ماژلان
بعد از چند وقت باسپانی برگشت

۱۰۴ – تسخیر مکزیک و پرو – اراضی امریکا مسکن شد

وحشی بود ولی دو مملکت بزرگ در آن ایام وجود داشت یکی مکزیک در امریکای
شمالی و دیگری پرو در امریکای جنوبی در این دو مملکت معادن ثروت
انگیز طلا و نقره موجود است و پادشاهان آنها خزانه‌های بسیار بزرگی
از طلا و نقره فراهم ساخته بودند اسپانیولها این مطلب را فهمیده و تصمیم
کردند که آن ممالک را تصرف نمایند در سنه ۱۵۱۹ یکنفر اسپانیولی موسوم
بفرنان کرتز با ششصد سرباز از کشتی بمکزیک فرود آمد و هجده راس اسب
و ده عراده توپ همراه داشت

به پرو رفته داخل شهر خود شان کرد

اسپانیولیها ادب و احترام مکزیکی ها را بجهت تصرف نمودن خزانه های
پادشاه آنها غنیمت شمردند.

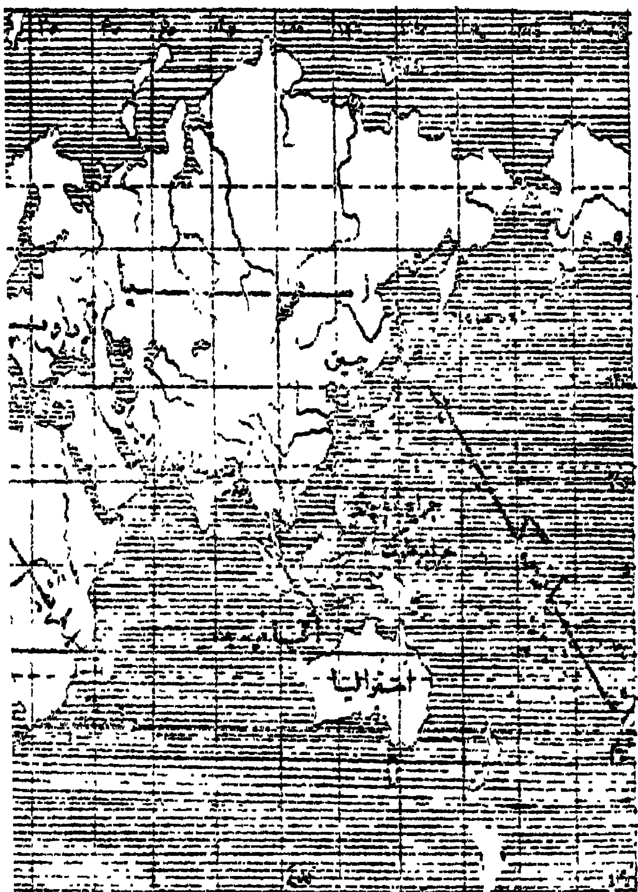
مکزیکی ها قصد ایشان را ملتفت شده یکدفعه شورش نمودند و زیاده
از صد هزار مرد جنگی جمع شده فرنان کرتز را محاصره کردند ولی بالاخره
کرتز آنها را مغلوب ساخت و پادشاه ایشان را با آتش تلف نمود
و مکزیک مهاجرنشین (مستعمره) اسپانیول شد

در سنه ۱۵۲۱ یکدسته اسپانیولی دیگر بریاست و فرماندهی پیزارا نام داخل
شهر پرو شدند و در سنه ۱۵۲۹ پادشاه را گرفته حبس کردند و بجهت خلاصی
از حبس یک اطاق پر از طلا از او مطالبه کردند آخر الامر پادشاه را
خفه کردند و پرو نیز بتصرف اسپانیولیها درآمد

سؤالات

اهل مکزیک — و اسپانیولیها با آنها چه کرد — در مکزیک و پرو چه چیز هست
با اسپانیولیها چه کردند — پیزار اسپانیولی با پادشاه چه کرد

۱۰۳ - ممالک اروپائی پرتوگالیها و اسپانیولیها متحد



مادیرا و کناری — جزیره هائیست که توسط پورتغالیها در قرن پانزدهم کشف شده — کاپ
هند آسیا — جائیست پورتغالیها اول دفعه استقرار داشتند — امریکا — کشف شده بو
مکزیک را در امریکای شمالی، فرنان کرتز مفتوح ساخت ۱۵۱۹ پیرو — مملکتی است
برزیل — مملکتی است از امریکای جنوبی پرتغالیها مفتوح ساختند

در خارج اروپا ممالک بزرگ شدند پرتوگالیها در طرف مشرق
در آسیا و افریقا و آسیائی متصرفات بدست آوردند و در سواحل جنوبی
افریقا و هند و چین بندرها داشتند که در آنها مال التجاره شرقی از
قبیل ادویه و ابریشم و عاج و ادویه جات میگرفتند و همچنین جزایر مولوک
و برزیل را مالک بودند

اسپانیولیها در طرف مغرب در امریکا متصرفات پیدا کردند و جزایر
آنتیل و مکزیک تمام امریکای جنوبی باستثنای برزیل مالک شدند
و در آسیائی جزایر فیلیپین را متصرف شدند

سئوالات

پرتوغالیها در خارج اروپا چه متصرفات داشتند اسپانیولیها کدام
ممالک را متصرف شدند

۱۲۴- **خرید و فروش سیاهان** — اسپانیولیها که بامریکا
میرفتند تقریباً تمام اتباع سرخ چرمی [illegible] دلالی [illegible] وحشیانه میکردند
و خصوصاً اینکه [illegible] را باید [illegible] مجبور میکردند که در معدن
از برای [illegible] بکشند [illegible] زارو [illegible] بآنها رسانیده [illegible]
شده [illegible] آنها [illegible] برای ایشان با سختی [illegible] و [illegible]

زحمت زیاد صدمه با نان وارد میاوردند که اغلب آنها از کثرت زحمت تلف

میشدند

و بعد از آن غلامان سیاه از افریقا خریداری نموده بامریکا میاوردند

که از برای ایشان کار بکنند واین تجارت دور از انسانیت را خرید و فروش

سیاهان میگفتند ابتدای آن از سنه ۱۵۱۷ بتوسط اسپانیولیها

شروع شد و بعد از آن ملل دیگر از قبیل پرتوغالی و فرانسوی و انگلیسی

پیروی ایشان نموده بکار غلام سیاه واداشتند

سؤالات

اسپانیولیها با اهالی امریکا چه قسم رفتار میکردند بعد از آن با افریقائیان

چه میکردند خرید و فروش سیاهان در چه سنه و از که شروع شد ملل دیگر چه کردند

۱۰۵ - نتایج اکتشافات - اروپائیان تا قرن پانزدهم

بیش از یک گوشه عالم را ندیده و نمیشناختند بعد از این اکتشافات

تمام عالم برایشان عیان گشت

محصولات آسیا و امریکا از قبیل پنبه و فلفل و قند و ابریشم در اروپا بسیار

نادر و گران قیمت بود بعد از این اکتشافات اشیاء مزبوره فراوان

وارزان شد

اروپائیها فقط در مملکت اروپ محصور بودند واکنون نژاد ایشان در

تمام امریکا واسترالی موجود است

سؤالات

اروپائیان تا قرن پانزدهم چه حال داشتند محصول آسیا وامریکا چگونه بود

خلاصه که باید ازبر نمائید

اولاً اکتشافات واختراعات آخر قرن پانزدهم ابتدای عصر جدید است

ثانیاً باروت در اروپا از قرن چهاردهم شناخته شد وبعد از آن

توپ وتفنگ چخماقی وشمخال ترتیب دادند وانقلابی در جنگ پدید آمد

ثالثاً اختراع قطب نما سبب شد که مسافرتهای طولانی در قبه دریا نمود

رابعاً پرتوغالیها تمام افریقا را اکتشاف نموده درسنه ۱۴۹۸ از راه دماغه

امید خیر بهند رسیدند

خامساً اسپانیولیها امریکا را کشف نمودند درسنه ۱۴۹۲ واولین دفعه

بود که دور کره ارض گردیدند درسنه ۱۵۲۰

سادساً درسنه ۱۵۱۹ فرنان کرتز مکزیک را تصرف نمود ودرسنه ۱۵۲۹

پیزار مملکت پرو را تصرف کرد وهمه جزو نشین اسپانیول شد

مابقی در آن وقت پرتوغالیها در مشرق و در افریقا و در هند و در جزایر ملوک در برزیل

متصرفات داشتند و اسپانیولها در مغرب و در امریکا متصرفات حاصل کردند

ثانیاً اسپانیولیان از برای تحصیل محصولات این مهاجرنشینها در سنه ۱۵۱۷

خرید و فروش غلامان سیاه را معمول کردند و سایر ملل نیز غلام سیاه نگاه

داشتند

ثالثاً این اکتشافات سبب شد که تمام عالم باروپاییان شناخته شود و

آنها را برای تملک تمام عالم حاضر ساخت

فصل دوّیم
تولید جدید

۱۰۶ــ **چاپ** ــ در زمان سابق کتاب جز با خط دستی نبود و تمام کتابها را با دست می نوشتند پس از برای تحصیل کتاب مبلغی گزاف لازم بود در حوالی سنهٔ ۱۴۴۰ یکنفر آلمانی گوتانبرگ نام چاپ را اختراع نمود تا توانستند از یک کتاب ملیونها نسخه بردارند و کتاب بسیار بدست آید و ارزانتر فروخته شود

سؤالات

چاپ را که و در چه تاریخ اختراع نمود ــ فایدهٔ این اختراع چه شد

۱۰۷ــ **تولید مصنّفات** ــ کتابهای مصنّفین قدیم یونان و لاتین بسیار نادر و کمیاب شده بود و از بعضی از آنها جز یک نسخه باقی نمانده بود که زیر گرد و غبار کهنه در طاق نسیان افتاده بود بعد از اختراع چاپ تمام آن کتابها منتشر گردیده حتّی اشخاص بی ثروت نیز بخواندن آنها قدرت یافتند و گفتند عصر قدیم مجدّداً متولد گشته و این

عصر را عصر تولد مصنفات خوانند

سؤالات

تصنیفات مصنفین قدیم یونان بچه حال شده بود   بعد از اختراع چاپ چه شد

۱۰۱ــ **تولید صنایع** ــ در اواسط قرن پانزدهم یکنفر فلامانی
رنگهای روغنی را اختراع کرد و ایطالیائیها ابنیه و مجسمه‌های رنگین را
با رنگ روغن تجدید نمودند و همچنین در قرن پانزدهم در ایطالیا معماران
و حجاران و نقاشان قابل پدید آمدند مشهورترین آنها میکلانش حجار
ولئونارد دوونچی و رفائیل نقاش بودند
بسیاری از شاهزادگان آنعصر شعر دوست میداشتند و مجسمه‌های
قشنگ و پرده‌های زیبا جمع میکردند و شعرا و نقاشان ماهر را نزد
خود مقرب ساخته ایشانرا با کرم و انعام خورسند میداشتند مشهور
ترین این شاهزادگان در رم لئون دهم پاپ بود و لرنزو دومدیسی در
فلورانس باین جهت آنعصر را عصر تولید صنایع نامیدند

سؤالات

منگنه‌ی دغنی را که در چه زمان اختراع کرد بعد از آن ایطالیائیها چه کردند
شما ساده‌کاران آن عصر چه میکردند

۱۰۹ – تولید صنایع در اروپا دارالصنایع از ایطالیا شروع شد و بزرگترین صنعتگران در میان ایطالیائیها پدید آمدند و بعد از آن جاهای دیگر هم بتقلید ایطالیا برخاسته در همه جا صنعتگران ماهر ظاهر شدند نویسندگان و حجاران فرانسه معروفند همچنین در آلمان نیز صنعتگران بزرگ پیدا شدند که مشهورترین آنها دورر و هلبین بودند در اسپانی و انگلیس و هلاند نیز صنعتگران خوب بوجود آمد اما فقط در ابتدای قرن هفدهم

سؤالات

صنعتگران قابل در کجا پدید آمدند

۱۱۰ – تولد علوم – قرن شانزدهم عصر علم و دانش نیز پیدا شد چه در آن عصر یکنفر بلژیکی علم تشریح (شناسائی اعضای جسم انسان) را اختراع نمود و یکنفر از اهالی پلنی (ورشو) کپرنیک نام گردش زمین را بر گرد آفتاب کشف نمود

سئوالات

قرن شانزدهم را عصر چه چیز خوانند   علم تشریح را که اختراع نمود

گردش زمین را که معلوم کرد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً چاپخانه که در حوالی سنه ۱۴۴۰ گوتنبرگ اختراع نمود سبب زیاد شدن کتاب گردید

ثانیاً انتشار کتب قدما متقرر و معمول شد و مقصود از تولد تصنیفات همین است

ثالثاً نقاشان و حجاران بزرگ در ایطالیا پدید آمد و شاهزادگان آنها را باکرام و احسان تشویق میکردند و این عصر تولید صنایع است

رابعاً تولیدی که در ایطالیا شروع شد در آلمان و فرانسه انتشار یافت

خامساً بعضی دانشمندان نیز در آن عصر بوجود آمدند مانند وزال و کپرنیک

فصل بیستم

اصلاح آداب مذهبی و جنگها

۱۱ — **کلیسای کاتولیک** در تمام عصر متوسط تمام مردم مغرب زمین
اروپا کاتولیک بودند یعنی همه یک عقیده داشتند و مطیع پاپ و نواب
او بودند اگر وقتی یکنفر عیسوی اعتقادی برخلاف میل و رضای پاپ
و خلفای او اظهار میکرد عموم مردم او را مجبور بتوبه و استغفار
مینمودند و اگر امتناع میکرد مرتد میشد و او را حبس میکردند و بعد از آن
با آتش میسوزانیدند زیرا که اهل آن زمان آزادی عقیده را معتقد نبودند
و بکسی اجازه نمیدادند و چون در مملکتی مرتد زیاد میشد با آنها جنگ
صلیبی میکردند در قرن هشتم بعد از جنگ بزرگ صلیبی آلبی ژوا
محکمه‌های مخصوص تشکیل دادند تا برای اینکه اشخاص مرتد را پس
از جستجو بدست آورده فتوای مجازات آنها را از محکمه صادر نمایند
و این محکمه‌ها را انکی زیسیون نامیدند و در فرانسه و انگلیس و آلمان
از آنها تشکیل داده بودند بدترین همه انکی زیسیون اسپانی بود که در

قرن پانزدهم در مدت یکصد سال ده هزار نفر را با آتش سوزانیده

سؤالات

در عصر متوسط عیسویان چه عقیده داشتند اگر کسی بر خلاف رضای پاپ اعتقادی اظهار میکرد او را چه مینامیدند و با او چه میکردند آلمانی زمین چه بود بدترین آلمانی زمین ها کدام بود

۱۱۲) – **اصلاح عقاید در آلمان** – در ابتدای قرن شانزدهم خیلی اشخاص از ترتیب تشکیل هیئت کشیشها ناراضی بودند و معلوم کردند که کشیشان و راهبان بی اندازه ثروت حاصل نموده اند و پاپ پول گزاف خرج میکند و کلیه هیئت روسای مذهبی بد رفتار میکردند بحدیکه خلفا خودشان میگفتند که مذهب عیسوی باید ریفرمه (اصلاح) شود

یک نفر راهب آلمانی لوتر نام شرحی بر ضد پاپ نوشت و پاپ حکمی با مهر خود در تکفیر او نشر ساخت لوتر حکم تکفیر پاپ را علناً در حضور عامه سوزانید و گفت بعد از این اطاعت پاپ بر عیسویان لازم نیست بلکه فقط احکام و نوشتجات قدیم بجهت آداب امور مذهبی کافی است.

واین معنی در ۱۵۲۰ سنه اتفاق افتاد چندین نفر از شاهزادگان آلمان
لوتر را حمایت نموده از اذیت و آزار و سوزانیدن او مانع شدند
لوتر انجیل را بلغت آلمانی ترجمه کرده اغلب آلمانیها رفورمه اصلاح او را
پذیرفتند و شاهزادگان این کار را از برای فایده و منفعت خود میکردند
زیراکه چون کشیشان و صومعه نشینان دنیاپرست و خیلی بیعقیده شدند
بر نفوذ و قدرت شاهزادگان افزوده گشت هواخواهان لوتر را اتباع
رفورم (اصلاح) یا پروتستان خواندند
در ۱۵۲۰ سنه پادشاه سوئد با تمام رعایای خود رفورمه شدند

بسبب هجرت نمودند به ... نیت در سنه ۱۵۹۸ و اهالی آن شهر حکومت خود را

داشتند و در خود جان و به دین ... هوگنوتها ... کالون

شهرت یافتند در ممالک فرانسه خصوصاً در طرف جنوب جمعی کالونی

نیز بودند و همچنین در اسکاتلاند نیز مروج دین شدند

سئوالات

در فرانسه چه حوادث بود کالون فرانسوی چه کرد و کجا رفت

۱۱۴ — رفرم در انگلیس — پادشاه انگلستان هنری هشتم

نمیخواست رفرم را قبول کند ولی با پاپ نقار و کدورتی حاصل کرده

بود از این جهت در سنه ۱۵۳۴ اعلام نمود که ملت انگلیس کلیسای علیحده

تشکیل مینماید که در اطاعت پادشاه باشند نه در اطاعت پاپ و بعدها

آن کاتولیکهائی را که میخواستند در اطاعت پاپ باقی مانده پروتستانها

بسوزانند پادشاه گردن میزد تا بعضیها دو هزار نفر از آنها را بقتل رسانید

بعد از مرگ این پادشاه انگلیسها پروتستان شدند ولی باز ترتیب

قدیم کلیسا را محفوظ و خلیفه خودشان را نگاه داشتند و این کلیسای

پروتستان انگلیس را کلیسای انگلیکان خواندند

ملکه ایس موسوم بماری استوار که مذهب کاتولیک داشت ملت اورا

بیرون کرده و او بانگلیس پناهنده شد الیزابت ملکه انگلیس اورا توقیف

نموده بعد از هیجده سال حکم قتل او صادر شد در ۱۵۸۷ م

سوالات

پادشاه انگلیس در خصوص مذهب چه کرد بعد از مرگ او انگلیسها چه کردند ماری ستوارت

ملکه چه شد

۱۱۵ــ جنگ های مذهبی در تمام اروپا روی داد و قتل عام...

سؤالات

لندیها چه بودند و پادشاه اسپانی از آنها چه میخواست

ریتان چه کردند و بالاخره بکجا رسید

۱ - ژزوئیت ها — یکنفر کاتولیک اسپانیولی که ایگناس لیولا
نام داشت دسته ژزوئیت را ترتیب داده بود که با پروتستانها جنگ نماید
ژزوئیتها کشیشهائی بودند که مذهب کاتولیک را بمردم تعلیم نموده اطفال را
تربیت میکردند و تشکیلات ایشان شبیه بیک رژیمان بود و رئیس آنها
ژنرال دسته میگفتند تمام ژزوئیتها باید از رئیس خودشان اطاعت
نمایند و آن رئیس در اطاعت پاپ باشد

ژزوئیتها بسیار با حرارت و قابل بودند و برای رسیدن بمقصود
از استعمال بدترین وسایل باک نداشتند و آنها بجائی رسیدند که
آلمانهای جنوبی و اطریش را کاتولیک نمودند و همچنین وحشیان
امریکای جنوبی را معتقد ساختند و عاقبت بسیار صاحب قدرت و توانا
شدند

سؤالات

دستهٔ زردیت را که ترتیب داد زردیت‌ها کیان بودند رئیس ایشان چه بود زردیت‌ها چه اشخاصی بودند کار ایشان بکجا رسید و چه کردند

۱۱۸ — نتایج رفرم (اصلاح) — رفرم اروپا را بر دو قسمت تقسیم کرد که دینش پیش از آن در همه جا یکی بود و سبب بسیاری از جنگهای مابین ممالک گردید و باعث جنگهای داخلی شد و نیز بتدریج فهمیدند که انسان عاقل نباید نوع خود را بکشد و در امر دین هر کسی باید آزاد باشد و بعد از آن آزادی عقیده معمول گردید

زیسیو را ترتیب داده بودند

ثانیاً در قرن شانزدهم کلیسای کاتولیک محتاج به ترمیم گردید

ثالثاً یکی از کشیشهای المانی لوتر نام رفرم را در آلمان در سنه اعلام

نمود و شاهزادگان نیز حمایت کردند و آلمانها و سوئدیها رفرمه پروتستان

شدند

فرانسه دشمن بود و از این جهت مابین فرانسه و اسپانی جنگهائی بروع شد که مدتها بطول انجامید

فرانسوای اول در ابتدای سلطنت خود در سنه ۱۵۱۵ در جنگ ماریغیان فتح بزرگی نمود و همچنین والی نشین میلان را تصرف کرد ولی دیری نگذشت که از دستش بیرون رفت و سلاطین اسپانی در جلوس شارلکن بسیار مقتدر شدند

سئوالات

سلاطین فرانسه و اسپانی در قرن پانزدهم چه حال داشتند ایطالیا چه حال داشت شارل هشتم پادشاه فرانسه چه کرد

۱۴۰ — شارلکن — در سنه ۱۵۱۹ شارلکن بامپراطوری آلمان منتخب شد و مملکت بزرگی را مالک بود که عبارت باشند از اسپانی و ممالک پست زمین و فرانش کنت و اطریش و دوسیل و میلان و مکزیک و امریکای جنوبی و از برای اینکه خود را مالک رقاب عالم بخواند چیزی کسر نداشت جز مملکت فرانسه و انگلیس ولی سلاطین فرانسه یعنی فرانسوای اول در سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۴۷ و هانری دویم از سنه ۱۵۴۷

سنه ۱۵۱۹ در تمام مدت سلطنت خود با او جنگ نمود و با ترکها متحد شد چه ایشان هم در پیش آمدن مداومت داشتند و مصر و تونس و الجزائر را در افریقا تصرف کرده بودند و هنگری را در اروپا مسخر ساخته و همچنین با شاهزادگان آلمان که بر امپراطور شورش کرده بودند نیز اتحاد نمود این اتحاد و اتفاق از برای فرانسه بسیار مفید بود زیرا که میتس و تول و وردون را تصرف کرد و شارلکن مجبور گردید که دست از سلطنت بردارد در سنه ۱۵۵۶

سؤالات

شارلکن در چه سنه بامپراطوری آلمان منتخب شد چه ممالک را در تصرف آورد سلاطین فرانسه با او چه کردند

۱۲۱ — فیلیپ دویم — بعد از آنکه شارلکن از سلطنت کناره کرد ممالکی که در تحت تصرف او بود تقسیم شد برادرش فردیناند که پادشاه بوهم و هونگری بود سلطنت آلمان یافت و بر در دیگرش ... فیلیپ دویم بفرمانروائی اسپانی و ایتالیا و ممالک پست زمین و جمیع جزیره نشینها های امریکا برقرار گردید و در سنه ۱۵۸۰ وارث پرتوگال و تمام جهازات ...

مانند منزل فیلیپ در عمارت زیبای اسکوریال که در وسط بیابانی
نزدیک مادرید واقع شده و در آنجا مانند محصور زندگانی میکرد و کلام
به در میسنود تمام مقصودش این بود که جماعت پروتستانها را
نابود سازد نه تنها در ممالک خویش بلکه میخواست در تمام اروپا از آنها
اثری نماند چنانکه امر نمود قوه بحری که عبارت از صد و سی و پنج کشتی
بود با کشتی معروف ارمادا بجهت تسخیر مملکت انگلیس حرکت کنند ولی
آن قشون بسبب طوفان در سنه ۱۵۸۸ متفرق گردیده برهم خورد و نیز پول
و قشون بفرانسه فرستاد بجهت انجمن گیگ که کاتولیکها برای اضمحلال
پروتستانها تشکیل داده بودند و برضد پادشاه فرانسه بود
با رعایای ممالک پست زمین محض اینکه قسمتی از آنها پرتستان شده
بودند باندازه بی رحمی و سختی کرد که تمامی سر بشورش برداشتند
و نیز مسلمانهائی را که در اسپانی مانده بودند در سنه ۱۵۹۸ از آن مملکت
بیرون کرد

در مدت سلطنت خود باندازه پول مصرف نمود که بعد از مردنش یک
میلیارد (هزار میلیون) فرانک قرض داشت ولی با اینهمه مصارف

سودی نبرده و مملکت اسپانی بکلی خراب شد و هانری چهارم پادشاه فرانسه او را مجبور کرده بود که عهدنامه وروَن را امضا کند

سؤالات

ممالک شارلکن بعد از کناره کردن او از سلطنت چه شد فیلیپ دوم در کجا و مقصودش چه بود با پروتستانها چه قسم رفتار میکرد



س ۶۰ جنگ سی ساله

۱۲۳ — جنگ سی ساله پادشاه فرانسه بواسطه قوت و قدرت فیلیپ دشمن خیلی قوی هولناکی در مقابل داشت اگرچه شارلکن و فیلیپ دوم هر دو را مغلوب کرده بود ولی چنان اتفاق افتاد که سلطنت اسپانی در میان دوستان خود شان بعضی متفق

و هم عقیده پیدا کرد یعنی امپراطور آلمان چونکه فردیناند امپراطور آلمان
در میان ژزوئیت ها تربیت شده بود میخواست با قهر و غلبه مذهب را
منحصر به کاتولیک سازد و بتوسط ممالک بوهم و اطریش که در تحت تصرف
او بودند شروع باین مقصد نمود ولی بوهمی ها شورش کردند و
صاحب منصبان خود را از پنجره های قصر پراغ بیرون انداختند در
۱۶۱۸ و در این وقت جنگ سی ساله شروع شد باین ترتیب
که فردیناند تمامی شاهزادگان کاتولیک آلمان را با خود متفق ساخت
بر پروتستانها ظفر یافت و بعد با پسر عموی خویش پادشاه اسپانی
اتحاد نمود و خانواده اطریش مانند عهد شارلکن مقتدر شدند
پادشاه سوئد گوستاو آدلف که مذهب پروتستان داشت با قشون
خود بمعاونت و کمک پروتستانهای آلمان آمد و در ۱۶۳۱ در
سه جنگ بزرگ فتح نمود و در جنگ اخیر در ۱۶۳۲ کشته گشت
پادشاه فرانسه با آنکه کاتولیک بود ولی در مقام اتفاق و حمایت پروتستانها
برآمد زیرا اراده نداشت خانواده اطریش باعلی درجه صاحب
قدرت شوند

لوی سیزدهم برحسب نصیحت ریشلیو قشونی با آلمان فرستاد که با امپراطور
جنگ نمایند و قشونی برای تحریک بجنگ پادشاه اسپانی فرستاد
امپراطور و اسپانیولیها از قشون فرانسه با کمک سوئدیها شکست یافتند
و امپراطور طالب مصالحه شد و این جنگ از روی وحشیگری
بود زیرا که قشون مرکب از قطاع الطریق و راهزنان خونخوار بودند
و جنگ را بجهت کسب غنیمت کرده شهرها را غارت مینمودند و اهالی را
گرفته مجبور میکردند که فدیه داده خودشان را بخرند و محصولات و
مواشی را از رعایا گرفته پاهای آنها را داغ میکردند یا انگشتانشان را
با قید فشار میدادند تا بروز دهند که در کجا پول مخفی کرده اند و غالباً
در اذیت و کشتن مردم حظ نفس حاصل میکردند
در آخر این جنگ تمام دهات آلمان غارت و شهرها خراب شده بود

سئوالات

پادشاه فرانسه با شارلکن و فیلیپ دویم چه کرد فردیناند امپراطور
آلمان چه حال داشت و چه میکرد جنگ سی ساله بچه ترتیب شروع شد
گوستاو آدولف پادشاه سوئد چه کرد پادشاه فرانسه چه کرد امپراطور

آلمان و اسپانیول یا چه شد وضع این جنگ از چه قرار بود
در آخر جنگ دهات آلمان بچه حال شده بود

۱۲۳ – مصالحه وست فالی با پیرنه – بالاخره در ۱۶۴۸
در وست فالی مصالحه واقع شد و قرار بر این داده که مملکت آلمان
مابین شاهزادگان کوچک منقسم باشد و امپراطور آلمان ابداً حکومتی
نباشد و هر شاهزاده مختار باشد که رعایای خود را کاتولیک یا پرتستان
نماید بر حسب دلخواه خویش
پس در آنوقت زیاده از سیصد و پنجاه مملکت آزاد در آلمان تشکیل یافت
در مصالحه وست فالی فرانسه ها الزاس را تصرف کردند
و فقط امپراطور آلمان معاهده وست فالی را امضا کرد اما اسپانی
در جنگ فرانسه مداومت نمود و بالاخره مغلوب گردیده مجبور شد که در
سنه ۱۶۵۹ مصالحه پیرنه را امضا نماید و فرانسه ارتوا و روسیلن را در این
مصالحه متصرف گردید
لوئی چهاردهم بمناسبت اینکه دختر پادشاه اسپانی را تزویج کرده
بود میتوانست امیدوار باشد که روزی وارث آن مملکت خواهد شد

خلاصه بعد از مصالحه وستفالی و پیرنه سلاطین فرانسه با قدرت‌ترین سلاطین اروپ گردیدند

سؤالات

مصالحه وستفالی در چه تاریخ و بچه ترتیب واقع شد قرار مملکت آلمان بر چه وضع شد فرانسه از آن مصالحه چه فایده برد کدام یک از سلاطین معاهده وستفالی را امضا نمود لوئی چهاردهم چه امید داشت سلاطین فرانسه بعد از این معاهده چه خیال داشتند

و پروتستانهای آلمان مغلوب گردید در ۱۵۵۶ از سلطنت کناره نمود.

رابعاً فیلیپ دویم پادشاه اسپانی از ۱۵۵۶ و پادشاه پرتوگال از ۱۵۸۰ درصدد برآمدند که پروتستانهای انگلیس و هلاند و فرانسه را نابود سازند و در همه جا مغلوب گردیدند و اسپانی خراب شد

خامساً فردیناند دویم امپراطور آلمان با پسر عموی پادشاه اسپانی درصدد برآمدند که مالک تمام آلمان شوند و جنگ سی ساله شروع شد از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸

سادساً فردیناند دویم با پادشاه اسپانی متفق شد ولی مغلوب پادشاه سوئد گوستاو آدولف گردید از ۱۶۳۰ تا ۱۶۳۲ و بعد از آن مغلوب پادشاه فرانسه گردید

سابعاً این جنگ که اسباب خرابی آلمان شد بواسطه معاهده وست فالی و پیرنه ها بانجام پذیرفت در ۱۶۴۸ و خانواده اطریش بکلی مغلوب و پادشاه فرانسه بزرگترین سلاطین اروپ گردید

فصل پنجم
شورش انگلستان

۱۲۲- **پارلمان و پادشاه** در همان وقت که پادشاه فرانسه مقتدرترین سلاطین اروپ شده بود مملکت انگلیس در حال شورش و انقلاب بود سلاطین انگلیس مثل پادشاه فرانسه صاحب قدرت نبودند که هر حکمی بخواهد بکند در سنه ۱۲۱۵ بزرگان و اشراف انگلیس پادشاه خودشان را مجبور کرده بودند که قانون مشروطیت را امضا نماید و بموجب آن پادشاه متعهد بود که هیچوقت بدون مشورت و رضایت ملت انگلیس چیزی از اتباعش بگیرد هر وقت از برای پادشاه پولی لازم میشد اشراف و نمایندگان شهرها را پادشاه حاضر میکرد تا برحسب [illegible] و تصویب نمایندگان مالیاتی از رعایا گرفته شود این اجتماع اشراف و نمایندگان را پارلمان مینامیدند

سلاطین سلسله استوارت [illegible] تقریباً صد سال در جنگ بود [illegible] [illegible] در دو خط [illegible] خیلی [illegible]

شدیدی واقع شده او را جنگ دو گل سرخ نامیدند بجهت اینکه دو
فامیل بر سر تاج و تخت انگلیس با یکدیگر جنگ میکردند و هر یک گل سرخی را
علامت خود قرار داده در گنجینه خود شان نگاه میداشتند فامیل
یرک گل سفید را علامت قرار داده بودند و فامیل لانکاستر گل قرمز را
تقریبا تمام اشراف انگلیس بواسطه این جنگ حالشان بخرابی انجامیده
تا قرن شانزدهم سلاطین انگلیس بدون هیچ اشکال مختار و مقتدر
شدند بزرگترین پادشاهان انگلیس ملکه الیزابت بود از سنه ۱۵۵۸ الی سنه ۱۶۰۳
الیزابت در حمله فلیپ دویم پادشاه اسپانی ایستاده گی نموده
مظفر گردید و همچنین در شورشی از حامیکه کاتولیکها نمودند ظفر یافت
و فلیپ دویم خواست کسی را در مقابل الیزابت باز دارد ماری استوار
ملکه اکس را که بیوه پادشاه فرانسه فرانسوای دویم بود بجنگ
الیزابت برانگیخت و ماری استوار باز نزد محبوس الیزابت گردیده
حکم نمود بر دارش کشیدند

سئوالات

سلاطین انگلیس چه گونه بودند بزرگان و اشراف انگلیس پادشاه خود را بچه هم

مجبور کرده بودند جنگ داخلی انگلیس در چه تاریخ بود آن جنگ را چه می‌نامیدند
حال اشراف انگلیس بواسطهٔ آن جنگ بکجا انجامید ملکه الیزابت چگونه بود و چه پدر
ماری استوارت ملکهٔ اکس عاقبتش بکجا منتهی شد

۱۲۵ — زد و خورد پارلمان و پادشاه

در سنهٔ ۱۶۰۳ الیزابت بدون اولاد از دنیا رفت و پسر عموی او ژاک که از فامیل استوارت
و پادشاه اکس بود سلطنت انگلیس یافت از آن زمان انگلیس و اکس
در تحت حکم یک سلطان در آمدند بعد از ژاک پسرش شارل اول
پارلمان موافق میل خود نیافت و در مدت یازده سال سلطنت خود
یک دفعه نمایندگان را جمع نکرد و بدون مشورت و رضایت انگلیسها
مالیات مملکت را جمع میکرد مردی دلیر هامپدن نام از ادای
مالیات امتناع نموده گفت پادشاه حق ندارد مالیاتی که نمایندگان
ملت تجویز نکرده اند مطالبه نماید در همان زمان بهانه بدست پادشاه
افتاد و درصدد اذیت پروتستانهائی که خفیه مذهبشان را اطاعت
نمیکردند برآمد و از این جهت در سنهٔ ۱۶۳۹ اهالی اکس شورش نمودند
پادشاه محتاج پول گردید و از برای دست آوردن پول محتاج پارلمان شد
پارلمان در اول افتتاح فرمان قتل وزیر اول را داد و در آن وقت

... شد در ۱۶۲۸ قشون شارل اول پادشاه انگلستان

در کلیه جا بود و پارلمان نیز قشونی از جماعت پروتستان که اذیت

بسیار کشیده بودند تشکیل داد و با یکدیگر بجنگ درآمدند تا بالاخره قشون

شارل اول مغلوب و خود او اسیر و محبوس گردید و بحکم پارلمان

سرش را از بدن جدا کردند در ۱۶۴۹ و این اولین دفعه بود که ملت

بقتل پادشاه اقدام نمود

سؤالات

... زا الیزابت سلطنت انگلستان به که منتقل شد ... شارل اول با پارلمان
چه کرد ... بالاخره حال شارل اول چه شد

۱۲۶ - کرمول - پارلمان جمهوریت مملکت را پیش نهاد کرده بود

ولی خواستند ... و فرقه منقسم ... یک ... که ...

که سخت تر بودند سردارشان کرمول بود که ... پادشاه را ...

نمود و قسمت دیگر اهالی اکس ... و ایرلاند بودند که ... شدند

و پسر شارل اول را بپادشاهی قبول کردند کرمول با ایشان جنگ نمود

از ۱۶۴۹ الی ۱۶۵۱ مشغول جنگ بودند تا ...

پادشاه شکست یافتند و کرمول با فیروزی و اقتدار تمام به انگلستان
مراجعت کرد و چون پارلمان را منافی مقصد خود میدانست وکلا
بیرون کرده درب پارلمان را بست و کلید آنرا در جیب خود گذارد
بالای درب عمارت این عبارت را نوشت
این خانه اجاره داده میشود
و بعد از آن خودش تنها با منصب حامی از سنه ۱۶۵۳ الی سنه ۱۶۵۸ در
نهایت اقتدار حکمرانی کرد در عهد او انگلیس شروع به ترقی نموده فواید کلی برد

پادشاه فرانسه کرده بود

بعد از او ژاک دویم سلطنت انگلستان یافت و مدت سلطنت او از ۱۶۸۵ الی ۱۶۸۸ بود و بسیار بدتر از شارل دویم حکمرانی نمود

انگلیسها که کاتولیک مذهب بودند از بی مبالاتی ژاک در امور دینی و همچنین از نداشتن پارلمان منزجر و متنفر گردیدند

در آن زمان شاهزاده بسیار قابلی معروف به گیلیوم دورانژ در هلاند بود که دختر ژاک دویم را تزویج کرده بود چون از انزجار و تنفر انگلیسها مطلع گردید با پانزده هزار قشون در بندر انگلستان فرود آمده و در روی بیرق خود نوشته بود (از برای دین و آزادی)

انگلیسها او را بخوبی پذیرفتند و ژاک دویم فرار کرد در ۱۶۸۹ گیلیوم توسط پارلمان پادشاه انگلستان شد

سؤالات

پیرش ارل چگونه سلطنت میکرد ژاک دویم چگونه بود
گیلیوم دورانژ چه کرد و بالاخره چه شد

۱۲۸ — ترتیب سلطنت پارلمانی قبل از آنکه پارلمان سلطنت

گیلیوم را بتوسط نوشته رسمی بملت اخطار نماید از گیلیوم عهد گرفت که حقوق ملت انگلیس را همواره محترم شمارد و همه ساله وکلای مملکت در پارلمان جمع شده وضع قانون نمایند و قرار مالیات ببندد و هرگاه حکمی مخالف عدالت از پادشاه صادر گردد پارلمان حق خواهد داشت باز خواست از و (؟) داشته باشد هیچیک از افراد ملت انگلیس را بدون تحقیق و ثبات جرم توقیف ننماید و تحقیق و اکتشاف جرم جز بتوسط قاضی و ... صورت نگیرد

پس باین ترتیب هیچوقت پادشاه نمیتواند ... وی برای نفس حکمی براند و همچنین همواره باید حقوق اهل مملکت و قوانین مشروطیت را محترم شمارد پس در واقع احکام مملکت از طرف ملت بتوسط پارلمان صادر میشود

و این شکل حکومت و سلطنت را سلطنت پارلمانی یا دولت مشروطه نامند و انگلیسها اولین طایفه بودند که بنای این نوع سلطنت را گذاشته از برای آن شورش بزرگی کردند که شورش بزرگ فرانسه بسبب آن تهیه شد

سئوالات

پارلمان انگلیس قبل از سلطنت او چه عهدی گرفت ازروی این قرار داد پادشاه چه قیود داشت سلطنت مشروطه کدام است

خلاصه که باید از بر نمایند

دولت پادشاه انگلیس از زمان تأسیس مشروطیت بدون اجماع پارلمان نمیتواند چیزی از رعیت بگیرد

ثانیاً شارل اول پادشاه انگلیس از قانون اساسی سرپیچی کرد که بهم پادشاه انگلیس و هم کسی بود مدت یازده سال بدون انعقاد پارلمان سلطنت کرد

ثالثاً چون مجدداً پارلمان منعقد گردید جنگ داخلی بزرگی از آن شروع شد و شارل اول مغلوب و توقیف و سرش بریده شد در [illegible]

رابعاً مملکت انگلیس در آن وقت [illegible] [illegible] [illegible]

پارلمان [illegible] سلطنت خود از [illegible]

خدمت مجدداً سلطنت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حکومت [illegible]

فصل ششم

متفق شدن تمام اروپا برضد فرانسه

۱۲۹— ظفر و نصرت لوی چهاردهم بعد از وقوع عهدنامهٔ وستفالی و پیرنه مملکت فرانسه مقتدرترین ممالک اروپا بود و اروپائیان از این اقتدار سخت ناراضی و دلتنگ بودند ولوی چهاردهم هم تا مدتی همین کوچک را با خود دشمن نمود چنانکه ابتدا بر اسپانی حمله برد و بعضی شهرها و اراضی در مملکت بلژیک از او گرفت که اکنون هم در جزو ایالتهای فرانسه هست. (معاهدهٔ اکس لاشاپل ۱۶۶۸) و بعد از آن بر هلاند حمله نمود. چنانچه پادشاه اسپانی و امپراطور آلمان و سایر سلاطین متفق شده برضد فرانسه برخواستند ولی لوی چهاردهم بر تمام آنها ظفر یافته فرانش کنته را متصرف شد

(مطابق عهدنامه نیمگ ۱۶۷۸) و چون ملاحظه نمود که کسی یارای قدرت
مقابل او نیست بسیاری از شهرها و اراضی را در حال صلح بخاک
فرانسه ملحق ساخت مثل شهر استراسبورگ و با این جنگها فرانسه را
خسته نمود بعلاوه لوئی چهاردهم فرمان نانت را که هانری چهارم
برای آزادی مذهب پروتستان داده بود فسخ کرد و مردم بسیار
و متمولین بی‌شمار از خاک فرانسه مهاجرت کرده ضرر فاحشی بمملکت
وارد آمد

سؤالات

کدام یک از دول بر ضد فرانسه برخاستند علت ضدیت آنها
چه بود لوئی چهاردهم با آنها چه کرد بالاخره بکجا منتهی شد

۲۰۸ – اتفاق بر ضد لوئی چهاردهم تمام پادشاهان
اروپا بر لوئی چهاردهم خشمگین بودند ولی هیچکدام را قوت مقاومت
او نبود تا آنکه ویلیام اورانژ پادشاه انگلستان شد حزب
مستحکمی بر ضد فرانسه ترتیب داده ساخته و در آن فرقه
در جنگهای بسیار فرانسه شکست یافت لوئی چهاردهم بجنگ ایشان

پرداخته تمام شهرها و دهات کنار رود رن را خراب ساختند و

مظفر و منصور گردید ولی دیگر پولی نداشت که بمصرف جنگ برساند

و مجبور شد که صلح طلبد و عهدنامه ریس ویک در سنه ۱۶۹۷ بسته شد

سه سال بعد از آن شارل دوئیم پادشاه اسپانی بعد از آنکه ایالتهای

خود را به دوک دانژو نوه لوی چهاردهم واگذاشته بود وفات نمود

در این وقت چنین بنظر میآمد که فرانسه هرگز باین قدرت نرسیده بود

مقارن همین ایام انگلستان و هلاند و امپراطور آلمان بر ضد لوی

چهاردهم اتفاق خصمانه هولناکی نمودند و فرانسه با تمام ایشان

مقاومت نمود و با ثمره در سنه ۱۷۱۳ و (۱۷۱۴) مصالحه انگلیس

و هلاند و سایر دشمنان خود را از راه رشوت و در [illegible] بدست

آورده و از طرف آنها آسوده شد.

نوه لوی چهاردهم در سلطنت اسپانی باقی بماند و بلجیک با امپراطور

آلمان داده شد

اما فرانسه مجبور شد چند قطعه از بهترین مستعمرات خود را از قبیل کانادا

بدولت انگلیس واگذار کند   در قرن هیجدهم فرمانروائی فرانسه

در اروپا بانتها رسید در آن وقت دو مملکت بسیار هولناک تشکیل
یافت یکی دولت پروس و دیگری دولت روس و دولت انگلیس
هم مستعمرات بزرگ بدست آورده شاهنشاهی بزرگ تشکیل داد

سؤالات

پادشاهان اروپ با لوی چهاردهم چه حال داشتند گیلیوم ارانژ بعد از
رسیدن بسلطنت انگلیس چه کرد لوی چهاردهم چه کرد بعد از شارل
دویم ایالتهای او بکه پیوست کدام دولتها برضد لوی چهاردهم اتفاق نمودند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً – لوی چهاردهم بسبب حمله بر سلاطین کوچک و تصرف املاک ایشان تمام اروپا را
با خود دشمن ساخت

ثانیاً – گیلیوم دورانژ پادشاه انگلیس تمام ممالک اروپا را برضد لوی چهاردهم
بموجب معاهده آگس بورگ در سنه ۱۶۸۶ مجتمع ساخت و در سنه ۱۶۹۷ لوی چهاردهم
مجبور گردید که درخواست صلح نماید.

ثالثاً – در سنه ۱۷۰۰ که نوه لوی چهاردهم پادشاه اسپانی شد اتفاق و
اتحاد جدیدی برضد فرانسه صورت یافت که پس از خرابیهای زیاد در سنه ۱۷۱۳
مصالحه اوترخت واقع شد

رابعاً – در آن وقت مملکت فرانسه ضعیف و پادشاه و آقائی و ریاست بپایان رسید

فصل هفتم

تشکیل امپراطوری روس

۱۳۱- روسها ـــ از سدهٔ [illegible] مذهب ارتدکس داشتند و

پاپ را نمی‌شناختند و فقط از قیصر (زار یا تزار) اطاعت می‌نمودند

و شخص امپراطور از برای روسها هم پادشاه بود و هم پیشوای [illegible]

قیصر [illegible] اطاعت داشت و مملکت بزرگی در زیر حکم او بود

زیرا که در سال ۱۵۰۰ تمام سیبری را [illegible] بود و [illegible] و [illegible]

بود که در روسیه ممکلت روسیه از اقیانوس [illegible] تا [illegible] سرحدی نداشت

شبیه اروپائیان کند و از برای این مطلب از مملکت خود بیرون رفت

که خودش تعلیم گیرد و در کارخانه هلاند بشغل نجاری مشغول گشت

که علم کشتی سازی بیاموزد و بعد جمعی ملاح و مهندس و عملجات اروپائی

همراه خودش بروسیه آورد که روسها را تربیت کنند

اهالی روسیه را مجبور نمود که مانند اروپائیان لباس بپوشند و ایشانرا

از لباس بلند و ریش دراز منع نمود وقتی سربازان او شورش

نمودند خودش محض تنبیه ایشان جمعی از آنها را با دست خود سر بریده

زنش در مقابل او ایستاده خواست ممانعت نماید حکم کرد تا او را شلاق

زدند و پسر خودش را هم کشت

در حق او گفتند پطر کبیر یک نیمه شجاعت و یک نیمه سبعیت است

سئوالات

پطر کبیر که و چگونه شخصی بود از برای چه کار از مملکت خود بیرون رفت

اهالی روسیه را بچه کار مجبور ساخت در تنبیه سربازان که شورش کرده بودند چه کرد

۱۳۰۳ — فیروزی پطر بر سوئد بیها — در آن زمان تمام اراضی

دور دریای بالتیک متعلق بسوئد بیها بود پطر میخواست آن ممالک را

تصرف نماید محض اینکه بندری از برای خود بدست آورد و با سوئدیها
جنگ نمود پادشاه سوئد شارل دوازدهم سردار بزرگی بود و در
سنه ۱۷۰۰ روسها را شکست داد ولی در مدتی که او بجهت فتح پلنی دور شده
میرفت پطر امر نمود در نزدیک دریای بالتیک شهر جدید سن پطرز
بورغ را بنا کردند که پای تخت روس شد شارل دوازدهم
در سنه ۱۷۰۹ قشونی بروستیه فرستاده آن مملکت را افراگرفتند ولی
قشون او مغلوب و گرفتار گردیدند و در سنه ۱۷۱۲ تمام ممالک بالتیک
مسخر پطر گردید

سؤالات

پطر با سوئدیها چه کرد شهر سن پطرز بورغ را پطر در چه وقت بنا نمود
شارل دوازدهم پادشاه سوئد چه کرد

۱۳۴ — فیروزی پطر بر ترکها دعثمانیان هفت و قرن عثمانیان در
ممالک مشرق اروپا فرمان روائی داشتند در سنه ۱۶۸۳ قشون
عثمانی باز پیش آمد شهر وین را محاصره کرده بود ولی چون سلطان
عثمانی شخصه در آن جنگ حضور نداشت عساکر اتفاقا لاسر شتو پس

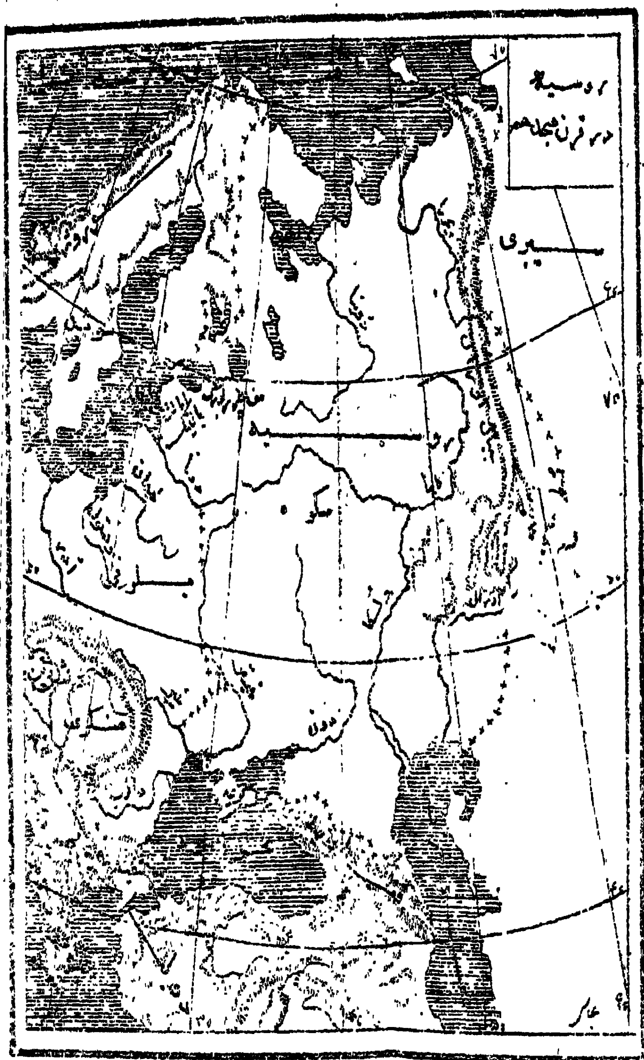
برمید اشتند ولاجرم عثمانیان بزودی قوت و قدرت خود را از دست
داده در سنه ۱۷۱۸ اطریشی ها ایشان را از مملکت هونگری بیرون
کردند از سنه ۱۷۶۲ الی سنه ۱۷۹۶ کاترین امپراطریس روس بوسعت
دادن مملکت روسیه از طرف ممالک ترک مداومت نمود و در سنه ۱۷۷۰
سرداران او قوای بحری ترکان را سوزانیدند و در دو جنگ که در
سنه ۱۷۷۴ و سنه ۱۷۹۲ واقع شد شهر کریمه را با تمام ممالکی که در کنار دریای
سیاه است تا رود نیستر تصرف کردند

سؤالات

قشون ترک بجهة محاصره کجا آمده بود کار ترکان در هونگری بکجا رسید
کاترین امپراطریس روس با ترکان چه کرد

۱۳۵ — تقسیم پلنی (ورشو) پلنی یا ورشو مملکت بزرگی

بود ولی حکامی بد رفتار داشتند رعایا همگی غلام و نجبا همه نظامی
بودند در موقع انتخاب پادشاه یا بجهت بحث و گفتگو در کارها کل
سواره در جلگه وسیعی جمع میشدند و اشخاصی که با رای و عقیده
اکثریت همراه نبودند از آن جمعیت کناره میگرفتند و کسی حق نداشت



مسکو — پای تخت قدیم روسیه است

سن پطرزبورغ — پایتخت حالیه روس است. وین را عثمانیها در ۱۶۸۳ محاصره کردند

کریمه — شبه جزیره ایست که کاترین تسخیر نمود از عثمانیها

نداشت آنها را مجبور بهمراهی نماید ملت پلنی با وصف اینکه بسیار
رشید بودند ولی بسبب متفق نبودن با یکدیگر ضعیف بودند و
همسایگان ایشان این متفق نبودن را غنیمت شمردند
و در سنه ۱۷۷۲ امپراطریس روس و پادشاه پروس و امپراطریس
اطریش با یکدیگر متفق گردیدند که هر یک قسمتی از آن مملکت را با قهر
و غلبه متصرف شوند و قسمت بزرگتر از همه بهره امپراطریس روس
گردید و در سنه ۱۷۹۳ و سنه ۱۷۹۵ مجدداً سلاطین شروع بجنگ نمودند
تا تمام پلنی را مسخر ساختند اهالی پلن خواستند معاودت نمایند
ولی سربازان روس و پروس داخل شهر گردیده اهالی را مجبور
باطاعت نمودند در حقیقت مرتکب راهزنی و قطاع الطریقی گردیده
خلاصه از آن زمان روسیه وسیعترین ممالک اروپا گردید

سؤالات

ترتیب احوال اهالی پلنی چه بود بچه سبب ملت پلنی ضعیف بودند
کدام سلاطین در تصرف و تقسیم پلنی اتفاق نمودند

خلاصه که باید ازبر نمایند

اولاً در قرن هیجدهم روسی مملکتی وسیع بود ولی سکنه آن مردمانی فقیر و وحشی ونیمه آسیائی بودند

ثانیاً پطر کبیر قیصر روس از سنه ۱۶۸۹ الی سنه ۱۷۲۵ شروع بتربیت و ترقی دادن روسها نمود و آنها را مجبور کرد که اخلاق و عادات اروپائی اختیار نمایند

ثالثاً از سنه ۱۷۰۰ الی سنه ۱۷۲۱ پطر کبیر تمام ایالات کنار دریای بالتیک را از پادشاه سوئد گرفت و در آنجا شهر مشهور سن پطرزبورغ را بنا کرده پایتخت قرار داد

رابعاً چون عثمانیان ضعیف شده بودند کاترین امپراطریس روس از سنه ۱۷۶۲ الی سنه ۱۷۹۶ چند ایالت از عثمانی را که در کنار دریای اسود بود تصرف نمود

خامساً چون لهستانیها خیلی ضعیف بودند و اختلافات و نزاعهای داخلی در میان ایشان موجود بود روس و پروس و اطریش قهراً و جبراً ممالک لهستان را در میان خود تقسیم کردند و در سنه ۱۷۷۲ و سنه ۱۷۹۳ و سنه ۱۷۹۵ مملکت لهستان سه قسمت کرده

سادساً از روی این ترتیب مملکت روس از بزرگترین ممالک عالم شد

فصل هشتم

تشکیل مملکت پروس

۶۳۱ — **براندبورک و پروس** — پروس مملکتی جدید است
که از دو قسمت براندبورک و پروس تشکیل شده اند و هر دو در تحت
حکم یک پادشاه جمع شده بودند

براندبورک سرزمینی ریگزار است که در اطراف شهر برلن واقع
شده در عصر متوسط آلمانها آنجا را از اسلاوهای بت پرست
گرفته بودند و چند کدخدانشین از آن تشکیل داده
در سنهٔ ۱۴۱۲ یکنفر از آقایان جنوب آلمان از طایفهٔ ههن زلرن
مباشر براندبورک بود

اما پروس مملکتی باتلاق و مجاور با روس است که شجاعان طبقهٔ
تلتنیک در قرن چهاردهم تصرف کرده بودند و بعد آقای بزرگی
از آن طبقه که هم از خانوادهٔ ههن زلرن بود در سنهٔ ۱۵۲۵ بمذهب لوتریک
درآمده و پروس را اوالی نشین قرار داد و در سنهٔ ۱۶۱۸ کدخدای

براندبورک وارث پروس کردید
جانشینان او شهرها و ایالتهای بسیار از آلمان بدست آوردند
در سنه ۱۷۰۱ والی براندبورک لقب پادشاهی پروس را از امپراطور
آلمان خریداری نمود

سؤالات

پروس چگونه مملکتی است براندبورک چه قسم است ترتیب پادشاهان آنها چه قسم بود

۱۳۷ــ پادشاه نشین پروس — پروس مانند

فرانسه وغیره یک مملکت واحد محسوب نمیشد بلکه مرکب از چندین ایالت
بود که هریک از دیگری جدا بودند چنانکه اگر پادشاه میخواست
از ایالتی بایالت دیگر مسافرت نماید باید از اراضی و املاکی عبور نماید
که تعلقی باو نداشت اهالی این ایالات در انقیاد و اتصال این ایالات متوقف
بدان بود که خود شان با پادشاه پروس اخلاص کیش باشند
اگر پادشاه میخواست تنها دفاع نماید محتاج قشون بسیار قوی بود
فردریک گیلیوم اول که در سنه ۱۷۴۰ وفات یافت شصت هزار قشون
داشت و همواره در جستجوی اشخاص تنومند قوی هیکل بود که در قشون

خود اجیر و مستخدم ساز و خود پادشاه مانند یک غیر سرباز زندگانی میکرد و همیشه در لباس نظامی بود دربار سلطنتی نداشت او را پادشاه وکیل مینامیدند

درحالیکه در سایر پادشاه نشینهای پروس پرنسها و وزراء پیوسته در صدد این بودند که جشنهای زیبا ترتیب داده پولهای زیاد خرج کنند و دربار سلطنت تشکیل دهند

امّا در دربار فردریک پادشاه و وزراء ایش مقصودی جز قوت یافتن و بزرگ ساختن مملکت نداشتند هیچوقت مخارج بیهوده نمیکردند بلکه با کمال صرفه جوئی رفتار مینمودند تا بالاخره پروس مملکت قوی گردید

سؤالات

پادشاه نشین پروس چه ترتیب بود اطاعت عمال ایالات با پادشاه موقوف بر چه بود فردریک گیلیوم چه مقدار قشون داشت ترتیب زندگانی او چه قسم بود سایر پادشاه نشینهای پروس چه وضع بودند و دربار فردریک از چه قرار بود

۱۳۸ — فردریک بزرگ — فردریک دوییم از سنه ۱۷۴۰ الی سنه ۱۷۸۶ م از تمام پادشاهان پروس قابلتر گردید و بزرگترین

سرداران عصر خود بود و دانشمندان و نویسندگان بخصوص نویسندگان فرانسه را دوست میداشت و خود او زبان فرانسه را میدانست و نوشتجات خود را با لغت فرانسه خوشتر از آلمانی داشت در یکی از دهات نزدیک برلن موسوم به پوتسدام منزل داشت و در آنجا بدون اجزاء و خدم زندگانی میکرد و همیشه لباس صاحب منصبی میپوشید مقصودش این بود که مقدم بر همه چیز مملکت خود را بزرگ نماید در کارهای مخالفتش چندان دقیق و مقید نبود بعد از مردن شارل ششم امپراطور آلمان فردریک یکی از ایالتهای اطریش موسوم به سیلزی قشون فرستاده در سنه ۱۷۴۱ انجا را مفتوح و مسخر ساخت و خواست ماری ترزدختر شارل ششم را مجبور نماید که آن ایالت را باو واگذار کند و ماری ترز در صدد برآمد که آن ایالت را پس بگیرد و لاجرم در سنه ۱۷۵۶ با فرانسه و روس و سوئد و شاهزادگان آلمان عهد موافقت بسته در آنوقت جنگ هفت ساله شروع شد اطریشیها و فرانسه‌ها و روسها و سوئدیها از چهار طرف داخل خاک پروس گردیدند

فردریک با قشون خود از یک طرف مملکت بطرف دیگر جستند و

سربازانش با جلدی و چابکی حرکت نموده غالباً فاتح میشدند

عاقبت الامر مصالحه براین وقوع یافت که ماری ترز در سنه ۱۷۶۳

واگذاشتن سیلزی را امضا نمود

بعد از آن فردریک کاری کرد که کاترین امپراطریس روس همچنین

کرد پلنی (ورشو) را در سنه ۱۷۷۲ با او تقسیم نمود و تمام ممالکی که در

میانه دو قطعه از مملکت او واقع شده بود از اهالی پلنی گرفت در سنه ۱۷۴۰

جمعیت مملکت پروس دو ملیون و پانصد هزار نفر بود و در سنه ۱۷۸۶

پنج ملیون و پانصد هزار جمعیت آنجا شد و قشون پروس بهترین

قشونهای اروپا گردید

سؤالات

فردریک دوم چه کرد — در کجا منزل داشت و عادتش چگونه بود — با

ایالت سیلزی چه کرد — ماری ترز دختر شارل ششم با او چه کرد — بعد از

جنگ هفت ساله مصالحه برچه واقع شد — فردریک با پلنی چه کرد —

عده نفوس پروس در عهد او چه اندازه بود و چه شد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً مملکت پروس تشکیل یافته است از براندبورک و دوک الی‌نشین پروس در سنه ۱۶۱۸ در تحت اطاعت هوهن زلرن درآمد و در سنه ۱۷۰۱ مبدل بپادشاه نشین گردید

ثانیاً پادشاهان پروس عمال بسیار اخلاص کیش و قشون قوی داشتند و در صرف پول بسیار صرفه‌جوئی میکردند مقصود عمده ایشان آن بود که قوت یابند تا مملکت خود را بزرگ سازند

ثالثاً از سنه ۱۷۴۰ الی سنه ۱۷۸۵ فردریک بزرگ سرداری قابل و اهل پلتیک بود ولی بامور دینی درستی معتقد نبود



پولونی (لهستان) در سال ۱۷۷۲ مابین روسیه و پروس و اطریش قسمت گردید

سیلزی — یکی از ایالات اطریش است که پادشاه پروس در ۱۷۴۲ ضمیمه مملکت خود نمود

برلن — پایتخت پروس است

پتسدام — قریه کوچکی است نزدیک برلن که مقبره سلاطین پروس است

براندبورگ — محلی است در اطراف برلن

فصل نهم

تشکیل مملکت انگلیس

۹۳ - مهاجرنشینهای اروپائی پرتوگالیها و اسپانیولیها
اوّلین مردمانی از اروپا بودند که مابقی دنیا را کشف نمودند و در امریکا
و افریقا و آسیا و اقیانوسیه ممالکی را که شایسته گی داشت تصرف
نموده با ثروت ترین ممالک را گرفتند ولی چون حکمرانی ایشان
بسیار بد بود مهاجرنشینهای ایشان بسیار فقیر و ضعیف گردید
ایطالیانیها و آلمانها مهاجرنشین نداشتند زیرا که ملتی از ایشان
تشکیل نشده دولتی قوی نداشتند که در ممالک دوردست متصرفات
پیدا کنند اما فرانسه‌ها و انگلیسها و هلاندیها در قرن بعد هم مهاجر
نشینهای بسیار تشکیل دادند

هلاندیها در جزیره بزرگ جاوا و سوماترا تمکن یافتند و فرانسه‌ها
تمام شمال امریکا را که اکادی و کانادا باشد متصرف شدند و همچنین
مملکت مسی سیپی که (لوئیزیان) باشد مالک شدند

و نیز در جزایر آنتیل ها جزیره بزرگ هائیتی را گرفتند. انگلیسها تمام
نواحی شرقی امریکای شمالی را تصرف نمودند

سئوالات

پرتگالیها و اسپانیولیها با مهاجرنشینهای خود چه کردند؟ آیا ایطالیائیها
و آلمانها مهاجرنشین داشتند؟ فرانسه و انگلیس و هلاند کجاها را تصرف کردند؟

۱۴۰ — تسخیر انگلیس هندوستان را — در قرن هیجدهم انگلیسها
با فرانسه ها بر سر مهاجرنشین جنگ نمودند در آن وقت در مملکت هند
دو کمپانی تجارتی بود یکی کمپانی انگلیسی در مدرس و دیگری در فرانسه
پوندیچری
رئیس کمپانی فرانسه دوپلکس شروع بتصرف ممالک هند نموده بود و
این مسئله اشکالی نداشت زیرا که مملکت هند در میان بسیاری از
شاهزادگان کوچک منقسم بود ایشان قشونی نداشتند جز آنکه
سربازهای اجیر داشتند اهالی هند هم در صدد دفاع وطن خود نبودند دیگر
تفرقه مذهبی اسباب تفرقه و ضعف بود زیرا که هند بیش از دویست ملیون
جمعیت دارد و محصولات زیاد مثل پنبه و برنج و نیل و شکر و ابریشم و فلفل

و اشیاء دیگر محصول آنست

انگلیسها از دولت فرانسه خواهش کردند که دوپلکس رئیس کمپانی را
معزول کند و دولت نیز قبول کرده در سنه ۱۷۵۴ او را معزول ساخت
بعد از آن انگلیسها خودشان شروع بتسخیر هند نمودند و تنها با یک
جنگ در سنه ۱۷۵۷ تمام مملکت بزرگ بنگاله متصرف ایشان شد و بعد از
آن در سنه ۱۷۶۱ مهاجرنشینهای فرانسه را خراب کردند و خودشان
مالک مملکت هند گردیدند که امروز هم هستند

سؤالات

در هند چند کمپانی تجارتی بود رئیس کمپانی فرانسه که بود و چه میکرد انگلیسها در
هند چه کردند

۱۴۱ - تسخیر انگلیس امریکای شمالی را — همچنین در امریکا نیز همین
قسم وقوع یافت در سنه ۱۷۵۴ در وقتیکه جنگ مابین فرانسه و انگلیس
شروع شد برزگرهای انگلیس بر برزگرهای کانادا که مهاجرنشین
فرانسه بود حمله کردند
برزگرهای فرانسه مانند شجاعان دلاور مقاومت نموده در ابتدا
غالب آمدند ولی بعد از آن دولت انگلیس قشونی بامداد برزگرهای

خود فرستاد و دولت فرانسه کسی را بامداد و یاری جاهای خود نفرستاد
کانادائی بیش از پنجهزار جمعیت نداشتند که طرف حمله چهل هزار قشون
واقع شده بودند و نیز تدارک قورخانه نداشتند و لاجرم انگلیسها
کانادا ظفر یافتند

و مجملاً در سنه ۱۷۶۳ دولت فرانسه تمام متصرفات خود را که در امریکای
شمالی داشت بانگلیس واگذار نمود در تمامت این جنگهای بزرگ
تابع فرانسه و ملاحان فرانسوی در کمال رشادت تکالیف جنگی
خود را بجای آوردند ولی در آن وقت لوی پانزدهم فرمان فرمای
مملکت فرانسه بود و همه کس میداند که ترتیب سلطنت او چقدر بد بود
از طرف دیگر در آن زمان هیچکس نمیفهمید که مهاجرنشین از برای یک ملت
چه فایده ها دارد

پول بسیار صرف مینمودند و قشون بسیار در جنگ آلمان و ایطالیا
حرکت میدادند در صورتیکه فرانسه را در آن ممالک ابداً فایده و منفعتی
متصور نبود ولی در فرستادن چهار پنجهزار قشون برای حمایت مهاجر
نشینها مضایقه میکردند و حال آنکه این معنی سبب شد که ممالک عالم

ممالک فرانسه گردید

سؤالات

بزرگان انگلیس با بزرگان کانادای فرانسه چه کردند   بزرگان فرانسه در مقابل ایشان چه کردند   علت اینکه بزرگان فرانسه مغلوب شدند چه بود
چرا فرانسه قشون بسیاری به مهاجرنشینهای خود نفرستاد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً مهاجرنشینهای اسپانیول و پرتوگال بسبب بدرفتاری دولت معدوم شدند در قرن هفدهم فرانسه‌ها و انگلیسها و هلاندیها مهاجرنشینهای بزرگ را مالک شدند بخصوص در امریکای شمالی و در هند

ثانیاً رئیس کمپانی فرانسه دوپلکس در قرن هیجدهم در صدد آن بود که بجهت فرانسه در هند مستعمرات تحصیل نماید ولی در سنه ۱۷۵۴ دولت فرانسه او را معزول ساخت و بعد از آن انگلیسها هند را مسخر نموده در سنه ۱۷۵۷ از بنگاله شروع کردند

ثالثاً در امریکا بزرگان کانادای فرانسه چون از دولت خود حمایت ندیدند باطاعت انگلیسها درآمدند و در سنه ۱۷۶۳ فرانسه از تمام مستعمرات امریکائی خود دست برداشت

رابعاً فرانسه بواسطه خطای دولت خود ممالک بسیاری را از دست داد و انگلیسها آنها را متصرف شدند

فصل دهم

بنای آمازونی

۱۴۲ – هیجان مهاجرنشینهای امریکا – برزگران امریکای شمالی تابع انگلیس با هر حکمرانی خود میپرداختند زیراکه دولت انگلیس را عادت بر این بود که در امور داخلی تبعه خویش کمتر مداخله نماید تا اسباب اذیت و نفرت ایشان فراهم نگردد ولی یکمرتبه دولت از این عادت غفلت نمود و باین جهت تمام مهاجرنشینهای بزرگ آن دستش مدیر شد باین معنی که در ۱۷۶۴ از برای دولت انگلیس پول لازم شد و مالیاتی جدید بر زارعین تبعه خود بدون مشورت ایشان مقرر داشت زارعین مزبور از ادای آن امتناع ورزیده شورش کردند و حکام انگلیس را از شهر خود بیرون کردند دولت انگلیس قشونی بجهت مطیع ساختن ایشان مأمور نمود وزارعین هر ایالت وکیلی تعیین کرده مجلسی در فیلادلفی منعقد ساختند و در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ مجلس مزبور رسما اظهار نمود که آن ممالک از انگلیس مجزی میباشند.

وجمهوری اتازونی امریکای شمالی تشکیل گردید

سؤالات

عادت دولت انگلیس با برزگران خود چه بود باعث شورش برزگران تبعهٔ انگلیس چه شد عاقبت کار ایشان بکجا انجامید

۱۴۴ - آزادی اتازونی - جنگ مابین انگلیسها و اتازونی را جنگ آزادی امریکا میخوانند که از سنه ۱۷۷۵ الی سنه ۱۷۸۳ امتداد یافت و ممالک متحده اتازونی در ابتدا مغلوب گردید زیرا که قشونی نداشتند و برخلاف دولت انگلیس بیست هزار سرباز آلمانی اجیر نموده بامریکا فرستاد ولی بعد ناجمعی داوطلبان فرانسوی بامداد امریکاییان شتافتند و دولت فرانسه نیز قشونی برای آنها فرستاد و انگلیسها مغلوب شدند و در سنه ۱۷۸۳ مصالحه واقع شد و موسس آزادی اتازونی در آنوقت ژنرال واشنکتون بود که جنگ را بپایان رسانید و شهری بنام او شهرت یافت

سؤالات

جنگ مابین انگلیس و اتازونی در چه وقت واقع شد سبب غلبهٔ انگلیسیان در ابتدا چه بود بالاخره چه باعث شد که اتازونی غالب گردیدند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً بزرگان امریکای شمالی انگلیس خودشان متصدی حکومت مملکت
خود بودند و بعد از آن بسبب مالیاتی که دولت انگلیس بدون مشورت
ایشان تحمیل کرده بود در سنه ۱۷۷۵ شورش نمودند

ثانیاً — وکلای ایالات امریکا در سنه ۱۷۷۶ مجلسی در فیلادلفی منعقد
ساخته ادعای آزادی آتازونی را نمودند

ثالثاً — از سنه ۱۷۷۶ الی سنه ۱۷۸۳ ممالک متحده آتازونی برای
آزادی خود جنگ نمودند و بالاخره با امداد فرانسه ها انگلیس را
مجبور کردند که آنها را بآزادی بشناسند

رابعاً — ژنرال واشنگتون حکمران آتازونی گردید

ماحصل کتاب سیّم

اوّلاً ایجاد اختراعات بزرگ و انکشافات مهم اثرات عصر جدید است
ثانیاً قطب نما ملاحان را هدایت نمود تا امریکا را کشف کردند و چاپ
دانشمندان را کمک نمود تا معارف جدید را در عالم منتشر ساختند .
و مردمان بخیال افتادند که بر کلیسا شورش نموده احکام او را از فرسودگی اصلاح
کنند استعمال باروت در جنگها اسلحه هولناکی بدست سلاطین داد
ثالثاً — ازروی این ترتیب اوضاع عالم تغییر کرده اروپائیان مستملکات
جدید پیدا کردند اول اسپانیول و پرتوکال صاحب مستملکات شدند و
بعد از ایشان هلاندیها و فرانسه ها که مهاجرنشینهای وسیع بدست
آوردند

رابعاً بجای اینکه دول اروپ بهم خودشان را بازو یا دستیار ترقی
ترقی تجارت و صناعت مصروف سازند بسبب جنگهای طولانی
همواره ممالک ایشان در تزلزل و اضطراب بود سلاطین فرانسه
و اسپانی بسیار باقدرت شدند و با ایطالیا جنگ نمودند و چون سلاطین

امپراطور اسپانی شد با این خانواده فرانسه اسپانی زد و خورد بزرگ
شروع شد و در همه جا جنگهای مذهبی با جنگهای پلیتیکی مخلوط بود
خامساً ـ در اواسط قرن هفدهم خانواده اسپانی مغلوب شد و فرانسه
در عداد اولین دولت اروپا درآمد ولی قدرت خود را بی موقع و بیهوده
صرف نمود
سادساً بعد از آنکه در سنه ۱۶۸۸ شورش پلیتیکی اسباب آزادی انگلیس گردید
دولت انگلیس دشمن خطرناک فرانسه شد و مهاجرنشینهای فرانسه را گرفته
مملکتی بزرگ تشکیل داد و دو مملکت جدید خطرناک ظاهر گردید یعنی روس
و پروس
بعد از این دولت فرانسه در مقابل پیش آمدهای اروپا مثل سابق
رفتار نمیکند ولی بعد از شورش معروف فرانسه مقام ریاست
انسانیت از برای او حاصل شد

کتاب چهارم

ازمنهٔ معاصر

فصل اوّل

شورش فرانسه

در اروپا

۱۲۴ — ازمنهٔ معاصره — در اخر قرن هیجدهم عصر جدیدی برای فرانسه شروع شد و همچنین برای تمام اروپا بلکه برای تمام عالم

۱۲۵ — اظهار حقوق بشریّت — مجمع ملّی که در سنهٔ ۱۷۸۹ در فرانسه منعقد گردیده بود اظهار داشت که تمام مردم در اعمال آزاد و در حقوق مساوی هستند و مقصود ایشان فقط ملّت فرانسه نبود بلکه میخواستند حقوقی را که تمام ملل دارا هستند مطالبه نمایند و این عمل عبارت از اظهار حقوق انسانیت است

سؤالات

اظهار حقوق انسانیت عبارت از چیست مجمع ملی فرانسه در چه سنه منعقد و چه مطلب اظهار داشت

۱۴۶ - **اصول ۸۹** - بعد از آنکه مجمع این اظهار را نمود قوانینی از برای دولت وضع نمود که آنها را اصول ۸۹ نامیدند و قوانین مزبور از این قرار است

اولاً باید تمام مردم آزاد و صاحب حقوق متساوی باشند

ثانیاً هر کسی در تمام اعمال خود آزاد است در صورتیکه مخل آسایش دیگری نباشد باین معنی که هر کسی آزاد است در خیالات خود و در نوشتن هرچه خواهد و در اجرای مذهبی خود و در انتشار کتب و همچنین هر کسی آزاد است که بهر جا خواهد برود و در هر شهری که خواهد بماند و هر صنعتی که خواهد بکند و هرگز نباید احدی را متوقف سازند مگر آنکه بشبهه جرمی در حق او برود و تحقیق احوال مجرم را از همشهریها و آشنایان خود او بنمایند که در مجلس استنطاق یا محکمه عدالت حاضر میشوند

ثالثاً - قانون احکام نسبت بتمام مردم یکی باید باشد اهل هر ملت و هر مذهبی

میتوانند عمّال دیوانی یا صاحب منصب شوند فقط صفات شخصی هر کس
باید مناط اعتبار دانسته شود نه فامیل و ثروت او و تمام مردم بیک اندازه
باید مالیات بدهند پس همه کس در مقابل قانون مساوی خواهند بود.
رابعاً — اهالی مملکت باید بجهت انتخاب وکلا و نمایندگان خود جمع
شوند و بهیئت نمایندگان فقط حق دارند مالیات وضع نمایند و قانون
بگذارند و وزراء باید مطیع نمایندگان ملت باشند زیرا که حکم در دست
ملت است نه در دست وزراء

سؤالات

اصول ۸۹ یعنی چه   قوانینی که مجمع ملی وضع نمود شرح دهید

۱۴۷ - حال اروپا در ۸۹ — اغلب این قوانین طبیعی
و معمولی بنظر میاید و شاید شما خیال کنید در مملکتی که اهل آن آزاد
نباشند و در کار کردن و حرف زدن و نوشتن و خیال و غیر آن مختار
نفس خود نباشند چگونه زندگانی توان کرد یا چگونه دولت میتواند
بدون سبب مردم را محبوس نموده پول از ایشان بگیرد یا بر حسب هوای
نفس حکم توقیف کسی را بدهد ولی با اینحال امروزه تمام ملل مشرق

زمینی یعنی ترک و ایرانی و مصری ترتیب زندگانی ایشان مانند کسی است
که دلی و قیم داشته باشد بلکه قبل از شورش ۸۹ اسپانی و ایطالیا
والمان و روس و فرانسه و امریکای جنوبی تماماً حالشان مثل امروز
ترکان بود یعنی احکام ایشان بر حسب میل و هوای نفس سلاطین
و وزرای ایشان جاری میشد و سوای هلاند و انگلیس و سویس و
آنازونی هیچ ملتی خودشان با مر حکومت خود قیام نداشتند و رعیت
ملتی هم وجود نداشت بلکه تمامی اهل مملکت تابع و مطیع بودند

سؤالات

در باب این قوانین چه بنظر میاید و چه خیال میکنید کدام یک از ملل محکوم و
مطیع سلاطین خود هستند قبل از شورش ۸۹ کدام یک از ملل اروپا مطیع
سلاطین و کدام آزاد بودند

۱۴۸ــ دربارهای اروپا ــ مملکت المان و ایطالی همیشه
درمیان شاهزادگان کوچک بسیار تقسیم شده بود وطرز رفتار
و وضع احوال این شاهزادگان از روی تقلید لوی چهاردهم
پادشاه فرانسه بود که او را نمونه اعمال خویش قرار داده بتقلید او
عمارتها و قصرهای بزرگ بنا نموده و در پارکها مجسمه‌ها و فواره‌ها

مثل باغ در سرای قرار داده بودند و اجزای دربار آنها کلاهها
با پر مرغ وغیره زینت داده لباسهای گلابتون دوز در بر میکردند
و ساعتهای زندگانی خودشانرا با تکلفات ترتیب داده بودند از قبیل
ساعت بیدار شدن و غذا خوردن و خوابیدن وغیره و این
تکلفات و تجملات مخارجی گزاف داشت زیرا که هر یک از سلاطین
اهتمام داشتند که اهالی دربار ایشان مزین تر و متجمل تر از دیگران
باشند و بجهت این مخارج گزاف مالیات فوق العاده بر رعایا
تحمیل کرده بودند درصورتیکه غالباً خود ایشان مباشر حکمرانی نگشته
انجام امور مملکت را مستخدمین و اجزای دربخانه خود واگذاشته بودند
و هرگز در هیچ باب رعایا را طرف مشورت قرار نمیدادند و چون
از تعدی و اجحاف حکام و عمال ایشان شکایت مینمودند ایشان را از حبس
تهدید میکردند خلاصه زمام امور مردم در دست یک مشت اجزای
دربخانه و اهل دفتر بود یعنی محبای ملکات داشخاصی که محبوب القلوب
سلطنت بودند

سؤالات

مملکت آلمان و ایطالی چه حال داشتند - وضع زندگانی و رفتار شاهزادگان آنها
چه قرار بود - از برای مصارف تفننات و تجملات خود چه میکردند - ترتیب حکمرانی
ایشان چه قسم بود

۱۴۹ - اتفاق سلاطین و امرا در خصومت شورشیان فرانسه

بعد از آنکه فرانسه‌ها در ماده مساوات و آزادی اظهارات نمودند
تمام شاهزادگان ممالک و اجزای درباری از واژگون شدن
خودشان بیم کردند و تنها مقصود بیکی حفظ اقتدار خودشان نبود
بلکه اغلب ایشان از روی حقیقت و انصاف معتقد بودند که ملت قابل
اداره کردن امور خود نمیباشد و بهترین دولتها دولتی است که
زمام احکام آن در دست یکنفر بوده تمام مردم اطاعت از و نمایند
مانند فوج سرباز که بدون بحث و ایراد مطیع رئیس خودشان هستند
و میگفتند خداوند پادشاهان را مامور کرده است که حکمرانی نمایند
و رعایا را از برای آن آفریده که مطیع باشند
[illegible] ۱۷۸۹ اظهار عداوت نموده کتابهائی که از فرانسه میآمد توقیف میکرد
و [illegible] از آزادی سخنی میگفت حبس مینمودند و هرکس از فرانسه
[illegible] بمرده قوانین شورشیان را قبول میکرد او را نمی پذیرفتند

بعدازان پادشاه پروس و پادشاه ساردن قرارداد پلنیتس را که مشتمل بر امداد پادشاه فرانسه و خصومت با ملت بود در ۱۷۹۱ امضا کردند

سئوالات

۱ بعد از آنکه فرانسه ها در باب آزادی سخن گفتند — شاهزادگان ممالک و اجزای درباری چه کردند در باب ملت چه عقیده داشتند — در خصوص سلطنت چه میگفتند با کسانیکه از فرانسه جلای وطن میکردند چه رفتار مینمودند — پادشاه پروس و ساردن چه اقدامی نمودند

۱۵۰ — جنگ ۱۷۹۲ — در ۱۷۹۲ هیئت قانون گذاران با امپراطور اعلام جنگ نمودند و برونشویک سرتیپ پروسی فرانسه را با قشون زیاد از فرا گرفت و اعلان کرد که اگر فرانسه ها پادشاه خودشان را مانند آنکه قبل از شورش بود مقرر ندارند شهر پاریس را خراب خواهم ساخت فرانسه ها در والمی بر او غالب آمدند و در بلجیک و ساوا نیز ظفر یافتند و سواحل طرف چپ رود رن را بدون اینکه کسی با آنها مقاومت نماید تصرف کردند

قشون فرانسه بهر جا میرسید اسباب شورش و انقلاب فراهم میشد زیرا که فرانسویها بهر جا میرسیدند حاکمان قدیم را معزول ساخته

دربربدی از اهالی خود آنجا عامل نصب میکردند و نجبا و رؤسای
مذهبی هرچه داشتند میگرفتند حقوق آقایان را بکلی پامال و فسوخ
مینمودند

سؤالات

در ۱۷۹۲ قانون گذاران چه کردند — برون شویک سرتیب پروسی چه کرد و چه
شد قشون فرانسه چه میکردند

۱۵۱ - اتفاق در سنه ۱۷۹۳ — یعقوبیان یعنی جمهوری طلبان
سخت در فرانسه قوت یافته ریاست حاصل کرده بودند و میخواستند
سر یکنفر از سلاطین اروپ را از بدن جدا سازند و این مقصد را
درباره لوی شانزدهم مجری داشتند و تمام ممالک اروپ برخصومت
فرانسه ها اجماع نمودند و فرانسه با ایشان طرف شد یعنی اطریش و
پروس و تمام شاهزادگان آلمان و اطالی و اسپانی و انگلیس و
هلاند اتفاقی تشکیل دادند که با فرانسه جنگ نموده آنها را مجبور کنند
تا پادشاه اختیار نمایند پروسها و اطریشی ها و انگلیس و ایطالی
و اسپانیول از پنج طرف مملکت فرانسه را احاطه نمودند چون
سردار قشون فرانسه بود و اسلحه بدی داشتند در همه جا شکست

خوردند اما سرداران قشون دول متفقه بارامی پیش میآمدند و مقصودشان این بود که قبل از وصول بپاریس تمام قلعه های کوچکرا مسخر کرده باشند و ازاین بابت فرانسه ها وقت فرصت داشتند که چندین دسته قشون جمع آوری نمایند و بجهت فرماندهی آن قشونها سردارهای جوان بسیار شجاع مانند هش انتخاب کردند و با دول متفقه طرف گردیده قشون ایشانرا در آخر سنه ۱۷۹۳ از فرانسه بیرون کردند

سئوالات

جمهوری طلبان در فرانسه چه حال پیدا کرده چه میخواستند ممالک اروپ نسبت بفرانسه چه کردند — سبب شکست فرانسه ها از دول متفقه چه بود بعد از آن فرانسه ها چه کردند — کار ایشان با دول متفقه بکجا رسید

۱۵۴ — فیروزی شورشیان — در سنه ۱۷۹۴ ممالکی که قشون آنها بر فرانسه حمله کرده بود پی سپر فرانسویان گردید و در دو دفعه اسپانی و قشون فرانسه حضور یافتند یکی در کنار رود رن و دیگری در بلجیک و اتفاق دول بر هم خورد پادشاه اسپانی و پادشاه پروس و چند تن شاهزاده آلمانی در سنه ۱۷۹۵ در بال مصالحه نمودند

و فرانسه را بجمهوریت شناختند ولی دو لتهای دیگر در جنگ مداومت
جستند و قشون فرانسه در پیشرفتن مداومت نمود قشونی که از فرانسه
به بلجیک رفته بود در فصل زمستان که هوا بشدت سرد بود بدون
کفش و کلاه داخل هلاند گردیدند و از نهرهای یخ عبور مینمودند
و سوارهٔ هوسار فرانسه در روی تختههای یخ اسب تاختند



سوار نظام جمهوری در حین گرفتن قوای بحری هلاندی

وکشتیهای هلاندرا گرفتند در ایطالیا پادشاه ساردین که
مغلوب بناپارت شده بود از او طالب مصالحه گردید
و بعد از آن اطریشیها مغلوب شدند و آنها را از ایطالیا بیرون کردند
و در سنه ۱۲۹۱ اطریشیها طالب مصالحه گشتند و بعد قرار براین شد

که مجلس کنگره مرکب از سفرای دول در بر انجشتاد آلمان تشکیل شود

از برای انجام عهدنامه‌ها که با پادشاه آلمان منعقد شده بود فرانسه‌ها

هم سه نفر مأمور بمجلس مزبور فرستادند و سوارهٔ هوسار اطریش در

سنه ۱۷۹۹ این سه نفر را بقتل رسانیدند و دوباره جنگ شروع شد در این

نوبت اطریشها با روسها متفق شدند و قشون روس فرانسه‌ها را

از ایطالیا بیرون کردند ولی در کوههای سویس در سنه ۱۷۹۹ بدست

سردار ماسنا مغلوب گشتند

سؤالات

قشون فرانسه کجاها رفتند اتفاق دول کجا انجامید - قشون فرانسه

بچه حال داخل هلاند شدند - پادشاه ساردن چه کرد و اطریشها چه کردند -

در راشتاد آلمان چه مجلسی تشکیل یافت و بعد از آن چه شد - قشون روس

با فرانسه‌ها چه کردند

۱۵۳ - جمهوریهای متفقه فرانسه مقصود فرانسه‌ها از این جنگها

توسعه مملکت خودشان نبود ولی ساووا و بلجیک و ساحل طرف چپ

رود رن را برضایت و میل سکنهٔ آن ممالک ضمیمه فرانسه نمودند

و سایر ممالکی که بتوسط قشون فرانسه فتح شده بود فرانسه‌ها آزادی

آنهارا اعلام نمودند شاهزادگان و نجابا از آنها بیرون کردند محض اینکه دولت آنها را جمهوری سازند و سکنه مملکت خودشان سلطان انتخاب کنند و باین ترتیب شش جمهوری کوچک برقرار نمودند جمهوری باتاد در هلاند و جمهوری هوتیک در سویس و جمهوری لی گوری در ژن و جمهوری سی زال پین در شمال ایطالی و جمهوری رمن در ایطالیای مرکزی و جمهوری پارتنپ در ناپل که تمام اینها با فرانسه متفق بودند و حکومت آنها در دست ملت بود و بر حسب اصول مساوات رفتار میکردند این کاری بود که سربازان جمهوری کردند یعنی آزادی و مساوات تمام رعایا را نسبت بقانون مانند رعایای فرانسه اعلام کردند

سئوالات

مقصود فرانسه ها از این جنگها چه بود — فرانسه ها در حالی که فتح نمودند چه اقدام کردند — چند جمهوری بتوسط فرانسه ها تأسیس شد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً ابتدای زمان معاصرین در هنگام شورش ۱۷۸۹ بود
ثانیاً مجمع ملی ۱۷۸۹ حقوق انسانیت را اظهار نمود نه فقط مخصوص
فرانسه بلکه از برای تمام ملل
ثالثاً اظهار اصول ۸۹ آزادی عموم و تساوی حقوق را نسبت بتمام نوع
و حق حکومت ملی را مقرر میدارد
رابعاً در آن هنگام قریب تمام ممالک اروپا هنوز مطیع هوا و هوس
سلاطین و وزرا بودند
خامساً شاهزادگان کوچک در آلمان و ایطالی اهتمام داشتند که
در حرکات خود تقلید لوی چهاردهم را نمایند و در امر حکمرانی رعایای
خود را داخله نداده از ایشان مشورتی نمیکردند و نجبا و محبوب القلوبهای
سلطنت تمام صاحب نفوذ و قدرت بودند
سادساً ـ شاهزادگان و وزراء از اصول ۸۹ جبنی شدید داشتند و اصول
مزبوره را با حقوق پادشاه که از جانب خداوند معین شده مخالف میدانستند

و باین جهت هر کس از فرانسه هجرت نموده جلای وطن میکرد در نزد خود می پذیرفتند
و در فرو نشاندن شورشها اهتمام داشتند

سابعاً در سنه ۱۷۹۲ درمیان فرانسه و پروس و ساردن و اطریش جنگ
شروع شد و فرانسه غالب آمده والمی را مسخر ساختند و بلژیک و
ساووا و ساحل یسار رود رن را بتصرف در آوردند

ثامناً در سنه ۱۷۹۳ یعقوبیان لوی شانزدهم را گردن زدند و تمام اروپا
بخصومت فرانسه برخواستند و از پنج طرف فرانسه را احاطه نمودند ولی
بعد از آن فرانسه قشونی بزرگ تشکیل داد و در آخر سنه ۱۷۹۳ سلاطین متفقه را
از خاک فرانسه خارج ساخت

تاسعاً قشون فرانسه ممالک دشمن را فرا گرفته سلاطین اسپانی و پروس را
مجبور کردند که در سنه ۱۷۹۵ مصالحه با ایشان را قبول نمودند و در همین سنه هلاند را
تصرف نموده در سنه ۱۷۹۶ ایطالیا را مسخر ساختند و در سنه ۱۷۹۹ سویس را
گرفتند بجز بلژیک و ساووا و ساحل یسار رود رن جاهای دیگر را فرانسه
ضمیمه املاک خود نمود

در ممالک دیگر که مسخر فرانسه شده بودند شش جمهوری تشکیل دادند که با
فرانسه متفق بودند

فصل دویم

جنگ مملکت

۱۵۴ - مملکت امپراطوری فرانسه - ژنرال بناپارت بعد از فتح مصر با مشروطه فرانسه اظهار خصومت و ضدیت نمود و در نهم ماه دویم جمهوری نمایندگان (وکلای ملت) را بتوسط سربازان خود خارج ساخته خودش باسم کنسولی در فرانسه حکمرانی نمود و بعد از آن در سنه ۱۸۰۴ خود را امپراطور خواند و بدون اینکه از ملت فرانسه مشورتی نماید امر بگرفتن نیابت میکرد و قشون حرکت میداد و قانون میگذاشت و اعلان جنگ میکرد خلاصه ترتیب سلاطین قدیم حکمرانی میکرد و میخواست تمام مردم بدون ایراد مطیع حکم و اراده او باشند. تا شخص بناپارت سرداری صاحب عقل کامل بود و بهترین سربازان عالم را در زیر حکم داشت

ناپلیون آزادی هیچ ملتی را وقعی نمیگذاشت بجز آزادی فرانسه‌ها را چند نامه یک جزء ایطالیا را تصرف کرد و ایالتهای ایلریها را که مجاور

فرانسه بود متصرف شد و همچنین در سنه ۱۸۱۰ هلاند و تمام سواحل دریای شمال را

مسخر ساخت و بدون اینکه با سکنه آن ممالک مشورتی نماید آنها را ضمیمه

ایالتهای فرانسه نمود و سایر ممالک اجنبی را با قوام خود می بخشید مثل

اینکه آنها را مسخر کرده باشد از آنجمله مملکت هلاند را ببرادر خود لوئی

داد و بعد از وی پس گرفته برادر زنش موراته او را لی نشین بزرگ کلو

نمود و بعد از آن پادشاه نشین ناپل را باو داد و مملکت ایطالیا را به پسر

زنش اژن بخشید و پادشاه نشین وستفالی را ببرادر دیگرش ژرم

عطا نمود و مملکت اسپانی را ببرادر دیگرش ژزف داد و تمام این

سلاطین مطیع و منقاد امر او بودند

سؤالات

ژنرال ناپارت بعد از فتح مصر چه کرد ترتیب فرار او از سنه ۱۸۰۴ چه قسم بود

ناپلئون ناپارت چطور آدمی بود چه ایالات و ممالک را تصرف نمود —

با ممالک اجنبی چگونه رفتار میکرد

۱۵۵ — اتفاق سلاطین در خصومت ناپلئون چه اطریشی ها در مارنک

مغلوب گردیده مصالحه را انجام داده بودند و انگلیسها در ۱۸۰۲ مصالحه

کردند ولی این مصالحه دو سال بیشتر طول نکشید یعنی انگلیسها شروع بجنگ

نمودند و اطریشها و روسها نیز با آنها متفق شده بر ضد فرانسه
حرکت کردند و این اتفاق سیمین بود ناپلیون قشون جراری تهیه
کرده بود که در ساحل انگلیس پیاده و پیاده زود با آن قشون طرفین را
فرا گرفته تا شهر وینه برفت و در جنگ بزرگ استرالیس فتح کرد
و در سنه ۱۸۰۵ اطریش طالب مصالحه گردید

سئوالات

مصالحه اطریشی ها و انگلیسها بکجا انجامید و بعد از آن چه کردند - ناپلیون
با قشون جرار خود تا کجا رفت

۱۵۶- ناپلیون و آلمان - ناپلیون سپاه جرار
خود را در آلمان نگاه داشته تمام خواهشهای خود را بر آلمان حمل
نمود آلمان جنوبی که تا آن زمان به دویست شاهزاده نشین تقسیم شده
بود در سه مملکت منحصر گردید.-

پادشاه نشین باویر و پادشاه نشین ورتامبرگ و والی نشین
بزرگ باد ناپلیون مملکت پروس را نیز بزرگ کرده بود اما پادشاه
پروس تصور میکرد که قشون قدیمی فردریک بزرگ از قشون فرانسه

قوی‌تر میشد و از این رو داخل جنگ شد و در سنه ۱۸۰۶ در ینا مغلوب
گردیده تمام شهرهایش متصرف شد و سربازان او دماغشان سوخته
بدون جنگ تسلیم شدند

در سنه ۱۸۰۷ در مصالحه تیل سیت ناپلیون نصف مملکت پروس را
از پادشاه آن منتزع ساخت و از ممالکی که از پروس گرفته بود
پادشاه نشین وستفالی را از برای برادر خود ترتیب داد

در آن وقت تمام ممالک آلمان مابین رود رن و رود الپ بیکدیگر
متصل گشته چند دولت از آن تشکیل یافت که با همدیگر متحد بودند فقط
پروس و اطریش از آنها مفروز بودند ناپلیون امر نمود که او را حامی
دول متحده مذکوره بخوانند و در حقیقت ناپلیون صاحب مملکت آلمان
بود زیرا که از سنه ۱۸۰۶ در آلمان امپراطوری نبود و امپراطوری قدیم
آلمان با امپراطوری اطریش مقرر گردیده بود

سؤالات

ناپلیون با آلمان چه کرد — آلمان چند پادشاه نشین بود و بعد چه شد
پادشاه پروس با ناپلیون چه کرد — در مصالحه تیل سیت ناپلیون چه کرد

درآنوقت ممالک المان مابین رود رن والب چه حال حاصل کرد —
ناپلیون امر نمود او را بچه نام بخوانند امپراطوری آلمان ما که تعلق یافت

۱۵۷ — ضبط و اعدام امتعه — در تمام مدت این زمان درمیان فرانسه و انگلیس جنگ مستمر بود ناپلیون در روی دریا نتوانست بر انگلیسها غلبه نماید ولا جرم در صدد خرابی و تمامی آنها بر میآمد و دفاع او تنها برای فرانسه نبود بلکه در سنهٔ ۱ بکابیت عمل بیاید و المان و اسپانی و ایطالیا قیام داشته و در هرجا متاع مملکت انگلیس را بدست میآورد امر بضبط یا سوزانیدن آن مینمود

سؤالات

ناپلیون با انگلیسها چه میکرد مقصود ناپلیون غیر از دفاع فرانسه چه بود
با امتعه انگلیس چه میکرد

۱۵۸ — هیجان اسپانیولیها در خصوص ناپلیون — در سنهٔ ۱۸۰۸ که ناپلیون برادر خودش ژزف را برخلاف میل اسپانیولیها پادشاه اسپانی نمود و خودش با سپاهی بجهت برقرار نمودن او رفت معمولاً فاتح گردید و ژزف را برقرار کرد ولی بعد از برگشتن او بخاک فرانسه اسپانیولیها در تمام اطراف اسپانی سر بشورش برداشتند

قشون بزرگی از آنها تشکیل نمیشد و عده زیادی نداشتند ولی دستهای
کوچک که هریک را گریلا مینامیدند درکوهها و دره‌ها مخفی میشدند و
چون قشون فرانسه بسمت آنها میرفت غفلتاً بیرون آمده برایشان
حمله ور میشدند لشکریان فرانسه که در جنگهای بزرگ همیشه غالب بودند
چون در این وقت برای تصرف اسپانیول و تنبیه شورشیان بدستهای
کوچک تقسیم شده هردسته بطرفی میرفت اغلب آنها کشته یا گرفتار میشدند
این جنگ پنجسال طول کشید و هزاران از سرباز فرانسه در آن تلف شدند

سؤالات

بعد از تعیین ژزف بسلطنت اسپانی اهالی آن چه کردند   اسپانیولیها بچه ترتیب قشون تشکیل میدادند با فرانسه‌ها چه کردند

۱۵۹ – شورش اطریشیان در خصوص ناپلیون

در سنه ۱۸۰۵ اطریشیها
بعضی ایالات خود را مجبوراً واگذار نمودند و آن صلح را بجهت آن کردند
که تهیه دیده مجدداً جنگ نمایند   ارشیدوک شارل سردار اطریشی
در وقتیکه سربازان خود را مرخص میکرد بآنها میگفت بروید و چندی
استراحت کنید تا جنگ مجدد را شروع نمائیم   و بنابراین در هنگامیکه

ناپلیون با اسپانی مشغول بود اطریش با و اعلان جنگ نمود سنهٔ ۱۸۰۹
و اوّل امپراطور اطریش رعایای خود را طلبیده با یشان گفت دانسته
باشید که امروز آزادی اروپا بزیر بیدق شما پناه برده است برادران
آلمانی شما خلاصی خود شان را بتوسط شما امید وارند و بالاخره در
سنهٔ ۱۸۰۹ اطریشی ها در واگرام مجدداً مغلوب شدند و ناپلیون چند
ایالت دیگر از اطریش منتزع ساخت و چند ایالت را باقی گذاشت
و تیرل را به باویر داد ولی هنگامیکه سربازان فرانسه و قشون باویری
داخل تیرل گردیدند تیرلی ها چون راضی نبودند که از اطریش منتزع
شوند بهیجان آمدند و در مدت چند روز شش هزار سرباز فرانسه و
باویری را اسیر نمود مملکت خود شان را مستخلص کردند و دوباره
قشونی از فرانسه تیرل را فرا گرفته اندره هوفر رئیس کوهستانیها را گرفتار
و در مانطو او را تیرباران کردند و آلمانها او را شهید راه آزادی شمرده
در موت او ماتم بزرگ گرفته اجتماعی شایان نمودند و تیرلی ها هنوز
در آواز خود شان او را ذکر مینمایند مثل فرانسه ها که مارسییز میخوانند

سؤالات

اطریش‌ها بعد از صلح ۱۸۰۵ اجرا کردند — ارشیدوک شارل سردار اطریشی

چه میگفت امپراطور اطریش بارعایای خود چه گفت بعد از جنگ مجدداً کار

بکجا رسید تیرلی‌ها چه کردند — و فرانسه با آنها چه کرد اندره هفر چه شد

۱۶۰ — بغض آلمان با ناپلیون — ناپلیون تمام اشخاصی را

که در مقابل او مقاومت مینمودند مضمحل ساخته بود و ممالکت

بسیاری را که عده آنها بصد و سی ایالت میرسید ضمیمه فرانسه

کرده بود و سلاطین اروپا تماماً در اطاعت او بودند در همه جا قهر

سربازگیری مقرر داشته در موقع لزوم از سایر طبقات مردم نیز

قشون میگرفت و از این جهت قشون فرانسه منحصر بفرانسوی تنها نبود

بلکه ایطالیائی و اسپانیولی و بسیاری آلمانی در میان آنها بود

سربازان او تمام اروپا را پر نموده و تقریباً در تمام شهرها ساخلو

گذاشته بود و لاینقطع راهها پر از سربازان او بود که با سپانی

و ناپل و پروس و اطریش میرفتند زیرا که در تمام اینجاها جنگ داشت

آلمانیها بیش از سایرین صدمه و زحمت دیده بودند و لهذا از فرانسویان

بنای تنفر را گذاشتند و عقلای ایشان کتابها نوشتند که سربازان

آلمانی را بهیجان آورند تا همگی اجماع نموده بر دشمن عمومی حمله کنند
در پروس هیئتی از برای خلاصی از دست فرانسه تشکیل گردید

سئوالات

ناپلیون با معاودت کنندگان چه کرده بود چند ایالت به اضمیمه فرانسه
کرده بود قشون او از چه ملتها تشکیل یافته بود قشون ناپلیون بکجا میرفتند
آلمانها در خصومت فرانسه و ناپلیون چه اقدامی کردند

۱۶۱ — هیجان ۱۸۱۳ — ناپلیون اول سیصد هزار
قشون داشت و با امپراطور روس نیز دوست بود و هیچکس را تاب معاودت
و مقابل آنها نبود در سنه ۱۸۱۲ ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روس
برهم زده و با او اعلان جنگ نمود و بر پادشاهان اروپا فشار آورده
که در این باب متفق شوند و سیصد و پنجاه هزار قشون که مرکب از
فرانسوی و ایطالیانی و المانی و پروسی و اطریشی بودند بروسیه برده
تا شهر مسکو رفت ولی در بازگشتن چون زمستان در نهایت سختی بود اغلب
سربازان او از سرما یا گرسنگی تلف شدند و بسیاری از ایشان را هم
سواره قزاق روسی با نیزه های بلند دنبال کرده کشتند و آلمانها دیگر

دیدند موقع آن رسیده که خودشان را از دست ناپلیون خلاص نمایند
از سنه ۱۸۰۷ وزرای پروس در مدد تربیت و تهیه قشون بودند
و محض اینکه بر امید و دلیری آنها بیفزایند مقرر داشته بودند که سرباز هم
میتواند صاحب منصب گردد و مقداری هم قشون ذخیره ترتیب داده
بودند و آن قشون عبارت از اشخاصی بود که با اسلحه مشق نموده ولی
جزو در هنگام جنگ داخل صف قشون نشده بودند در مارس سنه ۱۸۱۳
پادشاه پروس بر رعایای خود اعلام نمود که از برای جنگ حاضر
شوند و جوانان درس خوانده او بنود متفقیه حاضر جنگ گردیدند سرودی
مشتمل بر حب وطن و عداوت فرانسه انشاد نموده میخواندند که هنوز هم
آن سرود را در آلمان میخوانند پروس که تمام جمعیت آن بیش از
پنج ملیون نبود دویست و پنجاه هزار قشون حرکت داد و انگلیسها و روسها
و پروسها و اطریشها و اسپانیولیها در دشمنی ناپلیون اتفاق
نموده قشون بزرگ ناپلیون که مرکب از این ممالک بود برهم خوردند
و ناپلیون مجدداً قشونی از سربازان جوان تشکیل داده در جنگ

درست فتح نمود ولی در لیپزیک در جنگی که در سنه ۱۸۱۳ وقوع یافت
در مقابل سیصد هزار قشون دول متفقه زیاده از یکصد و سی هزار
نفر نداشت و بعد از جنگی که سه روز بطول انجامید ناپلیون مجبور بعقب
نشستن شد و هر قدر او عقب می نشست هیجان و دلیری آلمانها در تعقیب
سر او افزوده می شد

سؤالات

قشون ناپلیون اول چه قدر بود — ناپلیون با امپراطور روس چه کرد
قشون او در مراجعت از مسکو چه شد — وزرای پروس انکی در صدد تربیت
قشون بودند پادشاه پروس و پروسیها چه اقدامی نمودند — دولی که در عداوت
ناپلیون اتفاق نمودند کدام بودند — کار جنگ ناپلیون با ایشان کجا رسید

۲۰۱ — **تسخیر فرانسه** — دول متفقه بکلی از آلمان عبور نموده
مملکت فرانسه را فرا گرفتند و در فرانسه قشونی از برای دفاع باقی
نمانده بود ناپلیون امر نمود جوانان هیجده ساله مهیای جنگ
شوند و قشونی از ایشان تشکیل داده با این سربازان جدید خود
در سنه ۱۸۱۴ جنگ شگفت انگیزی انجام داد و دول متفقه تا پاریس
آمده لوئی هیجدهم را همراه خویشان آوردند و ناپلیون در سنه ۱۸۱۵

بوکت و لوی هیجدهم را سرنگون ساخت ولی دول متفقه جنگ دائر لوی هجدهم و فرانسه را فرا گرفته از هر طرف وارد آن شدند جمعیت قشون ایشان یک ملیون و دویست هزار بود و دراین نوبت در فرانسه مقیم گردیدند مدت دو سال مملکت فرانسه در تصرف قشونهای دشمن بود روسها در لورن و انگلیسها در شمال و پروسها مابین رود رن و لوار و اطریشی ها در دره رن اقامت جسته بودند و پادشاه را مجبور کرده بودند باقی مانده قشون فرانسه را مرخص کند

سؤالات

دول متفقه چه کردند — ناپلیون چه کرد — جمعیت قشون دول متفقه چه قدر بود و چه کردند — هر یک از ایشان کجا را فرا گرفتند

۴۰۶ — عهدنامه وین — در سنه ۱۸۱۴ تمام سلاطین

سفرای خود را از برای تقریر شرایط صلح بوین فرستاده بودند و آنرا مجلس کنگره وین خواندند و مدت هشتماه طول کشید از تمام ممالک اروپ و از خود فرانسه هم در آنجا نماینده حضور بهم رسانده بود سلاطین اروپا ناپلیون را ملامت میکردند که ولایات و ایالات را با

وزرا و غیره خلاف قانون محض هوای خود تصرف نموده و حال آنکه خود شان هم
همین کار را کرده اهالی ممالک را مانند گله گوسفند در میان خود شان
تقسیم نمودند بدون اینکه از خود آنها مشورتی نموده رضایت ایشان را
ملاحظه نمایند. و ایالتهای ممالک ضعیفه را از آنها مجزی نموده بدولتهای
قوی میدادند و نقشه اروپا را از روی هوای نفس بهر شکلی که میخواستند
ترتیب میدادند در این کنگره تنها آنچه را ناپلیون ضمیمه ساخته بود از
فرانسه بگرفتند بلکه بلژیک و ممالک رن و ساووا را هم از ایشان
گرفتند پروسها میخواستند الزاس لورن را هم بگیرند ولی امپراطور
روس اجازه نداد مملکت رن را مابین پروس و باویر تقسیم کردند
و بلژیک را بدون رضایت بلژیکیها بهلاند متصل نمودند اطریش تمام
شمال ایطالیا را گرفت و پادشاه نشین لمبارد و ونیسین را بدون
میل ایطالیائیها تشکیل داد روس لهستان را بدون رضای آنها گرفت
و پروسها یک ایالت از پادشاه نشین ساکس را بدون رضایت
ساکسونها مالک شدند سوئد نروژ را از پادشاه دانمارک گرفت
انگلیس از ممالک اروپا چیزی نگرفت چرا که دماغه امید خیر را که

داشت که از بلاد پیا گرفته بود * و همچنین یک مهاجرنشین فرانسه را

که جزیره فرانس باشد

سؤالات

مجلس کنگره وین در چه تاریخ منعقد گردید — سلاطین اروپا ناپلیون را

برای چه ملامت میکردند و خود ایشان مرتکب چه کارها شدند

۲۶۱ — **نتایج جنگهای مملکتی** — ناپلیون چند ملیون آدم

تلف نمود و مدت پانزده سال تمام اروپا را در صدمه و اذیت داشت

و نتایجی که از این جنگها حاصل گشت از این قرار بود

ممالک روس و پروس و اطریش با وجود وسعت یافت و مملکت فرانسه

کوچک شده باندازه که قبل از شورش بود قرار گرفت

بسیاری از ممالک کوچک را که مانع اتحاد و اتصال المان و ایطالی

بود ناپلیون خراب نمود در آلمان سیصد و پنجاه مملکت کوچک بود

و بیش از سی و پنج آنها باقی نماند در تمام ممالکی که فرانسه ها مسخر کردند

حقوق ریاست و آقائی را موقوف نموده و داشتند و تساوی در قانون

برقرار کردند در ایطالی ممالک را قانون فرانسه احتمام ... داشتند

و در سایر ممالک نیز پادشاهان ایشان محض اینکه رعایا را از خصومت
و دشمنی ناپلیون برانگیزند مجبور بودند ترتیباتی بدهند قلیله آلمانیها
و ایطالیائیها ازاین جنگها فایده بردند و فرانسه ها متضرر گشتند زیرا
که بلژیک و ممالک رَن که پس از شورش بفرانسه ملحق شده بود دراین
جنگها از دست ایشان بدر شد

سئوالات

نتایجی که از جنگهای ناپلیون و سلاطین اروپ حاصل شد شرح دهید

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً — ژنرال بناپارت در هیجدهم ماه دوّیم جمهوری ۱۷۹۹ کنسول
گردید و بعد از آن در سنه ۱۸۰۴ امپراطور فرانسه شد و در مملکت فرانسه
حکمرانی مطلقه مالکانه نموده ممالک اروپ را بدون رضایت و مشورت اهالی
آنها ضمیمه فرانسه نمود و آنها عبارت بود از یک جزو ایطالیا و ایالتهای
ویلاری و هلاند و سواحل بحر شمال و همه را برادر و اقوام خود بخشش داده بشانزا

در ایطالیا و آلمان و اسپانی سلطنت داد

ثانیاً – اطریش و روس و انگلیس که در سنه ۱۸۰۱ و سنه ۱۸۰۲ مصالحه کرده

بودند در سنه ۱۸۰۵ اتفاق تیم را نموده ناپلیون در استرلیز مطابق ۱۸۰۵

فاتح شد

ثالثاً – ناپلیون در ینا در ۱۸۰۶ بر پروس غالب آمده و صاحب

تمام آلمان گردیده نام خود را حامی دول متحده افتخار داد

رابعاً – از برای خرابی و صدمه انگلیس از پذیرفتن امتعه انگلیس منع نموده

در هر جا یافت ضبط مینمود یا میسوزانید

خامساً – مملکت اسپانی که ناپلیون سلطنت آنجا را بر خلاف ضابطه اهل

آن ببرادر خودش ژوزف داده بود در سنه ۱۸۰۸ هیجان کرده بدسته جات

مختلف منقسم و بسیاری از سربازان فرانسه را نابود ساختند

سادساً – امپراطور اطریش در سنه ۱۸۰۹ رعایای خود را برای جنگ اجبار نمود

و در واگرام مغلوب گردیده چند ایالت دیگر از دستش بیرون رفت ولی

اهالی تیرل که ناپلیون آنها را باکراه از اطریش جلای وطن داده بود بدشمنی ناپلیون

برخواستند

سابعاً - قشون ناپلیون لاینقطع از آلمان عبور نموده با اهالی بدرفتاری و آنها را
غارت میکردند تا بالاخره آلمانها متنفر شدند

ثامناً - ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روسی برهم زد و در سنه ۱۸۱۲ قشون
او روسیه را فرا گرفته تا مسکو رفتند ولی در مراجعت قشون او از سرما تلف شدند
در سنه ۱۸۱۳ پروس و اطریش با ناپلیون اخبار جنگ نمودند و در لیپزیک
مغلوب گردیده مجبور شدند که از آلمان صرف نظر کنند

تاسعاً - قشون دول متفقه فرانسه را فرو گرفت و با وجود جنگهای نمایان
که فرانسه در ۱۸۱۴ بپایان برد ناپلیون مجبور گردید که استعفا نماید و دوباره
در ۱۸۱۵ مراجعت کرد و در جنگ واترلو مغلوب شد و قشون متفقین دوباره
داخل فرانسه گردید و قریب دو سال توقف نمودند

عاشراً - در سنه ۱۸۱۴ مجلس کنگره وین نقشه اروپا را از نو ترتیب داد و
سلاطین اروپ مملکتها را بدون رضایت و اطلاع اهالی آنها در میان خود قسمت
نمودند و تمام ممالکی که فرانسه از زمان شورش ضمیمه خود نموده بود از دست داد .
و ممالک پروس و اطریش و روسیه و انگلیس بسی وسعت یافتند

حادی عشر - نتیجه جنگهای ناپلیون بزرگ شدن سایر دولتها و کوچک شدن فرانسه گردید

فصل سیم

شورشها و رفرم پلیتیکی در اروپا از سنهٔ ۱۸۱۵

۱۶۵ — دولت با نماینده — هرگاه بخواهند احکام دولت از روی حقانیت و عدالت اجری گردد باید در احکام خود مستقل بوده زمام اختیار مملکت و امور دولت در دست شخص پادشاه یا چند نفر وزرا نباشد بلکه پادشاه و وزرا باید مطیع قانون مشروطیت و مسؤول نمایندگان ملت باشند

نمایندگان باید همه ساله جمع شوند و مجلسی تشکیل داده ترتیب مالیات و وضع قانون بنمایند و از وزرا مراقبت کامل داشته باشند چنین دولتی را دولت با نماینده یا مشروطه یا آزاد خوانند و دولتیکه پادشاه در آن برحسب میل خود احکام صادر نماید دولت مستقله گویند

و این قسم دولت بسیار بد است زیرا که اهالی در آن آزاد نیستند

از زمان شورش فرانسه در تمام ممالک اروپا مردم مایلند که دولت با نماینده داشته باشند یعنی آزاد باشند و برخلاف اینها جمعی دیگر

مایل هستند که سلطنت مطلقه را برپا بدارند و ایشان را مستبدین گویند
این دو طبقه مردم از ۱۸۱۵ در همه جای اروپ با یکدیگر مشغول زد و
خورد شدند

سؤالات

دولت با نماینده کدام است و دولت مستبده یعنی چه کدام یک از این دو دولت
بهتر هستند نمایندگان ملت چه میکنند. دو طبقه نماینده خواهان و مستبدین از چه
زمان مشغول زد و خورد شدند

۱۶۶ - **اتفاق مقدس** - در ۱۸۱۵ خواهندگان سلطنت
مطلقه قویتر بودند و سلاطینی که در خصومت ناپلیون اتفاق کرده بودند
برعایای خودشان وعده میدادند که دولت مشروطه مقرر دارند
امتیاز شخصی را منسوخ نمایند ولی قلباً از این معنی کمال نفرت داشتند
و بعد از آنکه احتیاج ایشان بمعاونت و همراهی رعایا برطرف گردید
از ادای حقوق رعایا امتناع ورزیدند و همچنین ترتیبات قدیم را
که قشون فرانسه در ایالات مفتوحه منسوخ کرده بودند سلاطین
متفقه مجدداً برقرار نمودند و این سلاطین دشمنان آزادی

معاهده در میان خودشان منعقد ساخته از اتفاق مقدس نامیدند و در آن معاهده مقرر داشته بودند که در ستمکاری رعایا و نپذیرفتن خواهش ایشان از یکدیگر حمایت و معاونت نمایند پادشاه پروس و امپراطور روس و امپراطور اطریش رئیس و فشار این اتفاق و اتحاد بودند شاگردان مدارس آلمان در صدد مطالبه آزادی که پادشاه وعده داده بود بر آمدند و اجماع نموده نوای وطنی مشعر بر اظهار عداوت با سلطنت میخواندند سلاطین متفقه آنها را گرفته مانند مقصرین در قلعه ها محبوس نمودند

سؤالات

سلاطینی که در خصومت ناپلیون اتفاق کرده بودند برعایای خود چه وعده میدادند — بعد از رفع احتیاجشان از معاونت رعایا چه کردند سلاطین با یکدیگر در چه خصوص اتفاق و معاهده نمودند فشار و رئیس این اتفاق کیان بودند شاگردان مدارس آلمان چه کردند و چه شدند

۲۶۴ — هیجان در ایطالیا و اسپانی — در ایطالیا سلاطین ناپل و ساردنی و پاپ و همچنین اطریشی ها میل داشتند که ترتیب احکام بطریقی که قبل از شورش بود مقرر کرده و امتیازاتی

گروسای روحانی و نجبا داشتند دوباره بآنها دادند و تمام چیزهائی

که فرانسه ها از برای سکنه آن ولایت آورده بودند از ایشان پس

گرفتند یعنی آزادی و کد ناپلیون و روزنامجات و مدارس را پادشاه

ساردن اداما میل نداشت یکی از این چیزها را در مملکت مشاهده نماید

و راه قشنک کرنیش را که نزدیک شهر نیس است محض اینکه آنرا فرانسه

ساخته بود میخواست خراب سازد

پادشاه اسپانی نیز همین عقاید را داشت و بعلاوه به قشون پول

نمیداد تا هفتاد ماه مواجب از و طلبکار گردیدند در سنه ۱۸۲۰ آزادی

طلبان در همه جا هیجان نموده جداً از پادشاهان خود مطالبه

نمودند که قانون را در مملکت مجری دارند سلاطین بحمایت یکدیگر

برخواستند امپراطور اطریش که قشون بسیار داشت روسای

آزادی طلبان را گرفته حبس نمود و بعد قشون اطریشی را برای

سلاطین ساردن و ناپل بمغلوب ساختن ملت بد آنجا مامور نمود

قشون آزادی طلبان شکست یافتند و پادشاهان دوباره از روی

هوای نفس خود مشغول فرمانفرمائی گردیدند

در مملکت اسپانی سربازان دولت طرفداری آزادی طلبان نمودند

پادشاه ایشان فردنیان هفتم که از روی اجبار اجرای قانون را قبول

کرده بود از سلاطین دیگر امداد طلبید پادشاه فرانسه محض همراهی

با اسپانیولها متعهد گردید که او را کمک نماید

در سنه ۱۸۲۳ قشون فرانسه اسپانی را فرا گرفت و اسپانیولها را برخلاف

میل و رضای ایشان در تحت حکم فردنیان در آورد

سئوالات

سلاطین ناپل و ساردن و پاپ واطریشیها چه میخواستند پادشاه ساردن

چه کرد پادشاه اسپانی چطور بود قشون آزادی طلبان چه کردند و چه

شدند سلاطین در مقابل آنها چه کردند فردنیان هفتم با ملت اسپانیولی

چه کرد

۱۰۸ — هیجان مهاجرنشینهای اسپانیول — اسپانیول

در امریکا مهاجرنشین بسیار داشت و نمیگذاشت ساکنین آنها حکومت

ملی داشته باشند بلکه همیشه از طرف خود حکمران از برای آنها میفرستاد

و هیچ طایفه از مالکین و زراعت کاران را اجازه نمیداد در کارهای

دولتی مقامی داشته باشند و همچنین نمیگذاشت کشتی دیگری جز کشتیهای

اسپانیول مهاجرنشینهای او بردو و محض اینکه اهالی آنها در نادانی

باقی مانده او را بهتر اطاعت نمایند از وصول هرگونه کتاب یا روزنامه

بایشان منع نمود

در سنه ۱۸۱۱ اهالی مکزیک شروع بهیجان کردند و در ابتدا شورشیان

تیرباران گردیدند ولی در سنه ۱۸۲۱ سربازان نیز بشورشیان ملحق گشتند

و بالاخره در سنه ۱۸۲۲ مکزیک آزاد و جمهوری شد و از اطاعت اسپانی

بیرون آمد تمام مهاجرنشینهای اسپانیول بهمین ترتیب یکی پس از دیگری

هیجان کردند و چون آزادی خواهان ترتیب صحیحی نداشتند در ابتدا شکست

خوردند ولی بهمانطور مسلحانه حرکت میکردند بلیوار معروف ملقب

بآزاد کننده ضمن از مملکتی بمملکت دیگر میرفت که اسپانیولیها را خارج

نماید و خدمت اینکه در سنه ۱۸۲۴ در همه جا اهالی و زراعت کاران غالب گردیده

در امریکا دیگر سربازان اسپانیول باقی نماند و بجای یک مملکت اسپانیولی

شانزده جمهوری تشکیل شد باین ترتیب مکزیک و شش جمهوری امریکای

مرکزی و ونزوئلا کلمبیا و جاماییکا اکوادر پرو بلیوی شیلی جمهوری

ارژانتین پاراگوئه اوروگوی در سنه ۱۸۲۲ برزیل که مهاجرنشین پرتوگال

بود در وقت خود مملکتی ازاد کردیده و نام آن امپراطورنشین برزیل شد
در سنه ۱۸۸۹ اهالی برزیل از پادشاه خود ناراضی بودند و اورا خارج
نموده قانون جمهوری معمول داشتند

سؤالات

اسپانیول با مهاجرنشینهای امریکای خود چه قسم رفتار میکرد   اول کدام
یک از آنها هیجان کردند — در چه سنه بالاخره کار مهاجرنشینهای اسپانیول
بکجا انجامید — بلیوار آزاد کننده چه کرد   بجای یک مملکت چند جمهوری
تشکیل یافت و کدام بودند

۱۰۶ — حرکت ۱۸۳۰ — وقایع مذکوره از سنه ۱۸۱۵

الی سنه ۱۸۳۰ وقوع یافت و در این مدت لوئی هیجدهم و شارل دهم در
فرانسه سلطان بودند در سنه ۱۸۱۴ لوئی هیجدهم نتوانست سلطنت مطلقه را
برقرار کند و نمیخواست بفهمد که ملت فرانسه حق دارند قانونی داشته
باشند چراکه خود او تفضلاً جزئی قانونی بایشان داده بود
باین معنی که هرکس بخواهد حق انتخاب وکیل داشته باشد بایدا قلاً
سیصد فرانک بدولت تقدیم نماید   و در این صورت حکومت
ملی نبود بلکه حکومت متمولین بود   و باوصف این طرف داران لوئی

هیجدهم در همه جا میگفتند این قانون خیلی آزادی است که بفرانسه
داده شده در سنه ۱۸۳۰ شارل دهم نمایندگان و وکلای ملت را از
فرانسه بیرون کرده خواست خودش وضع قانون نماید
نمایندگان مقاومت نمودند و اهالی پاریس مسلح شدند و شورش
۱۸۳۰ را احداث نمودند که بالاخره نتیجه آن بسلطنت رسیدن لوی
فلیپ شد آزادی طلبان اروپا این اخبار را با کمال خوشحالی
شنیده درصدد برآمدند که طریقه فرانسه را پیش گیرند و در همه جا
از پادشاهان خودشان مطالبه کردند که مثل فرانسه بآنها قانون
عطا کند و در تمام نقاط اهالی بجنبش آمدند بخصوص در ایطالیا و آلمان
سلاطین آنها اگرچه خواهش ملت را نپذیرفتند ولی مقداری
از تعدی و تفرعن خودشان کاستند
اما در انگلیس هیجانی نشد زیرا که انگلیسها همیشه دولتشان آزاد بود
جز اینکه از ترتیب انتخاب وکلا شکایت داشتند مثلاً شهرهائی که جمعیت
ایشان صدهزار نفر بود مثل مانچستر یکنفر وکیل تعیین نمیکردند در صورتیکه
بعضی دهات مشتمل بر دو سه خانه دو نفر وکیل بپارلمان میفرستادند

تا در سنه ۱۸۳۲ امر انتخابات از فرمی کامل نمودند و تمام اشخاصی که صاحب

مبلغ دویست و پنجاه فرانک عایدی بودند حق انتخاب داشتند

بعد از این تفصیلات فقط یک مملکت بدون فرم باقی ماند که مملکت

روسیه بود قیصر نیکلای اول میخواست با رعایای خود مثل یک

زرخرید رفتار کند و اشخاصی که او را اطاعت نمیکردند بسیبری میفرستاد

که در آنجا باعمال شاقه اشتغال ورزند و امر میکرد آنها را با شلاق فها می

روسی میزدند قیصر نیکلا هرگز قبول نمیکرد که رعیتی از تبعیت او خارج

گشته تابع دولتی دیگر گردد و لوی فلیپ السلطنت فرانسه نمیشناخت

سؤالات

در مدت شورش پادشاه فرانسه که بود لوی هیجدهم بعد از آنکه نتوانست سلطنت

مطلقه برقرار نماید چه قانونی بملت فرانسه داد — شارل دهم چه کرد — و

اهالی پاریس چه کردند و بالاخره نتیجه چه شد — آزادی طلبان اروپا

بعد از شنیدن اخبار فرانسه چه کردند — سلاطین اروپا با رعایای خود چه کردند

آیا در انگلیس هم هیجانی وقوع یافت — بعد از این وقایع کدام مملکت بدون

رفرم باقی ماند قیصر روسی با رعایای خود چگونه رفتار میکرد

۱۷۰ — حرکت سنه ۱۸۴۸ — انقلاب ۱۸۴۸ حقوق رای

و آقائی را در فرانسه بکلی از میان نبرد باین معنی که هرکس تا معدآر دو یست
فرانک مالیات بدولت دادنی نبود حق انتخاب وکیل نداشت
و دراین صورت حکمرانی مملکت با ملاکین بزرک و اشخاص صاحب ثروت
تعلق میگرفت لوی فلیپ و وزرا و اجزای دربار او میل نداشتند
این قانون تغییر یابد اهالی پاریس در سنه ۱۸۴۸ شورش نموده
تقاضای جمهوریت کردند و حق انتخاب را نسبت بتمام مردم علی السویه
مقرر داشتند
در سنه ۱۸۴۸ آزادی طلبان سایر ممالک اروپ رفتار فرانسه را سر
مشق خود قرار داده اسلحه برداشتند و سلاطین خود را مجبور ساختند
که دولت پارلمانی تأسیس نمایند وزیر مشهور اطریش پرنس مترنیس
که از سنه ۱۸۱۵ باداره کردن کارهای سلاطین اشتغال داشت مجبور
باستعفا گردید و اهالی برلن سنگرها بسته قشون دولتی را از شهر بیرون
کردند و همچنین در ایطالی رعایای پاپ مطالبه جمهوریت نمودند
رعایای پادشاه ناپل علم یاغیگری برافراشته در کوچه‌ها فریاد
میزدند زنده باد مشروطه زنده باد قانون یکنفر جمهوری

طلب ایطالیائی مانن نام اطریشی ها را از شهر ونیز بیرون کرد و دولت
جمهوری برقرار نمود ولی پادشاهان مانند ۱۸۱۵ بحمایت یکدیگر
برخواستند امپراطور روس قشونی برای معاونت امپراطور اطریش
فرستاد تا هونگریرا فرا گرفتند و پس از جنگهای بزرگ اهالی هونگری را
مطیع امپراطور نمودند مطابق ۱۸۴۹
پادشاه پروس قشونی پروسی بمملکت باد فرستاد و آزادی طلبانرا
دستگیر نموده تیرباران یا حبس میکردند امپراطور اطریش
قشونی اطریشی بجنگ آزادی طلبان پیه من فرستاد و آنهارا در نوارل
مغلوب ساختند در سنه ۱۸۴۹ و همچنین قشونی دیگر بجنگ جمهوری خواهان
ونیز روانه ساخت دولت فرانسه نیز قشونی فرانسوی برم فرستاد
تا پاپ را برقرار نموده رعایای او را که یاغی شده بودند تنبیه نماید
و بعد از آن لوی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه با قانون مشروطه بنای
سختی را گذاشت و در دوم دسامبر سنه ۱۸۵۱ امر نموده نمایندگان ملت
فرانسه را گرفتند خود لقب امپراطوری گرفته سلطنت مطلقه برقرار
نمود در آن وقت دیگر دولت مشروطه و آزادی نبود غیر از انگلیس و بلژ

سؤالات

قانون انتخابات فرانسه چه قسم بود — و اهالی پاریس چه کردند آزادی
طلبان سایر ممالک اروپا چه کردند — در برلن و ایطالیا و ناپل چه اقدام
نمودند سلاطین در حمایت یکدیگر چه کردند — در آن وقت مملکت مشروطه و
آزاد در اروپا کدام بود

۱۷۱ — فتح آزادی طلبان — در ۱۸۴۹ مستبدین

فاتح شدند ولی ریاست و مالکرقابی ایشان در اروپا چندان طول
نکشید و از ۱۸۶۰ آزادی طلبان در اروپا متدرجاً صاحب قدرت
گشتند و سلاطین در حمایت یکدیگر مداومت ننمودند بلکه ایشان با
هم بنای جنگ و ستیز را گذاشتند و مردم هم این مسئله را مغتنم
شمردند امپراطور اطریش که همیشه از شاهزادگان حمایت و با
رعایا اظهار خصومت مینمود در ۱۸۵۹ مغلوب فرانسه گردید و در ۱۸۶۶
مغلوب پروس شد و مجبوراً در ۱۸۶۰ به رعایای اطریشی خود مشروطه
عطا نمود و در ۱۸۶۷ برعایای هونگری مشروطه داد

تمام شاهزادگان کوچک ایطالیا که بر رعایای خود ظلم میکردند
بعد از پادشاه شدن پیه من در ایطالیا ایشان از مقام ریاست

خود افتاده

در فرانسه دولت مطلقهٔ امپراطوری سرنگون گردید و در چهارم سپتامبر سنه ۱۸۷۰ بجای آن دولت جمهوری برقرار شد در اسپانی در سنه ۱۸۶۸ ملکه الیزابل را اخراج نمودند و در مدت دو سال اسپانیولیها دولت جمهوری از برای خودشان تشکیل دادند و بعد از آن در سنه ۱۸۷۰ پادشاهی را اختیار نمودند که نامش آمده دُساوا بود

و در سنه ۱۸۷۴ آلفونس پسر ملکه الیزابل بر آنها پادشاه شد و متعهد گردید که جز بتوسط وکلا و نمایندگان ملت سلطنت نماید و آن وکلا را کرتس مینامیدند یکنفر شاهزاده اسپانیولی که دن کارل نام داشت خواست سلطنت مطلقه را برقرار دارد و قشونی از کوهستانیهای باسک ترتیب داده بآنها وعده داده بود که حقوق ریاست و بزرگی آنها را ثابت و محفوظ دارد و مالیات از آنها نستاند در سنه ۱۸۷۲ مابین اسپانیولیها و تابعان دن کارل جنگ شروع شد و در سنه ۱۸۷۶ لشکریان دن کارل شکست یافته بمنازل خود در کوهستان رفتند و بعد مجبوراً بفرانسه فرار کردند

سؤالات

آزادی طلبان اروپ در چه سنه صاحب قدرت شدند - چه چیزها ایشان منتقم
مشروند - امپراطور اطریش در چه سنه باطریشیها و هونگریها مشروطه داد -
شاهزادگان کوچک ایطالیا در سلطنت پیه من حال ایشان چگونه بود -
در چه سنه دولت امپراطوری فرانسه سرنگون و جمهوریت بجای آن مقرر گشت
در اسپانیول در ۱۸۶۸ و بعد از آن چه واقع شد الفونس پسر ایزابل با چه شرط بر تخت
سلطنت اسپانی برآمد دن کارلس شاهزاده اسپانی با اسپانیونها چه کرد

۱۷۲ — حال پلتیکی ملل اروپا

— مجالس ملی یعنی وکلای مملکت امروز حکمران هستند نه تنها در فرانسه و سویس و ایتالی
و ممالک امریکای شمالی که همه جمهوری هستند بلکه در انگلیس و بلاند و اسپانی
و پرتوگال و اطریش و هونگری و سوئد و نروژ و دانمارک که صاحب پادشاه
هستند در آلمان مجلس مخصوص دیگری هم در مملکت آن موجود است
و مجلس کلی بزرگ از برای تمام مملکت امپراطوری منعقد است که آن را
رایخشتاک نامند ولی عادتاً پادشاه پروس بر مجلس نافذ الحکم
است و هر زمان رایخشتاک بخواهد اطاعت پادشاه را ننماید .
اعضای آن را بیرون کرده جمعی دیگر از برای رایخشتاک نامزد میکنند
و بنابراین اهالی آلمان آزادی کامل ندارند

روسها هیچوجه پارلمان ندارند و احکام در دست پادشاه آنهاست و
از این جهت اهالی بسیار ناراضی هستند و مشروطه میخواهند و بواسطهٔ غضبی
که بر دولت مطلقه وارند اغلب آنها نهلیست شده اند نهلیستها میگویند
سلطنت عموماً بد و باطل است و باید همه را برهم زد
چندین مرتبه قصد قتل امپراطور الکساندر را کردند تا در سنهٔ ۱۸۸۱ بمقصود
خود رسیدند ولی پس از قتل او از سلاطین بعد از او بیشتر شکایت و عدم
رضایت حاصل کردند و پس از خرابیها که بر روسیه وارد آمد بواسطهٔ
جنگ بد بختانه که با ژاپن کردند قیصر نیکلای دوتیم در تاریخ سنهٔ ۱۹۰۵ عام
شد که مشروطه برعایای خود بدهد ولی باز نداد جز اینکه مجمعی تعیین کرد
بجهت مواظبت امور دولت و مراقبت اعمال وزرا

سؤالات

درکدام ممالک وکلای مملکت حکمرانی میکنند ترتیب پارلمان آلمان را بیان کنید
روسها بواسطهٔ نداشتن پارلمان چه شدند و چه کردند

۱۴۳ – **حق انتخاب عمومی** — در اغلب ممالک تمام
سکنه حق تعیین وکیل ندارند بلکه تا یک اندازه مالکیت یا دانائی لازمست

تا حق انتخاب داشته باشند در فرانسه و سویس و اسپانی و انازونی تمام ساکنین مملکت از سن ۲۱ حق انتخاب دارند و تمام اصوات از برای انتخاب مساوی هستند این طریقه را دسفراژ اونی ورسل (مینامند یعنی حق انتخاب عمومی) وکلای ایخشتاک آلمان توسط حق انتخاب عمومی تعیین میشوند

سؤالات

در اغلب ممالک تعیین وکیل از چه قرار است — در کدام ممالک حق انتخاب عمومی است

۱۷۴ - خلاصی بندگان روسی — سابقا رعایای روستیه آزادی مدنی نداشتند و بحکی غلام بودند هر غلامی بآقائی تعلق داشت که او را بکار وا میداشت و میزد و می توانست بفروشد

قیصر اسکندر دویم شخصی ملایم و انسان صفت بود در سنه ۱۸۶۱ آزادی تمام رعایای روسی را اعلام نمود و حق مالکیت بآنها داد از آن زمان اهالی روستیه آزاد هستند

سؤالات

سابقا رعایای روستیه چه حال داشتند آزادی آنها را که اعلام نمود

۱۸۶۱ — منسوخ شدن غلامی سیاهان — از قرن شانزدهم
در امریکا سیاهانی را که از افریقا خریده بودند بکار کردن زمین میگماشتند
در قرن شانزدهم آزادی طلبان در مقام مطالبه بر آمده سیاهان را
آزاد کردند و بعد از آن خرید و فروش ایشان قدغن شد
سرمشق این مطلب را فرانسه ها در ۱۷۸۹ دادند و برده فروشی را منسوخ
کردند ولی زراعت کاران گفتند بجهت زراعت پنبه و قهوه نمیتوانیم
از این سیاهان دست بکشیم و دوباره غلامی ایشان را برقرار
کردند مجدداً در ۱۸۴۸ فرانسه ها این عمل را منسوخ کردند و تمام اروپ
در این باب تقلید آنها را نموده تجارت غلام را بکلی قدغن کردند
و انگلیس و فرانسه ها کشتیها بسواحل دریا مأمور کردند محض اینکه
کشتیهای حامل غلامان سیاه را بگیرند و دلالهائی که تجارت فروش
غلام سیاه میکنند مانند دزدان دریائی آنها را بر دکل کشتی خودشان
بدار بزنند ولی در جمهوری اتازونی ممالک جنوبی میخواستند غلامان
خودشان را بحال غلامی نگاهدارند زیرا که بواسطه شدت حرارت
هوا در آن ممالک و طاقتی که سیاهان بکرما داشتند وجود ایشان

محض زراعت اراضی لازم بود بخصوص که چون غلام بودند اجرتی بایشان
نمیدادند امّا در ممالک شمالی که هوای آنها سرد بود وجود غلام چندان
لازم نبود و از این جهت ایشان هم در منسوخی غلام همراه بودند ولی
ممالک جنوبی امتناع ورزیدند و از دوستی دول متحده خارج
گردیده دوستی و هم پیمانی جدیدی مابین خودشان تشکیل دادند
ممالک شمالی با آنها جنگ نمودند محض اینکه آنها را هم در دوستی و
هم پیمانی خودشان داخل کرده برده فروشی را منسوخ سازند این جنگ
از ۱۸۶۱ الی ۱۸۶۵ بطول انجامید و اقلاً یک ملیون انسان
کشته گردید در آن مدت چون بانگلیس و فرانسه پنبه نمیرسید ناچار با
ممالک جنوبی همراه شدند که پنبه بایشان برسد و بعد بواسطه زیادی
عده و قوت ممالک شمالی بر جنوبی غالب آمدند و ممالک جنوبی بواسطه
قتل و غارت خراب گردید و بالاخره برده فروشی در تمام اتازونی
موقوف شد مطابق ۱۸۶۵ امروز دیگر در اروپا و امریکا غلام
وجود ندارد ولی مسلمانها هنوز غلام دارند و تجار برده فروش
عرب با واسط افریقا رفته سیاهان را اسیر میکنند و با زور و ضرب چوب

آنها را آورده در مصر و عثمانی میفروشند

سؤالات

در قرن شانزدهم آزادی طلبان در باب غلامان سیاه چه اقدامی کردند سرمشق اینکار را اوّل از که گرفتند انگلیسها و فرانسه‌ها در باب تجارت برده فروشی چه کردند ممالک جنوبی اتازونی چرا مانع آزادی غلامان بودند ممالک شمالی چه حال داشتند کار ممالک شمالی و جنوبی بکجا انجامید و بالاخره امر بر چه قرار گرفت

خلاصه که باید حفظ کنند

اوّلاً — از زمان انقلاب فرانسه تمام ممالک اروپا بدو قسمت منقسم گشتند یکی دول مستبده که سلطنت را از برای خوشگذرانی خودشان میخواستند و دیگری آزادی طلبان که میگفتند حکومت ملت باید با خودش باشد

ثانیاً — در سنه ۱۸۱۵ مستبدین قویتر بودند و سلاطین اروپ با یکدیگر متفق گردیده اتفاق موسوم به مقدس را بر ضدّ ناپلیون تشکیل دادند و با هم پیمان نهادند که در معارضه ملّت یکدیگر را حمیّة اعانت کنند

ثالثاً — در سنه ۱۸۲۰ آزادی طلبان اسپانی و ایطالیا هیجان کرده و

وشاهزادگان را مجبور نمودند که به پا مشروطه ببندند ولی مغلوب
گردیدند در ایطالیا از قشون پادشاه اطریش شکست یافتند و در اسپانی
از قشون پادشاه فرانسه مطابق ۱۸۲۳

رابعاً — بزرگان مهاجرنشینهای اسپانیول و امریکا از کثرت ظلم
دولت بخصومت اسپانیول هیجان کردند و پس از جنگهائی که بیش از ده
سال طول کشید رعایا توسط بلیوار آزادی یافتند و پانزده جمهوری
تشکیل دادند

خامساً — شورش ۱۸۳۰ که در فرانسه بخصومت شارل دهم برپا
شد سبب گردید که بعد از او در تمام ممالک اروپ هیجان پدید آمد
انگلیس در ۱۸۳۲ رفرمی در انتخابات مقرر داشت قیصر روس نیکلای
اول دولت مستبده را با زور نگاه داشت

سادساً — شورش ۱۸۴۸ که حق انتخاب عمومی را برقرار نمود
اسباب هیجان در تمام اروپا گردید در ابتدا آزادی طلبان غالب گردیدند
هم در اطریش و هم در پروس و هم در ایطالیا ولی بعد از آن سلاطین
از یکدیگر حمایت نموده آزادی طلبان در مونگری با قشون روس شکست یافتند

و در آلمان از قشون پروس و در ایطالیا از قشون اطریش و بعد از جنگ
ناپلیون سیم در ۱۸۵۹ آزادی طلبان ایطالی متحمل گردید دولتی بجز
مستبده باقی نماند

سابعاً — در ۱۸۶۰ آزادی طلبان مجدداً قوت حاصل نمودند و در سنه
۱۸۶۱ به اطریش مجلس داده شد و در ۱۸۶۷ هنگری مجلس گرفت و نیز در ۱۸۶۰
ایطالیا صاحب مجلس گردید در ۱۸۶۸ اسپانی ملکه ایزابل را بیرون کرد
و در ۱۸۷۰ ناپلیون ثالث را منفصل ساختند

ثامناً امروز در تمام ممالک اروپا نمایندگان مملکت حکمرانی میکنند سوای
آنهائیکه پادشاه در [illegible] [illegible] را با طاعت خود مجبور نماید
در روسیه قیصر [illegible] صاحب حکم و قدرت است و همیشه از آسیب
[illegible] ایمن [illegible] باشد

تاسعاً — در اغلب ولایات تمام ممالک اتازونی حق [illegible] دارند و حق انتخاب عمومی
[illegible] در سوئیس و اتازونی و اسپانی و آلمان و [illegible]

عاشراً — [illegible] که [illegible] عثمانی [illegible] بودند در ۱۹۰۸ حکم
قدیم [illegible] آزاد گردیدند

حادی عشر — برده فروشی سیاهان اول در ۱۸۰۹ بمعاونت فرانسه‌ها ممنوع گردید و بعد دوباره برقرار شد و از آن پس در ۱۸۴۸ کلی ممنوع شد و در تمام ممالک اروپ خرید و فروش سیاهان موقوف و ممنوع گردید

ثانی عشر — ممالک جنوبی جمهوریهای ینگی دنیا خواستند غلامهای خود شان را نگاه دارند و از اتحاد و دوستی دول متحابه منفرد گشتند و ممالک شمالی با آنها جنگ نموده جنگ ایشان از ۱۸۶۱ الی ۱۸۶۵ امتداد یافت و بالاخره ممالک جمهوری شمالی ممالک جنوبی را مجبور کردند که برده فروشی و غلام نگاهداری را ممنوع نمایند

ثالث عشر — فروش غلامان سیاه هنوز در ممالک اسلامی باقی میباشد

فصل چهارم

جنگ پلیتیکی در مشرق

۱۲۶ — جنگهای پلیتیکی — از سنه ۱۸۱۵ جنگهای پلتیکی بواسطه
تحریک سلاطین برقرار بود که هر یک فتح و غلبه بر دیگران منظور داشتند و
همچنین جنگهای ملی در میان رعایا برپا شد که مقصود ایشان تشکیل ملل بود
جنگهای سلاطین شبیه بجنگهای سابق بود و محرک آن شاهزادگان
بودند که مقصودی جز انجام مرام و تکمیل حرص و طمع خود
نداشتند

ولی جنگهای ملی قبل از انقلاب فرانسه نظیر آنها دیده نشده بود و ملتها
این جنگها را بجهت تحصیل آزادی برپا میکردند جنگهای ملی از روی
حق پسندیده و ممدوح بود ولی جنگهای سلاطین مذموم و ناشایست
و موجب خرابی مملکت و اهل آن بود اینک امپراطور نشین عثمانی است

که در این عصر بنظر ما میرسد و مدتی میدان جنگهای پلتیکی بود

سئوالات

از ۱۸۱۵ چه جنگها برپای کردید — جنگهای سلاطین چه قسم و از برای چه بود جنگهای ملی از برای چه برپا می شد —

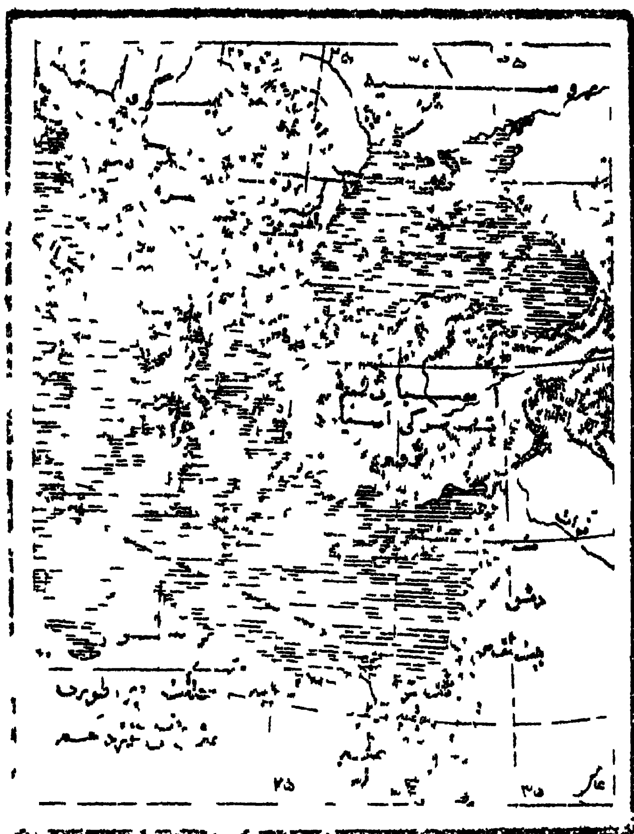
۱۷۷ — **امپراطورنشین عثمانی** — در سنه ۱۸۱۵ امپراطورنشین عثمانی عبارت بود از تمام آسیای صغیر و شام و مصر و عثمانی اروپا بعلاوه یونان ولی پیش از این تاریخ این دولت بسیار ضعیف گردیده سلطان را پولی در خزانه نبود و پاشایان یعنی حکام اطاعتی از سلطان نداشتند و قشون هر روز شورش میکردند در سنه ۱۸۰۵ پاشای مصر محمد علی پاشا در مصر اظهار نایب السلطنگی و استقلال مصر نمود و بعد از آن رعایای عیسوی مذهب که در عثمانی اروپ سکنی داشتند شروع بشورش و انقلاب نموده در سنه ۱۸۱۷ سربها بمعاونت و تحریک امپراطور روس قشون عثمانی را بیرون کردند و گریکها (یونانیها) در سنه ۱۸۲۹ پادشاه نشین یونان را تاسیس نمودند

سئوالات

در ۱۲۸۱ امپراطورنشین عثمانی کدام ممالک بود — پیش از این تاریخ حال آن دولت چه قسم شده بود — محمد علی پاشای مصری چه کرد — رعایای عیسوی مذهب عثمانی چه کردند —

۱۷۸ — مسئلهٔ مشرق — بخیال قیصر روس درباره مملکت عثمانی مملکت او مردی ناخوش است و روس مایل بود از او ارثها خوش بگیرند تا میراث او را متصرف شود در [illegible] قسطنطنیه را مسخر کند برای آنکه جزایر راه [illegible] شوند و از این جهت در خراب کردن مملکت عثمانی اهتمام دارند

انگلیسها نمیخواستند که قسطنطنیه متعلق به روس باشد [illegible] در مشرق [illegible] قدرت [illegible] [illegible] چه [illegible] [illegible] سعی میکنند [illegible] [illegible] همواره [illegible] در ۱۲۸۱ [illegible] [illegible] مسیح [illegible] عثمانی [illegible] [illegible] یافته [illegible] [illegible] انگلیس [illegible]



سواستوپول — در شبه جزیره کریمه [illegible] ۱۸۵۵

چونا — در ساحل [illegible]

سان استفانو — قریه ایست که [illegible] عثمانی و روس [illegible]

[illegible]

بوغاز [illegible] — [illegible]

قرس — [illegible]

ناوارین — [illegible]

بوزینب باسعادت علی ادهم بیک الکرات صبیه دوخواهر تقیه علی پاشا

نایب السلطنه مصر را مجبور کرد که در سنه ۱۸۱۱ ممالک کرد را از عثمانی تسخیر کرده

بود و باید ورود نماید

کرده محاصره مزبور ۳۴۹ روز طول کشید و جنگی بسیار پر زحمت بود

روسها زیاده از یک ملیون و ششصد هزار تیر توپ انداختند و بسیار

بسیار کشته شد یا بمرض باز مردند سواستاپول در سنه ۱۸۵۵ مسخر

گردید و الکساندر دویم امپراطور روس که در جای نیکلا نشسته بود خواهش

مصالحه نمود و مجلس کنگره (مجلس عالی) در پاریس در سنه ۱۸۵۶

بجهت انجام این صلح تشکیل یافت

روس متعهد گردید که من بعد کشتی جنگی او در روی دریای سیاه

حرکت نماید و در کارهای عثمانی دخالت ننموده و دو ایالت عیسوی

نشین ملداوی و والاشی را از سلطان منتزع ساخته بیکدیگر متصل نمودند

و پادشاه نشین رومانی از آنها تشکیل یافت

سؤالات

در سنه ۱۸۵۳ نیکلا قیصر روس با ممالک عثمانی چه کرد — انگلیس و فرانسه و

پادشاه ایطالی با روسیه چه کردند — قشون فرانسه و انگلیس با

سواستاپول چه کردند — کار محاصره سواستاپول بکجا انجامید

در کنگره پاریس در سنه ۱۸۵۶ قرار مصالحه بر چه شد

۸۵ باب جنگ سنه ۱۸۷۷ — باوجود این احوال روس از خیال
جنگ عثمانی منصرف نشده بود و در سنه ۱۸۷۱ از کار فرانسه بخرابی انجامید
کشتیهای روس در روی دریای سیاه بحرکت آمد و در سنه ۱۸۷۵
کوهستانیهای عیسوی قره طاغ با عثمانی بجنگ برخاسته سربیها نیز
با قشونی مختصر بر عثمانی حمله ور گشتند و قشون عثمانی را بکلی شکست
دادند و در آنوقت روس نیز قشونی جرار فرستاده با سپاهیان
رومنی متصل شدند قشون رومنی ها از دانوب عبور نمودند و عثمانیان
بخوبی دفاع کردند در سنه ۱۸۷۷ محاصره پلونا مدت شش ماه بطول انجامید
ولی قشون روس که عده زیاد بودند عثمانیان را حبس نموده تا مقابل
قسطنطنیه رسیدند سلطان عثمانی در سنه ۱۸۷۸ معاهده سان استفانو را
قبول کرد ولی انگلیس و آلمان که مالکیت روس را در مشرق مایل
نبودند کنگره برلن را منعقد ساخته امور عثمانی را اصلاح نمودند

سؤالات

بعد از خرابی کار فرانسه روس با عثمانی چه کرد — کوهستانیهای قره طاغ
و سربیها چه کردند — قشون روس چه کرد — سلطان عثمانی چه کرد — کار عثمانی
در کجا اصلاح شد —

۱۸۱ — تجزیه ممالک عثمانی — اغلب شهرهای مملکت عثمانی
که بحکم در تبعیت و اطاعت آن دولت بودند بعد از این انقلابات مجزّی
گردیده هر یک مملکت کوچک مستقلی شدند سربی ورومانی و
قراطاغ و بلغار بکلّی مثل یونان آزاد شدند اطریش بوسنه و
هرزه گوین را متصرف گشت روسها چند شهر از آسیا را گرفتند
انگلیس جزیرهٔ قبرس را و یونانی ها تسالی را متصرف شدند در ۱۸۹۶ و
۱۸۹۷ عثمانیان عیسویهای جزیره کریت را بقتل رسانیدند و عیسویان
شورش نمودند یونانی ها یکدسته قشون بحری بحمایت آنها فرستادند
ولی سایر ممالک اروپ یونانی ها را از فتح کرت مانع گشته گفتند
حکومت کرت باید با خودش باشد و شاهزاده ژرژ پسر دویم پادشاه
یونان را بفرمان فرمائی کل در کرت برقرار کردند از برای عثمانی در
اروپا بجز آلبانی و ماسدوان و تراس باقی نماند و اطریش و ایتالیا
هر دو طالب آلبانی بودند اهالی ماسدوان (مقدونیه) مرکب از
یونانی و سربی و بلغاری بودند و سلطان عثمانی با آنها ظلم نموده عمال
مسلمان را از ستمگری و غارت رعایای مسیحی منع نمیکرد. از سنه ۱۹۰۱

ساکنین مقدونیه نسبت بمتبوع خود شان دولت عثمانی یاغی هستند و
ممالک اروپا سعی و اهتمام زیاد دارند که ظلم درباره مسیحیان را
خاتمه دهند ولی هنوز کاملاً بمقصود خود نرسیده اند
سلطان عثمانی چندین دفعه فرمان قتل عام عیسویهای ارمنستان
داده و در سنه ۱۸۹۵ در ارضروم سربازان عثمانی آرمنی ها را نفت زده
سوزانیدند و ممالک اروپا توانستند اتفاقی نموده انجام و خاتمه
این قتل عام ها را از سلطان خواسته و مجری دارند

سؤالات

شهرهای عثمانی چه حال حاصل کردند — روس و انگلیس چه شهرهای آن مملکت را
متصرف شدند — عیسویان جزیره کرت چه اقدام نمودند و بالاخره کار
آنها بکجا رسید — عثمانی با رعایای مسیحی چه قسم رفتار میکرد —
ممالک اروپا در چه خصوص سعی و اهتمام دارند —

۱۸۴ — کار مصر — مصر مملکتی مسلمان است که از
سلطنت عثمانی منتزع گشته و تقریباً آزاد است و یک نفر خدیو حکمران

حکمران اوست ولی از زمانیکه قنال سویس را کنده اند بسیاری
از تجار اروپائی در قاهره و اسکندریه مکان گرفته و اروپائیان مجبور
هستند که در امور مصر مداخله نمایند و محکمهٔ قضاوتی از قاضیان
اروپائی در آنجا برقرار کرده اند زیرا که قضاة مسلمان همیشه نسبت
بعیسویان تعدی و ستم روا میداشتند و چون خدیو نمیتوانست مالیه
مملکت را بخوبی اداره کند وزرای انگلیسی و فرانسوی از برای آن
تعیین نمودند وقتی قشون مصری بر خدیو شورش کردند و انگلیسها
قشونی فرستاده و شورشیان را مغلوب و رئیس ایشان عرابی پاشا را
گرفته نفی کردند و از سنه ۱۸۸۲ انگلیسها در مصر دخالت میکنند اما در مصر
بازهم فرانسوی زیاد است و اهل قاهره غالباً فرانسه حرف میزنند
خواندگان خطوط مصری و عقلا و دانشمندان فرانسه در خدمت خدیو
مصر هستند تصرف انگلیس در مصر منجر بجنگی شد که مدت شانزده سال
بطول انجامید

یکنفر درویش از اهل سودان ادعای مهدویت نموده گفت من از
جانب خداوند مبعوث شده ام و مسلمانان علیای مصر را بر ضد خدیو

برانگیخت و چندین اردوی انگلیس را شکست داده شهر خرطوم را که در کنار
نیل است تصرف نمود
غوردون پاشا ژنرال انگلیس در آن جنگ کشته شد در سنهٔ ۱۸۸۵ و در سنهٔ ۱۸۹۸
ژنرال کچنر انگلیسی خرطوم را پس گرفت و از آن زمان تمام مملکت سرزمین
نیل در تصرف انگلیس ها است

سؤالات

مصر چه مملکتی است و حکمرانی آنجا با کیست — از چه زمان و بچه سبب اروپائیها
در امور مصر مداخله میکنند — قشون مصر چه کردند و انگلیس با آنها چه کرد
درویش سودانی چه ادعائی کرد — و انگلیسها در دفع او چه کردند —
شهر خرطوم را در چه سنه تصرف کردند و کدام کس در چه سنه آنرا پس گرفت

خلاصه که باید از بر نمائید

اوّلاً از سنهٔ ۱۸۱۵ دو قسم جنگ در اروپا وقوع داشت یک جنگ پلتیکی
که سلاطین از برای توسعهٔ ممالک خود انجام میدادند و دیگری جنگ
ملی که آزادی خواهان از برای آزادی میکردند

ثانیاً ــ امپراطورنشین عثمانی که موقع جنگ پلیستیکی بود مملکتی بزرگ بود ولی
ضعیف گردید در ۱۸۰۸ مصر از آن مملکت منتزع شد و در ۱۸۱۷ سربی
آزاد شد و در ۱۸۲۹ یونان از تبعیت او خارج گشت

ثالثاً ــ از آن زمان روسها خیلی مایلند که قسطنطنیه را بگیرند ولی انگلیسها
از این معنی مانع هستند و همیشه طالب بقای سلطنت عثمانی میباشند
و در ۱۸۴۰ مسائل شرق سبب گردید که مابین انگلیس با محمد علی پاشا
نایب السلطنه مصر جنگی واقع شد

رابعاً ــ در ۱۸۵۴ جنگ کریمه وقوع یافت مبنی بر مساعدت عثمانی که
روسها بر او حمله کرده بودند انگلیس و فرانسه سواستاپول را محاصره کرده
مسخر ساختند در ۱۸۵۶ مجلس کنگره پاریس منعقد گردیده مصالحه را
بگردن روس گذاشتند

خامساً ــ در ۱۸۷۶ قراطاغ و سربی از عثمانیان مغلوب گردیدند ولی
روسها از آنها حمایت نموده قشون بممالک عثمانی فرستادند و پس
از محاصره پلونا تا نزدیک اسلامبول آمدند

سادساً ــ معاهده سان اصطفان در کنگره برلن اصلاح شد

در سنه ۱۸۷۸ کارهای عثمانی مرتب و منظم گردید و دولت او بر قسمتها

ولی یک جزء از ایالات او از دستش بیرون شد

سابقاً — چون تجار فرنگی در مصر بسیار بودند اروپائیها مجبور گردیدند

در امور آنجا دخالت نمایند و قضاوت مصر با قضات اروپائی

شد و اداره امور مملکت بوزرای اروپائی تعلق یافت و اکنون

دسته از لشکران انگلیسی سرزمین نیل را متصرف میباشند

فصل پنجم

جنگهای ملی از سنه ۱۸۱۵

۱۸۱۵ ملل — سابق براین هر مملکتی عبارت بود از یک عده ولایات که متعلق بیک پادشاه بود و اسمی از ملت در میان نبود بلکه مملکت را فقط سلطان نشین میگفتند در بعضی ولایات مردمانی مختلف جمع بودند که عادات و آداب و زبان ایشان یکی نبود و اغلب آنها از یکدیگر متنفر بودند مانند اطریش و هنگری و در عوض بعضی ولایات دیگر بود که اهل آن بچندین مملکت تقسیم شده بودند مثل ایطالیائیها و [illegible] سبب آن بود که سلاطین سلطنت خود را [illegible] سلطنت [illegible] و [illegible] از یکدیگر [illegible] بی آنکه اهالی تعصبات ملی [illegible] داشته باشند یا رضایت ایشان را [illegible] تبعیات [illegible] پیدا شدند ملل از زمانی که مردم [illegible] شروع [illegible] گردید که بعضی [illegible] مملکت [illegible] [illegible]

با یکدیگر باشند و چون مملکتی باین شکل یعنی با رضایت اهالی تشکیل یابد اهل آنرا یک ملت خوانند و این خیال که بر ملتی در اروپا از یکدیگر جدا باشند اصول ملی ویا اساس ملی گویند

سؤالات

سابق بر این مملکت عبارت از چه چیز بود — چه قسم مردم در یک ولایت جمع بودند — باعث این مطلب چه چیز بود — بعد از آنکه مردم شروع بآزادی نمودند چه تغییر کردند — مملکتی که با رضایت اهالی تشکیل یابد اهالی آنرا چه خوانند

۱۸۱۴ — هیجانهای ملی — معمول داشتن این اصول ملی مشکلتر از معمول داشتن اصول ۸۹ بود زیرا که اغلب چندین مملکت مثل ایطالیا و المان بممالک کوچک تقسیم شده بودند و از برای اینکه بتوان آنها جمع کرده یک ملت واحد صورت بسته شود بایستی [illegible] [illegible] [illegible] منحل گردد و دولتهائی که بر آنها [illegible] داشتند [illegible] [illegible] [illegible] خود منصرف گردیدند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مثل ایرلند [illegible] [illegible]

و لمباردی متعلق باطریش تقریباً در تمام ولایات اروپا زمان

انقلاب وطن خواهان شروع بهیجان و جوشش نموده بودند که هر ملتی

جدا و آزاد شوند ولی فرانسه این جنبش ملی را نداشت زیرا که

مدتها میگذشت که اهالی فرانسه اهل یک مملکت و همگی با هم متفق و ساکت

با یکدیگر را مایل بودند

سؤالات

معقول داشتن اصول ملی چه قسم بود - و از برای آن چه لازم بود - ولایاتی

که طالب آزادی بودند چرا اجرای آن اصول را نمیخواستند - مملکت فرانسه

در این خصوص چه حال داشت.

۱۸۵ - آزادی یونان - در ۱۸۲۱ یونانیان با عثمانی

یاغی گردیدند و بسیاری از ایشان کشته شدند دزدان و قطاع الطریقها

که در خدمت ترکان بودند آن مملکت را بالکلی خراب و ویران کرده

بودند در ۱۸۲۲ ساکنین جزایر لانغی بعد از مدت دو سال که در نجات

گذرانیدند خودشان را در مدافعه شهرشان بکشتن دادند یعنی باقی

مانده آخرین آنها باتفاق خفیه خودشان با انبار باروت پناه بردند

و چون ترکها رسیدند خفیه انبار باروت را آتش زدند آزادی

آزادی طلبان فرانسه و انگلیس و نسّا را مجبور کردند که قشون برای

امداد یونان بفرستند و کشتیهای فرانسه و انگلیس و روس متفقاً

بر قشون بحری عثمانی حمله نموده در سنه ۱۸۲۷ آنها را در ناوارین درهم

شکستند و سلطان عثمانی مجبور گردید که یونان را واگذارد و ایشان

دولت یونان را تشکیل دادند

سؤالات

یونانیان با عثمانی چه کردند — ساکنین غیر لاتینی بعد از دو سال محاصره

چه اقدامی نمودند — آزادی طلبان فرانسه و انگلیس از برای یونانیان

چه کردند و دول ثلثه چه اقدامی نمودند بالاخره کار بکجا انجامید

۱۸۳۰ — آزادی بلژیک — بلژیکیها را پادشاه هلاند

برخلاف میل و رضای ایشان در تحت تبعیت خود درآورده بود

در سنه ۱۸۳۰ بعد از آنکه انقلاب فرانسه را فهمیدند ایشان نیز هیجان

نموده عسکرها بستند و هلاندیها را بیرون کردند دولت بلژیک بر

قرار کردند ولی ابتدا اول شاهزاده آلمانی را پادشاه خود قرار دادند

ولی هلاندیها قلعه آنورس را محافظت کرده بودند در سنه ۱۸۳۲ قشونی از

رفته این ور را از ایشان گرفت و به بلژیکی ها رد نمود

سئوالات

پادشاه هلاند با بلژیکی ها چه کرده بود — ایشان در سنه ۱۸۳۰ چه کردند که را پادشاه خود قرار دادند — و هلاندیها با آنها چه میکردند

۱۸۷ — تشکیل مملکت ایطالی — در سنه ۱۸۱۵ ایطالیا در هفت

دولت تقسیم شده بود یعنی دولت پیه من و لمباردی و ونیس که متعلق باطریش بود و دیگر توسکان و ممالک پاپ و مملکت ناپل اهالی ایطالیا نیز خواستند خود را از تسلط اطریشی ها خلاص بخشند و با یکدیگر هم پیمان شدند اما اطریشیان هم پیمانها را گرفته حبس نمودند و چون اهالی نیز شورش کردند اطریشی ها آنها را هم با قهر و قوت گرفتند در سنه ۱۸۴۹ مملکتی که ترتیب حکومت آنجا فقط از روی صحت و درستی بود پیه من بود و مسیو دکاور وزیر اوّل پیه من خواست اهالی ایطالیا را متحد ساخته همگی را در تحت اطاعت پادشاه پیه من درآورد تمام وطن خواهان ایطالیا اجلاس ملّی کردند که مسیو دکاور را معاونت نمایند و مملکت پیه من انقدر قوت نداشت که خودش بتواند اطریشی ها را بیرون

کند فرانسه بحمایت آنها رفت فرانسه‌ها و پیه‌من‌ها باهم جمع شده
در ماژنتا مظفر و منصور گردیدند و بعد از آن در سنه ۱۸۵۹ امپراطور نمسه
در سولفرینو لمباردی را بفرانسه‌ها واگذاشت و فرانسه‌ها آنرا به پیه‌من
دادند و این مسئله برحسب میل اهالی لمباردی بود که گفتند میخواهیم مملکت
ما به پیه‌من متصل گردد ایطالیاییهای مرکزی در تسکان و در پارم
و مدن و در رمان راضی بمتابعت قوانین اهالی آن ملک نگردیدند و
لاجرم در سنه ۱۸۶۰ کوشش نمودند که ایشان نیز به مملکت پیه‌من ملحق شوند
و بعد از آن یکنفر وطن پرست ایطالیائی بسیار عوام گاریبالدی
نام با هزار نفر داوطلب ایطالیائی در سیسیل از کشتی فرود آمدند و اهالی
سیسیل را بر پادشاه ناپل در سنه ۱۸۶۰ شورانیدند و همان زمان اهالی
پیه‌من داخل ممالک کلیسا گردیده آنهارا از پاپ گرفتند و نزدیک
بدان رسید که شهر رم را هم بگیرند ولی دولت فرانسه میخواست قوت
پاپ برقرار بماند و در رم آقائی و ریاست داشته باشد
و از این جهت یکدسته قشون مختصری از فرانسه بحمایت پاپ برم آمدند
و مدت ده سال در آنجا اقامت نمودند اهالی پیه‌من در مملکت پاپ

داخل شدند و ساکنین آنجا آنها را بخوبی پذیرفتند و پادشاه ناپل
در کایت مجبور را محصور ماند و او را مجبور کردند که از مملکت خود دست بدارد
در آنوقت پادشاه پیه من یعنی ویکتور امانویل بپادشاهی تمام ایطالیا
شناخته شد و در سنهٔ ۱۸۶۱ رسماً پادشاه ایطالیا گردید

پس جائی که باقی ماند مملکت ونیز بود که اطریشی ها نگاه داشته بودند و
مملکت رم که از برای پاپ باقی مانده بود در سنهٔ ۱۸۶۶ هنگامیکه اطریش
با پروس در جنگ بودند ایطالیائیها که با پروسی ها اتفاق کرده
بودند داخل ونیس شدند و در کوستزا مغلوب گردیدند ولی اطریش
از پروسها شکست خورد و ایطالیا ونیس را مالک شد در سنهٔ ۱۸۷۰
که آلمانها فرانسه را مسخر نمودند سربازان فرانسوی که در رم رفته
بودند برحسب احضار دولت فرانسه بازگشتند و ایطالیائیها داخل
آنشهر عظیم گردیدند پاپ در همانجا باقی ماند ولی پادشاه ایطالیا
آن شهر را مقر سلطنت خود قرار داده تا امروز شهر رم پایتخت ایطالیاست
خلاصه مدت یازده سال طول کشید تا ممالک منقسمه ایطالیا مجتمع گردید
دولتی واحد بیکدیگر متصل شدند ولی با این حال بسیاری از ایطالیائیها

رضایت ندارند و تمام اشخاصی که با زبان ایطالیائی حرف میزنند
و در ممالک مختلفه مسکنی دارند از وضع حال خودشان بی هستند و دلشان
میخواهد به مملکت خودشان ملحق شوند جمعی از اهالی ایطالیا از انگلیس جزیرهٔ
مالطه را ادعا میکنند و از فرانسه نیس و کورس را و از اطریش تیرل
و بندر بزرگ تریست را این مطلب قابل ملاحظه است که سه ملت بزرگ
یعنی یونان و بلژیک و ایطالی بحمایت فرانسه ها آزادی خودشان را
بدست آوردند و مملکت فرانسه هنوز راضی نیست که اصول ۱۷۸۹
کلیه بموقع اجرا گذاشته شده باشد بلکه جلال و عظمت خود را در
این میداند که اصول مذکور عموماً مجری و معمول گردد

سؤالات

مملکت ایطالی بچه قسمتها منقسم شده بود — اهالی لمباردی و ونیز چه میخواستند
کدام مملکت ترتیب حکومتش از روی صحت بود وزیر اول پیه مُن چه میخواست
امپراطور اطریش چه کرد — کاریبالدی وطن خواه ایطالیائی با مزارعین
داوطلب چه کردند — اهالی پیه من چه کردند فرانسه ها چه اقدامی دربا
رم نمودند — اهالی پیه من چه کردند — و پادشاه ناپل چه شد — کدوکی

پادشاه ایطالیا کردید — در هنگام جنگ اطریش با پروس ایطالیائیها چه
کردند — در زمانیکه آلمان فرانسه را تسخیر کرده بود در رم چه اتفاق افتاد —
اهالی ایطالیا از وضع خودشان رضایت دارند یا نه جمعی از ایطالیائیها کجاها را ادعا میکنند
آیا فرانسه از اجرای اصول هشتگانه رضایت دارد یا نه

۱۸۸ — اتحاد آلمان — در سنه ۱۸۱۵ هنوز آلمان بسی و پنج
مملکت منقسم بود که دول متحابه ژرمانیک از آنها تشکیل میشد بسیاری
از آلمانها آرزو میکردند که تمام آلمان یک ملت شوند ولی پروس
و اطریش که دو مملکت اصلی هستند بر سر این مطلب با یکدیگر نزاع
داشتند که تابعی ممالک آلمان بکدام یک واگذار شود زیرا
یک آلمانها ما بین این دو دولت تقسیم شده بودند در سنه ۱۸۴۸ آزادی
طلبان آلمان بآرزوی خودشان رسیدند چه ایشان آرزو داشتند
که در تمام آلمان وکلا تعیین شده در یک مجمع جمع شوند و این مجمع
در فرانکفورت منعقد گردید وکلای این مجمع مدعی این بودند که باید
تمام آلمان یک مملکت باشد و قانونی از برای مملکت آلمان وضع
نمودند ولی سلاطین آلمان این قانون را قبول نکردند زیرا
که نمیخواستند حکومت ملت با خودشان باشد لاجرم آلمان بحال

تقسیم باقی ماند هلستین و سلسویک در تصرف پادشاه دانمارک بود
و در جزو اعظم این دو ولایت آلمانها ساکن بودند و جزو دول متحد
ژرمانیک محسوب بودند پادشاه دانمارک میخواست این دو ولایت
بکلی بدانمارک ملحق سازد و ساکنین آنها در این باب مدعی شدند
باین امر رضا ندادند چون پادشاه مزبور برد اطریش و پروس
و سایر ممالک آلمان قشون بزرگی فرستاده دانمارکیها را از
دو ولایت بیرون کردند مطابق ۱۸۶۴ ولی بجای اینکه آنها را بر
حسب وعده که داده بودند آزاد بگذارند پروس و اطریش آنها
ما بین خودشان تقسیم نموده ملک خود قرار دادند
در سنه ۱۸۶۶ پروس و اطریش با یکدیگر نزاع نمودند و سایر آلمانها
تماماً حمایت از اطریش نمودند و پروس نیز با ایطالیا اتفاق نمود
سربازان پروسی تفنگ سوزنی که تازه اختراع کرده بودند داشتند
و بسی سریعتر از تفنگهای قدیم با آنها تیر میانداختند و مشقشان
هم از اطریشیها بهتر بود و از این رو مملکت بهم را فرا گرفته در جنگ
بزرگ سادوا فتح نموده فیروزی یافتند مطابق تیم ژوئیه ۱۸۶۶

اطریش دیگر قشونی نداشت که پروسیها را متوقف سازد ولاجرم عهد
نامهٔ پراک را امضا کرد که بر حسب آن عهدنامه از عداد دول متحدهٔ
آلمان خارج میشد یعنی در امور آلمان هیچگونه حق دخالت نداشته
باشد و اختیار را بکلی به پروس واگذار نماید پروسیها نیز این مسئله را
مغتنم شمرده مملکت هانور را با والی نشین ناسو و هس و شهر آزاد
فرانکفورت با عدم رضایت اهالی ضمیمه خودشان کرد

سؤالات

در سنه ۱۸۱۵ آلمان بچه حال بود — پروس و اطریش بر سر چه نزاع داشتند
آلمانیها چه آرزو داشتند و کی بآرزوی خود رسیدند — مجمع فرانکفورت چه
کرد و سلاطین آلمان چه کردند — پادشاه دانمارک چه میخواست —
پروس در اینجا با سایر آلمان چه کردند — در نزاع پروس و اطریش آلمانها
حمایت از کدام یک نمودند — باعث فتح قشون پروس چه بود — اطریش
بعد از شکست پروس بچه کار مجبور گردید — بعد از آن پروسیها چه کردند

[illegible] — امپراطوری نشین آلمان [illegible] — سایر ممالک شمالی
آلمان ضمیمه نشدند ولی خودشان دولت متحدهٔ شمالی را تشکیل دادند
که در ریاست پادشاه پروس بودند و ممالک جنوبی نیز دول متحده

جنوبی را تشکیل دادند اگرچه این دول متحابه شمالی هم آزادی داشتند ولی
دول متحابه جنوبی آزادتر بودند جز اینکه در موقع جنگ باید قشون
خودشان را بخدمت پادشاه پروس بگمارند و همه ایشان
وکلای خود را برایخشتاک که مجمع عمومی در برلن است بفرستند
در ۱۸۷۰ دولت فرانسه بپروس اعلان جنگ نموده تمام آلمانها
متفقاً بر ضد فرانسه قیام کردند

در مدت محاصره پاریس گیلیوم پادشاه پروس که در عمارت



ش ۸۱ جنگ سادووا که در ۱۸۶۶ پروسها بهم زده بود

ورسای منزل کرده بود سایر شاهزادگان آلمان را جمع نموده
و در هیجدهم ژانویه ۱۸۷۱ نام امپراطوری کل آلمان بر خود نهاد و تاج

تمام ایالات آلمان که آلمانها مدتها طالب آن بودند توسط پروس
انجام یافت ولی پروس اینکار را محض جلب نفع خود بازور معمول
داشت آلمانها اگرچه همگی در یک ملت متحد گردیدند ولی باوصف
این آلمانها آزادی ندارند زیرا که از اطاعت پادشاه پروس
مجبور میباشند و چون با دقت ملاحظه شود اتحادی که وطن پرستان
آلمان میخواهند وقوع نیافته در مملکت اطریش زیاده از ده ملیون
آلمانی هست و در سویس دو ملیون و همه اینها از آلمان خارج هستند
ولی در عوض آن پروس سه ملیون لهستانی را در مملکت خود داخل
کرده و یکصد و چهل هزار دانوا (دانمارکی) و یک ملیون و هفتصد
هزار نفر فرانسوی یا لزاس لرن را که هیچکدام مایل تبعیت آلمان
نیستند

سوالات

ممالک شمالی آلمان و ممالک جنوبی آن چه کردند. بعد از اعلان جنگ
فرانسه دول متحده جنوبی آلمان چه کردند — گیلیوم پادشاه پروس
در اثنای محاصره پاریس چه کرد و مقصود پروس از اتحاد تمام آلمان چه بود

آیا المانیها در حقیقت آزاد هستند — چه مقدار آلمانی در خارج زیست میکنند

۱۹۰ — آلزاس لرن —

در معاهده فرانکفورت که در ۱۸۷۱ وقوع یافت آلمان فرانسه را مجبور کرد که آلزاس و لرن را با آلمان واگذارد و آنها را یکی از ایالات آلمان قرار داد بدون اینکه رضایت اهالی آنجا را منظور دارند یا مثل سایر دول تنها حق حکومت ملی بایشان دهند بلکه همواره حکام آنها از جانب پروس تعیین میشود و قشون پروسی در آن شهر اقامت دارند آلزاسیها و لرنیها دائماً از این جبر و ظلم تظلم مینمایند و اغلب جوانان ایشان فرار در قشون فرانسه اجیر شده اند و بسیاری جلای وطن کرده محض اینکه احکام آلمان را اطاعت ننمایند وکلای ایشان که در رایخستاگ برلن سفیر هستند تقاضای مؤکد به انفصال از آلمان را میکنند

سؤالات

در معاهده فرانکفورت آلمان فرانسه را بچه کار مجبور ساخت معامله آلمان با آلزاس لرنیها چگونه است وکلای آنها در رایخستاگ مطالبه چه چیز مینمایند —

۱۹۷ — مملکت هونگری — امپراطور اطریش سلطنت هونگری

تیز داشت و همواره اطریشیها را بحکومت آنجا میفرستاد و اهالی

هونگری چندین دفعه شورش کردند و اطریشیها آنها را میزدند و

رؤسای ایشان را سر میبریدند شورش اخیر ایشان در سنه ۱۸۴۹

بقدری سخت بود که امپراطور اطریش مجبور گردید از دوست خود

امپراطور روس قشونی طلب نمود که رعایای خود را مطیع سازد

ولی در سنه ۱۸۶۶ در موقعیکه اطریشیها تنزل نمودند هونگریها بدون جنگ

نزاع آزاد شدند و امپراطور اطریش بعد از آنکه مغلوب فرانسه گردید

مشروطه بهونگری داد

و در سنه ۱۸۶۷ که اطریش مغلوب پروسیا گردید راضی شد که مملکت خود را

به دو جزو اطریش و هونگری تقسیم نماید و هونگریها مجلس و وکلا حاصل

نموده و دولتشان علیحده شد و از اطاعت اطریش خارج شدند

سؤالات

اطریش با هونگری چگونه رفتار میکرد و هونگریها چه میکردند — شورش

خیالات ایشان چه قسم بود — در چه وقت مونگری آزاد گردید بالاخره امپراطور اتریش از چه کار مجبور شد

۱۹۱ — پلنی (ورشو) — اهالی پلنی کمتر روی خوش بختی را دیده بودند در سنه ۱۸۰۷ ناپلیون اول آنها را آزاد کرده و دوالی نشین وارشوی را تشکیل داده بود ولی در سنه ۱۸۱۵ روسها و پروسها و اطریشی ها آنها را تصرف نموده بازور نگاه داشتند و ایشان چندین دفعه خواستند خودشان را آزاد کنند ولی قوتشان بقدر کفایت نبود

بیشتر و مظلوم ترین طوایف آنها پلنی های (روسی) میباشند در سنه ۱۸۳۰



[illegible] — در سر لهستانی ها شورش نموده مدت ... در مقابل روسها مقاومت کردند ولی چون قشون ایشان کم بود در سنه ۱۸۳۱ ورشو مسخر روس گردید

در شهر ورشو شورش نمود ... تا یک سال در مقابل قشون

روس مقاومت جستند. ولی قشون ایشان بسیار کم بود و روس ورشو را مسخر ساخت

و بعد از آن اشخاصی که در ورشو از مملکت خود دفاع کرده بودند بحکم امپراطور روس بسیبیر فرستاده شدند

و روسها در ورشو قلعه بنا نموده با پلنی ها گفتند چنانچه خیال آزادی را در مخیله خود بگذرانید بدبختی بزرگی شما را استقبال خواهد کرد هرگاه جزئی شورشی بنمائید از این قلعه شهر شما را توپ خواهیم بست. با وصف این در سنه ۱۸۶۳ باز پلنی ها شورش کردند و روسها آنها را باطاعت در آورده مقصرین را بسیبیری فرستادند

سؤالات

اهالی پلنی چه حالی داشتند — ناپلئون اول با آنها چه کرد — روس و پروس و اطریش با ایشان چه رفتار نمودند — پلنی های روسی چه حال داشتند — و امپراطور روس با آنها چه کرد

۱۹۳ — میجان اسلاوها در روسیه — اهالی مشرق اروپا تمامی از یک نژاد هستند و تقریباً همه بیک زبان حرف

میزنند و آنها را اسلاو مینامند و عبارتند از روسیها و لهی ها
و چک یا بهمی ها و دیگر کرآت و سرب و بلغار این طوایف بعضی
در تحت یک ملت و تبعیت یک دولت اجتماع ندارند بلکه بعضی
رعایای روس و بعضی تابع پروس و بعضی مطیع اطریش میباشند
بعضی دیگر هم با عثمانی بستگی داشتند که آزاد گردید
اما اسلاوهای تابع اطریش میخواهستند حکمرانی مملکت با خودشان
باشد و پادشاه نشین هم و کالیتی با ایشان تعلق یابد اسلاوهای
هونگری آزادی خود را میخواهستند در کرآت در ایالتی (هونگری)
دو ملیون اسلاو هست که هفتاد هزار نفر بر آنها حکومت دارند اینها
نیز میخواهستند پادشاه نشین علیحده تشکیل دهند و اگر آنها بمقصود
خودشان نایل شوند مملکت اطریش تجزیه خواهد شد همان قسم که امپراطور
نشین عثمانی تجزیه گردید بسیاری از ایشان مایل بودند که تمامت اسلاو
در یک ملت در تحت تبعیت امپراطور روس مجتمع شوند و اتحاد
پانسلاویست نامند

سئوالات

جماعت سلاو چه طایفه هستند — آیا تمام ایشان یک ملت و در تبعیت
یک دولت میباشند — سلاوهای اطریش و هونگری چه میخواستند
در کرواث چقدر سلاو هست چه میخواهند

۱۹۴— ایرلاند — مملکت ایرلاند را سابقاً انگلیس ها فتح
نموده اراضی آنرا گرفتند و مقرر داشتند که ایرلاندیها جز برزگری
کاری نکنند مذهب ایرلاندیان کاتولیکی بود و انگلیس ها ایشانرا
مجبور میکردند که بخلفا و رهبانان پرتستان پول بدهند
در سنه ۱۶۵۰ و در سنه ۱۶۹۰ ایرلاندیها خواستند شورشی نمایند ولی
در همه وقت شکست خوردند تا زمانیکه یکنفر نطاق ایرلاندی اکنل نام
در حضور جمع کثیری عبارت از سی هزار نفر نطقی برپا نموده مردم را
بهیجان آورد در سنه ۱۸۳۰ دسته های ایرلاندی مسلح در اطراف
بلاد گردیده ملاکان انگلیس را بقتل میرسانیدند
فنیان ها که از سنه ۱۸۶۷ تا سنه ۱۸۸۲ از جمله اعیان بودند یکنفر از حکام
انگلیسی را در دوبلن در روز روشن کردن زدند و هیچیک از ایرلاندیها
قاتلین او را که دیده بودند و میشناختند آشکار نساختند و بدست نداد

در سنه ۱۸۸۱ چندین خانه را در لندن با دینامیت از بنیاد برآوردند
انگلیس‌ها خیلی مایلند که ایرلاند رفرمه شود ولی از اینکه حکومت ایرلاند
با خود ایرلاندیها باشد امتناع دارند و از اینجهت ایرلاندیان عموماً
بر انگلیس کینه و اعتراض دارند

سؤالات

ایرلاند را چه طایفه فتح نمودند — انگلیس‌ها با ایرلاندیان چگونه رفتار میکردند
ایرلاندیها چه اقدامی نمودند و چه شد — در سنه ۱۸۲۳ نطق اُکنیل چه اثری بخشید —
فنیان چه کردند و ایرلاندیها با خانه‌های لندن چه کردند — انگلیس‌ها چه میخواهند
و از چه مطلب امتناع دارند

۱۹۵ — نروژ و سوئد — اولین طایفه که در اروپا
بدون زد و خورد آزاد شدند نروژیها بودند در سنه ۱۹۰۵ چه ایشان
در سنه ۱۸۱۴ برخلاف میل و رضای خودشان جزو سوئدیها شده
شده بودند ولی نتوانستند با همسایه‌های خودشان اتفاق زندگانی
کنند و در سنه ۱۹۰۵ در موقع مطالبه استقلال [illegible] خود برآمدند
سوئدیها نیز عاقلانه رفتار نموده مطالب ایشان را پذیرفتند و نروژیها
مملکتی مستقل ترتیب دادند [illegible]

اختیار کردند

سئوالات

کدام طایفه در اروپا بدون زد و خورد آزادی یافتند — حال
نروژ در ابتدا چه بود — و بعد چه مطالبه کردند — سوئدیها با آنها چه
رفتار نمودند و نروژیها که را بسلطنت اختیار کردند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً — هر مملکتی در سابق عبارت بود از رعایای یک پادشاهی
و هیچ وقت میل و خواهش رعایا را در تعلق و تبعیت مملکتی ملاحظه نمیکردند
در قرن نوزدهم این رعایا اهتمام کرده ملتها تشکیل دادند

ثانیاً — ترتیب تبعیت مورث جنگهای بسیار گردید زیرا که اغلب
ملتها یا در میان چندین مملکت تقسیم شده بودند یا بحکم جزء یک مملکتی غیر از ملت
خودشان گردیده مایل و راضی باطاعت و تبعیت آن مملکت نبودند

ثالثاً — در سنه ۱۸۲۱ یونانیها با دولت عثمانی بنای ضدیت گذاشتند
و بعد از محاصره میسلنقی در سنه ۱۸۲۶ در جنگ دریائی ناوارن در

سنه ۱۸۲۹ بمطلب خود رسیده و بمعاونت فرانسه و روسیه پادشاه
نشین یونان را تشکیل داد

رابعاً — در سنه ۱۸۳۰ بلژیکیها پادشاه هلاند را بیرون کرده و بمعاونت
فرانسه مملکت بلژیک را برپا داشتند

خامساً — بعد از آنکه ایطالیاییها در خلاصی خودشان از دست اطریشیها
بیهوده اهتمام کردند در دوره پادشاه پیه‌مون تمیز شده پیه‌مون با کمک
فرانسه اطریشیها را شکست داده اند در سنه ۱۸۵۹ در ماژنتا و سولفرینو
و بعد از آن لمباردی و ایطالیای مرکزی و سیسیل و ناپل با ممالک متعلقه
بکلیسا را پیه‌مون ضمیمه کرده تا در سنه ۱۸۶۱ پادشاه نشین ایطالیا را تشکیل
دادند و در سنه ۱۸۶۶ ونیس و در سنه ۱۸۷۰ رم را فتح کردند

سادساً — آلمان بسی و پنج مملکت تقسیم شده بود در جمع شدن خود
در سنه ۱۸۴۸ بآرزوی خود نرسید و نتوانست مملکت امپراطوری آلمان
تشکیل کند و بعد از آنکه [illegible] سیاست و
[illegible] جنگ کرد و پروس با اطریش جنگید در سنه ۱۸۶۶ پروس
[illegible] فاتح [illegible] گردید . صاحب مملکت آلمان شد و [illegible]

و هس و فرانکفورت را جبراً و قهراً ضمیمه خود ساخت

سابعاً — آلمانها از ۱۸۶۶ دول متحابه تشکیل داده بودند

در ۱۸۷۱ دول متحابه بتأکید یکدیگر حرکت نمودند و پادشاه پروس امپراطور

کل آلمان گردید

ثامناً — متحد شدن ایالات آلمان از برای پروس مفید واقع شد

بسبب ظلم و ستمی که از سایر آلمانها بآنها میرسید ولی وقوع این مطلب

از روی بی‌قاعدگی بود زیرا که ده ملیون نفوس آلمانی در خارج از اوطان

خود پراکنده گشته و سه ملیون ملتی فرانسوی جزو آلمان شد

تاسعاً — بواسطه عهدنامه فرانکفورت در سنه ۱۸۷۱ الزاس لرن

ضمیمه مملکت پروس شدند و از روی اجبار و اکراه مطیع و محکوم پروسیها

گشتند و اتصالاً ادعای آزادی نموده از حکومت اجنبی شکایت

و ناله دارند

عاشراً — هونگریها در سنه ۱۸۴۹ از ظلم اطریشیها شورش نمودند و بتوسط

قشونی از روس مجدداً باطاعت آنها درآمدند ولی برحسب حسن اتفاق

بواسطه تنزل و خرابی اطریشیها بآرزوی خود رسیده در سنه ۱۸۶۷ مملکتی

تشکیل دادند

چهاردهم — پلنی ها جبراً و اضطراراً مطیع روسها و پروسها و اطریشها

میباشند و با وجود شورشهائی که در سنه ۱۸۳۰ و سنه ۱۸۶۳ نمودند نتوانستند

از تسلط این ممالک خلاص شوند ده هزار پرستان پلنی را روس بسیبری فرستاد

ثانی عشر — طایفه صربها و که در مشرق اروپا مسکن دارند بعضی از

آنها در تبعیت عثمانی و بعضی تابع اطریشیها و جمعی تبعه مونتگری هستند

وجد و جهد دارند که از تبعیت این ممالک خلاص شوند بسیاری از طایفه

پان سلاوی میخواهند مملکتی تشکیل داده بکلی مطیع امپراطور روس باشند

ثالث عشر — ایرلاندیها در دست انگلیسیان مظلوم واقع شده اند

آنها را گرفته اند و ایشان را مجبور میکردند که براهبان پرتستان

پول بدهند و از سنه ۱۸۳۰ در پی آن هستند قسمتهای ایرلاندی حق حکم بکنند

داشتند که انگلیسها را بکنند و شهر لندن را توسط نیابت بر بر بندند

رابع عشر — در سنه ۱۹۰۵ مردم نروژ با صلح بدون جنگ از سوئد جدا شد

و پادشاه نشین مستقلی تشکیل داد

فصل ششم

ممالک کنونی اروپ

۱۹۶ — **صلح با اسلحه** — از این پیش دانستیم که ممالک اروپ از سنهٔ ۱۸۱۵ متزلزل بود اولاً بواسطهٔ جنگهای پیشگی در مشرق و ثانیاً بواسطهٔ جنبشهای ملّی اما مسئلهٔ مشرق بانجام نرسید زیرا که عثمانی را پیوسته تهدید میکردند و هیجان ملی نیز تمام نشد الزاس لرن سعادت و خوش بختی نیافت پلنی از تبعیت سه دولت که او را تقسیم کرده بودند خوشوقت نبود ایرلاندیها همیشه حاضر بودند که برضد انگلیس ها شورش نمایند و صلح در پناه عهد نامه ها برقرار میماند ولی عهدنامه هیچوقت دولت صاحب پول و قشون را از جنگ مانع نمیشود تمام اروپ خودشان را برای جنگ حاضر میکنند بعضی دولتها باسم اتفاق متحد شدند آلمان و اطریش هونگری و ایطالی اتفاق مثلث نمودند و همچنین فرانسه و روسی

باهم متفق گردیده هر دولتی حساب کار شخصی خود را میکند و همه تمام
دارند که قشون بزرگ و قلعه های مستحکم داشته باشند از برای تشکیل
قشون بزرگ دیگر مثل سابق ترتیب داوطلب یا قرعه سربازگیری را
معمول نمیدارند در بسیاری از ممالک خدمت نظام را اجباری
قرار داده اند و تمام سکنه مملکت باید مدت چند سال خدمت سربازی
بکنند آلمان میتواند ۳ ملیون سرباز حرکت دهد روسی ۳ ملیون
و ششصد هزار اطریش هونگری یک ملیون و هفتصد هزار این
قشونها هزار هزار توپ دارند و با این وسایط محرقه مهلکه اهل اروپا
یقین دارند که جنگ بسیار هولناکی وقوع خواهد یافت واکنون
بیست و پنج سال است که در اروپا جنگی واقع نشده

سؤالات

در سنه ۱۸۱۵ ممالک اروپ در چه حال بود الزاس لرن و پلی و ایتالیا چه حال
داشتند کدام دولتها باهم متفق بودند تشکیل قشون بچه ترتیب معمول شد
حال قشون آلمان و روسی و اطریش هونگری را بیان کنید

۱۹۷- توسعه جویان — با انگلستان در آخر قرن نوزدهم

تقریباً تمام دول اروپ اهتمام داشتند که بر وسعت مملکت خود بیفزایند
یعنی اراضی جدید بدست آورده مفتوح میسازند و محصول و صنایع
خودشان را در آنجا بفروش رسانند انگلیس بزرگترین ممالک
مهاجرنشین روی زمین را فتح نمود بعد از انگلیس مهاجرنشین فرانسه
از سایرین بزرگتر است انگلیس و آلمان و آتازونی و روسی دایم در
صدد هستند که مهاجرنشینهای خودشان را توسعه دهند

و از آنجا که توسعه جویان جز توسط جنگ نمیتوانند مملکت خود را توسعت
دهند مجبورند که قشون زیاد و کشتی جنگی بسیار داشته باشند فرانسه
مهاجرنشین زیاد دارد بحدیکه از برای او کافی است چه او میخواهد
اراضی را زراعت نموده آباد سازد نه آنکه بیهوده توسعه دهد پس
فرانسه از جمله توسعه جویان شمرده نشود اما از برای دفاع از مهاجر
نشینهای خود کشتی جنگی بسیار لازم دارد زیرا چون فرانسه توسعه جوی
نیست اغلب ممالک اروپا با او رابطه خصوصیت دارند

و با انگلیس اتفاق نموده است مسائلی را که ممکن است اسباب بهم
خوردن مابین دو مملکت گردد دوستانه تسویه نمایند از تفصیلات این

نظامنامه ترتیب یافته ما بین ایشان دوستی بسیار بزرگ پدید آمده و
هر یک از دیگری سخن شنوی دارند و اتفاقشان قلبی و محکم است

سؤالات

دول اروپ در چه امر اهتمام داشتند کدام ممالک مهاجرنشین خیلی بزرگ
دارند فرانسه با انگلیس چه اتفاقی نمودند

۱۹۸ — قبول حکمیّت — نگاهداری سرباز و توپ و کشتی
بسیار گران تمام میشود قشون بحری در هر سال باندازهٔ هزار
ملیون فرانک خرج دارد ولی با وصف این هیچ مملکتی نمیخواهد خلع
اسلحه از خود نماید از بیم اینکه همسایه‌اش با اسلحه باقی مانده و قوی
گردد و بر او حمله نماید در سنهٔ ۱۸۹۹ امپراطور روس فرستادگان
ممالک اروپا را در شهر لاهه جمع کرد و کنفرانس صلح عمومی در آنجا
تشکیل یافت محض اینکه مسئلهٔ خلع سلاح در حضور همه فرستادگان مقرر
گردد ولی ایشان راهی از برای رفع سلاح بدست نیاوردند جز
اینکه محکمهٔ تصدیق ثابتی در آنجا برقرار کنند که مکان آن در لاهه
میباشد هر دولتی در آنجا دادخواهی نماید کنفرانس مزبور باظهار خوش

رسیدگی و احقاق حق نمایند

ولی این محکمه تصدیق جنگ ترانسوال را که از سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۱ امتداد
یافت نتوانست جلوگیری نماید و همچنین در سنه ۱۹۰۱ سفر جنگ چین را
نتوانست موقوف کند اما در سنه ۱۹۰۳ رئیس جمهوری آمازونی دولتهای
آلمان و انگلیس و ونزوئلا را ملزم کرد تا منازعه خودشان را که محتمل بود
بجنگ بزرگی منتهی گردد در محکمه مزبور فیصله کردند و بعد از آن ممالک
اروپا عهدنامه مجلس تصدیق ثابت را در میان خودشان امضا کردند
و بواسطه آن متعهد هستند اغلب مشاجرات و اختلافاتی که در میان
ایشان واقع میشود بمحکمه لاهه اظهار دارند

اما فرانسه اول کسی بود که در این باب عهد با بریطانی کبیر منعقد
ساخت در تمام عالم بعضی اشخاص خوش قلب هستند که میگویند
جنگ و قتال بزرگترین بلاها و اذیتهای بنی نوع انسان است اگر
مردم نخواهند همیشه بحال صحیح باشند باید از جنگ اجتناب نمایند این
اشخاص در هر مملکت بهمشهریهای خودشان را مجبور میکنند که با ایشان
هم عقیده گردند و آنها را مردمان صلح جوی خوانند

سؤالات

قشون زیاد نگاهداشتن چگونه است — در سنهٔ ۱۸۹۹ امپراطور روس بچه کاری اقدام نمود — محکمه تصدیق کدام جنگ را جلوگیری نتوانست در کدام مشاجره حکمیت نمود — دول اروپ چه چیز را مشهود گشتند اشخاص صلح جوی چه چیز میخواهند و چه میگویند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً — مسئلهٔ شرق بانجام نرسید و جنبش و جوشش ملی نیز منتهی گشت توسعه جویان بتوسیع مملکت پرداخته تمام اهالی اروپا خودشان را از برای جنگ حاضر کرده اند

ثانیاً — بجهة تشکیل قشون بسیار قانون خدمت اجباری را مقرر داشته توپ میریزند و راه آهن جنگی میسازند

ثالثاً — چون مزدوات جنگ با قیمت گزاف تمام میشود خیلی امید است که تمام دول با یکدیگر اتفاق و اتحاد نموده جنگ را بالکلی موقوف سازند و مسائل اختلافیه خود را بتوسط محکمه تصدیق فیصله دهند

فصل هفتم

علم و صنعت و تجارت

۱۹۹ـ علوم در قرن بیستم ـ در هیچ عصری بقدر این قرن اشخاص فاضل عالم پدید نیامد زیرا که در انگلیس و فرانسه و آلمان و امریکا هزاران اشخاص فاضل و دانشمند مشغول اکتشافات این مطلب هستند که حرکت و پیدایش و نمایش بسیار را معلوم کنند و بسیاری از علوم را از قبیل فزیک و شیمی و معرفة الارض و تاریخ طبیعی وطب و غیره انبساط داده یا تجدید نموده یا اختراع کرده‌اند بسیاری از این دانشمندان فرانسوی هستند مثل آمپر و آراگو و گیتو ساک و دشوراد و بریل و فرزنل و سنت هیلر کلد برنار و پاستور

این دانشمندان این اکتشافات را تنها برای خود نگه نمیکنند. بلکه فایدهٔ آن بتمام عالم میرسد

مسافرت

در قرن هیجدهم چگونه اشخاص پیدا آمدند دور علوم چه کردند ایشان کیانند و از کدام قسمها بودند

۲۰۰ — بکار بردن علوم — پیوسته عقلای بزرگ مشغول پیدا کردن نشانی از علم میباشند و مهندسین علم را بجهه تحصیل اشیاء مفیده بکار میبرند مانند ماشین ورکنها و بخار و کوت زمین و غیر آن تا زمانیکه موفق گردیده علم را با صنعت توام ساختند در قرن نوزدهم بقدری در توام ساختن علوم با صنعت پیش رفتند که شکل بسیاری از مکاسب تغییر کرد

سئوالات

عقلای بزرگ مشغول چه کار بودند مهندسین علم را از برای چه امر میخواهند — در قرن نوزدهم کار علم بکجا انجامید

۲۰۱ — ماشینها — یکنفر انگلیسی آرک و ریکت نام دستگاهی اختراع کرد که بتوسط آن پنبه را ریسمان کند و یکنفر فرانسوی ژاکار نام صنعت نساجی ابریشم را اختراع نمود این اسباب‌ها باعث میشود که کارها زودتر انجام گیرد و مقدار

بافنده‌گی و ساختن اشیاء بیشتر شود و همچنین یکنفر وات نام در سنه ۱۷۷۶
اولین دستگاه چرخ بخار را اختراع کرد و از آن زمان طرز ساختن
اسباب ترقی نمود زیرا که یک دستگاه چرخ بخار میتواند اشیاء
خیلی سنگین را حرکت دهد و تمام آلات یک کارخانه را بگرداند
یک نفر فرانسوی ورسپرز نام انتقال قوت سقوط آب و سیل را
بجاهای دور اکتشاف نمود مانند سقوط آب رودخانه نیاگارا
در ممالک آتازونی که اسباب حرکت چرخها در سی چهل کیلومتر
یا چهل هزار متر فاصله میگردد این قوت سقوط آب را هویل
بلانش (ذغال سفید نامیدند) بجهت اینکه آب را مثل ذغال
سنگ سیاه برای حرکت دادن چرخها بکار بردند و همچنین دستگاهها
از برای نوشتن اختراع کردند علاوه برآنچه از برای چاپ
اختراع شده که یک روزنامه تمام را در یک روز چاپ میکنند

سؤالات

ارکرایت انگلیسی چه چیز اختراع نمود — صنعت نساجی را که اختراع کرد
فایده ماشین و چرخها چه چیز است — اولین چرخ بخار را که اختراع کرد

دوسپر زفرانسوی چه چیزرا اکتشاف کرد

۲۰۴ — **کشتی بخار — راه اهن** — بعد از آنکه قوت بخار را دریافتند درصدد برآمدند که اورا از برای حرکت دادن کشتیها و کالسکه ها بکار برند درسنه ۱۷۷۶ یکنفر فرانسوی ژوف روانام یک کشتی بخار ایجاد کرد ولی بدبختانه کسی اعتنائی باجرا او ننمود و بعد از آن یکنفر امریکائی فولتن نام درسنه ۱۸۰۷ کشتی بخاری ساخت که از رودخانه هودسن بتوسط آن پائین آمد درسنه ۱۸۱۴ چند نفر انگلیس بخاطرشان رسید که لکموتیوی بسازند واورا درروی رایل راه آهن حرکت دهند و بعد از آن واگنها مرتب کردند که مال التجاره و مسافرین را با آن حرکت بدهند ورفته

درزمانی اندک طی کنند و بعد از آن الکتریسیته معمول گردید و آن
برای حرکت دادن ترامو و راه آهن بکار رفت و سبب شد که
مسافرتها زودتر و ارزانتر شود
درراههای معمولی کالسکه های اتومبیل نفتی با سرعت راه آهن حرکت
میکنند و همچنین محرّک اتومبیل را در روی زورق قرار دادند تا بسرعت
کشتی بزرگ راه رفت و بالاخره وسیله ها ازبرای حرکت در هوا پیدا
کرده بالونها معمول گردید

سؤالات

راه آهن بچه ترتیب اختراع شد وچه فایده بخشید — و دیگر چه اختراعات
ازبرای حرکت برّی و بحری نمودند

۲۰۳ — **تلگراف — الکتریک** — چون قوه الکتریسیته را پیدا
کردند بتوسط او تلگراف ساختند که اخبار را از یکطرف عالم بطرف
دیگر در کمتر از یک ثانیه میرساند تلگراف الکتریک هنوز در سنه ۱۸۱۶
اختراع نشده بود و امروز خطوط تلگراف ما بین تمام شهرهای فرنگ

و امریکا و ایران موجود است همچنین تلگراف تحت بحری خبرت کردند که سیم آهن را از وسط لوله کملاستیکی گذرانیده در آب دریا میاندازند

تلفن الکتریکی را که احداث نمودند دو نفر آدم دور از یکدیگر توانستند با هم حرف بزنند بدون آنکه یکدیگر را ببینند با تلگراف بی سیم کشتیها در دریا از دور با یکدیگر حرف میزنند و همچنین از دریا با بندر هائی که در ساحل است حرف میتوانند بزنند

سئوالات

از پیدا شدن الکتریسته چه چیز اختراع کردند تلگراف در چه سنه اختراع گردید با تلفن الکتریکی و تلگراف بی سیم چه کارها انجام میدهند

۲۰۴ — روشنائی — در سنه ۱۸۰۱ یکنفر فرانسوی لبن نام این مطلب را دریافت که ممکن است از ذغال بخاری گرفته و آنرا روشن سازند و بعد در انگلیس این اختراع را تکمیل کردند و کم کم در تمام ممالک عالم چراغ گاز معمول گردید در امریکا و در روس بعضی چاهها کشف نمودند که روغن نفت از آنها بیرون میآید در

شهرهای بزرگ کوچه ها و خانه ها با چراغ برق روشن است

سؤالات

کدام کس اوّل دریافت که از ذغال بخار گیرد — و اختراع آن در کجا تمام شد — در روسیه و امریک چه چیزها کشف شد در شهرهای بزرگ کوچه ها و خانه ها با چه چیز روشن است

۲۰۵ — **صنعت** — بعد از آن اختراعات متعدد دیگر نمودند از قبیل ساختن عکس و ترتیب مطلّا و مفضض که طلا و نقره را در روی آهن کار میکنند و دیگر دینامیت که بتوسط آن سنگهای بزرگ را از جای بر میکنند و رنگهای مختلف که از ذغال سنگ بدر آورده پارچه ها و منسوجات را با آن رنگ میزنند و همچنین کود شیمیائی که در شوره زمین قرار داده خاشاک زراعت عمل می‌آید و نیز از برای ساختن الکل و کاغذ و بافتن منسوجات ترتیبی اختراع نمودند که خیلی بصرفه نزدیک است بعضی نباتات و درختهای جدید در اروپا داخل کردند از قبیل سیب زمینی و غیره و معالجات جدیده کشف نمودند و وسایطی بدست آوردند که بتوسط آنها

ممکن است از امراض عمده محفوظ مانند و ترتیبی از برای خوابانیدن
مریض بجهت عملیات یدی قرار داد مخصوصاً پاستور طریقی
کشف نمود که بواسطهٔ آن از امراض مسریه مثل سگ هار و طاعون
و ذبحه درد گلوی مهلک و غیره نجات توان یافت
و همچنین معلوم ساخت که کثافت باعث بسیاری از امراض میگردد
پس باید خود را تمیز نگاهدارند تا از امراض مسریه بسلامت مانند
و از نزدیک شدن با مرضای امراض مسریه اجتناب ورزند

سؤالات

بعضی اختراعات صنعتی را ذکر نمائید در علم طب و حفظ صحت چه مددی
نمودند پاستور چه اکتشافات نمود

۶۰ — اکسپوزیسیون (نمایشگاه عمومی)

در ۱۸۵۱ اولین نمایشگاه عمومی در انگلیس برپا گردید و
تمام اهل عالم حاصل زحمت و محصول مملکت خودشان را بآنجا آوردند
در عمارت مخصوصی که از برای اینکار ساخته شده بود نمایش دادند

درآن اکسپوزیسیون ۱۷۰۰۰ نمایش دهنده حضور یافته بودند

سایر ممالک نیز در این خصوص تقلید انگلیس ها را نمودند در فرانسه

پنج نمایش بزرگ واقع شد در سنه ۱۸۵۵ و سنه ۱۸۶۷ و سنه ۱۸۷۸ و سنه ۱۸۸۹

و سنه ۱۹۰۰ و همچنین در وین و بروکسل و لندن اکسپوزیسیونها برپای

گردید و در امریکا در فیلادلفی و شیکاغو تربیت یافت در این

اکسپوزیسیونها متاع تجارت و ماشینهای کار تمام ملل موجود و جمع

بود و هر ملتی میدید که سایر ملل چگونه کار میکنند و در واقع اکسپوزیسیون

بمدرسه صنایع شباهت داشت

سؤالات

اولین نمایشگاه عمومی در کجا و از برای چه مقصد برپای گردید — در فرانسه

چند اکسپوزیسیون منعقد گشت — در اکسپوزیسیون چه واقع میشد

۴۰۷ — **علم تحصیل ثروت** — دانشمندان و عقلای

مملکت پس از غوررسی و مطالعات بسیار دریافتند که ملت چگونه

صاحب ثروت و متموّل گردد و او را علم ثروت اندوختن نام نهادند

سابق بر این گمان میکردند که ثروت ملت عبارت از آنست که طلا

ونقره زیاد داشته باشند ولی بعد از آن ملاحظه نمودند که ثروت حقیقی و دائمی عبارتست از آنکه در مملکت گندم و جو و سایر اجناس و گاو و گوسفند زیاد بعمل آید و از پنبه و پشم پارچه ها باشند و ... چرم سازی و سایر اشیاء متعلق بصنعت است که ملت دارا ... باشند زیرا که بتوسط این اشیاء مفیده طلا و نقره بفراوانی تحصیل میشود

سئوالات

علم ثروت را چگونه دانستند سابق براین ثروت را منحصر در چه چیز میدانستند و بعد ملتفت شدند که ثروت حقیقی عبارت از چه چیز است

۲۰۸ — آزادی صنعت — پس بنابر آنچه ذکر شد ملت غیر تمند ملتی خواهد بود که حاصل های مرغوب بعمل آورده اشیاء مصنوعه تحصیل نماید پیش از این تصور میکردند که از برای تحصیل محصول زیاد باید نظامنامه مفصلی ترتیب یابد و دولت باید قرار بدهد که عمله جات چگونه کار بکنند و چه ماده را استعمال نمایند و یک توپ ماهوت چند زرع باید طول داشته باشد اشخاصی که دستگاه تازه اختراع میکردند یا ترتیب جدیدی مرتب میداشتند از طرف دولت جریمه

میشدند زیرا اگر صنایع را بایستی دولت بعمل آورده باشد کارخانه های آن باشد و اسباب ترویج و پیشرفت هر صنعت را فراهم سازد بعد از آن ملاحظه کردند که بهترین وسایل برای خوب کار کردن این است که آنها مردم را در کار خودشان آزاد و راحت بگذارند و از آن وقت خیرخواهان در صدد ادعای آزادی صنعت برآمدند

سؤالات

سابق براین ترقیب تحصیل محصول و ایجاد مخترعات از چه قرار بود

بعد از آن چه ملاحظه کردند و در مقام ادعای چه برآمدند

۳۰۶ - آزادی تجارت

— سابق براین مردم بهیچوجه نمی پنداشتند که منفعت به مملکت در آنستکه نگذارند چیزی از محصولات مملکت بخارج برود و بسمت دیگر نقل شود و همچنین نمیگذاشتند چیزی از خارج بداخل مملکت وارد گردد یعنی متاع تجارت خارجه را بمملکت وارد نمایند مثلاً اگر تاجر فرانسوی میخواست گندمی برای فروش بانگلیس ببرد گندم او را گرفته توقیف میکردند و هرگاه تاجری میخواست آهن انگلیس را بفرانسه بیاورد مانع میشدند

عقلای فرنسه [sic] هم از اول شروع بگفتن این مطالب کردند که بهتر
آنست تجارت را آزاد بگذارند یعنی تجار را اجازه بدهند که هرچه
میخواهند بفروشند و هرچه میخواهند بخرند هرگاه فرانسوی
آهن خوب بخواهد صرفه در این است که آنرا از انگلیس بخرد و اگر
فرانسویها گندم یا شراب خودشان را در انگلیس بفروشند
معلوم است بیشتر میخرند و بیشتر بآنها فایده رسیده در عوض
اشیاء مفیده بیشتر میتوانند بخرند ولی عقلا نمیتوانستند قانون
معموله را تبدیل نمایند و اشخاصیکه مباشر احکام بودند نمیخواستند
بحرف عقلا گوش بدهند تا عاقبت صرفه جویان انگلیس بدولت
حالی کردند که داخل شدن متاع و محصول خارجه از برای انگلیس
نافع است در سنه ۱۸۴۶ قانونی وضع نمودند که بموجب آن
تمام تجار خارجه را اجازه میدادند که غله را از ممالک خارجه حمل
نموده بانگلیس وارد کنند بدون اینکه گمرک و مالیات دیگری بدهند
جز آنکه کشتی آنها باید انگلیسی باشند

سئوالات

سابقاً مردم درباب حمل ونقل محصولات و امتعه تجارتی چه عقیده داشتند

تا سالهای قرن هیجدهم شروع بچه امری نمودند — عاقبت کدام دولت

اول امتعه را قانون گذاشت .

۲۱۰ — آزادی معاوضه و حمایت . از آنزمان تمام ممالک فرنگ

بمعاوضه پرداختند وکسی بآنها ممانعتی ننمود ولی امروزه دو ترتیب

متداول است یکی قانون حمایت و دیگری ترتیب معاوضه قانون

حمایت عبارتست از آنکه از متاع ممالک خارجه حقی بگیرند درصورتیکه

قیمت آن متاع در بلدی که از آن حمل شده ارزانتر باشد

ورسم دیگر آنکه بگذارند امتعه خارجه داخل مملکت شده با امتعه

مملکت معاوضه نمایند بدون اینکه چیزی از آنها بگیرند واین قره را

آزادی معاوضه گویند اگر این رسم معمول گردد هر مملکتی متاع

خود را بآزادی بممالک دیگر وارد میسازد آزادی معاوضه در

ابتدا بدستهٔ انگلیس ها در ۱۸۴۶ برقرار گردید وهمچنین ناپلیون

سیم در ۱۸۶۰ معاوضهٔ آزاد را قبول نمود و عهدنامه تجارتی

با انگلیس منعقد ساخت که در آن اجازه میداد انگلیسها امتعه

و ماشینهای خودشان را بفرانسه بفروشند و فرانسه نیز ابریشم
و شراب و سایر متاع خود را بانگلیس ها بفروشد بعد از آن تمام
ممالک اروپ معاهده های تجارتی ما بین خودشان منعقد ساختند تا
از مساعدت این عهدنامه ها زارعین روس و امریکا گندم خودشانرا
بفرانسه ها ارزانتر از زارعین فرانسه فروختند ولی دولت فرانسه
برای مقاومت این عمل در سنه ۱۸۹۲ حق کاملی بر گمرک مال التجاره قرار
داد و همچنین تقریباً تمام دول دیگر از برای متاع فرانسه حق گمرک
قرار دادند تجار و صنعتگران فرانسه با اشکال میتوانند در خارجه
مشتری پیدا کنند امّا امروز انگلیس و بلژیک تنها ممالک آزاد
در معاوضه هستند

سئوالات

در باب وارد کردن مال التجاره خارجه چه قانونی معمول است - آزادی
معاوضه اول بتوسط کدام دولت مقرر شد - دولت فرانسه در مقاومت
انگلیس چه اقدام نمود - و سایر دول با او چه کردند

۱۱۳ - **معاملات** - در قرن هیجدهم یک بانک بزرگ
در انگلیس بود ناپلئون اول در همین قرن بانک فرانسه را ایجاد نمود

کار بانک آن است که بلیط ترتیب میدهند و بجای پول نقد خرج میشود

و دیگر بانک به تجار پول قرض میدهد بعد از آن در تمام ممالک

بانکها تشکیل یافت و از قبیل آنها انجمنها ترتیب داده آنها را انجمن

معاملات خواندند زیرا که انجمنها پول خود را در بانکها میگذراند

و سود آن را دریافت میکنند و بانکها هم پولها را قرض میدهند یا بعمل

کارهای بافایده از قبیل راه آهن و غیره رسانیده منفعت حاصل میکنند

با این ترتیب تجار و صنعتگران میتوانند پیش از فروختن

متاع خود پول تحصیل نموده با آن پول مال التجاره بخرند وقتیکه

بخواهند کار بزرگی را صورت دهند از قبیل بستن سدها و ساختن

راهها یا بیرون آوردن معدنها معلوم است که ثروت و ملت یکنفر

آدم از برای مصارف آن که شاید بیش از ملیونها باشد کفایت نخواهد

نمود پس جمع شده عازم انجام آن امر میکردند و مصارف

مزبوره را بقسمتهای کوچک تقسیم نموده هر یک قسمت را اکسیون

(سهام) مینامند و بلیطها باندازه سهام چاپ نموده هر یک از آن

جمع بهر اندازه که میتوانند و میخواهند پول داده از آن بلیطهای سهام

میخرند و چون آن پولها جمع شود آن کار خطیر را انجام میدهند مثلاً

هرگاه راه آهنی ده ملیون مصارف کشیدن داشته باشد ده هزار

اکسیون هزار تومانی چاپ میکنند هرکس هزار تومان بدهد یک

اکسیون میگیرد و بعد از ساختن راه آهن منافعی که از آن حاصل

میشود تقسیم نموده بهریک از شرکا باندازه هرچند اکسیون که در

دست دارد بهره میدهند تمامت کارهای بزرگ با اکسیون مرتب

میشود (کمپانی) و محل فروش این اکسیونها در بورس (هراج

سهام) میباشد

سئوالات

بانک را اول درکجا تأسیس کردند — بانک فرانسه را که تشکیل داد

بانک چه میکند فایده بانک چیست — بتوسط بانک چه کارها

انجام میدهند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولا در قرن نوزدهم در تمام ممالک اروپ خردمندان بسیار پیدا شد

از اکتشافات آنها بتمام عالم فایده رسید

ثانیاً — بعد از آنکه کشتی ... خود ... بواسطه ... تمام کشتی شکل تمام کسب‌ها تغییر کرد

ثالثاً — کسب ریسمان بافی و نساجی با چرخ بخار و توسط عملجات مرتب میکردند

رابعاً — بعد از آنکه چرخ بخار را بکار بردند در سنهٔ ۱۸۰۷ کشتی بخار را بتوسط آن حرکت دادند و در سنهٔ ۱۸۲۸ راه آهن را ترتیب دادند

خامساً — ایجاد الکتریسته اسباب اختراع تلگراف الکتریکی و تلفون گردید

سادساً — روشنی گاز و الکتریسته کوچه‌ها و مغازه‌های شهر را روشن ساخت

سابعاً — صنعت عکاسی و معلا و مفضض و دباغیت و رنگهای مختلف از ذغال سنگ ترتیب یافت و کوت شیمیائی و اتوموبیل و بسیاری از معالجات جدید اختراع شد

ثامناً — در اکسپوزیسیونها مال التجاره و متاع تمام ملل و ماشینها نموده شد اولین اکسپوزیسیون در سنهٔ ۱۸۵۱ در انگلیس مفتوح شد و پنج اکسپوزیسیون در پاریس تشکیل یافت

تاسعاً — بعد از دریافتن علم ثروت معلوم شد که ثروت دولت حقیقی مملکت طلا و نقره و وجوه نقدیه نیست بلکه ثروت مملکت عبارت از محصولات

با فایده است که در مملکت بعمل آید

عاشراً — معلوم شد که بهترین وسایل برای تحصیل محصولات با فایده و متمول ساختن مملکت آنست که صنعت و تجارت را آزاد بگذارند

حادیعشر — بعضی خردمندان گفتند آزادی صنعت و تجارت مضرات

ثانیعشر — از آن زمان در ممالک اروپ دو ترتیب معمول است یکی ترتیب حمایت یعنی از امتعه خارجه حق دریافت کنند و دیگر آنکه معاوضه آزاد باشد یعنی تمامی امتعه خارجه را بگذارند داخل شود و با امتعه داخلی معاوضه نمایند . آزادی معاوضه از سنه ۱۸۴۶ در انگلیس معمول است و در فرانسه از سنه ۱۸۹۲ ترتیب حمایت متداول است

ثالث عشر — بانکها بلیط ترتیب میدهند و بجای پول رد و بدل میشود و به تجار قرض میدهند و انجمن ها برای معاملات ترتیب یافت

رابع عشر — از برای انجام کارهای بزرگ اکسیون (سهام) ترتیب دادند

فصل هشتم

اروپائی در خارج اروپا

۲۱۴ — انگلیس ها در هندوستان — هندوستان بچندین مملکت منقسم بود و انگلیس ها تمام آنها را یکی بعد از دیگری در مدت یکصد سال تصرف کردند یعنی از سنه ۱۷۵۶ الی سنه ۱۸۵۶

و مملکتی را که صاحب سیصد ملیون رعیت است مالک شدند هوای هندوستان بسیار گرم و غیر سالم است (وبا از طرف هند میاید) سکونت هند از برای اروپائیها اسباب زحمت است و انگلیس ها جز از برای تجارت و حکمرانی و فرماندهی قشون بهند نمیروند

در ابتدا که آن مملکت را تصرف کردند قشون انگلیسی زیاد نداشتند و از اهالی هند سرباز گرفته فوجهای سپاهی از آنها ترتیب داده اند که صاحبمنصبان آنها انگلیس بودند هندوها هنوز مذهب قدیم خود شانرا دارند که در آن مذهب گاو را حیوان مقدسی میشمارند و چون دیده قشنگهائی

که انگلیسها استعمال میکنند باره غن و پیه گاو چرب شده است اسباب
کینه آنها گردیده شورش کردند و شورش عمومی گردیده زن و مرد
بسیاری از انگلیسیان را بقتل رسانیدند و اطفال را باتش سوزانید
رئیس شورشیان نانا صاحب بود بعد از آن انگلیس قشون آورد
بر سپاهیان شورشی حمله نمود و آنها را اسیر نموده اغلب را به دهن
توپ بست و هند را بکلی تصرف نمود از این بعد دیگر شورشی از هندیان
سر نزد اهالی هند شروع کرده اند بزبان انگلیسی حرف زدن
و غالباً عادات انگلیسی اختیار کرده اند در سنه ۱۸۷۶ مجلس پارلمان
ملکه انگلیس را امپراطریس هندوستان لقب داد

سؤالات

هند چگونه مملکتی بود و انگلیس در چند مدت آنجا را متصرف گردید ـ برای هند
چطور راست ـ در ابتدای تصرف هند از برای انگلیسها چه وقوع یافت
باعث شورش هندوها و سپاهیان هندی چه بود ـ و بالاخره کلیه تصرفی
گردید ـ حالیه هندیها چه حال دارند
۲۱۴ ـ روسها در آسیا ـ روسها از ممالک خود تا جبال
قفقاز پیش آمده و در آنجا متوقف بودند و سرحد ممالک هند انگلیسها

جبال [illegible] لیا بود درمیان روس و انگلیس چند مملکت بزرگ فاصله بود

از قبیل ارمنستان و ایران و افغانستان و ترکستان

از [illegible] روسها شروع بتسخیر ممالک نموده بطرف هند پیش میروند

چنانکه در ممالک عثمانی بطرف اسلامبول پیش میروند

وانگلیسها هم در ممانعت روسها از رسیدن بهند اهتمام دارند و همچنین

مانع هستند که روسها قسطنطنیه را متصرف شوند و روس هم اعتنائی

نکرده اتصالا پیش میآید در ۱۸۰۲ روسها مملکت قفقاز را تصرف کردند

و در ۱۸۲۸ یک جزء ارمنستان را مالک شدند در ۱۸۳۸ پادشاه ایران را

محرک شدند که هرات را محاصره کند و انگلیسها بملاحظه نزدیک شدن

بهند پادشاه ایران را مجبور کردند که از هرات صرف نظر کند و خودشان

دسته قشونی بافغانستان فرستادند

افغانها در ابتدا اظهار اطاعت نمودند و بعد در ۱۸۴۲ شورش نموده

تمام قشون انگلیس را باستثنای یکنفر صاحب منصب بقتل رسانیدند

[illegible] وصف انگلیسها از این رفتار افغان صرف نظر نموده با آنها دوستی

کردند و پادشاه افغان را مساعدت نمودند تا هرات را گرفت و پس از آن

تا نوی که از سنه ۱۸۷۶ تا سنه ۱۸۸۱ بطول انجامید قرار براین داده شد که

یکنفر از طرف دولت انگلیس در پهلوی پادشاه افغان باشد بعد

بلوچستان را که در طول دریای عمان واقع شده و هندوستان را

از ایران جدا امیازد متصرف شدند

و از آنطرف روسها از سمت شمال پیش آمده از سنه ۱۸۶۰ تا سنه ۱۸۸۱ تمام ترکستان را

گرفتند و در سنه ۱۸۷۳ مملکت خیوه را بتصرف در آورده در سنه ۱۸۸۴ مرو را

مالک شدند آخر الامر روس و انگلیس متفقاً متملکات آسیائی

خودشان را در میانه سرحد قرار دادند ولی تقسیمیکه صرفه روسها

بیشتر است در روسها راه آهنی کشیدند که از بحر خزر بسمت هندوستان

میرود مملکت ایران ما بین متملکات روس و متملکات آسیائی انگلیس

آزاد است ولی روسها امتیاز ساختن راه آهن در طرف شمال

و انگلیس ها در سمت جنوب ایران را حاصل کرده اند

و نیز روس از طرف جنوب سیبری پیش آمده در سنه ۱۸۵۸ دره رود

آمور که اراضی آن چهار برابر مملکت فرانسه است از چین گرفتند و بندر

ولادی وستک را در ساحل اقیانوس کبیر تشکیل نمودند و راه آهنی

از مسکو تا ولادی وستک ممتد ساختند که از شمال آسیا میگذرد چون
بخواهند از اروپا بچین و ژاپون بروند از این راه آهن نزدیکتر است

سؤالات

روسها تا کجا پیش آمده و سرحد ممالک هند انگلیسها کجا بود مابین روس
و انگلیس کدام ممالک فاصله است — و هر یک از روس و انگلیس در چه
امر اهتمام دارند — روسها چه ممالک را متصرف شدند — و پادشاه ایرانرا
بچه کار تحریک نمودند — انگلیس ها در مقابل چه کردند — و در افغانستان چه
اقدامی نمودند — افغانها با انگلیس چه رفتار نموده و بالاخره بکجا منتهی گشت
روسها ترکستان وخیوه و مرو را در چه سنه متصرف شدند بالاخره اتفاق
روس و انگلیس در تعیین سرحدات آسیائی بر چه قرار گرفت — روس چه مملکتی از چین گرفت

۳۱۴ — مملکت چین — چین مملکتی بزرگ و بسیار صاحب ثروت
جمعیت سکنه آن مملکت تقریباً بچهار صد ملیون میرسد که معادل
سکنه تمام ممالک اروپ است محصولات چین برنج و چای و پنبه
وغیره است ظروف چینی و ابریشم بسیار در آنجا عمل میآورند
که تجارت بزرگ با آنها میتوان کرد ولی چینی ها ملل خارجه را
دوست ندارند و با هیچ مملکتی و قومی آمیزش نمیکنند بسیاری

ازچینی ها کشیدن تریاک عادت داشتند و انگلیس ها تریاک زیاد بچینی ها
میفروختند دولت چین تجارت تریاک را قدغن نمود و در سنه ۱۸۳۹
موازی بیست و دو هزار صندوق تریاک را که کشتیهای انگلیس حمل
کرده بودند بدریا ریخت و دولت انگلیس بانتقام این ضرر با چین جنگ.
جنگ نموده در سنه ۱۸۴۲ چین را مجبور کرد که پنج بندر از برای تجارت
باز نماید و اروپائی ها حق داشته باشند مال التجاره خود را در آنها
فرود آورده بچینی ها بفروشند ولی چون چینی ها این معاهده را
از روی عنف و اضطرار قبول کرده بودند با مأمورین فرانسه و
تجار انگلیس بدرفتاری میکردند مالآخره انگلیس و فرانسه متفق گردیده
و دو جنگ با چین کردند از سنه ۱۸۵۷ تا سنه ۱۸۶۰ قشون قلیلی از فرانسه که
دوازده هزار نفر بودند در مالی کائو چهل هزار نفر سواره تاتاری چینی را شکست
داده در سنه ۱۸۶۰ داخل شهر پکن شدند و دولت چین چند بندر دیگر
از برای اروپائیها مفتوح نمود

سؤالات

چین چگونه مملکتی است و جمعیت سکنه آن چقدر است محصولات چین چه

چراست صنایع چینی ؟ چیست باعث جنگ انگلیس با چین چه بود —
و بالاخره بکجا منتهی گشت انگلیس و فرانسه با چین چه کردند

۲۱۵ — اروپائیها در ژاپون — سابق براین ژاپون نیز
مانند چین بر اروپائیها بسته بود [illegible] مگر هلندیها در آنجا [illegible]
داشتند در سنهٔ ۱۸۵۸ حکمران ژاپون که [illegible] معروف
معاهده [illegible] با ژاپونی و روس و فرانسه و انگلیس [illegible] ساخت و بموجب
آن معاهده اروپائیها حق داشتند مال التجاره خود را در [illegible] ژاپون
بفروشند [illegible] ژاپونیها با [illegible] آشنائی پیدا کرده و تمدن
آنها را [illegible] تأسیس نمودند [illegible]
ترتیب [illegible] ایران [illegible]
نظام اجباری [illegible] ژاپون [illegible]
[illegible] است

سؤالات

سابق براین ژاپون چه حال داشت [illegible]
بعد از آن ژاپونیها چه کردند [illegible] نظامی آنها از چه قرار است

۶۱۲ — ژاپونیها و اروپائیها در چین — در سنه ۱۸۹۴ قشون بری
و بحری ژاپون مملکت چین داخل شده چینی ها را در خشکی و دریا شکست
دادند دول اروپائیان افتاده از چین حمایت نمودند
ولی طایفه ماندارل که حکمران چین هستند از اروپائیها نفرت دارند
و آنها را تحقیر میکنند و چون میخواهند مملکت چین برای چینی ها باقی باشد
میترسند اروپائیها مملکت آنها را ضبط کنند در سنه ۱۹۰۰ متعصبین چین
و بکسرها مأمورین مذهبی اروپا را بقتل رسانیدند و سفرای دول اروپا را
در پکن محاصره نموده وزیر مختار آلمان را کشتند اروپائیها و ژاپونیها
بجهت امداد و استخلاص سفرای خود قشون فرستادند و پانزده هزار
قشون ایشان پکن را مسخر نموده سفرای دول را خلاص کردند و شهر را
غارت نمودند و دولت چین تعهد نمود که باروپائیها خسارت جنگ
بدهد دول اروپا و ممالک اتازونی و ژاپون ثروت چین را بردند
و در تقسیم آن با یکدیگر اتفاق نمودند ژاپون در سنه ۱۹۰۲ برای ضدیت
روسها با انگلیس متفق گردید و با فرانسه نیز اتفاق نمود

سؤالات

ژاپون با چین چه کرد — دول اروپا چه کردند متعصبین چین با اروپاییها چه کردند — اروپاییها و ژاپونیها در چین چه اقدام نمودند — دول اروپا و امازونی و ژاپون با ثروت چین چه کردند

۲۱۷ — **جنگ روس و ژاپون** — روسها متعهد شده بودند که بعد از ساختن راه آهنی که از وسط مانچوری میگذرد آن مملکت را تخلیه نمایند ولی در وعده خود بمسامحه وطفره گذرانیدند و ژاپونیها چون نمیخواستند روسها بآن اندازه نزدیک آنها باشند سخت برآشفتند و در تخلیه مانچوری عجله نمودند در سنه ۱۹۰۴ اغفلتاً اقدام بجنگ روس نمودند و ابتدا قسمتی از قوه بحری روس را در بندر پرت ارتور که مدخل مانچوری بود نابود ساختند و بعد از یکسال جنگ بولناک چون قشون روس غیر مرتب بود و فرماندهان خوب نداشتند ژاپونیها ایشان را تا آخر خاک مانچوری براندند و پس از مدت هشت ماه محاصره بندر پرت ارتور را تصرف کردند و همچنین قشون بحری جدیدی که روس بدریای ژاپون فرستاده بود درهم شکستند بالاخره روسها مانچوری را تخلیه نموده طالب صلح شدند و ژاپونیها بجای ایشان به بندر پرت آرتور

رفتند. چینی ها بعد از آنکه ترقی و غلبهٔ ژاپونیها را بواسطهٔ علوم و تربیت صحیح ملاحظه نمودند دیگر اهالی مغرب را کمتر تحقیر مینمایند و از علوم ایشان کمتر نفرت دارند و مانند ژاپون شروع کرده از برای تعلیم و تعلم و تربیت بامریک و اروپا میروند

سؤالات

روسها درباب منچوری چه تعهد کرده بودند — دولت ژاپون با روس چه اقدامی نمود با لاخره کار بکجا رسید — علت شکست روس چه بود — چینی ها بعد از مشاهدهٔ ترقی و غلبهٔ ژاپون چه میکنند

۲۱۸ — جلاء وطن چینی ها — عدهٔ نفوس مملکت چین خیلی زیاد است بحدیکه محصول ممالک چین کفایت نمیکند قوت آنها را بنماید و از این جهت بسیاری از آنها بعنوان عملگی در عقب یا تجارت و غیره از چین جلا نموده بممالک خارج میروند و چون اهالی چین کم خوراک هستند و طاقت سرما و گرما را زیاد دارند و بسیار صبر و هستند در همه جا میتوانند زیست نمایند و اجرت از عملهٔ اروپائی کمتر میگیرند راه آهن امریکا را چینی ها ساختند و پیوسته در جزایر

اشتغال به تجارت مشغولند

عده نفوس چینی ها علی الاتصال در تزاید است و معلوم نیست عاقبت جمعیت آنها بچه اندازه خواهد رسید

سؤالات

باعث جلای وطن اهالی چین بممالک خارجه چیست — اهل چین چگونه مردمانی هستند — عده نفوس آنها از چه قرار است

۲۱۹ — **فرانسه در هند و چین** — مملکت هند و چین مثل هندوستان مملکتی ثروتخیز است و در میان چند پادشاه منقسم بود که قشون آنها بسیار بد بود در سنه ۱۸۴۲ یک قسمت از زمان را انگلیسها تصرف کردند و از طرف فرانسه مأمورین مذهبی بآن مملکت رفته بودند اهالی آنجا چند نفر از مأمورین فرانسه را بقتل رسانیدند دولت فرانسه قشونی بآنجا فرستاده سای گون را ضبط نموده بعد در سنه ۱۸۶۲ سه ایالت دیگر از آنجا را متصرف شد و از این ایالات مملکت کشنشین تشکیل یافت این مملکت بسیار باثروت است ولی هوای بسیار بدی دارد تونکن در سمت شمال هند و چین است بعد از آنکه فرانسه قشون بری و بحری خود را بآنجا فرستاده

در سنهٔ ۱۸۷۴ تون کن را تقریباً بدون جنگ گرفتند ولی دولت فرانسه از
این فتح و نصرت بهره نبرد و در سنهٔ ۱۸۸۳ دوباره شروع بجنگ نمود
و در این نوبت با قشون چینی طرف جنگ و نزاع گردید زیرا که چینی ها
نمیخواستند فرانسه ها باین اندازه بآنها نزدیک باشند و بالاخره
در سنهٔ ۱۸۸۵ چینی ها قرارداد تیان سن را دادند و تون کن و انام را بفرانسه
واگذاشتند امروز تون کن کشنشین و انام و کامبوج باسم هند
چین فرانسه موسوم و در تحت حکم گنیفر فرمان فرماست و فرانسه ها
دزدانی که مال التجاره تجار را در عرض راه میبردند از آن مملکت بیرون
کردند در این مملکت برنج و چای و قهوه و نی شکر و پنبه بعمل میاید در سنهٔ ۱۸۹۱
در هانوی که پای تخت تون کن و محل اقامت فرمانفرماست اکسپوزیسیونی
از محصولات هند و چین داده شد از رودهای هند و چین و رود احمر
و مکنگ بالا رفته بچین رسند فرانسه ها اهتمام دارند که از سمت جنوب
چین داخل شوند زیرا که در آن سمت معادن معتبر هست که قابل استخراجست
از سنهٔ ۱۸۹۵ انگلیسها طرف مغرب هند و چین را تصرف کرده و اهتمام
دارند که از رودهای ایروادی و مکنگ داخل چین شوند و از این جهت

فرانسه و انگلیس بر سر تصرف ممکنت نزاع داشتند تا در سنه ۱۸۹۶ با یکدیگر صلح نموده سواحل رود ممکنت را ما بین خود سرحد قرار دادند در جنوب هند و چین در میان متملکات انگلیس و فرانسه مملکت سیام واقع شده که مستقل است انگلیسها و فرانسه ها میخواستند آن مملکت را تصرف نمایند تا در سنه ۱۸۹۳ یک جزء از آن را فرانسه ها بعد از یک جنگ تصرف کردند و از این جهت اهالی سیام با فرانسه بغض دارند و با انگلیس ها اظهار دوستی میکنند

سئوالات

مملکت هند و چین چگونه مملکتی است — انگلیس و فرانسه در آنجا چه اقدام نمودند — بعد از جنگ تانوی با که طرف نزاع گردیدند و چه شد — در کجا اکسپوزیسیون داده شد — فرانسه ها در چه امر اهتمام داشتند و انگلیسها چه کردند و بالاخره بکجا منتهی گردید — مملکت سیام در کجا واقع شده و ... آن با انگلیس و فرانسه چه حال دارند

۲۰۰ — فرانسه در اسائی — در سنه ۱۸۵۳ فرانسه کالدونی جدید را تصرف نمود این جزیره خیلی بزرگ و تقریباً تمامش کویر است ولی هوای آن سالم و خوب است اروپائی ها میتوانند در آنجا

سکنی نمایند دولت فرانسه شهر نومه آرا در این جزیره بنا نموده مقصرین را آنجا میفرستند در سنه ۱۸۷۹ دولت فرانسه جزیره تاییتی و جزایر نوسیته را ضمیمه ممتلکات خود ساخت. این جزایر اماکن بسیار خوبی هستند نباتات در آنجا بدون کشت و زرع میروید هوای آنها بقدری سالم است که شب در زیر هوا خوابیدن ممکن است طوایف وحشی که در آنجا ساکن بودند مندرجاً عده نفوسشان نقصان می پذیرد و فرانسه‌ها بر جای ایشان سکنی میگیرند.

سئوالات

کالدونی جدید را کدام دولت تصرف نمود — این جزیره چگونه جائی است دیگر دولت فرانسه کجا را ضمیمه ممتلکات خود ساخت — جزایر تاییتی و نوسیته چه حالی دارند طوایف وحشی که ساکن آنجا هستند چه حالی دارند

۱۴۴ — انگلیس در استرالی — کمتر از صد سال قبل از این ساکنین استرالی عبارت بودند از وحشی و احمق‌ترین اقوام دنیا بودند نه خانه و منزلی داشتند نه گله و رمه مردمانی صحراگرد و بی‌خانه بودند در سنه ۱۷۸۷ جمعی از انگلیس با چند نفر مقصر که در تحت محافظت سربازان بودند به آنجا

فرود آمدند و چندرأس گاو و گوسفند با خود داشتند و در مملکت سیدنی
باد نی گرفتند وسط مملکت استرالی صحرای ریگزار است ولی اماکنی
که نزدیک ساحل است همگی چمن و خرم است چندی از ورود انگلیسها
نگذشت که گله گوسفند زیاد بواسطه خوبی آب و هوای آنجا فراهم آوردند
و پوست گاو و پشم گوسفند خود را فروختند و چون هوائی سالم و حاصلخیز
داشت انگلیسها متدرجاً بآنجا آمدند و دولت نیز در عرض پنجاه سال
مقصرین را بآنجا فرستاد تا استرالی صاحب یکصد و پنجاه هزار جمعیت
سکنه گردید

در ۱۸۵۱ معدن طلای معتبری در ایالت ویکتوریا پدید آمد و معدن
چیان بسیار از اطراف بلاد بدانجا روی آوردند و مشغول کار گردیدند
در مدت چهار سال معادل هزار ملیون طلا از معدن مذکور استخراج
نمودند ایالت ویکتوریا که سابق بر این یکصد و هفتاد هزار جمعیت سکنه داشت
امروز ساکنین آن بیک ملیون میرسد

از ۱۸۴۵ مهاجرین و سکنه استرالی نخواستند دیگر مقصر بآنجا فرستاده
شود ولی در هر سال قریب چهل هزار نفر از بلاد دارالوطن خود جلای

وطن کرده باسترالی میرفتند بعضی ازبرای استخراج طلا و بعضی دیگر
بجهت تربیت گله ورمه تا جمعیت سکنهٔ آنجا امروز بچهار ملیون میرسد
و تمام مملکت استرالی بشش قطعه تقسیم شده درسنهٔ ۱۹۰۱ این شش قطعه با
یکدیگر متحد شده و جمهوری استرالی را تشکیل داده
زلاند جدید مملکت کوهستانی قشنگی است و صاحب رودخانه است در سنهٔ ۱۸۴۲
که هنوز زلاند بتصرف انگلیس درنیامده بود چند نفر فرانسوی بآنجا رفته
ساکن شدند ولی بعدها جمعیت انگلیس درآنجا بیشتر جمع گردید نزول زلاند
ضمیمهٔ ممالک انگلیس گردید و سکنه آنجا امروز هشتصد هزار نفر است

سؤالات

صد سال قبل ازاین ساکنین استرالی چه حال داشتند - انگلیسها اول
بچه ترتیب بآنجا رفتند و درآنجا چه کردند آب و هوا و حال اراضی استرالیا
چه قرار است جمعیت سکنهٔ آن چقدر است در ایالت ویکتوریا چه چیز پدید
آمد و باعث چه چیز گردید - سکنهٔ استرالی امروزه چقدر و بچند ایالت تقسیم
شده زلاند جدید چگونه مملکتی است و کدام طایفه اورا متصرف شدند
جمعیت سکنه زلاند امروزه چقدر است

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً از سنه ۱۷۵۷ الی سنه ۱۸۵۶ انگلیسها هند را متصرف شده و در سنه ۱۸۵۷
سپاهیان هندی که هندو مذهب بودند شورش نموده انگلیسها را
بقتل رسانیدند و دولت انگلیس با قوه قشون آنها را مقهور ساخته هندوستان را
مالک شد

ثانیاً ـ از سنه ۱۷۹۹ روسها علی رغم انگلیسها که بلوچستان را متصرف شده
بودند بممالک آسیا آمده بسمت هند بنای پیش رفتن را گذاشتند
و در سنه ۱۸۶۷ ترکستان را مسخر ساخته در سنه ۱۸۷۳ خیوه را مالک شدند
و در سنه ۱۸۵۹ دره عظیم رود آمور را از چینیها گرفتند و راه آهن سیبری
را از وسط منچوری گذرانیدند ولی در سنه ۱۹۰۵ از ژاپونیها شکست
یافته مجبور شدند منچوری را تخلیه کنند

ثالثاً ـ مملکت چین که زیاده از چهارصد ملیون جمعیت سکنه آن است
سابقاً از راه دادن خارجه بمملکت خود امتناع داشت و دولت انگلیس
از برای تریاک با او جنگ نمود و از سنه ۱۸۳۹ الی سنه ۱۸۴۲ فرانسه و انگلیس

متفقاً با چین جنگ نموده بعد از فتح کانتون در سنه ۱۸۶۰ داخل پکن شده
دولت چین مجبور گردید که چند بندر را برای تجارت اروپائی باز کند در سنه ۱۸۹۴
ژاپون چین را مغلوب ساخت و در سنه ۱۹۰۵ اروپائیها یاغیگری بکسرها را
رفع نمودند و چینیها قطعاً از اروپائیان نفرت دارند

رابعاً — عده زیاد از چینیها برای عمله‌گی و تجارت جلای وطن کرده بامریکا
و آسانی میروند

خامساً — ژاپون نیز مدتها بر روی اروپائیها مسدود بود در سنه ۱۸۵۴ مفتوح
گردید ژاپونیها شروع بتقلید اروپائیها نمودند

سادساً — در سنه ۱۸۵۸ فرانسه کالدونی جدید را تصرف کرده مقصرین را
بآنجا فرستاد و در سنه ۱۸۷۹ جزیره تاهیتی را تصرف نمود

سابعاً — از سنه ۱۸۶۰ الی سنه ۱۸۶۸ فرانسه کشنشین را مفتوح ساخت و از سنه ۱۸۷۳
الی سنه ۱۸۸۴ تونکن را مفتوح ساخته انام و کامبوج را در تحت حمایت خود درآورد
و اکنون صاحب مملکت هندوچین است

ثامناً — انگلیس در سنه ۱۷۸۸ باسترالی مهاجرنشین فرستاد و مهاجرین او بومیها نابود کرده
و معدن طلا صاحب ثروت زیاد گردیدند و تا سنه ۱۸۴۰ جمعیت سکنه آنجا از مقصرین
تشکیل شده بود ولی اکنون انگلیسها از انگلیس جلای وطن کرده بآنجا میروند و تقریباً عده
آنها زیاد میشود — تاسعاً — از سنه ۱۸۴۰ انگلیس زلاند جدید را مهاجرنشین قرار داد

فصل نهم

اروپائیها در افریقا و امریکا

۲۲۲ — **فرانسه در افریقا** — در سنه ۱۸۳۰ فرانسه ها
الجزیره را متصرف شدند و بعد تمام الژری را مسخر ساختند در این مملکت
قبایلی ساکن بودند که کار ایشان زراعت بود و بعضی اعراب که شغلی
جز جنگ نداشتند فرانسه ها تمام ایشان را باطاعت آورده زراعت
گندم بایشان آموختند و تاک انگور غرس نمودند و بنا می شهر نهاده آنرا
مملکتی فرانسوی کردند از سنه ۱۸۵۵ الی سنه ۱۸۶۰ فرانسه ها جزیره نشین
سنگال را تأسیس نمودند این مملکت هوائی بسیار گرم و غیر سالم دارد
فرانسوی نمیتواند در آنجا زندگانی کند ولی تجار زیاد بآنجا میروند و تجارتهای
بافایده میکنند بعلت اینکه مملکتی با تمول است جمعی از صاحبمنصبان از
سنگال عزیمت نموده شهری که درکناره رود نیجر تصرف کردند در سنه ۱۸۹۸
یکنفر غیر نظامی شهری را متصرف گردید که در طرف جنوب صحرا واقع شده در سنه ۱۹۰۰

فلا ماند نام از دانشمندان فرانسه شهری که در وسط صحرا واقع است تصرف
نمود در سنه ۱۸۸۱ فرانسه تونس را که با لجزیره متصل است تسخیر کرد و از
جانب خود وکیل و حامی در آن مملکت برقرار نمود مملکت تونس از
الجزیره حاصل خیزتر است فرانسه‌ها در آنجا درخت مو کاشتند
و راه آهن ساختند و در بیزرت بندر بزرگ نظامی بنا کردند
مملکت الجزیره و مراکش در تحت حکومت سلطانی در آمده بود که قدرت
استقرار نظم را در آن مملکت نداشت فرانسه با انگلیس و اسپانی
متفق گردیدند که رفرم لازمه را در آنجا معمول دارند
در سنه ۱۹۰۶ آلمانی محرک شد که مجلس بین الملل در الجزیره تشکیل شود
و در آن مجلس فرانسه و اسپانی مامور گردیدند که مالیه و پلیس مراکش را
منظم نمایند در سنه ۱۹۱۲ فرانسه‌ها حمایت خودشان را بر روی
مراکش انداختند باستثنای چند نقطه که در تحت حمایت اسپانی در آمد
بود و این معنی برحسب رضایت و امضای دول بزرگ اروپا
بود فرانسه‌ها در سواحل خلیج گینه بعضی امکنه تجارتی داشتند
بهانزیم پادشاه ذهیم دهات فرانسه را غارت کرد و رعایای

آنها را اسیر نموده غلام میساخت دولت فرانسه سه هزار نفر با سپاه فرستاده پای تخت دهم را تصرف کرده و پادشاه را گرفتند از سنه ۱۸۹۲ الی سنه ۱۸۹۳ مملکت دهم جزو فرانسه بود
داخله افریقا سابق براین بکلی مجهول بود مکتشفین اروپا باهتمام نموده داخل آن شدند و آن مملکت را معروف ساختند
در سنه ۱۸۸۶ الی سنه ۱۸۸۹ یکنفر امریکائی ستانلی نام از تمام اراضی واقعه افریقای مرکزی عبور نموده از مصب رود کنگو تا زنگبار سیاحت کرد و معلوم نمود اینکه که آب آنها برود کنگو میریزد مملکتی حاصل خیز است و سیاهانی که در آنها سکنی دارند از روی میل و رغبت با اروپائیان معامله و داد و ستد مینمایند پارچه های پنبه و گلوبند شیشه و تفنگ از اروپائیان خریده در عوض صمغ و عاج و خاک طلا بایشان میدهند و همچنین انگلیس و فرانسه و آلمانی اهتمام نمودند که در افریقای مرکزی پست ها بجهت تجارت برقرار کنند
در سنه ۱۸۸۵ در برلن مجلسی تشکیل یافت و مملکت آزاد کنگو را هم که عبارت است از تمام اراضی مشروبه از کنگو به لاپلد دوم پادشاه بلجیک داد

ولی چون مملکت شمالی رود کنگو توسط عده از قشون فرانسه که
فرمانده آن ساورنیان برازا بود اکتشاف شده بود مجلس برلن آن
مملکت را کنگوی فرانسه خواند

از این قرار دامنه مهاجرنشین فرانسه در افریقا از الجزیره تا اکواتر
امتداد یافته در سنه ۱۹۰۰ مأمورین فورلا از شمال بجنوب طی مسافت
میکردند و از الجزیره حرکت کرده از وسط صحرا عبور مینمودند تا
به لاک چاد رسیده از کنگوی فرانسه مراجعت میکردند
در مشرق افریقا در ساحل خلیج عدن بندر ابک و جیبوتی از
متملکات فرانسه است

در میانه متملکات فرانسه یعنی مابین کنگو و خلیج عدن مملکت علیای
نیل واقع شده در سنه ۱۸۹۷ مارشان فرمانده بحکم وزیر متملکات از
کنگو حرکت کرده از جنگلهای مرکز افریقا عبور نمود که در آنجا سیاهان
آدم خوار هستند و در ماه ژولیه سنه ۱۸۹۸ بفاشودا که در کنار رود نیل
واقع شده متصل گردید در آن وقت انگلیسها به متهدی سودانی
ظفر یافته از سمت نیل بطرف بالا رفته و بفاشودا رسیده بودند در سنه ۱۸۹۸

وادعا نمودند که تمام مملکت نیل متعلق بانگلیس است و ازمارشان تقاضا
نمودند که فاشوده را ترک نماید و گفتند در عوض آن تمام زمینهای
طرف مغرب شعبه های رود نیل متعلق بفرانسه باشد در سنه ۱۸۹۹
جزیره ماداکاسکار که قدری از مملکت فرانسه بزرگتر است با مقداری
فاصله در طرف مشرق افریقا واقع است از زمان رشیلیو تجار فرانسه
در آنجا برقرار بودند در قرن نوزدهم دعات انگلیس ملکه طایفه
هووا را بمذهب عیسوی در آوردند و طایفه هووا مردمانی جنگی هستند
که ماداکاسکار را تصرف کرده اند انگلیسها ایشانرا برانگیختند تا
تجار فرانسه را غارت کردند دولت فرانسه بجهت مدافعه تجار خویش
مقداری قشون بحری بآنجا فرستاد و بندر تاماتاو را بمباردمان کرد
ملکه هووا بندر دیگو سوارز را بفرانسه ها واگذاشت و با ایشان اجازه
داد که در پایتخت یعنی تاناناریو یکنفر نماینده از جانب دولت فرانسه
برقرار باشد مطابق سنه ۱۸۸۵
ولی ملکه هووا بآنچه متعهد شده بود وفا ننمود و در سنه ۱۸۹۵ دولت
فرانسه پانزده هزار قشون بماداکاسکار فرستاد آب و هوای این جزیره

در سواحل بندر می غیر سالم است که بسیاری از قشون فرانسه از تب
تلف شدند و با وصف این باقی قشون مزبور تاناناریو را تصرف
کردند ملکه هوا متواری گردیده ماداگاسکار بکلی مهاجرنشین فرانسوی
گردید فرانسه ها خرید و فروش غلام را در آنجا منسوخ کردند
و زراعت برنج و نی شکر را افزودند و از جنگلهای آن کائوچو
و کلامستیک بعمل آوردند و راهها را ساخته خط آهن کشیدند
بندر نظامی دیگو سوارز در ساحل اقیانوس هند و شرق برابر
کاپ است دکاپ مهاجرنشین هند انگلیس است
یکنفر فرانسوی موسوم بفردنیاند لسپس کانال سوئس را کند که از
آنجا مستقیما بهند و چین میروند بدون اینکه دور افریقا بگردند

سئوالات

فرانسه ها انجزیره را در چه سنه متصرف گشتند — در آن مملکت چه
قبایلی ساکن بودند — فرانسه ها مهاجرنشین بنگال را در چه سنه
تاسیس کردند — آب و هوای آنجا چطور است — صاحبمنصبان از بنگال
بکجا عزیمت کردند — در چه سنه فرانسه تونس را متصرف ساخت و

۶۴۴

در آنجا چه کرد فرانسه با انگلیس و اسپانی در باب آنجزیره و مارک چه اتفاق نمودند. آلمانی در خصوص مراکش چه چیز را متحرک شد. فرانسه با مراکش چه حال حاصل نمود. پادشاه و بهم بادهات فرانسه چه کرد و فرانسه چه اقدام نمود. داخله افریقا سابق بر این چه حال داشت ستانلی امریکائی چه کرد. سیاهان سکنه آنجا با اروپائیان چه حال دارند و چگونه معامله میکنند. انگلیس و فرانسه و آلمانی در افریقای مرکزی چه اهتمام ورزیدند. مجلس برلن مملکت کنگو را بکه داد. در سنه ۱۹۰۰ مأمورین فورلا از کجا بکجا طی مسافت میکردند. در میان مستملکات فرانسه چه ملکی واقع شد. مارشان فرمانده از کجا حرکت نموده بکجا رسید و انگلیسها در آنوقت چه کردند. جزیره ماداگاسکار در کجا واقع شده و دعات انگلیس با ملکه هوا چه کردند. طایفه هوا با تجار فرانسه چه رفتار نمودند و دولت فرانسه چه کرد. ملکه هوا متعهد چه مطلب گردید و چه کرد و بکجا منتهی شد. فرانسه‌ها در آنجا چه اقدامات کردند. بندر دیگو سوارز در کجاست. کانال سویس را که حفر نمود

۶۴۳ — انگلیس‌ها در افریقا — انگلیس‌ها در ساحل

گلیند و در عدن در نزدیک مدخل بحر احمر (دریای قلزم) برقرار گردید
و در جنوب افریقا مهاجرنشین دماغه را از هلاندیها گرفتند در سنه ۱۸۱۹
بعد از آن از دماغه حرکت کرده استیلا نمودند که دامنه آن تا حدود
بطرف شمال وسعت دهند در سنه ۱۸۹۰ پرتوکالیها را مجبور کردند که زامبزیا را
بآنها واگذار نمایند در میان دماغه و زامبزی جمهوریهای ترانسوال و اورانژ
بود که بورها مسکن داشتند و رعیتهائی بودند که تربیت مواشی و احشام
مشغول بودند اصلاً این جماعت از اولاد برزگران هلاندی و پروتستانهای
فرانسه هستند که عهدنامه نانت را مخالفت نموده از اوطان خود خارج
شدند چندین نوبت انگلیسها خواستند ممالک ایشان را تصرف نمایند
ولی از عهده آنها بر نیامده مغلوب گردیدند و مجبور شدند بورها را
آزاد بشناسند

در سنه ۱۸۹۹ بورها ملاحظه نمودند که انگلیس قشون زیاد به دماغه میفرستد
و از این معنی مضطرب گردیدند بالاخره جنگ مابین ایشان در گرفت
و مدت دو سال طول کشید بورها سردارهای قابل و رشید داشتند
از قبیل ژوبرت و کرونژ و دووِت و دولاری و بوتا و بسیاری از انگلیسها

بقتل رسانیده مهاجرنشین کاپ را اذا کرفتند انگلیس مجبور کردیده دویست
هزار قشون با بهترین سردارهای خود بجنگ ایشان فرستاد عده بورها
بسیار کم بود و انگلیس ها زراعت آنهارا تلف نموده زنان و اطفال شان را
اسیر و در اردوهای خود حبس میکردند که در آنها هزارها از ایشان میمردند
بالاخره بورها مجبور بصلح کردیدند در سنه ۱۹۰۲ از آزادی خود شان
دست برداشتند امروز انگلیس تمام ممالک جنوب افریقا را از کاپ
تا زامبزی مالک است در طرف شمال دره نیل را متصرف شده و
شروع نموده راه آهنی از وسط افریقا بسازد که امتداد آن از
کاپ تا قاهره باشد در افریقای شرقی بجز یک نفر شاهزاده آنان
باقی نمانده و او نیکوست یا منلیک پادشاه حبشه است در سنه ۱۸۹۶
سلطان حبشه ایطالیائیها را در ساحل بحر احمر شکست داد زیرا که ایطالیائیها
میخواستند از مقر خود پیش رفته تسخیر نمایند اما باوصف این پادشاه
حبشه با سایر اروپائیان که بمملکت او میروند کمال خوش رفتاری را
دارد و همیشه از اهل اروپا طرف مشورت قرار داده از ایشان سخن میشنود
دارد و خیال دارد اجازه بدهد که فرانسه ها راه آهنی از جیبوتی

تا پایتخت او کشند

سئوالات

انگلیسها در چه مکان از افریقا در ابتدا برقرار گردیدند و بعد از آن چه
کردند — در جمهوریهای ترانسوال و اورانژ چه اشخاص ساکن بودند و اصل
ایشان از کجا بود جنگ انگلیس با بورها چقدر طول کشید و بالاخره دولت
انگلیس چه اقدامی نمود — امروز انگلیس در افریقا از کجا تا کجا را مالک است
سلطان حبشه با ایطالیائیها چه کرد در رفتار او با سایر اروپائیان چگونه است

۲۲۴ — **آتازونی** — اتازونی جمهوری بزرگی است که از چند
مملکت تشکیل یافته در سنه ۱۸۸۱ عدهٔ ممالک متحده آن سیزده مملکت
و جمعیت سکنهٔ آن زیاده از سه ملیون نبود

تمام اراضی ما بین میسیسیپی و اقیانوس کبیر مرغزارهای سبز
و چمنهای خرم بود و گله‌های گاو لوبی در آنها میچریدند و طوایف
وحشی نیز ساکن بودند ولی چون این اراضی حاصلخیز بود برزگر
و اهل زراعت بسیار بدانجا رفته مشغول زراعت شدند و چندین
شهر بزرگ در آن ملک بنا کردند

در سنه ۱۸۴۹ در کالیفرنی جدید که اراضی آن تقریباً بیابان است معدنهای طلا کشف شد و در جستجوی طلا از هر سوی رو بدانجا در تکاپو آمدند تا کالیفرنی جدید مملکتی گردید صاحب یک ملیون و پانصد هزار جمعیت و راه آهن بزرگ اقیانوسی در آن ساختند که از تمام امریقای شمالی میگذرد و با آن از نیویورک در ساحل اقیانوس سان فرانسیسکو در ساحل اقیانوس کبیر در مدت هفت روز طی مسافت میکنند

امروزه اتازونی عبارت از چهل و پنج مملکت و هشتاد ملیون جمعیت است و همه ساله مقدار زیادی اروپائیها مهاجرت کرده بامریکا میروند از سنه ۱۸۲۰ تقریباً هشت ملیون بر جمعیت سکنه آنجا افزوده شده است ولی امروز دیگر کمتر باتازونی مهاجرت میکنند زیرا که مثل سابق تحصیل ثروت در آنجا آسان نیست حال آنکه اتازونی هفده برابر مملکت فرانسه است و هنوز اراضی لم یزرع در آنجا زیاد است

در خاک اتازونی معدن ذغال سنگ زیاد است که مهم ترین معادن عالم است امریکائیها ذغال را بجهت حرکت ماشینها بکار برده فایده تجارتی زیاد حاصل کردند

از برای ساختن و فروختن امتعه کمپانیهای متبدل صنعتی و تجارتی
تشکیل داده اند که آنها را تروست مینامند مقصودشان آنست که محصولات
خود را بسایر ممالک امریک نفروشند و آنها را از محصول صنایع
اروپ مستغنی سازند میگویند اروپائی نباید مداخله در امریکا داشته
باشد و این معنی از کلام مُنرو ماخوذ است که گفته (امریکا مخصوص
امریکائیان است)

و نیز مدعی هستند که آنچه در اقیانوس هند است باید در تصرف ایشان
باشد فرانسه ها میخواستند کانال پاناما را در امریکای مرکزی حفر نمایند
از برای اینکه اقیانوس کبیر را با اقیانوس اطلس اتصال دهند ولی
نتوانستند از عهده برآیند اما امریکائیها هنوز در این عزم هستند

در سنه ۱۸۹۸ امریکا با اسپانی جنگ نمود از برای اینکه او را مجبور کند تا آن
جزیره کوبا دست بردارد و آنجا آزاد شد بلکه بعد از این جنگ اسپانیولها
مجبور شدند جزیره پرتریک که در آنتیل واقع است با مریکا واگذارند
و همچنین ارشیپل (دسته جزیره) فیلیپین که در اقیانوس کبیر مجاور
چین میباشد فرانسه ها طبعاً دوست امریکائیها هستند بجهت اینکه

امریکا هم مانند فرانسه جمهوریست. دیگر آنکه فرانسه‌ها در قرن هیجدهم
اهل امریکا را کمک نمودند تا آزادی خودشان را بدست آوردند

سئوالات

آتازونی در ابتدا چند مملکت و عدهٔ سکنهٔ آنجا چه مقدار بود — چه واقع
شد که آبادی آن اراضی فزونی گرفت — امروزه عدهٔ ممالک متحده
و جمعیت سکنه آنها چقدر است — در آتازونی کدام معدن مهم فراوانست
و با آن چه میکنند — مقصود اهالی آتازونی چیست و چه میگویند —
فرانسه‌ها در آنجا چه خیال داشتند — امریکا با اسپانی از برای
چه جنگ نمود و بکجا منتهی گردید

۲۴۵ — کانادا — در ۱۷۶۳ انگلیس‌ها کانادا را از فرانسه‌ها
گرفتند در حالیکه جمعیت فرانسویان ساکنین آنجا شصت هزار نفر
بود و امروزه عدهٔ نفوس ایشان دو ملیون است
کانادای سفلی بکلی مسکن فرانسویان است که مذهبشان کاتولیک است
و با زبان فرانسه حرف میزنند و در آکادی هم صد هزار فرانسوی

هست که از دویست سال قبل از نسل بزرگهای فرانسه بوجود آمده اند

سؤالات

کانادا سابقا چقدر جمعیت داشت — و اکنون جمعیت آنجا چقدر است

۶۲۶ — **مکزیک** — ساکنین مکزیک کاتولیک مذهب هستند و با زبان اسپانیولی حرف میزنند در این مملکت از نژاد اسپانیولهای قدیم هشتصد هزار نفر بیشتر نیست باقی اهالی مکزیک از نسل هندیهای قدیم هستند مدتی بواسطه جنگهای داخلی روابط اتحاد بین طوایف مکزیک قطع شده بود تا در سنه ۱۸۶۱ ناپلیون سیم مکزیک را تصرف نمود و امارت آنجا را بیکی از شاهزادگان اطریش موسوم به ماکزیمیلین داد و او مدتی امپراطور مکزیک بود تا بنگاهیکه مکزیکی ها در سنه ۱۸۶۷ سربازان فرانسه را بکمک خود طلبیدند ماکزیمیلین را گرفته تیرباران کردند و مکزیکی ها جمهوری خود را برقرار نمودند امروز مکزیک مملکتی آرام است و مکزیکی ها تجارت زیادی عمده با آنها زونی دارند و مملکت ایشان بتوسط دو خط آهن با آنا زونی و

سؤالات

از اهالی مکزیک حرف بزنید ناپلیون سیم با مکزیک چه کرد و بکجا انجامید
مکزیکیها با کجا تجارت و معامله دارند

۲۲۷ — جمهوری آرژانتین

جمهوری آرژانتین مملکتی است که جلگه‌های وسیع دارد و هنوز اغلب آن جلگه‌ها چمن و مرغزار است که پامپس می‌نویسند گله‌های بزرگ از گاو و گوسفند در آنجا تربیت میکنند سکنهٔ آن مملکت کاتولیک مذهب‌اند و بلغت اسپانیولی حرف میزنند اصلاً از نسل اسپانیولیان قدیم هستند از ده سال قبل از این اتصالاً اهالی اروپا بآنجا هجرت میکنند یعنی اقلاً در هر سال صد و چهل هزار نفس میشوند که نصف آنها ایطالیائی هستند بسیار هم فرانسویها میروند بخصوص از طوایف باسک جمهوری آرژانتین امروز چهار میلیون جمعیت دارد

سؤالات

جمهوری آرژانتین چگونه مملکتی است سکنهٔ آن چه مذهب و زبانی دارند
آیا از اروپا کسی بآنجا هجرت مینماید

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً — از تاریخ ۱۸۳۰ دولت فرانسه الجزایر را مسخر ساخت و از آن
بعد ولایتی فرانسوی گردید
و در سنهٔ ۱۸۵۹ الی سنهٔ ۱۸۶۰ سنگال را مسخر ساخت که مملکتی ثروت‌خیز است
ولی هوائی غیر سالم دارد
و در سنهٔ ۱۸۸۱ تونس را تسخیر نمود در سنهٔ ۱۸۸۵ کنگوی فرانسه متصرف شد
و در سنهٔ ۱۸۹۳ ذهومی را که در ساحل گینه واقع است مالک شد
و در سنهٔ ۱۸۹۵ ماداگاسکار را بحیطهٔ تصرف درآورد
و در سنهٔ ۱۸۹۶ لاک (دریاچه) چاد را مالک شد
و در سنهٔ ۱۹۰۰ جزایر صحرا را مفتوح ساخت و همچنین تمام اراضی واقعه
در مغرب و ذیل در مملکت فرانسه میباشد
ثانیاً — انگلیس در سنهٔ ۱۸۹۵ کاپ (دماغه) ما و سواحل گینه و جزیره
تصرف نمود در سنهٔ ۱۸۹۰ زانزیبار را تسخیر کرد و پس از جنگ دو ساله ترانسوال
و اورانژ را متصرف شد مستملکات انگلیس در افریقای شرقی از کاپ تا قاهره امتداد یافته

ثالثاً — اتازونی که در سنه ۱۷۸۳ بیش از سیزده مملکت و سه ملیون نفوس
نداشت امروز صاحب چهل و پنج مملکت و هفتاد ملیون سکنه میباشد در
کالیفرنی معادن طلا کشف شد و راه آهن از اقیانوس کبیر کشیده از
وسط تمام امریکای شمالی عبور میکند
اشخاصی که از اروپا جلای وطن میکنند بسیاری باتازونی میایند خاصه
از ایرلاندیها و المانیها امروزه اتازونی ادعا میکند که هر آنچه در اقیانوس
کبیر واقع است مخصوص من است
رابعاً — کانادا که در سنه ۱۷۶۰ شصت هزار جمعیت داشت امروزه دو
ملیون سکنه دارد که غالباً فرانسوی و در تحت حکومت انگلیس هستند در
امریکای شمالی وحشیان بومی تقریباً بکلی تمام شده اند
خامساً — ساکنین مکزیک مخصوصاً از نژاد قدیم هندی هستند و پس
از جنگهای طولانی داخلی در سنه ۱۸۶۳ ناپلئون سیم مکزیک را مسخر ساخت و آنجا
امپراطورنشین گردید ولی مجدداً در سنه ۱۸۶۷ جمهوری شد
سادساً — جمهوری آرژانتین که جزء اعظم او صحرا و بسیار حاصلخیز است سکنه
آن اسپانیولی هستند ولی بسیاری از ایطالی و فرانسه از وطن خود جلا نموده بانجا میایند

ماحصل کتاب چهارم

اولاً — در قرن نوزدهم چیزهای عمده و مهم بسیار پیدا شد که در هیچ عصری پدید نشده بود

ثانیاً — علم سبب گردید که بسی چیزها بیش از قدیم الایام بدست آید چنانکه ما با زحمت خود ما از اطراف دنیا بطرف دیگر آن حمل نمودند و طوایف و اراضی جدید در امریکا و استرالیا پیدا شد و اروپائیان صاحب و مالک آنها گشتند

ثالثاً — مردم از سابق آزادتر گردیدند و دول مستبد قدیم از میان رفت سوای روس و آلمانی و بجز این دو دولت تمام اهل اروپا خودشان بحکومت ممالک خود اشتغال دارند

رابعاً — بسیاری از ملل از یکدیگر جدا و متمایز گشتند

خامساً — بدبختانه در همان زمان قشونهای بزرگ تشکیل یافت پروس و مجر و روس بر آزادی ملل فشار وارد آوردند و پلنی را تقسیم کردند دولت پروس بر آزادی ملت فشار آورد و بدون رضایت اهالی نوربیا و دانمارکیها یکی ساخته و الزاس لرنی ها را بخود منضم ساخت پس از روی تشخیص و تعیین تجزیه امید صلح کامل در اروپا داشت

سادساً — اروپ یک جزو کوچکی از تمام عالم است در آسیا و استرالیا و امریکا و افریقا ممالک بزرگتر و حاصلخیزتر هست مردمان اروپ همه این ممالک را جز قسمتی تسخیر نموده و اغلب اهتمام دارند که مهاجرنشین های خود را وسعت دهند و در مهاجرنشینهای فرانسه از برای فرانسویها خیلی مکان باقی است

بسمه تبارک و تعالی

رجوع اجمالی بتاریخ هر مملکت

۱ـ شمال افریقا ـ مصر ـ در حوالی قرن ششم
قبل از مسیح در تصرف کارتاژ درآمد و بعد رومیها در سنه ۱۴۶ قبل از مسیح
آنجا را تسخیر کردند در سنه ۴۳۰ تسخیر واندالها گردید که مملکت واندالها را
در آنجا تشکیل دادند ـ و بعد از آن ژوستی نین امپراطور روم شرقی آنجا را
مسخر ساخت در قرن هفتم مسیحی عربها آنجا را متصرف شدند و دین اسلام را
در او منتشر ساختند در قرن پانزدهم ترکها (عثمانیان) آنجا را گرفتند
از سنه ۱۸۳۰ فرانسه الجزایر را مسخر نمود و در سنه ۱۸۸۲ تونس را متصرف گشت
۲ـ آلمانی ـ اهالی آن ژرمن بودند رومیها آلمانها را تسخیر
نکردند اهالی آلمان مملکت روم را در قرن چهارم مسیحی فرا گرفتند
ژرمانیها که در آلمان باقی مانده بودند یک جزء آنها تابع مروتژیها شدند
و آئین عیسوی قبول کردند تسخیر مملکت آلمانی بر دست طوایف کا

لوثرها انجام یافت و ایشان در آلمان و فرانسه و ایطالی حکومت

میکردند تا زمان وردون در سنه ۸۴۳

و بعد از آن مملکت آلمانی پادشاهان مختلف از طوایف مختلف پیدا کرد

که بعضی لقب امپراطوری داشتند و این معنی از زمان اطن بود در سنه ۹۶۳

الی زمان فرانسوا از رف در سنه ۱۸۰۶

آلمان در تحت حمایت امپراطورهای خود از قرن دهم و یازدهم و دوازدهم

سخت با قدرت بود ولی در قرن سیزدهم ضعیف گردید و بچندین پادشاه

نشین کوچک تقسیم شده در ایام جنگهای صلیبی ساحت آن مملکت از فرانسه

کمتر بود و بعد از آن در جنگهای با پاپها امپراطورها کلیّه مسخر گردید

و از ابتدای قرن پانزدهم رفته رفته نسلّط امپراطورها کم شد و امپراطور

از خانواده اطریش منتخب گردید در آنوقت تسلط سلطنت در آلمان

کمتر از اوقات دیگر بود در سنه ۱۵۱۹ شارلکن با مپراطوری آلمان منتخب شد

و آلمان مشغول جنگ با فرانسه بود تا زمان استعفای شارلکن در سنه ۱۵۵۵

رفرمیها در آلمان لوتر عنوان کرده آن مملکت بدو قسمت بزرگ منقسم

گشت که یک قسمت کاتولیک مذهب و قسمت دیگر پروتستان نیز و پرنسها

بمعاونت فرانسه در ۱۵۵۵ تحصیل آزادی عقیده نمودند و چون امپراطورها
خواستند این آزادی را از ایشان بگیرند شاهزادگانی که پروتستان
بودند بنای شورش گذاشتند و جنگ سی ساله عبارت از همین است
که از ۱۶۱۸ الی ۱۶۴۸ مستمر بود امپراطورهای آلمان از شاهزادگان
کاتولیک مذهب آلمان و اسپانیول حمایت نمودند ولی چون پادشاه
سوئد و فرانسه از پروتستانها حمایت میکردند ایشان غالب آمده امپراطورها
شکست میخوردند و چون مصالحه وستفالی انجام یافت زیاده از سیصد
شاهزاده آلمانی بسلطنت مستقل نایل گشتند

در قرن هفدهم اغلب شاهزادگان آلمان در دشمنی لوئی چهاردهم با
امپراطور متفق و متصل شدند

در قرن هیجدهم آلمان میدان چندین جنگ واقع شد در پروس با امپراطورها
جنگ نموده غنیمت با او بود در جنگهای شورش که آلمانیها با امپراطور
و پادشاه پروس کردند طوایف آلمان با یکدیگر متفق و متحد گردیدند ولایت
رن از آلمان مجزی شد و بجمهوری فرانسه ملحق گشت ناپلیون بواسطه
فتوحات پی در پی آلمان را منقلب ساخت در ۱۸۰۵ فرانسوا دوم در

استرلیس مغلوب گردید و لقب امپراطوری آلمان از و سلب شد و با امپراطور
اطریش ملقب گردید در آن وقت دول متحابه از ملل آلمانی تشکیل یافت
ولی اطریش و پروس از آنها جدا بودند و ناپلیون خود را حامی دول
متحابه اعلام نمود در سنه ۱۸۱۳ آلمان بر فرانسه شورش نمودند بعداً
خرابی کار ناپلیون و برحسب عهدنامه وین مملکت آلمان به دول متحابه مرتب
گشت و رئیس آنها امپراطور اطریش بود مملکت آلمان بجای سیصد دولت
بسی و پنج قسمت تشکیل یافت

از سنه ۱۸۱۵ الی سنه ۱۸۴۸ در حالیکه تمام آلمان در اطاعت سی و پنج شاهزاده
بودند از جانب هر یک از شاهزادگان سفیری مأمور گشته از کلیه ایشان
مجمعی تشکیل شد که محل آن در فرانکفرت سرل مین بود وطن خواهان آلمان
طالب اتحاد آلمان و آزادی خودشان بودند ولی هیچکدام را نتوانستند
تحصیل نمایند در سنه ۱۸۴۸ اهالی آلمان شورش نموده وکلائی تعیین کردند که
در فرانکفورت جمع شوند و یک مملکت آلمان احدی تأسیس نمایند ولی
لسی زیر بار امپراطور شدن نرفت و بعد شاهزادگان آتش شورش را
خاموش ساختند در تمام آن اوقات پروس با اطریش مشغول نزاع

بودند و هر یک میخواستند بر دیگری تفوق و برتری داشته باشند در سنه ۱۸۶۶
مابین پروس و اطریش جنگ درگرفت و بالاخره پروس غالب گردید
و اتحاد قدیمی منحل گشته دو معاهدهٔ جدید منعقد شد یکی معاهده آلمان
شمالی تحت استیلای پروس و دیگر معاهده آلمان جنوبی ولی اطریش از
این هر دو معاهده خارج افتاد

در سنه ۱۸۷۰ در جنگ آلمان با فرانسه این دو معاهده یکی و متفق گردید و بعد از
آنکه بر فرانسه ظفر یافتند شاهزادگان آلمان پادشاه پروس را امپراطور
کل آلمان اعلام کردند در سنه ۱۸۷۱

۳ـ انگلیس ـ سکنهٔ اولیه انگلستان جمعی از سلتها و اقوام وحشیه
طایفه گل بودند و در آن وقت آن مملکت را بریطان مینامیدند و یکچند
آن مطیع رومیها بودند بعد از آن ژرمانیان این مملکت را فرا گرفتند در
قرن ششم میلادی طایفه انگل و ساکسون در آن قسمت وارد آمدند و در آن وقت
آن مملکت به انگلند نامیده شد ایرلاند و اسکاتلند جزو انگلند نبود و انگلند به چند
پادشاه نشین منقسم بودند و در هر یک از آنها طوایف انگل و ساکسون برقرار بودند
در سنه ۱۰۶۶ گیلیوم دوک نرماندی انگلند را متصرف شد و در ابتدای این پادشاه

در آنجا تسلطی کامل بود ولی از آغاز قرن سیزدهم تسلط او تخفیف یافت
در جنگهای صلیبی انگلیس کمتر از فرانسه شرکت داشت همیشه پادشاهان
انگلیس با پادشاهان فرانسه در جنگها و غیره متحد و همراه بودند
در سنه ۱۴۵۳ انگلیسها از مملکت فرانسه رانده شدند جنگهای داخلی باعث
تزلزل انگلیس گردید و آنها را جنگ دو گل سرخ مینامیدند امتداد آنها
از سنه ۱۴۶۰ الی سنه ۱۴۹۶ بود

در آخر این جنگها پادشاه انگلیس بسیار مقتدر شد و فرانسوی اول
و شارلکن با کمال میل اتفاق و اتحاد او را جلب نمودند هانری هشتم
با پاپ نزاع برخواست و خود را از کلیسای کاتولیکها منفرد نمود بعد از
او تمام انگلیس پروتستان شدند و کلیسای انگلیکان را تشکیل دادند
در ابتدای قرن هفدهم در انگلیس دو شورش بزرگ ایجاد شد در سنه ۱۶۴۲
بر شارل اول پادشاه انگلیس شورش نمودند و شارل اول مقهور
و مقتول گردید در سنه ۱۶۴۹

و در آن وقت مملکت انگلیس در تحت حمایت کرمول جمهوری شد از سنه ۱۶۴۹ الی
سنه ۱۶۵۸ و بعد از آن دوباره سلطنت برقرار گردید ولی طولی نکشید

در سنهٔ ۱۶۰۷ تراک دوتیم از انگلیس رانده شد و کیلیوم در اثر سلطنت

انگلیس یافت حکومت ملی معینا تاسیس شد.

انگلیس احزاب و طوایف ابر ضد لوئی چهاردهم حل نموده با داره و تربیت

امور ایشان میپرداخت در قرن هیجدهم انگلیس مهاجر نشین بزرگی

تاسیس نمود و کانادا را از فرانسه ها گرفته شروع بتسخیر هند نمود ولی

مهاجر نشین هائی که در امریکای شمالی داشت از دستش بدر رفت و خود

ایشان دول متحده امازونی را تشکیل دادند

در مدت شورشش و در ضمن تاسیس مهاجر نشینها انگلیس دشمنی شدید

نسبت بفرانسه حاصل نمود در سنهٔ ۱۸۱۵ مملکت کاپ بتصرف انگلیسها در آمد

و در تمام مدت قرن نوزدهم علی الاتصال مهاجر نشینهای انگلیس میزاید

شد در سنهٔ ۱۸۵۷ انگلیس فتح هندوستان را تمام کرده شورشش

سپاهیان را خاتمه داد و بجهت افتتاح بنادر با دولت چین جنگ نمود

و جزیرهٔ تبرسس را تحصیل کرد و استرالی را مهاجر نشین خود قرار داده

و عدن و مصر و سرزمین وادی نیل را با تمام افریقای جنوبی متصرف شد

۱۴ــ استرالی ــ شرحی که در باب او گفته شد ملاحظه کنید

۵ - اطریش - اطریش که تبدیل عبارت از ایالتی بود که
تاریخ با ممالک آلمان مشتبه میشود و اهمیت حاصل کردن او فقط از
قرن ششم شروع نمی شود و در عصر استبدادی تاریخی ندارد
در سنه ۱۲۷۳ رودلف هابس بورک آقای کوچکی از مملکت سویس که
امپراطور آلمان مملکت اطریش را که در آن وقت متعلق به بهم بود تصرف
کرد و از آن زمان هابس بورک ها حکمران اطریش گردیدند از زمان
فردریک سیم در سنه ۱۸۴۱ پادشاه اطریش لقب امپراطوری یافت و تاج
سلطنت آلمان موروثی هابس بورک ها شد
در سنه ۱۵۱۹ شارلکن که رئیس طایفه هابس بورک ها بود بامپراطوری منتخب
شد و پس از کناره کردن شارلکن برادرش فردینان که والی
اطریش بود امپراطور گردید در حالتیکه ممالک اطریش بود وارث بهم
و هونگری شد و از آن زمان بهم و هونگری باطریش تعلق یافت
امپراطورهای اطریش که کاتولیک مذهب بودند رفرم مذهبی را مانع
میشدند و نمیگذاشتند قوانین رفرمه در ممالک ایشان که اطریشی بود
داخل شود ولی آلمان از رفرمه اتباع و حمایت کرده و [illegible] باشد

جنگ سی ساله گردید از ۱۶۱۸ الی ۱۶۴۸

و بالاخره پادشاهان کاتولیک مغلوب گردیده مجبور شدند که سلطنت

شاهزادگان آلمان را تصویب نمایند در همین بتوسط معاهده وست

فالی در ۱۶۴۸ انجام یافت پادشاهان مزبور بالوی چهاردهم جنگ

میکردید و تمامت احزاب سیاسی بر ضد او اجتماع داشتند اسپانی

که دعوی امپراطوری میکرد بعد از جنگهای پی در پی که با طایفه اطریش

نمود ممالک بلجیک و میلان و ناپل را بدست آورد

در قرن هیجدهم مملکت ناپل از دست اطریش بدر شد و بیک نفر از طایفه

بوربن اسپانی رسید و همچنین سیلزی را پروس از او گرفت ولی در

عوض یک جزء از هنگری را که در تصرف ترکها بود از آنها گرفت

اطریش اولین مملکتی است که شورشیان فرانسه از برای آزادی با ام

اعدام جنگ نمودند و مملکت بلجیک و میلانه را قشون جمهوری فرانسه از

اطریش گرفتند و این دولت اول دولتی است که در ۱۸۰۵ در جنگ

استرلیتس مغلوب ناپلیون گردید فرانسوا ازرف بعد از خرابی کار خود

از لقب امپراطوری آلمان صرف نظر نموده لقب امپراطوری اطریش را

اتحد نمود و بواسطه ناپلیون از دول متحابه ژرمانیک منفرد شده و
سنه ۱۸۱۳ بر ضد ناپلیون مسلح گشت
معاهدات سنه ۱۸۱۵ مملکت لمباردو وینی را با امپراطور اطریش داد و در آنوقت
رئیس حقیقی دول ژرمانیک شد امپراطور اطریش همواره در معابل بنای آزادی سد میکشید در سنه ۱۸۴۸ تزلزل بر طرف کرد و در
آنوقت وطن خواهان آلمان امید خودشان را بسمت پروس معطوف
داشتند
در سنه ۱۸۵۹ بواسطه خرابی که فرانسه و پیه منت ها وارد آوردند اطریش
ضعیف گردیده میلانه یا لمباردی از دستش رفت در سنه ۱۸۶۶
مغلوب پروس و ایطالیا گردیده وینیس از دستش رفت و از آلمان
مجزی گشت در سنه ۱۸۶۷ مجبور گردید که قانونی از برای هونگری مقرر دارد
و امروز چون اطریش مغلوب پروس گردیده مجبور است با او متحد باشد
ع — بلجیک — بلجیک در سابق جزء پیه منت بود و بر حسب
ارث بشارلکن منتقل گشت در قرن شانزدهم و هفدهم بدولت اسپانی
تعلق گرفت لوی چهاردهم دو ایالت را از او منتزع نمود یکی ارتواز

در ۱۸۱۵ و دیگر فلاندر در ۱۷۹۵ و هر دو ایالت بفرانسه ملحق گشت

بلجیک در ۱۷۱۴ بدست اطریش افتاد در ۱۷۹۴ الی ۱۷۹۵ دولت

فرانسه ملحق گشته ضمیمه آن مملکت شد در ۱۸۱۵ این مملکت بهلاند واگذاشته

شد در ۱۸۳۰ بلجیکی ها بحمایت فرانسه استقلال یافتند و دولت پارلمانی

تشکیل دادند

۷ ـ کانادا ـ این مملکت در قرن هفدهم مهاجرنشین فرانسه

گردید در مدت جنگ هفت ساله بواسطه خطای دولت فرانسه در ۱۷۶۳

بتصرف انگلیسها درآمد تا امروز متعلق بانگلیس است

۸ ـ هیتی ـ تاریخ مخصوص اورا ملاحظه کنید

۹ ـ مصر ـ مملکتی قدیم التمدن است ابتدا در تصرف فراعنه

بود بعد کمبوجیه پسر پادشاه ایران شد و بعد اسکندر یونانی اورا مسخر ساخت

و بعد از آن از اقتدای دولت روم تا قرن هفتم جزو روم شد در ۶۴۰

بتصرف اعراب درآمد

در قرن دهم پادشاه نشینی مستقل گردید

در قرن شانزدهم مسخر ترکان عثمانی شد در ۱۲۹۹ بتصرف

فرانسه درآمد و بعد دوباره ترکها او را مسخر ساختند در سنه ۱۸۰۱ محمد علی
پاشا خدیو مستقل مصر گردید

۱۰- اسپانی - ساکنین اسپانی طوایفی از اهل مملکت گل بودند
صد سال قبل از مسیح بتصرف رُمها درآمد
در قرن پنجم بربرها او را مسخر نمودند
قریب تمام ایشان مطیع ویزی گت ها بودند
در سنه ۷۱۱ اعراب آنجا را مفتوح ساختند
از قرن هشتم الی قرن پانزدهم عیسویان اسپانیول از برای تحصیل
آزادی زد و خورد میکردند مملکت اسپانی بچند پادشاه نشین کوچک
عیسوی منقسم گردیده از این قرار لئون - کاستیل - آراگن -
ناوار - پرتوکال این ممالک اغلب با یکدیگر جنگ داشتند و با
عربها نیز میجنگیدند اما در جنگهای صلیبی مشرق شرکتی نداشتند و جنگ
صلیبی آنها همان جنگی بود که با اعراب میکردند
در قرن پانزدهم ممالک عیسوی اسپانی ترقی بسیار نمودند بخصوص دو مملکت
کاستیل و آراگن در سنه ۱۴۹۲ عربها را از آن مملکت بیرون کردند و در حوالی

همان تاریخ تمام ممالک اسپانی باستثنای پرتوگال یک مملکت واحد گردید

در سنه ۱۴۹۲ اسپانیولیها مملکت امریک را اکتشاف نمودند و در سنه ۱۵۲۱

مکزیک را مسخّر ساختند و در سنه ۱۵۲۹ مملکت پرو را متصرف شدند و سلاطین

فرانسه را از فیروزی در ایطالیا مانع گشتند و مملکت ناپل را تصرف نمودند

در زمانیکه پادشاه ایشان شارلکن امپراطور گردید مملکت اسپانی

بسیار مقتدر شد اهالی اسپانی در مذهب کاتولیک باقی ماندند

و با تفتیش و مراقبت و مجازاتهای سخت مانع از رفرم مذهبی بودند

ترتیب ژزویت ها بتوسط یکنفر اسپانیولی لویولا نام واقع شد

بعد از استعفای شارلکن پسرش فیلیپ دویم رئیس حزب کاتولیک

اروپ گردید ولی سعیش در همه جا هدر رفت

در قرن هفدهم اطریش با اسپانی متحد گردیده با فرانسه جنگ نمود

و مملکت هلاند از دستش رفته در سنه ۱۶۴۸ هلاند بکلی آزاد و مستقل گردید

در مصالحه پیرنه در سنه ۱۶۵۹ رُسیلیون و ارتوا از دست اسپانی خارج شد

در عهدنامه اکس لاشاپل در سنه ۱۶۶۸ بلجیک از او منتزع گردید و در سنه ۱۶۷۸

شهرهای فلاندر و فرانش کنته از اسپانی منتزع و بفرانسه ملحق شد

در سنه ۱۷۰۰ شارل دویم اسپانی را بوالی آنرو فیلیپ واگذاشت و بعد از
آن بطریکت و میلانه و ناپل از ممالک اسپانی مفروز گشته باطریش ملحق شد
انگلیسها جبل الطارق را تصرف کردند

در مدت قرن هیجدهم رفتاری که قابل ذکر باشد از اسپانی در اروپا
بظهور نرسید در سنه ۱۷۹۳ اسپانی بجمهوری فرانسه اعلان جنگ نمود
قشون فرانسه مملکت اسپانی را فرا گرفت و اسپانی مجبور بمصالحه گردید
در سنه ۱۸۰۸ ناپلیون اسپانی را مسخر نمود و برادرش ژزف را پادشاه آنجا
کرد ولی بعد از مراجعت ناپلیون اهالی مملکت شورش کردند در سنه ۱۸۱۳
فرانسه ها از اسپانی رانده شدند و سلسلهٔ سلاطین قدیم اسپانیول
بار دیگر بسلطنت مقرر گشتند و فردیناند هفتم با حکومت مطلقه سلطنت کرد
آزادی طلبان اسپانیول از این جهت بهیجان آمدند ولی قشونی از فرانسه
فردیناند را در سلطنت مقتدر نمود تمام مهاجرنشینها که در امریکا
متعلق باسپانی بود از دستش بدر شده هر یک از آنها جمهوری آزاد
گردیدند

در جلوس ملکه ایزابل اسپانیول دولتی مشروطه گردید و بواسطه شورشهای

متوالی متزلزل گشت

و بالاخره در سنه ۱۸۶۸ ایزابل دوم اسپانی رانده شد و این مملکت جمهوری

گردید در سنه ۱۸۷۰ یکی از شاهزادگان ایطالیا سلطنت اسپانی یافت

ولی نتوانست سلطنت نماید و استعفا نمود و مجدداً اسپانی بجمهوریت برگشت

ولی دیری نگذشت که الفونس پسر ایزابل بر تخت سلطنت مستقله بنشست

۱۱ــ اتازونی ــ اتازونی (ممالک متحده) در قرن هفدهم

مهاجر نشین انگلیس گردید در سنه ۱۷۷۵ اهل مملکت بر ضد انگلیسها شورش

کردند و در سنه ۱۷۷۶ جمهوری اتازونی برقرار شد و انیمغی بکمک فرانسه

بود که انگلیس را مجبور نمود تا آن ممالک را بآزادی بشناسد

در قرن نوزدهم جمعیت نفوس ایشان در مدتی قلیل خیلی زیاد شد در

سنه ۱۸۶۱ ما بین ممالک جنوبی و شمالی امریکا بواسطه خرید و فروش غلام

جنگ انفصال شروع شد

و در سنه ۱۸۶۵ اختتام یافت و ممالک شمالی مظفر و منصور گشته قانون

غلام فروشی منسوخ شد

ممالک متحده پرتریکت را که جزیره از آنتیلها میباشد با جمیع الجزائر فلیپین که

در مقابل چین واقع شده بدست آورند.

۱۲ـ فرانسه ـ فرانسه در ابتدا مسکن طوایف گل بود پنجاه سال قبل از مسیح منها آنجا را تصرف کردند و در قرن چهارم میلادی منحرب بربرها گشت در ابتدای قرن ششم تمام ممالک آن مطیع فرانکها گردید و تا سنه ۷۵۲ طایفه مروونژین در آن حکمرانی کردند و از سنه ۷۵۲ تا سنه ۹۸۷ کارلونژین ها مالک آن بودند و بعد از ایشان طایفه کاپتین حکمران شدند

در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم فرانسه بملوک الطوایف متعدد تقسیم گردید و رفته رفته در قرن سیزدهم در تحت تسلط یک پادشاه جمع شد فرانسه ها در جنگ های صلیبی از قرن یازدهم تا سیزدهم شرکت عظیمی داشتند جنگ صد ساله را با انگلیس انجام دادند و اختتام آن جنگ در سنه ۱۴۵۳ بود

و در آن وقت فرانسه مملکتی شد که اقتدار سلطنت در آن قوت یافت شارل هشتم و لوئی دوازدهم و فرانسوای اول پادشاهان فرانسه از سنه ۱۴۹۴ الی سنه ۱۵۴۲ میخواستند بر ایطالیا ظفر یابند

در عهد فرانسوای اول و هانری دویم از سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۵۹ فرانسه با شارلکن زد و خورد نمود

در عصر سلطنت شارل نهم و هانری سیم و در ابتدای سلطنت هانری چهارم فرانسه بواسطه جنگهای مذهبی متزلزل و ضعیف شد تا موقع عهدنامه نانت در سنه ۱۵۹۸ و بعد از آن مجدداً پادشاه مالک الرقاب گردید و با خانواده اطریش زد و خورد نمود هانری چهارم هلاندیها را در تحصیل آزادی آنها کمک و معاونت نمود لوئی هشتم از سنه ۱۶۱۰ الی سنه ۱۶۴۳ و همچنین لوئی چهاردهم در عصر خود بر خانواده اطریش فیروزی عظیم یافتند

مصالحه وستفالی در سنه ۱۶۴۸ و مصالحه پیرنه در سنه ۱۶۵۹ واقع شد و در آنوقت لوئی چهاردهم مقتدرترین سلاطین ارپ گردید و ممالک الزاس و روسیلن و ارتوا را مسخر ساخت و پس از اندکی اقتدار خود را بیشتر نموده شهر فلاندر و فرانش کنت را تصرف نمود و تمام اروپا بر ضد او متفق شدند و پس از مرگ لوئی چهاردهم در سنه ۱۷۱۵ فرانسه ضعیف شد در قرن هیجدهم فرانسه باعث شد که ممالک جدیده [illegible] بزرگ بشود و مهاجرنشینهای فرانسه بتصرف انگلیس در آمد ولی [illegible] را مساعدت

نمود در سنه ۱۷۸۳ آزادی خود را تحصیل کردند

در سنه ۱۷۸۹ شورش فرانسه شروع شد و سلطنت از میان رفت قشون

رپوبلیکن فرانسه با تمام اروپا که با یکدیگر متحد شده بودند زد و خورد نمود

و نیز با ممالک ساحل نزدیک رن را تصرف کرد و چند ملت را آزاد ساخت

یک نفر ژنرال رشید فاتح ناپلیون بناپارت جمهوری فرانسه را

برهم زد و ابتدا در سنه ۱۸۰۱ باسم کنسولی حکمرانی کرد و بعد در سنه ۱۸۰۴

بامپراطوری سلطنت منتقل نمود

ناپلیون با تمام اروپ جنگ نمود و مدتها بر همه ظفر یافت باستثنای

جنگی که با انگلیس ها کرد

بعد از آنکه از مقابل روسیه عقب نشینی به لشکر اسپانی ضرر زیادی وارد نمود

بجهان تا خاک فرانسه عقب نشسته در اثنای عقب نشستن مشغول

جنگ بود

در سنه ۱۸۱۴ ناپلیون از سلطنت استعفا نمود و در سنه ۱۸۱۵ مجدداً مراجعت

کرد و در واترلو شکست یافته مجبور شد که دوباره استعفا نماید

عهدنامه های ۱۸۱۵ فتوحات شورش را از فرانسه سلب نمود

ومجدداً سلسله سلاطین قدیم برقرار کردید تا سنه ۱۸۳۰ سلطنت کردند و آن زمان یعنی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۳۰ را زمان رجعت سلطنت گویند و در مدت این زمان فرانسه یونان را کمک نمود تا آزادی خودش را بدست آورد آزادی طلبان با سلطنت بسختی ضدیت میکردند تا در سنه ۱۸۳۰ بکلی سلطنت را واژگون ساختند

از سنه ۱۸۳۰ تا سنه ۱۸۴۸ لوی فیلیپ و الی ارلئان سلطنت فرانسه نمود و در مدت سلطنت او فرانسه بلژیک را کمک نمود تا آزادی خود را تحصیل نمود

در شورش ۱۸۴۸ لوی فیلیپ واژگون کردید و حق انتخاب عمومی مقرر شد رئیس جمهوری که لوی ناپلیون بود بار دیگر جمهوریرا واژگون ساخته

در دسامبر ۱۸۵۱ دوباره امپراطوری را برقرار کرد

در عهد سلطنت او فرانسه ایطالیا را کمک نمود تا تحصیل آزادی کرد.

و بعد در میان فرانسه و آلمان جنگ درگرفت و امپراطوری فرانسه واژگون کردید در سنه ۱۸۷۱ بموجب عهدنامه فرانکفورت مملکت آلزاس و قسمتی از لرن از فرانسه منتزع گشت

از سنه ۱۸۷۱ دولت فرانسه جمهوری است و در افریقا ظفرهای عمده یافته

ازقبیل فتح تونس و ماداگاسکار و کنگ و غیره و در شرق اقصی هند و

چین فرانسه را مالک شدند

۱۳ــ یونان ـــ در قدیم مملکت یونان بچندین شهر تقسیم شده بود

و بالاخره همه آنها مطیع پادشاه ماسدوان شدند

و در ۱۴۶ قبل از میلاد مطیع پادشاهان رم گشتند و بعد جزء امپراطوری

قسطنطنیه گردید

و در ۱۲۰۴ میلادی بتصرف مجاهدین صلیبی درآمد

و تا ۱۲۶۱ جزء امپراطوری لاتین قسطنطنیه بود

در قرن پانزدهم ترکها (عثمانی) آنجا را تصرف کردند

در ۱۸۲۱ بر ضد ترکها برخاستند

و در ۱۸۲۹ با کمک فرانسه و روس پادشاه نشین یونان را تشکیل دادند

در ۱۸۷۹ تسالی را تصرف کردند

۱۴ــ هلاند ـــ هلاند از ابتدا جزء ممالک آلمان بود و بخانواده اسپانی

تعلق داشت در قرن شانزدهم رفرمه در او مقرر گردید و بر ضد فیلیپ

دویم شورش نمود و در ۱۵۸۹ جمهوری ایالات متحده را تشکیل داد

در قرن هفدهم مهاجرنشینهای بزرگ در جزایر سند برقرار نمود و بازرگانان

بنای تجارت گذاشت در سنه ۱۶۸۹ توسط گیلوم دراثر پادشاه هلند

که پادشاه انگلیس شد با انگلیس متحد گردید

و در سنه ۱۷۹۵ مغلوب فرانسه گشت و جمهوری باتاو از آن مملکت تشکیل شد و

بعد از آن توسط ناپلیون اول سلطنت نشین گردید و در سنه ۱۸۰۶ سلطنت او

برادر خودش لوئی داد و در سنه ۱۸۱۰ ضمیمه فرانسه شد و در سنه ۱۸۱۲ آزاد

گردید و بلژیک با او ملحق گشت و در سنه ۱۸۳۰ بکلی آزاد گردید

۵) هند — در قرن هفدهم فرانسه ها کمپانی تجارت در آنجا

برقرار کردند و دوپلکس شروع بتسخیر آن مملکت نمود ولی لوی پانزدهم

در دولت خود او را معزول ساخت

در سنه ۱۷۵۷ الی ۱۸۵۶ مملکت هند مسخر انگلیسها گردید در سنه ۱۸۵۷ شورش

سپاهیان در آنجا احداث شد هندوچین را انگلیسها از طرف مغرب

برمان تصرف کرده بودند و فرانسه ها از طرف مشرق یعنی از طرف

کشن شین و تنکن و آنام و کامبوج

مملکت سیام محل نزاع مابین انگلیس و فرانسه گردیده و آزاد مانده بود

۱۶- ایطالیا — ایطالیا مسکن مردمانی مختلف بود که گاهی در
اطاعت رومیها بودند و رومیها مملکتی بزرگ تشکیل داده بودند ایطالیا
در قرن پنجم بعد از مسیح مسخر بربریان گردید و بعد از آن در سنه ۴۸۹
باطاعت استرگتها در آمد و همچنین مسخر امپراطور قسطنطنیه گردید و در سنه ۵۶۸
لمباردها آنجا را تصرف نمودند و بعد بتصرف شارلمان در آمد
و بعد از آنکه عهدنامه وردون در سنه ۸۴۳ تشکیل یافت ایطالیا پادشاه
نشین علیحده گردید ولی شخص پادشاه ابدا تسلطی نداشت و مملکت ما بین
عده زیادی از شاهزادگان تقسیم شده بود از سنه ۹۶۲ اطون آنرا مملکتی
جدید تشکیل داد در قرن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم این مملکت
بواسطه جدال و نزاع ما بین پاپ و امپراطور در تزلزل و اضطراب بود
در قرن یازدهم نورماندیها مملکت ناپل و سیسیل را تصرف کردند
در جنگهای صلیبی ایطالیاییها همراهی بزرگی نمودند
در قرن پانزدهم ممالک اصلی و عمده ایطالیا از این قسم بود اول
متعلق بانگلیسا پادشاه نشین ناپل دوک نشین میلان والی نشین توسکان
جمهوری ونیز والی نشین ساووا که مملکت پیه من نیز باو متصل است

واسطه این انقسامات که در ایطالیا واقع شده بود دولتهای خارجه
حمله کردند چنانکه فرانسه با او جنگ نمود و همچنین اسپانی در زمان
شارلکن و جانشینهای او و نیز در زمان شارل هشتم و لوی دوازدهم
و فرانسوی اول با ایطالیا جنگیدند

و این عصر عصریست که ادبیات و صنایع در ایطالیا منتشر و ترقی حاصل گشت
و مآل آن در مذهب اثر نیک باقی ماند شارلکن میلان و ناپل را
از ممالک ایطالیا متصرف شد و بعد از استعفای او بدست پسرش
افتاد که فیلیپ دویم نام داشت و در قرن هفدهم پادشاه اسپانیول
ایطالیا بمنزله میدان جنگ مابین فرانسه و اسپانی بود در اواخر قرن
هفدهم دالی ساووا که مالک پیه‌من و ساردونی بود اهمیت و عظمت
حاصل نمود در سنه ۱۷۱۳

پادشاه با استقلال شد بعد از تمام شدن جنگ تبدیل سلطنت
ممالک میلان و ناپل با اطریش ملحق گشت

در قرن هیجدهم ایطالیا میدان جنگ فرانسه و اطریش گردید چنانچه
امر نمود که ناپل و توسکان را بوربونهای اسپانی بدهند شاهزادگان

ایطالی بجمهوری فرانسه اعلان جنگ نمودند و مغلوب شدند و چنا
جمهوری در ایطالیا برقرار شد اما ناپلیون ناپارت شهر ونیز را در تحت
تسلط اطریشی ها در آورد و یک جزء از ایطالیا را بفرانسه ملحق ساخت
ما بقی آنرا دو سلطنت نشین دیگر تشکیل داد یکی برای خودش و یکی
دیگر برای برادر زنش مورت

از ابتدای سنه ۱۸۱۳ تسلط فرانسه ها در ایطالی بر هم خورد

عهدنامه ۱۸۱۵ ایطالیا را بچند مملکت تقسیم نمود که اصول آنها از این
قرار است ممالک پاپ و پادشاه نشین دو سیسیل و والی
نشین بزرگ توسکان و مملکت پیمن و پادشاه نشین لمبارد و ونی
سین که متعلق باطریش است

از سنه ۱۸۱۵ الی سنه ۱۸۵۹ اطریش در ایطالیا تسلط داشت و شورشهائی
که بعد از سنه ۱۸۲۰ و بعد از سنه ۱۸۴۸ موقع یافت و قمع شد
در سنه ۱۸۵۹ مملکت پیمن مملکتی بود که آزادی در آن مقرر گردید و با فرانسه
اتحاد نموده با اطریش جنگ نمود و اطریش را مغلوب نموده لمبارد را
از او گرفت و در نام ممالک ایطالیا به پیمن ملحق گشته مملکتی تشکیل داد

در ۱۸۶۶ پادشاه ایطالیا با پروس متحد گردیده بر اطریش حمله نمود ونیس را از اطریش گرفت

شهر رم متعلق به پاپ بود و همیشه یکدسته قشون فرانسه بپاسبانی و حمایت او قیام داشتند

از ۱۸۷۰ این دسته قشون بفرانسه برگشتند و از آن زمان ببعد شهر رم پای تخت ایطالیا ست

۱۷ــ ژاپن ــ تاریخ مخصوص او را ملاحظه کنید

۱۸ــ یهودیان ــ بفصل دویم این کتاب رجوع نمائید

۱۹ــ مکزیک ــ در قرن شانزدهم بتوسط اسپانیولیها اکتشاف شد و مملکتی بود که بواسطه معادن طلا و نقره ثروتی بسیار داشت

در ۱۵۲۱ فرنان کرت آنجا را تصرف نمود و مدت سیصد سال متعلق باسپانی بود هندیهای سکنه آن کاتولیک مذهب شدند و زبان اسپانیولی آموختند

در ۱۸۱۱ اهالی مکزیک شروع بشورش نمودند و مکزیک اول امپراطور نشین گردید و بعد از آن جمهوری آزاد شد

در سنهٔ ۱۸۶۳ ناپلیون سیّم آنجا را مسخّر نموده به ماکسیمیلین امپراطور داد
ولی دوباره در سنهٔ ۱۸۶۷ بجمهوریّت عود نمود
۴۰ — پرو — اکتشاف و تسخیر آن در سنهٔ ۱۵۲۹ بتوسط اسپانیولها
شد و سکنهٔ آن کاتولیک شدند و فرانسه حرف زدند پرو نیز مدت سیصد
سال متعلق باسپانی بود ولی در سنهٔ ۱۸۲۵ براهنمائی بولیوار برضد
اسپانیولها شورش کردند و آن مملکت جمهوری گردید
۴۱ — پرتوکال — سلطان نشینی عیسوی است که یکنفر شاهزادهٔ
فرانسوی در قرن یازدهم از مسلمانان گرفت
پرتوکالیها در قرن هیجدهم سواحل افریقا را کشف نمودند و راه هندرا
پیدا کردند و در افریقا و برازیل و در هند مهاجرنشینها برقرار کردند
و در آنوقت بسیار مقتدر شدند
در سنهٔ ۱۶۴۰ اهالی آن شورش کرده دوباره پادشاه نشینی آزاد شد
در سنهٔ ۱۹۱۰ پرتوکالیها ادعای جمهوریّت کردند
۴۲ — پروس — مملکتی مرکب از چند ولایت است که در قرن
هفدهم میلادی بایکدیگر متصل بودند ولی در عصرهای اولیهٔ تاریخی ندا...

و در عهد متقدم این کشور مملکت پروس تشکیل شده بود

و ایالت اصلی آن که بعدها تشکیل یافت براندنبورگ و پروس است

براندنبورگ مملکتی است که طایفه سلاو در آن ساکن هستند و در قرن

دهم امپراطورهای آلمان آنجا را متصرف شدند

پروس ولایتی است که طایفه پروس در آن ساکن بودند

در قرن سیزدهم شجاعان توتونیک آنجا را متصرف کردند در قرن

پانزدهم یکی فرشاهزاده از آلمان جنوبی که ناشس فرد ریک نیهن زلرن نام

بود فرمانروای براندنبورگ شد.

فرمانروایان براندنبورگ شاهزادگانی بودند که حق انتخاب وکیل داشتند

نیهن زلرن رئیس براندنبورگ قانون فرمر را قبول کرد و یکی از هم

از اقوام شاهزادگان که صاحب درجه ثبت یک بود همین قسم رفرم را

قبول کرد و والی پروس گردید پروس و براندنبورگ بسبب جنگها و اغتشاشات

رفرم بسیار صدمه خوردند

در ابتدای قرن هفدهم مارکراو حکمران براندنبورگ والی نشین پروس

و والی نشینهای سواحل رن را مالک شد

در مدت جنگ سی ساله ممالک مارکراو در براندبورک بیکدیگر متصل شده

و در ۱۶۴۸ در مصالحه وستفالی واثقها جزو فردریک سیوم

یک جزو از پرمرانی را تصرف نمود و همچنین اراضی دیگر که باعث تقویت

مملکتش گردید   این شاهزاده با لوئی چهاردهم در تمام جنگها همراه بود

و دولتی بسیار قوی ترتیب داد اما ایالتهای متفرقه را در یک مملکت جمع

نمود و بر همه آنها فرمان فرمائی میکرد

فردریک نواده فردریک گیلیوم در ۱۷۰۱ لقب پادشاهی پروسیا

معاهده های ۱۸۱۵ ایالتهای پاتمول و دورن را به پروس داد

از ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۸ مملکت پروس با وصف اینکه احکامش استبدادی

بود ولی امیدواری او به وطن خواهان آلمان بود که قوای نظامی خود را

بکار برد

در ۱۸۴۸ بواسطه شورشی که در پروس حاصل شد پادشاه مجبور گردید

که بطور آزادی مشروطه برعایای خود بدهد ولی شورشیان را خاموش

ساخته خودش هم از تاج امپراطوری آلمان امتناع ورزید

در ۱۸۶۶ دولت پروس در سلطنت گیلیوم و وزارت پرنس بسمارک

با اطریش جنگید و اطریش را در سادوا مغلوب ساخت و در آن وقت

هلستین و شلسویک و هانور و والی نشین هس کاسل و شهر

فرانکفورت ضمیمه پروس شد و پادشاه پروس رئیس دول متحده آلمان

شمالی گردید در ۱۸۷۱ پادشاه پروس بعد از غلبه بر فرانسه امپراطور

آلمان شد

۲۳ — روسی — روستیه مسکن طوایف مختلف بوده مخصوص

سلاو در عصرهای اولیه تاریخی ندارد در اواخر قرن نهم روسیها

تغییر مذهب داده مسیحی گردیدند در آخر قرن سیزدهم مغولها از آسیا
آمده روسیه را تصرف کردند

در سنه ۱۴۶۲ ایوان روسی روسها را از تبعیت مغول بیرون آورد و شروع
بتأسیس دولت روس نمود رفرم مذهبی در روسیه نفوذی ننمود
زیرا که روسها کاتولیک مذهب نبودند بلکه رئیس آنها که شاهزاده
بزرگ یا قیصر نامیده شد رئیس مذهب آنها هم بود

در آخر قرن هفدهم قیصر پطر کبیر بترتیب و ترقی روسها اقدام نموده
شهر سن پطرزبورغ را در سنه ۱۷۰۳ بنا کرد و در سنه ۱۷۲۱ ایالات بالتیک را
از سوئد گرفت

در مدت قرن هفدهم روسها در اروپا رفتاری بزرگ نمودند کاترین
دوم ایالات بحر اسود را از عثمانی گرفت و یک جزء از پلنی را تصرف نمود
در ایام شورش فرانسه روسها از جنگ فایده نبردند با ناپلیون دشمنی
نموده مغلوب او گردیدند و بالاخره در سنه ۱۸۰۷ مصالحه نموده دوباره در
سنه ۱۸۱۲ آن مصالحه را برهم زدند

مقاومت روسیه با ناپلیون که در سنه ۱۸۱۲ بود ثروت ناپلیون را تمام کرد

در سنه ۱۸۱۴ و سنه ۱۸۱۵ الکساندر اول قیصر روس قوی ترین دشمنان فرانسه

بود ولی از سایر غالبین با فرانسه ملایم تر بود در مدت قرن نوزدهم

روسی ظفری عظیم حاصل نمود بخصوص در زد و خورد عثمانی و سایر ساکنین آسیا

در سنه ۱۸۰۱ روس مملکت قفقاز را تسخیر نمود

و در سنه ۱۸۲۸ ارمنستان را متصرف شد

در سنه ۱۸۲۹ یونان را کمک نمود تا آزاد شد

در سنه ۱۸۵۳ ممالک عثمانی را فرا گرفت

ولی از فرانسه و انگلیس که با عثمانی اتفاق کرده بودند مغلوب شد

در سنه ۱۸۵۸ دره رود آمور را از چین گرفت در سنه ۱۸۶۰ و سنه ۱۸۶۸

ترکستان را فتح و متصرف نمود در سنه ۱۸۷۳ خیوه را متصرف گشت و در سنه ۱۸۷۷

مرو را در سنه ۱۸۷۸ با عثمانی جنگ نموده اعضای عثمانی از هم متلاشی شد

و در آسیا از کنار دریای مازندران تا وسط سیبری راه آهن کشید

ولی در سنه ۱۹۰۴ از ژاپون شکست فاحشی خورده مغلوب و مجبور به تخلیه منچوری گردید

روسها از وضع رفتار قیصر راضی نبودند و بمخالفت او برخواسته مطالبه مشروطه نمودند

۲۴ — سوئد — اهالی سوئد در سنه ۱۵۲۹ مذهب پروتستان گرفتند و در

جنگهای سی ساله همراه بودند

در مدت قرن هیجدهم سوئد مملکتی با قدرت گردید شارل دوازدهم ابتدا

در ۱۷۰۰ بر روسها غالب آمد و پلنی را تصرف کرد ولی در ۱۷۰۹ در

پلتاوا مغلوب روسها گردید. تمام ایالات دریای بالتیک او از دستش

بدر رفت

سوئد با ناپلئون جنگ نمود و در معاهده ۱۸۱۵ نروژ را از پادشاه

دانمارک گرفت ولی در ۱۹۰۵ نروژ خود را مجزی و آزاد کرد

۲۵ — سویس — دهاتهای کوهستانی کنار دریاچه لوسرن

اتفاقی تشکیل دادند محض اینکه خود شانرا از شر شاهزادگان محفوظ دارند

و بخصوص والی اطریش که در آن ولایت تسلطی داشت در ۱۳۱۵ در

مرگارتن بر سپاهیان اطریش غالب آمدند و رفته رفته سایر ساکنین

سویس را بطرف خود جلب نموده اتحاد سیزده بلوک را تشکیل دادند

و در ۱۴۷۶ در گرانسن و در مرات بر سپاهیان بورگینی غالب آمدند

سویسیها بهترین قشون پیاده اروپا محسوب میشوند و در کالون در ژنو

مذهب پرتستان قبول کردند

نوزدهم نیز قطعات از مملکت عثمانی منتزع شد در سنهٔ ۱۸۱۷ سربی آزاد گردید

در سنهٔ ۱۸۳۲ یونان و در سنهٔ ۱۸۵۶ رومانی آزاد و مستقل گشت

در سنهٔ ۱۸۷۷ بعد از جنگ روس بلغاری و روملی و بوسنه و قرس

از تصرف عثمانیان خارج شد در سنهٔ ۱۹۰۷ اکریت منتزع گردید

در سنهٔ ۱۹۰۸ ملت با سلطان عبد الحمید مخالفت نموده شورش کرده

مشروطه خواستند

در سنهٔ ۱۹۰۹ عبد الحمید از تخت سلطنت عثمانی بزیر آمده سلطان محمد

پنجم جانشین او گردیده و همراهی مشروطه را متعهد شد

با تمام رسید کتاب تاریخ عمومی

در غرهٔ شهر شوال المکرم

سنهٔ ۱۳۳۱

(خاتمه)

بفهمی و دستور نما   تاریخ عمومی که یکی از دروس‌های مفیده و قسمتیه از رسمیات در ممالک
خارجه با کمال اهمیت تدریس و تحصیل میشود زیرا که موجب ازدیاد بصیرت و درایت
اطفال است متأسفانه تاکنون در این مملکت معمول و متداول نبوده بلکه نسخه آن
بزبان فارسی نقل و ترجمه نشده جز اینکه بعضی از فضلا شروع بترجمه نموده
و از اتمام آن ملول گردیده بعضی تواریخ چین و هند و غیره را ضمیمه آن ساخته
و کتابی پرداخته بنام تاریخ عمومی منتشر کرده‌اند و حال آنکه تاریخ عمومی معموله ملل
متمدنه که بیش از ... موسوم و از کثرت اهمیت تاکنون چندین هزار نسخه از آن
بطبع رسیده و مشتمل بر نکات علمی و دقایق تاریخی و دول خارجه میباشد تماماً
ترجمه نشده و طبع و انتشار نیافته   در این اوقات که رأی عالی بندگان
حضرت مستطاب اجل امجد اعظم سردار کبیر دام ظله بطبع و انتشار یک دوره دروس
مهمه اطفال وطن تعلق گرفت در خصوص درس تاریخ که مهم و مفیدترین دروس
میباشد نظر باینکه تاریخ خصوصی ایران بقلم دانشمندان از قبیل مرحوم ذکاءالملک
و غیره مکرر و متعدد تصنیف و طبع گشته و نسخ آن زیاده از اندازه لزوم و حاجت موجود

و فراهم استفاده دلخواه تاریخ بیشتر از پیش الزم و اهم دانسته جناب اجل

آقای معاون نظام را بترجمهٔ آن از فرانسه برگماشتند و این بنده عبدالحسین ولد

مرحوم مؤیدالدوله طهماسب میرزا که مدتها بترجمه و تألیف کتب تاریخیه و غیره عمر

گذرانیده بتصحیح و تنقیح عبارات و انجام طبع آن مأمور فرمودند و ما هم بر وفق

حسب الامر مطاع آن بزرگ دامن خدمت بر کمر زده بقدر مقدور در تصحیح

عبارات و تلخیص بیانات آن سعی نموده و با عبارتی سهل و بیانی ساده که بافهم

اطفال نزدیک باشد ترتیب دادیم و در تحریر و طبع آن نیز بقدر مقدور بذل

جهد نمودیم حتی در نقل تصاویر تاریخیه و نقشه‌های جغرافی آن منتهای سعی

بعمل آوردیم و بترتیب کتب جدیده در آخر هر نمره مطالب عمده را در تحت عنوان

سؤالات مرقوم داشتیم و همچنین در آخر هر فصل خلاصهٔ آن فصل را ترجمه نموده

در آخر هر یکی از چهار کتاب ما حصل آن کتاب را در قلم آوردیم و در انتهای کتب

چهارگانه تلخیص تمام تواریخ را در چند ورق ذکر نمودیم که هر روز معلم در آخر درس

مطالب آن نمره را از شاگرد سؤال نماید و شاگرد نیز در آخر هر فصل رؤس مسائل

تاریخی را محفوظ داشته . در آخر هر کتاب ما حصل مطالب و در آخر کتب تلخیص تمام

تاریخ را ضبط نماید همان قسمی که اصل فرانسه نیز بدین ترتیب بود که مطبوع طباع

اهل فضل و دانشوران گردیده نونهالان وطن را از آن فایده ها حاصل شود و چنانچه
عمری وفا نموده توفیق رفیق شود سپس از ترجمه و انتشار سایر دروس جهه از قبیل
حساب و هندسه و فیزیک و غیره در صدد ادای فریضه خدمت وطن عزیز بر آمده
تاریخی ملخص و مختصر بهمین ترتیب از دولت و مملکت ایران تصنیف و منتشر خواهیم
ساخت و من الله التوفیق و علیه التکلان

در مطبعه میرزا علی اصغر بطبع رسید